

المهدى طنا وود راء الجنة

بسم الله الرحمن الرحيم

فرهنگ سخنان
علامه حضرت
مجتهد



محمد شمسى

﴿ اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ لِوَالِدَيْكَ الْفَرَجَ وَ النَّصْرَ ﴾

« مجموعة نهج الحياة ١٥ »

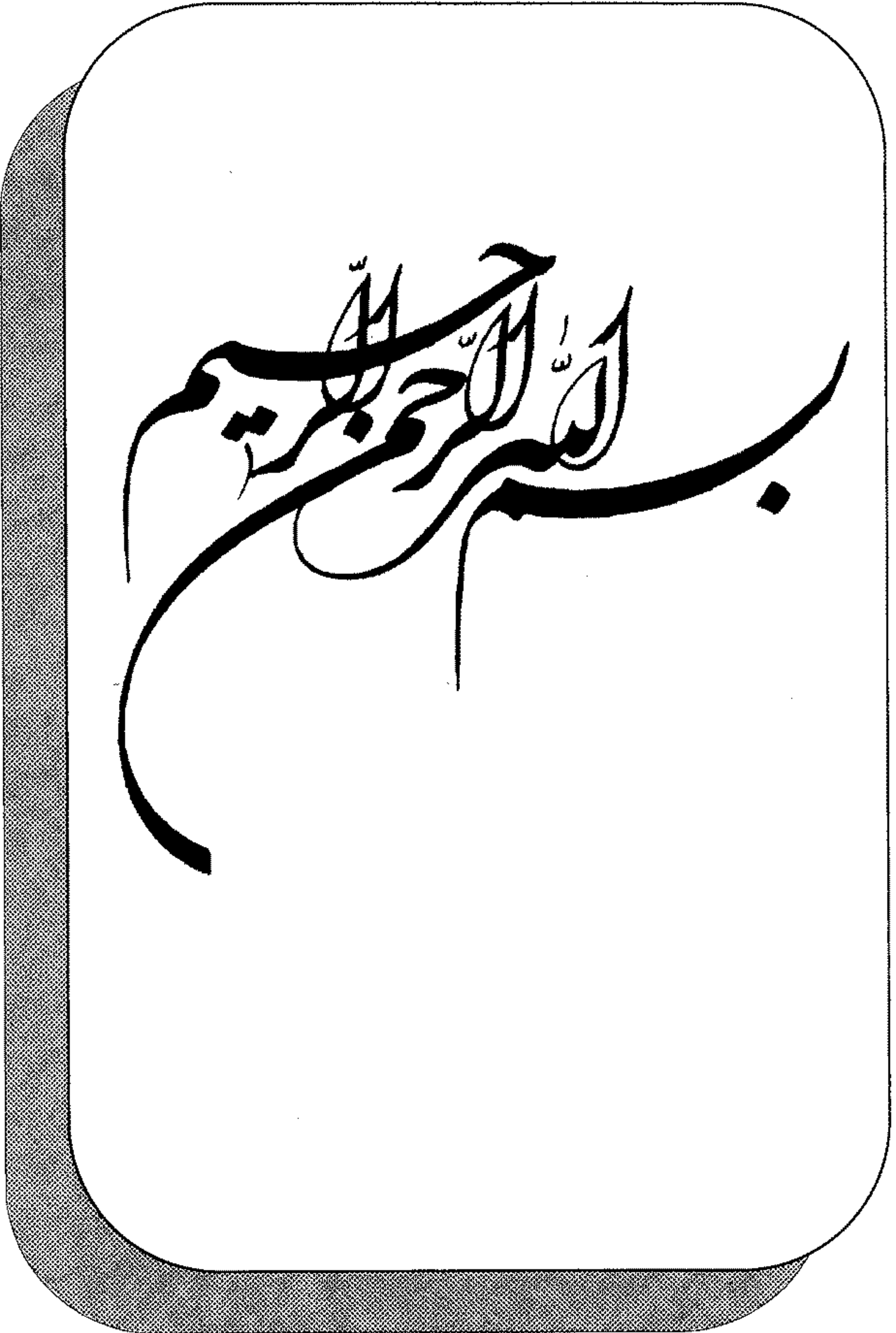
فرهنگ سخنان

امام زمان (عج)



مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین

محمد دشتی



دشتی، محمد، ۱۳۳۰ - ۱۳۸۰

فرهنگ سخنان امام زمان (عج) / مؤلف محمد دشتی، به همراه جمعی از محققین - قم: مؤسسه

فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع). ۱۳۸۴

ISBN 964 - 6422 - 96 - 9

۴۰۰ ص. ۲۲۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا. کتابنامه: ص ۳۹۴ - ۳۹۸.

۱. محمد بن حسن (ع)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - احادیث. ۲. محمد بن حسن (ع)، امام دوازدهم،

۲۵۵ ق. - کلمات قصار. ۳. محمد بن حسن (ع)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - توقیعات. ۴. احادیث شیعه

- قرن ۱۴. ۵. احادیث اخلاقی - قرن ۱۴. الف. مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع). ب.

۲۹۷/۹۵۹

BP ۵۱ / ۲ / ۵ ف ۴

عنوان.



شناسنامه کتاب

نام کتاب: فرهنگ سخنان امام زمان (عج)

مؤلف: محمد دشتی « به همراه جمعی از محققین »

ناشر: انتشارات امیرالمؤمنین

ادیت و صفحه آرایی: محمد مهدی دشتی

تاریخ و نوبت چاپ: پاییز ۸۴ - اول

تیراژ: ۵/۰۰۰ جلد

چاپ خانه: الهادی

قیمت: ۴۲۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۶۴۲۲ - ۹۶ - ۹

قم / خیابان حجّتیّه / کوچه ۲ / پلاک ۵ / مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین

تلفن: ۷۷۴۱۱۸۴ - دورنگار: ۷۷۴۴۷۶۴ - ص / پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۷۶

« کلیه حقوق این اثر، اعم از طبع و نشر، برای ناشر محفوظ است. »

• سایر همکاران:

- ۱ - حجّت الاسلام و المسلمین نامدار « مترجم و مصحح »
- ۲ - حجّت الاسلام و المسلمین ابراهیم بابایی « محقق »
- ۳ - حجّت الاسلام و المسلمین زین العابدین بابایی « محقق »
- ۴ - حجّت الاسلام و المسلمین غلامحسین حسین پور « محقق »
- ۵ - حجّت الاسلام و المسلمین سعید کریمی « محقق »
- ۶ - حجّت الاسلام و المسلمین عطاء الله شکری « محقق »
- ۷ - حجّت الاسلام و المسلمین سید علی اصغر حسینی « محقق »
- ۸ - حجّت الاسلام و المسلمین حسن شریعتی « محقق »
- ۹ - حجّت الاسلام و المسلمین سید رسول خشور « محقق »
- ۱۰ - حجّت الاسلام و المسلمین محمد مهدی دشتی « ادیت و بازنگری »

با کمال تشکر از جناب آقای تهرانی

که با حمایت مالی خویش،

ما را در پیشبرد این مجموعه یاری کردند.

اجر همه عزیزان با ائمه اطهار علیهم السلام.

○ مجموعه روایى نهج الحیاة

- ۱- نهج الحیاة « ۱ » فرهنگ سخنان پیامبران الهی علیهم السلام
- ۲- نهج الحیاة « ۲ » فرهنگ سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
- ۳- نهج الحیاة « ۳ » فرهنگ سخنان امام علی علیه السلام
- ۴- نهج الحیاة « ۴ » فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام
- ۵- نهج الحیاة « ۵ » فرهنگ سخنان امام حسن علیه السلام
- ۶- نهج الحیاة « ۶ » فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام
- ۷- نهج الحیاة « ۷ » فرهنگ سخنان امام سجّاد علیه السلام
- ۸- نهج الحیاة « ۸ » فرهنگ سخنان امام باقر علیه السلام
- ۹- نهج الحیاة « ۹ » فرهنگ سخنان امام صادق علیه السلام
- ۱۰- نهج الحیاة « ۱۰ » فرهنگ سخنان امام کاظم علیه السلام
- ۱۱- نهج الحیاة « ۱۱ » فرهنگ سخنان امام رضا علیه السلام
- ۱۲- نهج الحیاة « ۱۲ » فرهنگ سخنان امام جواد علیه السلام
- ۱۳- نهج الحیاة « ۱۳ » فرهنگ سخنان امام هادی علیه السلام
- ۱۴- نهج الحیاة « ۱۴ » فرهنگ سخنان امام عسکری علیه السلام
- ۱۵- نهج الحیاة « ۱۵ » فرهنگ سخنان امام زمان علیه السلام

○ تذکر

از این مجموعه با برکت، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام به زبان های فارسی، عربی، انگلیسی به چاپ رسیده است و همچنین فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام چاپ شده است و جهت چاپ به زبان های دیگر، در حال تحقیق می باشند.

فرهنگ سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، امام سجّاد علیه السلام و پیامبران آسمانی علیهم السلام در دست تحقیق و ترجمه می باشد که امید می رود بلند همتان خیراندیش، ما را در سامان دادن این پروژه عظیم یاری دهند.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

فهرست مطالب

• فهرست مطالب

- سرآغاز ۲۵
- سخن مجموعه نهج الحياة ۲۷
- مقدمه ناشر ۳۵

◀ حرف الف ▶

• ائمه

- فضیلت امامان معصوم علیهم السلام ۴۳
- ضرورت اطاعت از ائمه اطهار علیهم السلام ۴۴
- نهی از غلو و تند روی در مورد ائمه علیهم السلام ۴۷

• ابابکر

- علت اسلام آوردن ابابکر و عمر ۴۷

• ارتش

- لباس رسمی ارتش و لشکریان حضرت ۴۹

• احسان و نیکوکاری

- مذمت رد احسان ۵۰

• ازدواج

- ازدواج زنان پیامبر صلی الله علیه و آله ۵۳

○ اهمیت ازدواج موقت ۵۵

○ شرایط ازدواج موقت ۵۷

○ ازدواج در بهشت ۵۷

• استخاره

○ آداب استخاره ۵۸

○ استخاره مصریه ۶۰

○ استخاره بعد از نماز حاجت ۶۲

○ استخاره با ورقه ۶۴

• افشا

○ افشاکری بر علیه جعفر کذاب ۶۵

• اطاعت

○ اطاعت از رهبر و مولا ۶۵

• امام

○ ضرورت وجود امام ۶۶

○ اهمیت امام شناسی ۶۹

○ امامان معصوم علیهم السلام واسطه های فیوضات الهی ۷۱

• انتخاب

○ اهمیت دقت در انتخاب ۷۱

• انتظار

○ وظیفه اصلی منتظران ظهور ۷۱

• انتقام

○ انتقام حضرت مهدی (عج) از دشمنان خدا ۷۲

• انضباط

○ انضباط تشکیلاتی در لشکر حضرت ۷۳

• امتحان

○ دلیل امتحان پیامبران با بلاها ۷۴

• اهل بیت علیهم السلام

- حقّ اهل بیت علیهم السلام ۷۵
- جایگاه اهل بیت علیهم السلام ۷۶
- آثار و عواقب دشمنی با اهل بیت علیهم السلام ۷۸
- فضایل اهل بیت علیهم السلام ۷۹

﴿ حرف ب ﴾

• بعثت

- ستایش خداوند به خاطر بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله ۸۳

• بیت المال

- تصرّف در بیت المال ۸۳
- موارد مجاز تصرّف در بیت المال ۸۴
- آثار تصرّف در بیت المال ۸۵

• بیعت

- شرایط بیعت یاران خاصّ با امام زمان (عج) ۸۵

﴿ حرف پ ﴾

• پدر

- احسان به پدر ۹۱

• پرهیزگاری

- پرهیزگاری مهزیار اهوازی رضی الله عنه ۹۲

• پوشاک

- پوشیدن پوشاک از پوست دباغی شده ۹۳

• پیامبر - پیامبران

- عصمت پیامبران ۹۴
- دلیل امتحان پیامبران با بلاها ۹۶

« حرف ت »

• تربت

○ فضیلت تربت امام حسین علیه السلام ۱۰۳

• تسلیت

○ پیام تسلیت حضرت در وفات اولین نایب خاص ۱۰۴

• تشرف

○ تشرف اسماعیل هرقلی ۱۰۴

○ تشرف علامه مجلسی اول علیه السلام ۱۰۴

○ تشرف ابوسوره حسین بن عبدالله تمیمی ۱۰۴

• تفسیر

○ تفسیر کهیعص « آیه اول سوره مریم » ۱۰۶

• توبه

○ پذیرش توبه تردید کنندگان در وجود حضرت ۱۰۸

• توسل

○ توسل به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۱۰۸

○ لزوم توسل به چهارده معصوم علیهم السلام هنگام دعا ۱۱۵

• توصیف

○ لزوم توصیف خداوند در دعا ۱۱۵

« حرف ج »

• جعفر

○ افشای چهره جعفر کذاب توسط حضرت ۱۱۹

○ عاقبت جعفر کذاب ۱۲۳

○ کنار زدن جعفر کذاب، موقع نماز خواندن بر پیکر امام عسکری علیه السلام ۱۲۴

○ رد ادعای جعفر کذاب در ارث بردن از امام عسکری علیه السلام ۱۲۵

○ ردّ ادّعای جعفر کذاب در مالک بودن خانه امام عسگری علیه السلام ۱۲۵

• جمکران

○ کیفیت ساختن مسجد جمکران ۱۲۶

• جنگ

○ آذوقه جنگی لشکر حضرت ۱۲۶

○ روش امام زمان (عج) در جنگ ۱۲۷

◀ حرف ح ▶

• حاجت

○ دعا برای برآورده شدن حاجت ۱۳۱

○ دعایی برای رهایی از دشواری‌ها و گرفتن حاجت ۱۳۴

• حجّت

○ خالی نماندن زمین از حجّت ۱۳۶

• حجرالأسود

○ کیفیت نصب حجرالأسود ۱۳۷

• حدیث

○ اهمیت نشر احادیث ائمه اطهار علیهم السلام ۱۴۰

• جزز

○ جزز امام زمان (عج) ۱۴۱

• حسین

○ حضرت مهدی (عج)، خون خواه امام حسین علیه السلام ۱۴۲

○ زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا ۱۴۳

○ عزاداری امام زمان (عج) برای امام حسین علیه السلام ۱۶۱

○ فضیلت تربت امام حسین علیه السلام ۱۶۲

○ فضیلت ابوالقاسم حسین بن روح ۱۶۲

• حق

۱۶۲ دفاع امام زمان (عج) از حق خویش

• حکومت

۱۶۳ ارائه راهکارهای مناسب در حکومت حضرت

• حوادث

۱۶۴ حوادث هنگام ظهور

« حرف خ »

• خاک

۱۶۷ خاک قبر

• خدمت

۱۶۷ دستور حضرت به بزرگان، جهت خدمت به مردم

• خطبه

۱۶۷ خطبه حضرت مهدی (عج) در کنار کعبه

• خمس

۱۷۱ اهمیت خمس

• خودی

۱۷۳ خودی و غیرخودی از دیدگاه حضرت مهدی (عج)

• خونخواهی

۱۷۳ خونخواهی از مظلومان

• خویشاوندان

۱۷۴ کمک به خویشاوندان

« حرف د »

• دجال

۱۷۷ نکوهش دجال

• دستور

○ دستورالعمل‌های حضرت مهدی (عج) به نمایندگان خویش ۱۷۸

• درخواست

○ ناچیز بودن درخواست بنده در برابر کرم خداوند ۱۷۸

• دعا

○ دعای امامان معصوم علیهم‌السلام از زبان حضرت مهدی (عج) ۱۷۹

○ دعا برای برطرف شدن مشکلات ۱۸۴

○ دعای حضرت مهدی (عج) برای گشایش کار ۱۸۶

○ دعای حضرت برای بخشیده شدن گناهان شیعیان ۱۸۷

○ دعا بعد از نکر رکوع ۱۸۸

○ دعا برای درمان بیماری‌ها ۱۸۹

○ دعای حضرت در کنار کعبه ۱۹۰

○ دعای افتتاح ۱۹۰

○ دعای ندبه ۱۹۲

○ دعای حضرت در مقام نعمانیّه و جلّه ۱۹۳

○ دعای عبرات ۱۹۴

○ دعای مخصوص زمان غیبت ۲۰۰

○ دعای حضرت در هنگام ظهور ۲۰۹

○ دعای حضرت مهدی (عج) در قنوت ۲۱۰

○ دعای دیگر حضرت در قنوت ۲۱۴

○ دعای قَرَج ۲۱۶

• دَقَّت

○ دَقَّت حضرت مهدی (عج) در امور مالی ۲۱۸

○ دَقَّت حضرت مهدی (عج) ۲۲۰

• دوست

○ دوست و دشمن از نگاه حضرت مهدی (عج) ۲۲۳

• دین

- قبول نکردن مال منحرفان از دین ۲۲۳
- سرانجام منحرفان از مسیر دین ۲۲۴

﴿ حرف ذ ﴾

• ذکر

- ذکر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۲۹

﴿ حرف ر ﴾

• راز

- سفارش حفظ اسرار به ابراهیم بن مهزیار ۲۳۳
- ضرورت رازداری در مورد جایگاه زندگی حضرت ۲۳۴
- ضرورت رازداری ۲۳۴
- رازداری در مورد نام مخصوص حضرت ۲۳۴

• راهب

- هدایت شدن راهب ۲۳۴

• رأی

- احترام به رأی یاران ۲۳۵

- رجعت ۲۳۵

- طول زمان حکومت حضرت مهدی (عج) ۲۳۶

- رجعت اهل بیت علیهم السلام ۲۳۷

• رفاه

- وضعیت رفاه مردم در حکومت امام زمان (عج) ۲۳۸

• روزی

- جایگاه امامان معصوم علیهم السلام در تنظیم روزی مخلوقات ۲۳۹

• روشنگری

- روشنگری در مورد منحرفین ۲۳۹

• رهبر

- مراقبت ویژه رهبری از پیروان ۲۴۱

﴿ حرف ز ﴾

• زبان

- زبان شناسی حضرت مهدی (عج) ۲۴۵

• زیارت

- امکان زیارت حضرت مهدی (عج) ۲۴۵

• زائر

- عنایت حضرت به زائران حرم اهل بیت علیهم السلام ۲۴۵

﴿ حرف س ﴾

• سامراء

- فضیلت سامراء ۲۴۹

• سپاس

- لزوم سپاس‌گزاری از خداوند در هنگام دعا ۲۵۰

• سخن

- اولین سخن حضرت در هنگام ظهور ۲۵۰

- سخنان حضرت پس از ولادت ۲۵۱

- سخنرانی حضرت در کنار کعبه ۲۵۱

• سجده

- سجده شکر ۲۵۱

- سجده بر خاک ۲۵۲

- سجده در کنار مزار مبارک امامان معصوم علیهم السلام ۲۵۳

• سفیانی

- بسیج همگانی برای جنگ با سُفیانِی ۲۵۲
- تصمیم‌گیری در مورد اعدام سفیانِی ۲۵۴

﴿ حرف ش ﴾

• شراب

- تأثیرات مخرب شراب خواری ۲۵۷

• شفا

- شفای مریض ۲۵۸
- شفای شیخ حرّ عاملی ۲۵۹
- شفای هِرَقَلی ۲۶۰

• شک

- شک نکردن در وجود حضرت مهدی (عج) ۲۶۲
- شک در وجود حضرت ۲۶۳

• شِکُوهِ - شکایت

- شِکُوهِ حضرت مهدی (عج) پس از رجعت، نزد پیامبر ﷺ ۲۶۴

• شهادت دادن

- شهادت دادن نابینا ۲۶۴

• شیخ مفیدؒ

- نامهٔ حضرت به شیخ مفیدؒ در سفارش به رازداری ۲۶۵

﴿ حرف ص ﴾

• صداقت

- صداقت و راست گویی نایب‌های خاصّ حضرت ۲۶۹

• صدوقؒ

- ۱- فضیلت حسین بن علی بن موسی بن بابویه « صدوق اوّل » ۲۶۹
- ۲- فضیلت دیگری از شیخ صدوقؒ ۲۷۰

۳ - علّت نوشتن کتاب کمال الدّین توسّط شیخ صدوق علیه السلام ۲۷۱

• صلوات

○ ضرورت نام بردن اهل بیت علیهم السلام در صلوات ۲۷۲

• صیغه

○ ازدواج موقّت « صیغه » ۲۸۰

﴿ حرف ظ ﴾

• ظهور

○ زمان ظهور حضرت مهدی (عج) ۲۸۳

○ علایم و حوادث هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) ۲۸۴

﴿ حرف ع ﴾

• عطسه زدن

○ آداب و آثار عطسه زدن ۲۸۷

• علامه حلی علیه السلام

○ تشرفّ علامه حلی علیه السلام به محضّر امام زمان (عج) ۲۸۸

• علایم

○ علایم و حوادث هنگام ظهور ۲۸۹

• علم

○ علم حضرت صاحب الزّمان (عج) به آینده ۲۸۹

○ علم حضرت به زبان‌های مختلف ۲۹۱

○ خبر دادن حضرت مهدی (عج) از زمان وفات سئیمری ۲۹۱

○ استفاده از علم امامت برای گرفتن حق ۲۹۲

○ خبر دادن حضرت از آینده و زمان ظهور ۲۹۳

○ پیشگویی‌های حضرت از طریق علم غیب ۲۹۴

○ علم غیب حضرت مهدی (عج) ۲۹۷

- استفاده از علم غیب در قضاوت‌ها ۳۰۰
- **علماء**
- نقش و جایگاه علماء ۳۰۱
- **علی علیه السلام**
- آثار دوستی با حضرت علی علیه السلام ۳۰۱
- **عمر**
- علت اسلام آوردن عمر ۳۰۲
- **عنایت**
- عنایت و رسیدگی حضرت به شیعیان ۳۰۲
- **عیسی علیه السلام**
- نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام به امامت حضرت مهدی (مج) ۳۰۶

﴿ حرف غ ﴾

- **غذا**
- غذا خوردن مسافر ۳۰۹
- **غصب**
- تأثیرات مخرب غصب کردن ۳۱۰
- **غلو**
- نهی از غلو در مورد ائمه اطهار علیهم السلام ۳۱۱
- **غیبت**
- آغاز غیبت کبری امام زمان (مج) ۳۱۳
- فلسفه غیبت ۳۱۴
- فلسفه دیگری برای غیبت ۳۱۵
- فلسفه غیبت در قرآن کریم ۳۱۶
- کیفیت استفاده مردم از حضرت، در زمان غیبت ۳۱۷
- عوامل طولانی شدن غیبت امام زمان (مج) ۳۱۸

○ کیفیت شروع غیبت امام زمان (عج) ۲۲۱

﴿ حرف ف ﴾

● فاطمه علیها السلام

○ سوگواری حضرت برای حضرت فاطمه علیها السلام ۲۲۵

○ تسییحات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۲۲۶

● فضیلت

○ فضیلت شیخ مفید رحمته الله از زبان حضرت مهدی (عج) ۲۲۷

﴿ حرف ق ﴾

● قرآن

○ تلاوت قرآن پس از تولد ۲۳۱

● قضاوت

○ حلّ مشکلات قضایی در زمان حکومت حضرت مهدی (عج) ۲۳۳

﴿ حرف ک ﴾

● کرامت

○ کرامت حضرت به حاجی گم شده ۲۳۷

﴿ حرف م ﴾

● مجلسی رحمته الله

○ تشرّف علامه محمد تقی مجلسی رحمته الله خدمت حضرت ۲۴۱

● محمد

○ محمد بن عثمان عمّری «دومین نایب خاصّ حضرت» ۲۴۲

○ جایگاه و منزلت محمد بن عثمان عمّری ۲۴۳

● مسجد

۳۴۴ کیفیت ساختن مسجد جمکران و نماز خواندن در آن

۳۴۹ مسجد کوفه

• مسکن

۳۵۱ محل سکونت حضرت مهدی (عج)

• مشورت

۳۵۱ مشورت حضرت با یارانش

• شیخ مفید^{علیه السلام}

۳۵۳ شعر حضرت مهدی (عج) در بیان مقام شیخ مفید^{علیه السلام}

• مقام

۳۵۴ مقام و منزلت حضرت مهدی (عج)

• موعظه

۳۵۵ برترین موعظه قرآنی

۳۵۶ پند و موعظه‌های حضرت مهدی (عج) در هنگام ظهور

• مهدی (عج)

۳۵۷ مکان و نام مخصوص حضرت مهدی (عج)

۳۵۸ حضرت مهدی (عج) از دیدگاه حضرت مهدی (عج)

۳۵۸ توجه حضرت مهدی (عج) به زائران حرم اهل بیت^{علیهم السلام}

۳۵۹ اثبات وجود حضرت مهدی (عج)

۳۶۰ شکایت و شکوه حضرت مهدی (عج) نزد پیامبر^{صلی الله علیه و آله}

• مهزیار

۳۶۲ آل مهزیار

• منتظر

۳۶۲ وظیفه اصلی منتظران ظهور امام زمان (عج)

﴿ حرف ن ﴾

○ ممنوعیت مطرح کردن نام مخصوص حضرت ۳۶۵

• نامه «توقیع»

○ نامه حضرت مهدی (عج) به شیخ مفید رحمته الله علیه ۳۶۶

○ نامه اول حضرت مهدی (عج) به شیخ مفید رحمته الله علیه ۳۶۶

○ نامه دوم حضرت مهدی (عج) به شیخ مفید رحمته الله علیه ۳۷۰

○ نامه سوم حضرت مهدی (عج) به شیخ مفید رحمته الله علیه ۳۷۲

○ نامه حضرت مهدی (عج) به سید ابوالحسن اصفهانی ۳۷۲

○ آخرین نامه به علی بن محمد سمري «چهارمین نایب خاص» ۳۷۳

• نظارت

○ نظارت امام زمان (عج) بر فتوا ۳۷۳

• نظم

○ نظم و انضباط در لشکر حضرت مهدی (عج) ۳۷۴

• نفرین

○ نفرین حضرت و فرارسیدن مرگ احمد بن هلال عبرتایی ۳۷۴

• نماز

○ حضرت مهدی (عج)، اقامه کننده نماز ۳۷۵

○ ثواب قرائت سوره‌های مختلف قرآن در نماز ۳۷۶

○ آداب نماز خواندن در کنار قبر امامان معصوم علیهم السلام ۳۷۷

○ نماز خواندن در هنگام طلوع و غروب خورشید ۳۷۸

○ نماز جماعت به امامت حضرت مهدی (عج) در بیت المقدس ۳۷۹

• نماینده

○ نمایندگان خاص امام زمان (عج) ۳۸۰

○ تقدیر از نماینده خاص خویش، عثمان بن سعید عمري ۳۸۱

• نیکی

○ نیکی به بستگان و فامیل‌ها ۳۸۱

﴿ حرف ه ﴾

• هدایت

○ هدایت شدن راهب ارمنستانی به دست امام زمان (عج) ۳۸۵

• هدف

○ هدف داری، اصلی ترین مقصود ۳۸۶

• هدیه

○ شرایط هدیه دادن به امام ۳۸۷

﴿ حرف ی ﴾

• یادگاری

○ یادگاری حضرت به چهارمین نماینده خاص خویش ۳۹۱

• یاران

○ احترام به رأی یاران ۳۹۱

○ امتحان یاران و اصحاب خاص « ۳۱۳ نفر » بعد از ظهور ۳۹۱

• یحیی علیه السلام

○ گریه زمین و آسمان بر امام حسین علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام ۳۹۱

• فهرست منابع ۳۹۳

• دیگر آثار مؤلف ۳۹۹

« فرهنك سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

سر آغاز

- سخن مجموعه نهج الحياة
- مقدمة ناشر

○ سخن مجموعه نهج الحياة

بسم الله الرحمن الرحيم

بر اساس رهنمودهای پیامبر اسلام ﷺ، دین کامل الهی بر پایه‌های همیشه استوار قرآن و عترت «خط ثقلین» جاودانه است و برای همه انسان‌ها در تمام قرون و اعصار یک ضرورت غیر قابل انکار می‌باشد.

همواره هشدار داده‌اند که:

○ روی آوردن به قرآن فقط

○ و یا گرایش به اهل بیت علیهم‌السلام جدای از قرآن

تفکری انحرافی و گرایشی خلاف اسلام ناب و دین کامل الهی است.

تکامل و سعادت فرد و جامعه در پذیرش خط ثقلین، «قرآن و عترت» است.

درست است که باید همه چیز را از قرآن خواست و در قرآن جستجو نمود.

اما بدون رهنمودهای عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قالب هزاران حدیث که در تفسیر و تأویل آیات الهی مطرح شده است، هرگز نمی‌توان حقایق قرآنی را شناخت و به ارزش‌های واقعی آن راه یافت.

بودند افرادی که با همه ادعاهای و برخورداری از همه علوم مقدماتی و ابزار شناخت و تفسیر، نتوانستند بدون رهنمودهای عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حتی مباحث و مسایل ابتدایی قرآن را به درستی درک کنند و هر چه تلاش کردند فایده‌ای نداشت.

خدای بزرگ در این باره به روشنی می‌فرماید:

و نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

(و ما آن چه را که از قرآن فرستادیم شفای دل و رحمت الهی برای اهل ایمان است، لکن کافران و ظالمان را جز زیان چیزی نخواهد افزود) (۱).

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

مَنْ نَظَرَ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ تَرَكَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله ضَلَّ وَ مَنْ تَرَكَ كِتَابَ اللَّهِ وَ قَوْلَ نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله كَفَرَ.

(کسی که به رأی خویش عمل کند، هلاک می‌شود و کسی که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک نماید، گمراه می‌گردد و کسی که قرآن کریم و سنت رسول گرامی را ترک کند، کافر است) (۲).

امام علی علیه السلام در رهنمود وحی گونه‌ای علل نیازمندی انسان‌ها را به قرآن و عترت و ضرورت تداوم خط ثقلین، چنین بیان فرمود:

هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مَسْتُورٌ بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا يُدَلُّهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ

(این قرآن، خطوطی است که میان دو جلد خود پنهان است. با زبان سخن نمی‌گوید و نیازمند به ترجمان است) (۳).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ترجمان قرآن، و زبان‌های گویای وحی الهی را در روایت معروف «ثَقَلَيْنِ» شناسانده است، (۴) و به همه انسان‌ها پیام خود را ابلاغ فرمود که:

(۱) - سورة اسراء، آیه ۸۲. (۲) - اصول کافی، ج ۱، ص ۷۳، حدیث ۱۰.

(۳) - نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵، ترجمه مؤلف. □

(۴) - قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي»

(من در میان شما مردم دو چیز گرانبها به امانت می‌گذارم، یکی قرآن و دیگری عترت من است).

○ اسناد و مدارک حدیث ثقلین:

۱ - بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۲؛ علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

۲ - کتاب مجالس: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری)

۳ - صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۸ و ج ۱۲، ص ۱۹۹؛ محمد بن عیسی ترمذی (متوفای ۲۷۹ هجری) □

۴ - نظم درالسمطین، ص ۲۳۲؛ زرنندی حنفی.

۵ - ینابیع المودة، ص ۳۳ و ۴۵؛ قندوزی حنفی.

اسلام ناب و دین کامل الهی در تداوم خطِّ تَقْلَیْنِ «قرآن و عترت» امکان پذیر است. از این رو شیعیان و پیروان عترت پیامبر ﷺ برای فهم و تفسیر و ارزیابی قرآن کریم، از هزاران روایت

- ۶- کنز العمال، ج ۱، ص ۱۵۳: متقی هندی.
- ۷- تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۱۳: اسماعیل بن عمر (متوفای ۷۷۴ هجری)
- ۸- مصابیح السنّة، ج ۱، ص ۲۰۶ و ج ۲، ص ۲۷۹.
- ۹- جامع الاصول، ج ۱، ص ۱۸۷: ابن اثیر (متوفای ۶۰۶ هجری)
- ۱۰- معجم الکبیر، ص ۱۳۷: طبرانی (متوفای ۳۶۰ هجری)
- ۱۱- فتح الکبیر، ج ۱، ص ۵۰۳ و ج ۳، ص ۳۸۵.
- ۱۲- عیقات الانوار، ج ۱، ص ۹۴ و ۱۱۲ و ۱۱۴ و ۱۵۱.
- ۱۳- احقاق الحق، ج ۹: علامه قاضی نورالله شوشتری.
- ۱۴- ارجح المطالب، ص ۳۳۶.
- ۱۵- رفع اللبس و الشبهات، ص ۱۱ و ۱۵: ادریسی.
- ۱۶- الدر المنثور، ج ۴، ص ۷ و ۳۰۶: سیوطی (متوفای ۹۱۱ هجری)
- ۱۷- ذخائر العقبی، ص ۱۶: محب الدین طبری (متوفای ۶۹۴ هجری)
- ۱۸- صواعق المحرقة، ص ۱۴۷ و ۲۲۶: ابن حجر (متوفای ۸۵۲ هجری)
- ۱۹- اسد الغابة، ج ۲، ص ۱۲: ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۳۰ هجری)
- ۲۰- تفسیر الخازن، ج ۱، ص ۴.
- ۲۱- الجمع بین الصحاح (نسخه خطی)
- ۲۲- علم الکتاب، ص ۲۶۴: سید خواجه حنفی.
- ۲۳- مشکاة المصابیح، ج ۳، ص ۲۵۸.
- ۲۴- تیسیر الوصول، ج ۱، ص ۱۶: ابن الدبیع.
- ۲۵- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۲: هینمی (متوفای ۸۰۷ هجری)
- ۲۶- جامع الصغیر، ج ۱، ص ۳۵۳: سیوطی (متوفای ۹۱۱ هجری)
- ۲۷- مفتاح النجاة، ص ۹ (نسخه خطی)
- ۲۸- مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۳۴ و ۲۸۱: ابن المغازلی.
- ۲۹- فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۴۳: حموی (متوفای ۷۲۲ هجری)
- ۳۰- مقتل الحسین، ج ۱، ص ۱۰۴: خوارزمی (متوفای ۹۹۳ هجری)
- ۳۱- طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۹۴: ابن سعد (متوفای ۲۳۰ هجری)
- ۳۲- خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۲۱: نسائی (متوفای ۳۰۳ هجری)
- ۳۳- مسند احمد، ج ۵، ص ۱۲۲ و ۱۸۲: احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هجری)
- ۳۴- القدير، ج ۱، ص ۳۰: علامه امینی.

و حدیث و رهنمودهای گسترده و متنوع اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌کنند و در جمع‌آوری و ضبط و حفظ احادیث، تلاشی مستمر دارند.

آنان، سنت و حدیث و رهنمودهای پیامبر اسلام و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام را یکی از پایه‌های استوار اجتهاد و استنباط احکام الهی می‌شناسند.

در تداوم همین تلاش پر برکت است که دانشمندان شیعه، این بزرگ سنگرداران مرزهای اندیشه «اصول کافی» و «تهذیب» و «من لایحضره الفقیه» و «استبصار» و «بحارالانوار» و «وسائل الشیعه» و هزاران کتاب و جزوه و مقاله روایی را به جهانیان هدیه نمودند و با برخورداری از رهنمودهای عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله به تفسیر واقعی قرآن راه یافتند و آب را از سرچشمه زلال حقیقت نوشیدند

و از هرگونه تفسیر به رأی و جعل و تحریف و بدعت‌ها در امان ماندند

و همان اسلام ناب رسول خدا صلی الله علیه و آله را در تمام اعصار و قرون، با جهاد و پیکار و خون و شهادت، تداوم بخشیدند.

دانشمندان شیعه، فقهاء و علمای بیدار اسلام، قتل عام شدند، ناقص‌العضو گردیدند، سیاه چال‌ها را پر کردند، رنج مهاجرت‌های پیاپی را بر خود هموار نمودند، سر بر دار شدند، اما داغ آرزوی «جدایی قرآن از عترت» را بر دل‌های منحرفان همیشه تاریخ نهادند.

○ مجموعه نهج‌الحیة

در تداوم تلاش جاودانه پاسداری از مرزهای اندیشه، به فکر جمع‌آوری فرهنگ سخنان معصومین علیهم السلام افتادیم تا ارزش‌های اسلامی و تفسیرهای واقعی آیات قرآنی را از کلمات نورانی آن بزرگ پاکان جهان، فراگیریم و در این تلاش و جستجو، نام زیبای «نهج‌الحیة» یا «راه و رسم زندگی» از دیدگاه معصومین علیهم السلام را برگزیدیم که هم سنگ نهج‌البلاغه و راهنمای همه تشنگان حقیقت باشد.

در تحقق این آرمان مقدس، تلاش‌های فرهنگی زیر صورت گرفت؛

۱- شناسایی و استخراج

پس از تشکیل جلسات، گروهی از پژوهشگران مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی

امیرالمؤمنین علیه السلام انتخاب و در طی سالیان طولانی منابع شیعه و اهل سنت دقیقاً مورد مطالعه قرار گرفت و روایات و اظهار نظرهای معصومین علیهم السلام شناسایی و استخراج گردید.

۲- انتخاب عناوین و قالب ریزی احادیث

چون هدف ما در تدوین مجموعه نهج الحیاء، ارائه الگوهای ناب و ارزش‌های اصیل اسلامی به نسل معاصر بود، ناچار بودیم تا پس از مطالعه و ترجمه و ارزیابی دقیق احادیث، آنها را در قالب عناوین و فهرست‌های زیبا و گویایی، مطرح کنیم، تا مراجعه کنندگان به سهولت بتوانند مفاهیم ارزشمند و مباحث وحی‌گونه حضرات معصومین علیهم السلام را به درستی بشناسند و در فراگیری آن بهتر بکوشند.

۳- ترجمه احادیث

در ترجمه روایات به دست آمده، سعی بر این بوده است تا اهداف اصلی معصومین علیهم السلام در قالب عبارات فارسی گنجانده شود و مقید بودن به عبارات عربی، مشکلی را در فهم مباحث مجموعه نهج الحیاء پدید نیاورد.

۴- انتخاب سوژه‌ها و زمینه‌سازی‌های مناسب

اگر احادیث و روایات به دست آمده را بدون پردازش لازم عرضه می‌کردیم، اهداف آموزشی حضرات معصومین علیهم السلام روشن نمی‌شد و مراجعه‌کننده برای پیدا کردن معانی واقعی روایات، سرگردان می‌شد. برای تحقق این هدف ارزنده آموزشی، کارهایی ضرورت داشت، مانند:

الف- انتخاب سوژه‌ها

ب- زمینه‌سازی‌های لازم.

قبل از آوردن یک حدیث، در چند خط، علت صدور، مکان و زمان روایت، و هدف حضرات معصومین علیهم السلام را به روشنی آورده‌ایم، تا مطالعه‌کننده، به آسانی، اهداف سیاسی، عقیدتی آن بزرگواران را بشناسد. در این رابطه از روش شهید مطهری در عرضه داستان‌های کتاب (داستان راستان)، رهنمود گرفته‌ایم.

ج- تعیین جایگاه اصلی حدیث

مخاطب‌ها را شناساندیم، علت لطف و محبت یا خشم و غضب را در آغاز یا پایان احادیث آوردیم.

د - نتیجه گیری های ضروری

در کنار هر روایتی سعی کردیم تا نتیجه های لازم را به دست آوریم و اهداف آموزشی خود را مشخص نماییم.

۵ - نظم الفبایی «مجموعه فرهنگ سخنان معصومین علیهم السلام»

همه می دانیم که اگر پردازش ضروری، پیرامون احادیث در منابع روایی انجام نپذیرد، یافتن یک حدیث به سهولت ممکن نیست، به خصوص برای مراجعه کنندگانی که علوم مقدماتی حوزه های علمیه را فرانگرفته اند.

اگر روایات اهل بیت علیهم السلام پس از استخراج، ترجمه و قالب ریزی شده و آنگاه دارای نظم الفبایی گردد، هر مراجعه کننده ای در حداقل فرصت مناسب، می تواند روایات دلخواه خود را بیابد ^(۱).

۶ - فهرست موضوعی

استخراج فهرست موضوعی، اگرچه وقت زیادی می طلبد و مشکلات فراوانی داشت، اما برای یافتن دقیق احادیث دلخواه، ضروری بود.

۷ - ثبت سلسله روایات

در مجموعه نهج الحیة تلاش کردیم تا نام راویان یک حدیث را بیاوریم که برای اهل تحقیق امری ضروری و برای تشخیص صحّت احادیث، سرنوشت ساز می باشد.

۸ - جمع آوری اسناد و مدارک روایات

کار دیگری که برای مراجعه کنندگان به احادیث اهل بیت علیهم السلام بسیار ارزنده و مفید می تواند باشد، جمع آوری اسناد و مدارک یک روایت است.

در این کتاب خواهید دید که روایات مطرح شده، اسناد و مدارک متعددی دارد و در بسیاری از منابع دست اول اسلامی آمده است.

۹ - فهرست موضوعی منابع تحقیق

از آغاز تا مرحله نهایی استخراج کلمات معصومین علیهم السلام که با منابع فراوانی از شیعه و اهل سنت آشنا شدیم، تمامی آنها را به صورت «فهرست موضوعی منابع تحقیق» در پایان

(۱) - نظم الفبائی احادیث نهج الحیة بر اساس الفبای فارسی است.

کتاب آورده‌ایم، تا علاقمندان به تحقیقات و بررسی‌های بیشتر بتوانند به منابع اصلی مراجعه نمایند.

۱۰- گزینش و انتخاب احادیث

پس از جمع‌آوری سخنان معصومین علیهم‌السلام، کار گزینش و انتخاب احادیث، را آغاز نمودیم که دوروش در این‌جا مطرح بود:

الف- طرح همه روایات جمع‌آوری‌شده

برخی اعتقاد داشتند که: همه روایات فراهم آمده را مانند روش علامه مجلسی در «بحارالانوار» باید تدوین و منتشر کرد.

این نظر تا حدودی درست بود، اما با هدف‌داری کار ما سازگار نبود. زیرا اگر کسی بخواهد دائرةالمعارف یا یک منبع روایی به جامعه محققان عرضه نماید، می‌تواند همه روایات فراهم آمده را منتشر کند و کار تحقیق و ارزیابی و تشخیص صحیح و نادرست را به محققان واگذارد.

ب- گزینش و انتخاب روایات

هدف ما این بود که: الگوهای اصیل، ارزش‌های ناب اسلامی را به جامعه و بخصوص نسل جوان معاصرمان، معرفی نماییم که از دیدگاه حضرات معصومین علیهم‌السلام «بایدها» و «نبایدها» را بشناسند. پس باید زحمت ارزیابی و مشکلات تشخیص صحت یا بطلان یک روایت را بر خود هموار سازیم.

از این رو با ملاک‌ها و مبانی اصولی و فقهی شیعه و اصول مسلم اعتقادی، به نقد و ارزیابی روایات پرداختیم. روایاتی را انتخاب کردیم که:

۱- مخالف قرآن نباشد.

۲- مخالف سنت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نباشد.

۳- مخالف عقل (مستفاد از قرآن و حدیث) نباشد.

۴- مخالف اجماع علماء شیعه نباشد.

۵- مخالف اصول مسلم اعتقادی نباشد.

۶- مخالف صفات و ویژگی‌های معصومین علیهم‌السلام (مانند: علم غیب، عصمت و...) نباشد.

که در این راه از «علوم مقدماتی» و روش «جرح و تعدیل» حوزه‌های علمیّه استفاده گردید و با صاحب‌نظران و حدیث‌شناسان آگاه، مشورت شد، تا احادیث مجموعه

« نهج الحياة » برای مراجعه کنندگان، مشکلاتی ایجاد نماید و چراغ راه تشنگان حقیقت باشد. همواره « خود ببوید » و « زلال حقیقت را خود بگویند » که :
« آفتاب آمد دلیل آفتاب ».

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

وَإِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَفِينَا تَنْشَبُتُ عُرُوقُهُ وَعَلَيْنَا تَهْدَلُّتُ غُصُونُهُ

(همانا امیران سخن ما می‌باشیم، و درخت سخن در میان ما ریشه دوانده، و شاخه‌های آن بر سر ما سایه گسترده است).^(۱)

○ تذکر

در پایان از همه عزیزانی که در جهت تکمیل و اعراب‌گذاری متن احادیث و ادیت عبارات و تطبیق فهرست‌ها، تلاش مؤثری نمودند، تشکر می‌کنیم و پاداش همه را به الطاف خفیه حضرات معصومین علیهم السلام می‌سپاریم.

قم - مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام

محمد دشتی مدیر

(۱) - نهج البلاغه، خطبه ۱/۲۳۳، ترجمه مؤلف.

• مقدمه ناشر

در طول تاریخ سه محور اساسی در مورد حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مورد توجه بوده است؛

۱- بشارت به اصل ظهور مصلح کل به طور عموم و این که به هر حال روزی شخصی نجات بخش می آید و زمین را از فساد پاک می کند.

این نکته در فرمایشات همه پیامبران الهی آمده است و هر پیامبری به نحوی به این نکته اشاره کرده و آن را یادآور شده است که روزی زندگی بشر در روی کره زمین به مرحله ای می رسد که ادامه حیات بشری نیازمند یک حکومت مطلق جهانی است و همه عاقلان و اندیشمندان منصف نیز این ایده را پذیرا هستند که باید یک مصلح کل بیاید و همه امور زندگی انسان ها را ساماندهی کند.

در این مورد پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز فرمایشات فراوانی فرموده است که شیعه و سنی آن ها را نقل کرده اند.

۲- در محور دوم ضمن بشارت به ظهور مصلح کل، فرد ظهور کننده نیز مشخص گردید که از چه نسلی است. این مهم هرچند در فرمایشات پیامبران الهی نیز آمده است، اما بیشترین پردازش به این موضوع، از طرف پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام به میان آمده است. در منابع شیعه به طور خاص در مورد این محور اساسی، مرحله به مرحله بحث شده است. گاهی تحت عنوان دعا برای سلامتی مصلح جهانی، و گاهی تحت عنوان علائم و نشانه های ظهور آن مصلح جهانی، سخن به میان آمده است. و حتی بسیاری از این روایات به معرفی نحوه تولد و سپس نحوه غیبت صغری و نیز شروع غیبت کبری آن حضرت پرداخته اند و

حتی در مورد چهره و شکل آن حضرت روایات فراوانی رسیده است. به هر حال از دیدگاه شیعه، آن مصلح جهانی که روزی می آید، در هزار و اندی سال پیش از متولد شده است^(۱) و مشخص و معلوم است که از نسل پیامبر اکرم ﷺ و از فرزندان امام حسین ﷺ است و هم اکنون نیز زنده است و در غیبت کبری به سر می برد و بر امور مردم ناظر است. و هر سال در شب قدر، اعمال بندگان بر او عرضه می شود.

آن بزرگوار مردم را می بیند و بر آنان نظارت دارد و ممکن است کسانی ایشان را ببینند و بعد از رد شدن و گذشتن، آن بزرگوار را بشناسند و یا او را ببینند ولی هرگز نفهمند و ایشان را نشناسند.

او چهره ای ملکوتی و هیبتی دینی دارد و در پرتگاهها به داد خواص مؤمنان و شیعیان خویش می رسد.

۳- سومین نکته مهمی که همواره مورد پرسش بوده است، جریان رجعت امامان معصوم ﷺ و زندگی آنان در زمان ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حتی پس از شهادت آن حضرت است.

در فرمایشات پیامبران الهی و نیز خود امامان معصوم ﷺ به فراوانی در مورد دو موضوع قبل، سخن به میان آمده است، ولی در مورد این موضوع، سخن زیادی در دست نیست و گویا توضیح جریان رجعت و بیان چگونگی آن، برای بعد از ظهور مصلح کل مانده است که خود حضرت تشریف بیاورد و این مهم را آن گونه که شایسته است، روشن کند.

اما به هر حال در کتاب های دینی، مخصوصاً کتب شیعی از این بحث خالی نیستند و در مواردی کوتاه، بحث از رجعت به میان آمده است و ما نیز در ضمن بیان مطالب کتاب حاضر، به مناسبت، در حرف ر، موضوع رجعت، شرح کوتاهی را در پاورقی آورده ایم و در حد فرصت کتاب حاضر، به اصل موضوع رجعت پرداخته و به موضوع رجعت امامان معصوم ﷺ

(۱) - آن حضرت در سحرگاه ۱۵ شعبان ۲۵۵ و یا ۲۵۶ هجری قمری متولد شدند که هم اکنون حدود ۱۱۷۱ سال است که چشم به جهان گشوده اند که حدود پنج سال را در زمان پدر بزرگوارشان، امام حسن عسگری ﷺ زیسته اند و بعد از شهادت پدرش، آن بزرگوار ۶۹ سال در غیبت صغری به سر برده اند و پس از آن تاکنون، در غیبت کبری به سر می برند و همگان در انتظار ظهورش می باشند. امید که به زودی خداوند ظهور حجّت بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برساند.

و گروه‌های رجعت‌کننده به همراه ایشان را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

• توضیحات:

الف - مجموعه حاضر حاصل تلاش تعدادی از محققان با تجربه مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام است که کارهای این کتاب، از؛

فیش برداری، موضوع نگاری، نمایه زنی، تطبیق موضوعات با کتب منبع، ترجمه به فارسی روان، کنترل آدرس‌ها، تنظیم آدرس‌ها و منابع بر طبق قرون حیات مؤلفین، ادیت و بازنگری متن، تایپ و غلط‌گیری و حمایت‌های مالی و در مجموع بخش‌های مختلفی در شکل گرفتن این مجموعه نقش داشته‌اند که از همه این عزیزان تشکر نموده و از خداوند می‌خواهیم که اجر و پاداش همه عزیزان را به ایشان عطا فرماید.

ب - در پاورقی‌ها، کتابی که متن عربی حدیث از آن نقل شده است، با علامت ستاره « * » مشخص شده است.

ج - با تحقیقات انجام شده، روایاتی که از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این کتاب نقل شده است که می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم کرد:

۱- روایاتی که در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادر شده است.

۲- روایاتی که در زمان غیبت صغرای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آن حضرت صادر شده است.

۳- روایاتی که در زمان غیبت کبری از آن حضرت صادر گردیده است که در این بخش، ما بیشتر به نقل موارد مشهور که از افراد مورد وثوق و اطمینان شده بسیار نقل شده است، اکتفاء کردیم.

۴- روایاتی که هنوز از زبان مبارک حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادر نگردیده است، بلکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و یا یکی از امامان معصوم علیهم السلام خبر داده‌اند که

وقتی قائم آل محمد (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بیاید، چنین سخنی را می فرماید.

اندیشیدیم که این گونه از روایات نیز به عنوان کلام و سخن آن حضرت در کتاب فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بیاید و این اقدام از این جهت مورد توجه قرار گرفت که وقتی یکی از معصومین علیهم السلام خبری را می دهد، برای ما این فرمایش به عنوان مضارع محقق الوقوعی است که به منزله ماضی بعید تلقی می گردد و ما با توجه به خبر امام معصوم علیهم السلام، آن جملات را به عنوان سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در زمان ظهورش معرفی کرده ایم.

د - چون تعداد روایات نقل شده از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) محدود بود، ما در بررسی ها به این نتیجه رسیدیم که هر آنچه از زبان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) صادر شده است را، هر قدر کوتاه باشد، ثبت کنیم، به همین دلیل در بعضی موارد سخن آن حضرت در آن حدیث، فقط یک کلمه بوده است، اما چون بار فرهنگی حدیث زیاد بوده است و با توجه به قبل و بعد حدیث و مطالب آن ها، آن حدیث را آورده ایم.

ه - در برخی از موارد سخنان نقل شده از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) جنبه فقه و بیان مسئله شرعی داشت که برای این موارد، در بسیاری از پاورقی ها متذکر شدیم و در این جا نیز یادآوری می کنیم که هر آن چه که ما نقل کرده ایم، تنها یک روایت از مجموعه روایاتی است که مجتهدین و فقهاء عظام، یعنی همان نائیان عام امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) با مطالعه و تحقیق در آن ها به فتوا می رسند، به همین دلیل بر تمامی خوانندگان لازم است که در این گونه از موارد، به رساله عملیه مرجع تقلید خویش مراجعه فرمایند.

و - با توجه به این که هدف اصلی در این مجموعه، نقل سخنان حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) است، ما به طور مفصل به دنبال بیان تحلیلی سه موضوع یاد شده در ابتدای این مقدمه نپرداخته ایم، اما در جای جای این کتاب، این سه محور اصلی مورد توجه جدی بوده است و به همین دلیل گاهی در ضمن مقدمه حدیث ها و یا در ترجمه و توضیح متن حدیث و یا در پاورقی ها، از بیان اشارات مناسب غافل نمانده ایم.

ز - بعضی از روایات که از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقل شده بود، بسیار طولانی بود، و به دلیل این که این مجموعه بنا را بر اختصار گذاشته است، قسمتی از متن عربی آن را آوردیم و برای علاقمندان آدرس و منابع آن را در پاورقی ذکر کردیم، تا در صورت نیاز به آن منابع مراجعه فرمایند.

ح - بعضی از دعاهایی که از طرف حضرت تأیید شده بودند و دعاهایی که سفارشی از حضرت در مورد آن بیان شده است، در این کتاب نقل شده است، و مجموعه ادعیه به صورت کتاب جداگانه‌ای به چاپ رسیده است که علاقمندان می‌توانند برای اطلاع بیشتر از دعاهایی که از طرف حضرت وارد شده است، به آن کتاب شریف مراجعه فرمایند.

ط - روایات این کتاب، همه فرمایشان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست، به همین دلیل، در راه خدمت بیشتر و بهتر، از انتقادات، پیشنهادات و نقدهای منصفانه استقبال خواهیم کرد.

در پایان از خداوند متعال علو درجات روح بلند استاد فقید حجت الاسلام محمد دشتی رحمته، محقق شهیر نهج البلاغه را، خواهانیم که بنیانگذار این مؤسسه و این مجموعه از تحقیقات بوده‌اند، و برای پیمودن این راه پُر فراز و نشیب، از همه عزیزان و مؤمنین التماس دعای خیر داریم.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) »

حرف الف

- ائمه
- ابابکر
- ارتش
- احسان و نیکوکاری
- ازدواج
- استخاره
- افشا
- اطاعت
- امام
- انتخاب
- انتظار
- انتقام
- انضباط
- امتحان
- اهل بیت علیهم السلام

• ائمة

○ فضیلت امامان معصوم علیهم السلام

جایگاه امامان معصوم علیهم السلام در آفرینش، هیچ استقلالی از خود ندارد، بلکه هرچه هست از ذات پروردگار است و این خود جایگاهی بزرگ است که گروهی از بندگان خدا، واسطه حاجات دیگر بندگان باشند و این ویژگی مخصوص امامان معصوم علیهم السلام است که واسطه فیض پروردگارند و هیچ اقدامی را بدون اذن خداوند انجام نمی دهند.

ابوالحسن علی بن احمد دلال قمی نقل می کند: گروهی از دانشمندان در مورد مسأله ای دو دسته شدند. و آن مسأله این بود که گروهی گفتند: خداوند همه اختیارات را به امامان معصوم علیهم السلام واگذار کرد و کاری به کار آنها ندارد، هم آفرینش و هم روزی آنان، در اختیار امامان معصوم علیهم السلام قرار داده شده است.

و گروهی دیگر گفتند: امامان فقط با اذن خداوند مورد به مورد اقدام می کنند، و از خدا می خواهند با اجابت درخواست آنان، آفرینش و روزی ها را مقرر می کند و دلیلش هم این است که فقط خداوند می تواند موجودات را خلق کند.

در این میان درگیری شدید شد و عقلای قوم پیشنهاد کردند که جریان از طریق محمد بن عثمان «دومین نماینده خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» پیگیری شود. آنان نیز طی نامه ای از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدند و نامه ذیل جواب آن پرسش است.

• هدیث ۱

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ وَقَسَمَ الْأَرْزَاقَ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجَسْمٍ وَلَا حَالٌ فِي جَسْمٍ، لَيْسَ كَمَثَلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، وَأَمَّا الْأَئِمَّةُ فَانَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ وَيَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ إِجَاباً لِمَسْئَلَتِهِمْ وَأَعْظَاماً لِحَقِّهِمْ. (۱)

(خداوند تبارک و تعالی همان کسی است که اجسام را خلق کرده است و روزی را تقسیم نموده است. زیرا که خداوند جسم نیست و در هیچ جسمی هم قرار نمی‌گیرد، هیچ همانندی ندارد و او شنوای داناست.

اما امامان معصوم علیهم‌السلام، نسبت به خلقت اشیاء ابتدا از خداوند درخواست می‌کنند، و سپس خداوند با پذیرش درخواست آنان اشیاء را خلق می‌کند و نیز برای روزی مردمان از خداوند درخواست می‌کنند و خداوند برای بزرگداشت حق دوستی با آنان و به خاطر پاسخگویی به درخواست آنان، به مردم روزی می‌دهد.)

○ **ضرورت اطاعت از ائمه اطهار علیهم‌السلام**

انتخاب امام معصوم و دست یابی به پیشوای عدل، کار آسانی نیست و اساساً این گونه انتخاب‌ها لغزش‌گاه‌های فراوانی دارد.

اکنون این نکته را یادآوری می‌کنیم که عبور از این لغزش‌گاه‌ها، فقط از یک راه ممکن است و آن هم راه ولایت و الگوگیری از گفتار امام معصوم است. اگر انسان به گفتار و کردار امامان معصوم علیهم‌السلام متکی باشد و از اهل بیت پیامبر اسلام علیهم‌السلام دور نشود، راه سعادت را خواهد یافت.

○ از ابو عمر عامری رضی‌الله‌عنه نقل شده است که گفت: ابن ابی غانم قزوینی و گروهی از شیعیان، در مورد جانشین امام حسن عسگری رضی‌الله‌عنه اختلاف کردند و ابن ابی غانم گفت: امام حسن عسگری رضی‌الله‌عنه از دنیا رفت و جانشینی بر جای نگذاشت «گویا امامت بعد از او به آخر رسیده است».

برای از بین رفتن درگیری، آنان نامه‌ای را تنظیم کردند و مطلب مورد دعوا را در آن یادداشت کردند و در ناحیه مقدسه قرار دادند و جواب آن طی نامه‌ای به خط امام

(۱) - * الغيبة / شیخ طوسی / ص ۲۹۴ / ح ۲۴۸ / ص ۵، بحار الانوار / مجلسی / ج ۲۵ / ص ۲۲۹ / ح ۴ / ص ۱۳، الاحتجاج / ج

زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به شرح ذیل ارسال گردید:

• حدیث ۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عافانا الله وإيّاكم من الفتن و وهب لنا و لكم روح اليقين و أجازنا و إيّاكم من سوء المنقلب، إنّه أنهي إلى إزتياب جماعة منكم في الدين، و ما دخلهم من الشكّ و الحيرة في ولاة أمرهم، فغمنا ذلك لكم لا لنا و سأؤنا فيكم لا فينا، لأنّ الله معنا فلا فاقة بنا إلى غيره، و الحقّ معنا قلن يوحشنا من قعد عنّا و نحن صنائع ربنا و الخلق بعد صناعتنا... (۱) (۲)

به نام خداوند بخشنده مهربان

(خداوند ما و شما را از بلاها به دور بدارد و روح یقین را بر ما ببخشد و در دگرگونی پناه ما و شما باشد.

همانا جریان شکّ و حیرت گروهی از شما، به خصوص برخی از بزرگانِ تان در دین، به ما رسید. و این باعث دلتنگی ما شد. امّا نه از جهت ضرری که به ما می‌رسد، بلکه به خاطر « انحرافی که در زندگی » شما « ایجاد شده است »، نگرانیم. زیرا خداوند با ماست.

بنابر این نیازی به غیر خداوند نداریم و حق با ماست، پس عقب نشینی افراد از راه ما، به ما آسیبی نمی‌رساند، چه این که ما مخلوق برتر خداییم و دیگران به خاطر ما آفریده شده‌اند.

ای گروه! چه شده است که در شک و تردید سرگردانید و در سرگردانی به رو افتاده‌اید. آیا قول خداوند را نشنیده‌اید که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید از پیامبر خدا و اولوالأمر» = امامان بعد از پیامبر. «.

آیا از آثار و احادیثی که رسیده است، خبر ندارید که در مورد امامان گذشته و آینده‌تان به شما خبر داده‌اند. آیا ندیدید که خداوند برای پناه گیرنده شما، پناه گاه‌هایی را قرار داده

(۱) - متن این روایت طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع روایت مراجعه فرمایند.

(۲) - الغيبة / طوسی / ص ۲۸۵ / ح ۲۴۵، احتجاج / طبرسی / ج ۲ / ص ۵۳۶ / ذح ۳۴۲، بحار الانوار / مجلسی / ج ۵۳ / ص ۱۷۸ و ۱۷۹ / ح ۹.

است؟ و رهبرانی را که به وسیله آنان هدایت شوید، قرار داده است؟
به طوری که از زمان حضرت آدم تا همین زمان این چنین بوده است. به گونه‌ای که هرگاه رهبری از دنیا می‌رفت، رهبری دیگر به جای آن ظاهر می‌شد؟ و هرگاه ستاره‌ای غروب می‌کرد، ستاره دیگری رُخ می‌نمود؟.

حال که در این زمان خداوند رهبرتان «امام حسن عسگری علیه السلام» را قبض روح کرد گمان بردید که احیاناً خداوند دین خود را باطل نموده و سبب متصل بین خود و خلق را قطع کرده است؟.

هرگز! چنین نبوده است و چنین نیست، بلکه تا قیامت امر خداوند ظاهر است و رهبری امت ادامه دارد، هرچند که دشمنان خوش ندارند.

آری! آن امام فقید «امام حسن عسگری علیه السلام» با سعادت قدم در جای قدم پدران‌ش گذاشته و حرکت کرد و سپس از دنیا رفت، اما وصیت او و علم او نزد ما هست. ما همان وصی او هستیم و کسی هستیم که در سنگر او نشسته است و هیچ شخصی جز ستمگر گناه کار، برای جانشینی او با ما نزاع نمی‌کند و جز کافر بی‌منطق، در برابر ما ادّعای جانشینی نمی‌کند.

و البته اگر نه این بود که خواست خدا باید پیروز شود و در این زمان سرّ خدا ظاهر و اعلان نگردد، هر آینه حقّ ما و ولایت ما، هم‌چون روز روشن ظاهر می‌شد، به گونه‌ای که باعث شگفتی عقل‌های‌تان شود و شک‌تان را برطرف کند.

اما چه باید کرد که آنچه خدا بخواهد همان می‌شود و هر موعدی سرنوشت خاصّ خودش را دارد.

پس تقوا پیشه کنید و تسلیم امر ما باشید و امور را به ما واگذار کنید. و همان گونه که در سابق اوامر و فرامین به دست ما «امامان علیهم السلام» بود، و از این پس نیز هست و شما در تکاپوی همه آن‌چه را که بر شما پوشیده است، نباشید و به سوی چپ و راست گرایش پیدا نکنید و مقصد نهایی‌تان را بر اساس سنت روشن پیامبر و اهل بیت علیهم السلام به سوی ما قرار دهید.

من از سر خیر خواهی با شما سخن گفتم و خدا را بر خودم و شما گواه قرار می‌دهم و اگر نبود آن علاقه و عشقی که به شما و اصلاح امورتان و قرار گرفتن شما در رحمت

پروردگار دارم، هرگز شما را مخاطب قرار نداده و با شما سخن نمی‌گفتم و همانند برخورد با ظالم زورگویی گمراه، غرق در گمراهی، دشمن خدا، مدّعی و دروغگو^(۱)، و منکر حقّ کسانی که خدا پیروی از آنان را واجب کرده است، با شما برخورد می‌کردم. و الگوی من در انتخاب این روش برخورد، سیره نیکوی دختر پیامبر است. و به زودی عنصر نادان، سزای عمل خود را می‌یابد و به زودی کافر خواهد دانست که عاقبت امر با کیست؟.

خداوند ما و شما را از همه پرتگاه‌های خطر و سختی و زشتی‌ها، با رحمت خود حفظ کند، زیرا که متولّی نجات، خداوند است و او است که بر هر کاری توانا است و حافظ و نگهبان ما و شماست.

درود بر همه جانشینان پیامبران و بر همه اولیاء و مؤمنین و رحمت خداوند و برکاتش بر همه آنان باد و درود خدا و سلام‌های خالص او بر پیامبر خدا، محمد ﷺ باد. (

○ **نهی از غلو و تند روی در مورد ائمه** ﷺ ← حرف غ - غلو

• ابابکر

○ **علت اسلام آوردن ابابکر و عمر**

سؤالی که در این مورد مطرح است، این است که ابابکر و عمر، با وجود تمام ظلم‌هایی که بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ روا داشتند، - که این خود، دلیل عدم اعتقاد آنان به رسول خدا ﷺ بود - پس چرا تسلیم دعوت پیامبر شدند.

○ **راوی «سعد بن عبدالله» می‌گوید:** وقتی به عرض حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رساندم که؛ شخصی از مخالفین، همیشه از من می‌پرسد: بگو ابابکر و عمر با رضایت و رغبت مسلمان شدند و یا با بی‌میلی و ناخرسندی درونی مسلمان شدند؟. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند:

(۱) - مرحوم علامه مجلسی می‌فرمایند: منظور از ستمگر با این همه صفت، جعفر کذاب است و نیز ممکن است مراد خلیفه عباسی زمان باشد.

• حدیث ۳

لَمْ لَمْ تَقُلْ لَهُ: بَلْ أَسْلَمَا طَمَعًا وَ ذَلِكَ بَأَنَّهُمَا كَانَا يُجَالِسَانِ الْيَهُودَ وَ يَسْتَخْبِرَانِهِمْ عَمَّا كَانُوا يَجِدُونَ فِي التَّوْرَةِ وَ فِي سَائِرِ الْكُتُبِ الْمَتَقَدِّمَةِ النَّاطِقَةَ بِالْمَلَاخِمِ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ مِنْ قِصَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ مِنْ عَوَاقِبِ أَمْرِهِ، فَكَانَتْ الْيَهُودُ تُذَكِّرُ أَنَّ مُحَمَّدًا يَسْلُطُ عَلَى الْعَرَبِ، كَمَا كَانَ بُخْتَنْصَرُ سَلَّطَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَ لَا بَدَّ لَهُ مِنَ الظَّفَرِ بِالْعَرَبِ كَمَا ظَفَرَ بُخْتَنْصَرُ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ غَيْرَ أَنَّهُ كَاذِبٌ فِي دَعْوَاهُ أَنَّهُ نَبِيٌّ.

فَأْتِيَ مُحَمَّدًا فَسَاعَدَاهُ عَلَى شَهَادَةِ الْأَلَةِ إِلَّا اللَّهَ وَ بَايَعَاهُ طَمَعًا فِي أَنْ يَنَالَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِنْ جِهَتِهِ وَ لِيَايَةَ بَلَدٍ إِذَا اسْتَقَامَتْ أُمُورُهُ وَ اسْتَتَبَّتْ أَحْوَالُهُ فَلَمَّا آيَسَا مِنْ ذَلِكَ تَلَّثَمَا وَ صَعَدَا الْعَقِبَةَ مَعَ عِدَّةٍ مِنْ أَمْثَالِهِمَا مِنَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى أَنْ يَقْتُلُوهُ فَدَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى كَيْدَهُمْ وَ رَدَّهُمْ بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا كَمَا أَتَى طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ عَلَيْهِمَا فَبَايَعَاهُ وَ طَمَعُ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا أَنْ يَنَالَ مِنْ جِهَتِهِ وَ لِيَايَةَ بَلَدٍ، فَلَمَّا آيَسَا نَكَا بَيْعَتَهُ وَ خَرَجَا عَلَيْهِ، فَصَرَغَ اللَّهُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مَصْرَعًا أَشْبَاهَهُمَا مِنَ النَّاكِثِينَ. (۱)

(چرا به آن شخص نگفتی که آن دو «ابابکر و عمر» به خاطر طمع مسلمان شدند.

«و بعد اضافه فرمودند:» جریان از این قرار است که ابابکر و عمر معمولاً با یهودیان نشست و برخاست داشتند و اخباری را که یهودیان از تورات و دیگر کتب آسمانی، که در مورد حوادث و رویدادهای روزانه و به خصوص جریان ظهور حضرت محمد ﷺ و پایان پیروزمندانه آن، دریافت می کرده اند و جو یا می شدند و یهودی ها هم به آن دو می گفتند: همان گونه که بخت النصر بر بنی اسرائیل چیره شد و همه بنی اسرائیل را در برابر خود تسلیم نمود، محمد هم می آید و بر تمام عرب مسلط می شود.

البته با این تفاوت که محمد ﷺ وقتی آمد، به دروغ ادعا می کند که پیامبر است (۲)، پس از این «با این سابقه ذهنی» بود که ابابکر و عمر به حضور حضرت محمد ﷺ رسیدند و با گفتن شهادت «لا إله إلا الله» به کمک آن حضرت شتافتند و به طمع این که هر یک از آن دو، بعد از پیروزی حضرت محمد ﷺ و تسلیم شدن عرب و آرام گشتن اوضاع، به

(۱) - * کمال الدین ص ۴۶۳ / ح ۲۱ / س ۴، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۳۲ / ذح ۲۴۱ / س ۷، بحار الانوار ج ۵۲ / ص ۸۶ / ذح

۱ و ج ۳۱ / ص ۶۲۳ / ح ۱۱۱، معجم الاحادیث الامام المهدي (عج) - الشيخ على الكوراني العالمي - ج ۴ / ص ۲۶۱ / س ۲۰، مجموعة الرسائل - الشيخ لطف الله الصافي / ج ۲ / ص ۱۴۶.

(۲) - این تعبیر غیر مؤدبانانه از یهود است که حضرت ولی عصر (عج) به خاطر آگاهی سؤال کننده، آن را نقل کرده است.

حکومت یکی از ولایات گماشته شوند، با حضرت محمد ﷺ بیعت کردند. و بعد از آن که از رسیدن به حکومت و ریاست دل خواه خود، از طرف حضرت محمد ﷺ مأیوس شدند، در بازگشت از جنگ تبوک، رو بند و نقاب بر صورت زدند و به همراه عده‌ای از منافقین ^(۱) همانند خویش از کوه عقبه بالا رفتند، و شتر پیامبر ﷺ را رم دادند تا آن حضرت را به قتل برسانند.

اما تدبیر خداوند بر حيلة آنان پیروز شد و خداوند مکر و دشمنی آنان را به خودشان بازگرداند و با همان خشم و کینه بازگشتند و از کار زشت خود، هیچ فایده‌ای ندیدند.

اتفاقاً نظیر همین مسأله، در زمان حضرت علی علیه السلام پیش آمد، که طلحه و زبیر به حضور علی بن ابی طالب علیه السلام رسیدند و هر یک از آن دو به طمع رسیدن به حکومت و ریاست یکی از شهرها، با حضرت علی علیه السلام بیعت کردند.

اما وقتی از رسیدن به پست هایی که لیاقتش را نداشتند، مأیوس گردیدند، بیعت با علی را شکستند و بر علیه آن حضرت دست به شورش زدند و خداوند به گونه زمین خوردن دیگر عهد شکنان، آن دو را بر زمین زد و نابود ساخت.

• ارتش

○ لباس رسمی ارتش و لشکریان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور، با قدرت امامت اقدام به تجهیز کردن لشکر می‌کند و سلاح و ساز و برگ نظامی برای ارتشی متشکل و منظم آماده می‌کند و همه افرادش را با لباس نظامی خاصی مشخص می‌کند و هر شخص مسلح و نظامی که آن لباس نظامی مخصوص را بر تن نداشته باشد، غیر خودی معرفی می‌کند و با این تدبیر، کار نبرد را

(۱) - صاحب کشف الیقین نقل کرده است که : پس از نافرجام ماندن این ترور، حذیفه که به همراه پیامبر ﷺ بود، پرسید : اینان چه کسانی بودند که دست به چنین اقدامی زدند. پیامبر ﷺ فرمود : نگاه کن. در این هنگام برقی جهید و حذیفه توانست چهره ۱۲ نفر از آنان را ببیند و آن‌ها را بشناسد، که عبارت بودند از :

۱ - ابابکر ۲ - عمر ۳ - طلحه ۴ - عبدالرحمن بن عوف « داماد عثمان » ۵ - سعد بن ابی وقاص ۶ - ابو عبیده جراح ۷ - معاویه ۸ - عمرو بن عاص، - که این‌ها از قریش بودند - و ۹ - ابوموسی اشعری ۱۰ - مغیره بن شعبه ۱۱ - اوس بن حدثان بصری ۱۲ - ابوهریره، که این‌ها از غیر قریش بودند.

برای لشگر خویش آسان می نماید.

○ امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی قائم آل محمد (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ظهور کند، وارد دشت کوفه می شود، با پای خود زمینی را معین می کند «و با پای خویش روی نقطه‌ای از زمین می کوبد» و با دست به آن مکان اشاره می کند، سپس می فرماید:

• هَدِيث ٤

اِحْفَرُوا هَهُنَا.

فَيَحْفَرُونَ فَيَسْتَخْرِجُونَ اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ دَرْعٍ وَ اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ سَيْفٍ وَ اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ بِيضَةٍ لِكُلِّ بِيضَةٍ وَجْهَانِ، ثُمَّ يَدْعُو اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ رَجُلٍ مِنَ الْمَوَالِي وَ الْعَجَمِ، فَيُلْبِسُهُمْ ذَلِكَ، ثُمَّ يَقُولُ: مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَيْكُمْ فَاقْتُلُوهُ. ^(١)

(« این جا را بکنید. » و یاران آن حضرت، در آن مکان، گودالی ایجاد می کنند که دوازده هزار زیره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاه خود را، از زمین بیرون می آورند. سپس با صدای رسا ندا می دهد که پس از آن دوازده هزار مرد جنگی از عرب و عجم حاضر می شوند.

و آن لباس های رزم را بر تن آنان می پوشانند. و خطاب به آنان می فرماید: « هر کس این گونه که شما لباس رزم بر تن دارید، لباس نپوشیده بود، او را به قتل برسانید. »)

• احسان و نیکوکاری

○ مذمت ردّ احسان

حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) هر چند که در غیبت قرار دارند، اما هرگز دوستان خود را فراموش نمی کنند و تحت هر شرایطی، در فکر شیعیان و یاران هستند، اما در عطا کردن به هر کس به اندازه تقاضاهایش می دهند و اگر کسی عطایی را نخواهد، آن بزرگوار هم دریغ می کند، پس بهترین شیوه آن است که چون از خوان گرم آن بزرگوار کم نمی شود، شیعه رو باز

(١) - بحار الانوار / ج ٥٢ / ص ٣٧٧ / س ٤ / ح ١٧٩، اختصاص / قرن ٥ / ص ٣٣٤ / س ١٥، معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ج ٤ / ص ٤٣ / ح ١١١٣.

کند؛ و هر چه بیشتر و بیشتر طلب کند چرا که این کریمان، بخشش به قدر درخواست خواهند داشت و در خوانِ کَرَمِ آن بزرگواران نیز کسری ایجاد نمی شود.

○ حسن بن فضل بن زید یمانی گفت: پدرم «فضل بن زید» با خطِّ خودش نامه‌ای برای حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشت و پرسش‌هایی را مطرح کرد و جواب دریافت نمود. سپس خودم نامه‌ای نوشتم و جواب دریافت نمودم.

پس از آن شخص دیگری از اصحاب ما «شیعه» نامه‌ای برای حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشت، اما جوابی دریافت نکرد. البته ما پس از آن که از علت نرسیدن جواب نامه جست و جو کردیم، یافتیم که آن شخص، در عقیده‌اش تحوُّلی پیدا شد و به عقیدهٔ قِرْمَطی^(۱) پیوست.

حسن بن فضل می گوید: به قصد زیارت به طرف عراق حرکت کردم و وارد طوس شدم و تصمیم گرفتم، آن قدر در آن جا بمانم تا تکلیفم روشن شود و به حاجتم برسیم و حتی اگر تا موقع رسیدن به حاجتم، مجبور شوم با گدایی روزگار بگذرانم، چنین می کنم.

حسن بن فضل می گوید: در خلال این زمان که در آن جا ماندم، از ترس این که مبادا امسال به حج نرسیم و توفیق مناسک از من گرفته شود، دل تنگ شدم.

در این میان روزی به حضور محمد بن احمد رسیدم و از او نظر خواستم.

او به من گفت: به فلان مسجد برو، در آن جا به شخصی برخورد می کنی. «اشاره به این که مشکل تو آن جا حل می شود.»

حسن بن فضل می گوید: به آن مکان رفتم. بعد شخصی وارد شد، نگاهش که به من افتاد خندید. و گفت: غمگین نباش، چون تو در همین سال به حج مشرف می شوی و به سلامت نزد خانواده ات باز می گردی.

حسن بن فضل گوید: مطمئن شدم و آرامش قلبی پیدا کردم. و با خود می گفتم: این آرامش، مصداق همان عشقِ دیدار یار است و خدای را سپاس که به هر آن چه خواستم رسیدم.

حسن بن فضل گوید: سپس وارد سامرا شدم. در آن جا کیسه‌ای به دستم رسید، که یک

(۱) - در توضیح واژهٔ قِرْمَطی ← حرف ص - صدوق - فضیلت صدوق اوّل، ابن بابویه.

قطعه پارچه و چند دینار در آن بود. غمگین شدم و با خود گفتم: پاداش من نزد اهل بیت علیهم السلام این است؟ «کنایه از این که من به دنبال رفع گرفتاری‌هایم هستم و می‌خواهم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ببینم، امّا آنها برایم این دینارها را می‌فرستند»؟!.

به همین دلیل نادانی کردم. آنها را برگرداندم. کسی که آن دینارها را آورده بود، «نامه و دینارها را گرفت» و هیچ حرفی نزد و کلمه‌ای نگفت. امّا پس از آن که او رفت، به شدت پشیمان شدم و در دلم گفتم: ای وای! با این برگرداندن هدایای مولایم، نسبت به امامم کافر شدم. به همین دلیل نامه‌ای جهت اقرار به گناه و اظهار پشیمانی و طلب توبه نوشتم و تصمیم گرفتم، اگر آن قاصد برگردد، نامه را به او بدهم. و خود از نگرانی دست به هم می‌مالیدم، و در این مورد با خود می‌اندیشیدم؛ که اگر مولای من به نفهمی من نگاه نکند و من را عفو کند و دینارها را دوباره به من برگرداند، سربندِ همیان را باز نمی‌کنم و در پول‌ها تصرف نمی‌کنم، تا محموله را به پدرم برسانم، زیرا که او آگاه‌تر از من است و می‌داند با آن پول چه کند. پس از چندی همان فرستاده بازگشت، در حالی که خطاب به آن فرستاده که پول را از من گرفته و برگردانده بود، نامه‌ای رسید که:

• حدیث ۵

أَخْطَأْتُ إِذْ لَمْ تُعَلِّمَهُ أَنَا رُبَّمَا فَعَلْنَا ذَلِكَ بِمَوَالِينَا وَ رُبَّمَا يَسْأَلُونَا ذَلِكَ يَتَّبِرُونَ بِهِ. ^(۱)

« بد کردی که پول را باز آوردی، بلکه می‌خواستی آن شخص «حسن بن فضل» را راهنمایی کنی و بگویی که رسم ما این است که به دوستان خویش هدیه می‌دهیم. حتی خودشان تقاضا می‌کنند که پولی به آنها بدهیم، تا اموالشان متبرک شود.»

و خطاب به من هم نوشته بود:

• حدیث ۶

أَخْطَأْتُ فِي رَدِّكَ بَرَّنَا فَإِذَا اسْتَغْفَرْتَ اللَّهَ، فَاللَّهُ يَغْفِرُ لَكَ، فَأَمَّا إِذَا كَانَتْ عَزِيمَتِكَ وَ عَقْدُ نَيْتِكَ أَلَّا تُحَدِّثَ

(۱) - کافی / ج ۱ / ص ۵۲۰ / ح ۱۳، کمال‌الدین / ج ۲ / ص ۴۹۰ / ح ۱۳ / باب ۴۵، ارشاد / مفید / فی معرفة حجج الله علی العباد / ص ۳۵۳ / س ۲۱، مدینه المعجز / ج ۸ / ص ۸۵ / س ۴، * بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۲۸-۳۲۹ / ح ۵۲، معجم الاحادیث الامام المهدي (عج) / ج ۴ / ص ۴۰۸ / ذح ۱۳۷۹ / س ۱۷.

فِيهَا حَدَثًا وَلَا تُنْفِقُهَا فِي طَرِيقِكَ، فَقَدْ صَرَفْنَاهَا عَنْكَ، فَأَمَّا الثَّوْبُ فَلَا بَدَّ مِنْهُ لِتُحْرِمَ فِيهِ. (۱)

(اشتباه کردی که احسان ما را باز گرداندی و حال که توبه کردی، خداوند توبهات را می‌پذیرد و اما چون نیتت این بود که اگر ما پول را دوباره برگردانیم، هیچ تصرفی در آن نمی‌کنی و برای خرجی راه از آن مصرف نخواهی کرد، « حال که برای مصرف راه، نیاز به آن نداری » ما هم از دوباره فرستادن دینارها منصرف شدیم، و آن را برای دیگران مصرف می‌کنیم.

اما آن دو قطعه پارچه‌ای که از پیش فرستادیم و نپذیرفتی، اکنون دوباره برایت ارسال کردیم، زیرا که به آن نیاز پیدا می‌کنی و باید با آن مُحْرِم شوی. (حسن بن فضل می‌گوید: از آن پس دو نامه نوشتم و نامه سوم را که خواستم بنویسم، ترسیدم باعث ناراحتی امام شود. پس از چندی جواب آن نامه و نیز پاسخ آن چه که قصد کرده بودم بنویسم، اما نوشتم، رسید. و خداوند را سپاس گفتم.

در نهایت باید بگویم، من از قبل پس از آن که ابن و جناء از پذیرفتن من در کاروان خویش برای حج تعلل کرد، با جعفر بن ابراهیم نیشابوری در همان نیشابور قرار گذاشتم که با کاروان او بروم. اما پس از این جریان‌ها، ابن و جناء با من برخورد کرد و گفت:

(ای حسن بن فضل! من به دنبالت می‌گشتم. به من گفتند تو دوست داری هم کاروان من شوی و سفارش کردند که احترام تو را نگه دارم و تو را به عنوان هم کاروان خود بپذیرم.)

• ازدواج

○ ازدواج زنان پیامبر ﷺ

از فضیلت‌های حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام این است که طلاق زنان پیامبر صلوات الله علیهم، بعد از او به دست حضرت علی علیه السلام بود. یعنی بر طبق معمول قانون فقهی، هر کسی که بمیرد، زنش بعد از نگه داشتن عده وفات، آزاد است که شوهر کند، ولی زنان پیامبر اسلام صلوات الله علیهم، بعد از وفات پیامبر و حتی بعد از تمام شدن ایام عده وفات، باز هم آزاد نیستند و حق شوهر کردن ندارند،

مگر این که طلاق داده شوند،

که طلاقِ زنان پیامبر ﷺ، به دست مبارک حضرت علی ﷺ قرار داده شده بود و آن حضرت بر طبق سفارش پیامبر، اگر زنی از زنان پیامبر علیه علی ﷺ به جنگ بر می‌خواست، حضرت علی ﷺ می‌توانست او را طلاق دهد و از امتیاز «امُّ الْمُؤْمِنِينَ» بودن خارجش کند. و این کار فقط در مورد عایشه عملی شد.

○ امام حسن عسگری ﷺ خطاب به سعد فرمود: ای سعد! چه چیزی باعث شد که به حضور ما برسی؟ «سعد می‌گوید» عرض کردم: ای مولای من! احمد بن اسحاق تشویقم کرد که به حضور مولایم برسم.

حضرت فرمود: البته چند مسأله هم داشتی که می‌خواستی بپرسی. عرض کردم: آری مولای من! جریان همان گونه است که فرمودید.

امام حسن عسگری ﷺ فرمود: از نور چشمم «فرزندم» بپرس. و با اشاره مرا به طرف کودکی خردسال راهنمایی کرد.

سپس آن کودک رو به من کرد و فرمود:

• حدیث ۷

سَلَّ عَمَّا بَدَأَكَ مِنْهَا. فَقُلْتُ لَهُ: مَوْلَانَا وَابْنُ مَوْلَانَا، إِنَّا رُوَيْنَا عَنْكُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ جَعَلَ طَلَاقَ نِسَائِهِ بِيَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ ... (۱). (۲)

(هر چه به ذهنت رسید، بپرس. عرض کردم: ای مولای ما و فرزند مولای ما! از ناحیه شما برای ما روایت کرده‌اند که پیامبر گرامی اسلام ﷺ، طلاقِ زن‌های خویش را به دست حضرت علی ﷺ قرار داد.

(۱) - متن این روایت طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع این روایت مراجعه کنند.

(۲) - دلائل الامامة / طبری / ص ۵۱۱ / ذیل ح ۹۶/۴۹۲ / ص ۱۴. * کمال الدین / ص ۴۵۹ / ذیل ح ۲۱ / ص ۳ بحار الانوار / مجلسی / ج ۳۸ / ص ۸۸ / ذیل ح ۱۰ / ص ۱۱ و ج ۵۲ / ص ۸۲ / ذیل ح ۱ / ص ۱، و ج ۴۲ / ص ۲۶۷ / ح ۲۰۷، مجموعة الرسائل / صافی / ج ۲ / ص ۱۴۳، تفسیر نور الثقلین / حویزی / ج ۴ / ص ۲۳۸ و ج ۵ / ص ۲۷۲ / ح ۱۵، معجم احادیث الامام المهدي (عج) / کورانی عاملی / ج ۴ / ص ۲۵۸ / ص ۱۰، الايضاح / لازدی / ص ۸۰.

حتی حضرت علی علیه السلام در جریان جنگ جمل، برای عایشه پیغام فرستاد که تو با فتنه‌ای که بر پا کرده‌ای، بر اسلام و در بین اهل اسلام گرد و غبار کینه را بلند کردی، و با نادانی خودت، فرزندان را در معرض هلاکت قرار داده‌ای.

پس اگر دست از دشمنی و جنگ با من برداشتی، که کاری با تو ندارم، و الاً «از همسری پیامبر صلی الله علیه و آله» تو را طلاق می‌دهم. در حالی که طلاق و جدایی زنان پیامبر، عملاً با وفات آن حضرت صورت پذیرفته بود؟.

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از من پرسید: طلاق یعنی چه؟. «طلاق را چگونه معنی می‌کنی؟». من عرض کردم: زن طلاق می‌گیرد، یعنی راه ازدواج او با دیگر مردان باز است.

آن حضرت فرمود: خوب اگر طلاق و جدایی زنان پیامبر با وفات ایشان صورت گرفت، و فرض این است که آنان رها شدند و راه ازدواج آنان با دیگر مردان باز شد، پس چرا نمی‌توانند شوهر کنند؟. سعد می‌گوید: عرض کردم: دلیلش آن است که خداوند بزرگ، ازدواج کردن را بر آنان حرام نمود.

آن حضرت فرمود: با این که وفات پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را آزاد کرد، دیگر معنا ندارد که ازدواج کردن بر آنان حرام باشد. من عرض کردم: ای فرزند مولای من! پس بفرمایید: معنای طلاق که پیامبر اختیارش را در دست حضرت علی علیه السلام قرار داده بود، چیست؟. آن حضرت فرمود: خداوند بزرگ که نامش مقدّس است، شأن و منزلت زنان پیامبر را با ارزش قرار داد و این شرافت را به آنان عنایت فرمود، که مادران امت اسلام باشند و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود:

این شرافت برای زنان من تا وقتی باقی است، که در اطاعت خداوند باشند و هر یک از زنان من که بعد از من، با شوریدن بر تو از اطاعت خداوند بیرون رفت، او را رها کن «طلاقش را بده» تا بتواند شوهر کند و از شرافت مادر مؤمنین بودن خارجش کن. (

○ اهمیت ازدواج موقت «صیغه»

یکی از مستحبات شرعی که انجام آن از نظر ثمرات، علاوه بر نتیجه فردی، ثمرات اجتماعی هم دارد، مسأله ازدواج موقت است که تأکید فراوانی در شرع بر آن شده است و

یکی از محورهای مهم حذف فساد از گردونه زندگی اجتماعی است و ترک آن به طور معمول، به عنوان ترک یک مستحب ممکن است، مشکلی ایجاد نکند، اما متعهد بر ترک آن شدن و یا قسَم بر ترک آن خوردن، قسَم خوردن بر انجام معصیت است و این نشان می دهد متعهد بر ترک ازدواج موقت شدن، گناه است.

○ از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدند :

شخصی شیعه است و سنت مستحب متعه «ازدواج موقت» را قبول دارد و پذیرا است که پس از عقد موقت، شوهر هر زمان که بخواهد، می تواند ابراء کند و عقد را به اتمام برساند، لکن زنی دارد که در همه جهات با او موافق است، اما در موقع ازدواج، از او تعهد گرفته است که زن دیگری اختیار نکند و برای خود کنیزی که بتواند با او ازدواج کند، نخرد.

و آن مرد هم اکنون ۱۰ سال است که بر تعهد خود با زنش باقی است و تا کنون ازدواج موقت نکرده است. اما گاهی به مسافرت می رود و چند ماه از زنش دور می شود. و از آن طرف به خاطر علاقه به زنش و برای حفظ روابط خود با زنش، دوست می دارد که بر عهد خویش باقی بماند. او ازدواج موقت را حرام نمی داند، بلکه ازدواج موقت را مشروع می داند.

اکنون آیا از این که متعه را ترک کرده است و حتی یک بار هم ازدواج موقت نکرده است، بلکه تعهد کرده است که ازدواج موقت انجام ندهد، معصیت کار است؟

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب مرقوم فرمودند :

• حدیث ۸

في ذلك يستحب له أن يُطِيعَ اللهَ تعالى [بالمُتعة] ليزول عنه الخلفُ في المعصية، ولو مرةً واحدةً. (۱)

(۱) - الغيبة / طوسی / ص ۲۸۳ / ح ۲۴۶ / س ۱۲. الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۷۳ / ذح ۳۵۵ / س ۷. وسائل الشیعه / حر عاملی / ج ۲۱ / ص ۱۷ و طبع اسلامیة / ج ۱۴ / ص ۴۴۵. * بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۵۸ / ذح ۲ / س ۱۱ و ج ۱۰۰ / ص ۲۹۸ / ذیل ح ۲ / س ۱۱، و ج ۱۰۱ / ص ۲۱۸ / ذیل ح ۱۲ / س ۱۳. معجم احادیث الامام المهدي (عج) / طبع آل البيت / کورانی عاملی / ج ۴ / ص ۲۳۲ / س ۲۰.

(ولو یک بار هم که شده باید ازدواج موقت انجام دهد و خدا را در این کار مستحب اطاعت کند، تا آن قسمی را که بر ترک اطاعت خورده است، باطل شود.)

○ شرایط ازدواج موقت

ازدواج موقت از نظر تمام شدن مدت معین شده و یا توافق طرفین بر جدایی و یا بخشیدن مدت مشخص شده از طرف شوهر، و نیز از نظر ازدواج موقت بعدی زن و این که پیش از ازدواج بعدی، جریان عدّه چگونه است، مقرراتی دارد.

○ در مورد مردی از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدند :

مردی با زنی با ازدواج موقت با مهریه مشخص ازدواج کرده است ؛ اما پیش از اتمام زمان آن، مرد ابراء کرد و ما بقی زمان را به زن بخشید و از اول هم قصد داشت، سه روز مانده به انقضاء مدت، آن زن را رها کند.

حال پرسش این است که ؛ بعد از پاک شدن از حیض اول، مرد دیگری می‌تواند با آن زن ازدواج کند، یا علاوه بر این یک حیض، پاک شدن از حیض دوم هم لازم است؟. آن حضرت در جواب مرقوم فرمودند :

• حدیث ۹

يَسْتَقْبِلُ حَيْضَةً غَيْرَ تِلْكَ الْحَيْضَةِ، لِأَنَّ أَقْلَ تِلْكَ الْعِدَّةِ حَيْضَةٌ وَ طَهَارَةٌ تَامَةٌ. (۱)

(غیر از این یک حیض، پاک شدن از حیض دوم هم نیاز است. زیرا اقل عدّه زن، یک حیض و یک طهارت کامله است.)

○ ازدواج در بهشت

نعمت‌های بهشتی مانند نعمت‌های دنیایی نیستند، بلکه اگر در قرآن کریم نام انواع میوه‌ها برده می‌شود، از باب تشبیه است که از طریق سرچشمه وحی الهی رسیده است تا برای انسان مادی قابل فهم باشد، و الا نعمت‌ها و میوه‌های بهشتی، خواص ویژه خود را دارند.

(۱) - الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۸۱ / ذح ۲۵۷ / س ۸. وسائل الشیعه / ج ۲۱ / ص ۵۳ / ح ۲۶۵۱۵. * بحارالانوار / ج ۵۳ / ص

۱۶۴ / ح ۴ / س ۱، معجم الاحادیث الامام المهدی (عج) / کورانی عاملی / ج ۴ / ص ۳۴۰ / س ۳.

قرآن کریم می‌فرماید: «بهشتیان در بهشت به هرچه که اشتها پیدا کنند، در اختیار دارند»، اما از روایات معصومین علیهم‌السلام به دست می‌آید که در بهشت، ضایعات غذایی وجود ندارد و نیز هر ازدواجی که انجام شود، فرزندی در پی نخواهد داشت.»

○ در همین مورد محمد بن عبدالله حمیری «در سال ۳۰۸ هجری قمری» طی نامه‌ای «از طریق حسین بن روح، سومین نایب خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» از حضرت پرسید:
وقتی در بهشت انسان با حور العین «یا زنِ دنیایی خودش، اگر در بهشت با او همنشین باشد»، همبستر می‌شود، آیا آن‌ها حامله می‌شوند و بچه می‌آورند یا خیر؟
حضرت در جواب فرمودند:

• هَدِيث ۱۰ •

إِنَّ الْجَنَّةَ لَا حَمْلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَلَا وِلَادَةَ وَلَا طَمْتًا وَلَا نِفَاسًا وَلَا شِقَاءًا بِالطُّفُولِيَّةِ ﴿ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ ﴾ ^(۱) كَمَا قَالَ سُبْحَانَهُ، فَإِذَا اِسْتَهَى الْمُؤْمِنُ وَلَدًا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ حَمْلٍ وَلَا وِلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ عليه السلام عِبْرَةً. ^(۲)

(هیچ زنی در بهشت حامله نمی‌شود و بر اثر آمیزش با حور العین، یا همسر دنیایی، بچه‌ای هم متولد نمی‌شود و حیض یا نفاس هم در بهشت نیست. و مشکلات و گرفتاری بچه‌داری وجود ندارد، و همان طور که خداوند در قرآن کریم فرمود: و در آن «بهشت» آنچه دل‌ها می‌خواهند و چشم‌ها از آن لذت می‌برند، موجود است. ^(۳))

پس مؤمن در بهشت هر زمان که دلش خواست کودکی داشته باشد، خداوند بدون حمل، فرزندی برای او خلق می‌کند. ولی به آن صورت که در ذهن‌ها است، ولادتی در کار نیست، بلکه آفریدن فرزند، مانند آفریدن حضرت آدم عليه السلام است که برای عبرت مخلوقات، بدون هیچ حمل و هیچ ولادتی آفریده شد.)

○ آداب استخاره • استخاره

در زندگی انسان مؤمن، هیچ بن بستنی وجود ندارد، زیرا انسان مؤمن با اندیشه در خوب و

(۱) -سورة زخرف، آیه ۷۱.

(۲) -الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۸۰ / ذح ۳۵۷ / س ۱۵، * بحارالانوار / مجلسی / ج ۵۳ / ص ۱۶۳ / ذح ۴ / س ۱۶، تفسیر نور

الثقلین / حویزی / ج ۴ / ص ۶۱۳ / س آخر. (۳) -سورة زخرف، آیه ۷۱.

بد زندگی، اقدام به کار می‌کند و چون امید به خداوند دارد، با امید پیش می‌رود و موفق هم می‌شود.

حتی اگر گاهی دچار تردید شود، ابتداء با صالحان و افرابا تجربه و دانش، مشورت می‌کند و خوب و بد زندگی را می‌فهمد و اگر بعد از مشورت، نتوانست تصمیم لازم را بگیرد، به عنوان آخرین و مناسب‌ترین راه تصمیم‌گیری، « یعنی واگذاری امر به خداوند با استخاره » تصمیم لازم را اتخاذ می‌کند، استخاره بن بست به وجود آمده را از بین می‌برد.

البته استخاره و طلب خیر کردن یا از قرآن است که استخاره به وسیله آن انجام می‌شود و یا با تسبیح است که در کیفیت آن‌ها دستوراتی رسیده است.

○ از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مورد چگونگی استخاره و آداب آن سؤال شد. آن حضرت در جواب در مورد استخاره با تسبیح نوشتند:

• هَدِيث ۱۱

أَنْ يَقْرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ أَقَلَّ مِنْهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَ الْأَدْوَنُ مِنْهُ مَرَّةً، ثُمَّ يَقْرَأُ « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ » عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يَقُولُ هَذَا الدُّعَاءَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ وَ أَسْتَشِيرُكَ لِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَ الْمَخْدُورِ، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ أَمْرِي هَذَا مِمَّا نِطِطُ بِالْبَرَكَاتِ إِعْجَازُهُ وَ بَوَادِيهِ، وَ حَفَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَ لِيَالِيهِ، فَخِرْ لِي فِيهِ بِخَيْرَةٍ تَرُدُّ شُمُوسَهُ ذُلُولاً وَ تَقْعُضُ أَيَّامَهُ مَسْرُوراً،

اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ فَأَتَّسِرْ أَوْ نَهْيٌ فَانْتَهِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ.

ثُمَّ يَقْبِضُ عَلَى قِطْعَةٍ مِنَ الشُّبْحَةِ وَ يُضْمِرُ حَاجَتَهُ وَ يُخْرِجُ إِنْ كَانَ عَدَدَ تِلْكَ الْقِطْعَةِ زَوْجاً فَهُوَ أَفْعَلٌ وَ إِنْ كَانَ فَرْداً لَا تَفْعَلُ أَوْ بِالْعَكْسِ. (۱)

(سوره حمد را ده مرتبه بخواند و اگر بخواهد کمتر کند، سه دفعه بخواند و اگر باز هم

(۱) - فتح الابواب / ص ۲۷۳، الامان من اخطار الاسفار / ص ۹۸، الذكري / ص ۲۵۳، ذخيرة المعاد / ج ۲ / ص ۳۴۹، * المختار / ج ۱ / ص ۴۸۶ / س ۱۲، نجم الثاقب / ص ۳۰۰ / س ۳، الصحيفة المباركة المهدية / مجتهدی / ص ۳۱۸، مستدرک الوسائل / نوری / ج ۶ / ص ۲۳۶ / ح ۲۳۷۲۷ / ج ۱۷ / ص ۳۷۷ / ذح ۱۱ / ۲۱۶۲۷، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۲۷۱ / س آخر، و ج ۸۸ / ص ۲۴۸ / ح ۲، معجم احاديث المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۴۰۶ / ح ۱۳۷۷، درر الاخبار / ص ۶۲۲ / ح ۱۰، وسائل الشيعه / ج ۸ / ص ۸۲ / ح ۱۰۱۲۸ / ۱.

خواست کمتر کند، حدّاقلّ یک مرتبه بخواند، سپس سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را ده مرتبه بخواند، سپس این دعایی که در ذیل می‌آید را، سه مرتبه بخواند:

«پروردگارا! از تو طلب خیر می‌کنم، زیرا تو به عاقبت امور آگاهی داری و به خاطر حسن ظنّ به تو در آمال و آرزوها، از تو طلب مشورت می‌کنم.

پروردگارا! اگر این کاری که من می‌خواهم انجام دهم، از کارهایی است که جوانب گوناگون آن به برکت اتصال دارد و روز و شبش پر از کرامت و خوش‌بختی است، پس طوری برای من تکلیف معین کن که آفتاب سعادت، فرمان بر و نرم خو به سوی من آید.

پروردگارا! در این تکلیفی که برایم با استخاره مشخص می‌کنی، اگر امر باشد، اطاعت خواهم کرد و اگر نهی باشد، از آن کار دوری می‌جویم. پروردگارا! من در این استخاره، با امید به رحمت تو از تو خیر و برکت گوارا می‌خواهم.

پس از آن، قطعه‌ای از دانه‌های تسبیح را در مشت خود قرار می‌دهد و نیت می‌کند و آن مقداری را که در مشت قرار گرفت می‌شمارد، اگر زوج بود، اشاره به امر کردن بر انجام کار است و اگر فرد بود، اشاره بر ترک آن کار است.

و یا برعکس «یعنی اگر پس از گرفتن مقداری از دانه‌های تسبیح اگر نیت کرده است که زوج را امر حساب کند و فرد را نهی، همان است، و یا برعکس اگر فرد را امر و زوج را نهی نیت کرده است، همان است.» ()

○ استخاره مصریه

و در روایت دیگر آمده است: راوی می‌گوید: من دست نوشته‌ای با خطّ خودم بر حاشیه کتاب مصباح دیدم و آن نوشته این است:

(استخاره مصریه که در دو کاغذ جداگانه نوشته می‌شود و از مولای ما امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است، آن است که فرمود:

• هَدِيث ۱۲

يَكْتُبُ فِي رُفْعَتَيْنِ، «خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ» وَ يَكْتُبُ فِي إِخْدَاهُمَا إِفْعَلُ وَ فِي الْآخِرَى لَا تَفْعَلُ، وَ يُتْرَكُ فِي بُنْدُقَتَيْنِ مِنْ طِبْنٍ وَ يَزْمِي فِي قَدَحٍ فِيهِ مَاءٌ، ثُمَّ يَتَطَهَّرُ وَ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَ يَدْعُو

عَقِبَهُمَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ خِيَارَ مَنْ فَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ، وَأَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي أَمْرِهِ، وَاسْتَسْلَمَ بِكَ فِيمَا نَزَلَ بِهِ أَمْرُهُ، اللَّهُمَّ خِزْلِي وَلا تَخِزْ عَلَيَّ وَاعْنِي وَلا تَعِنْ عَلَيَّ وَلا تُمَكِّنْ مِنِّي وَاهْدِنِي لِلْخَيْرِ وَلا تُضِلَّنِي وَارْضِنِي بِقَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتُعْطِي مَا تُرِيدُ.

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي فِي أَمْرِي هَذَا وَهُوَ كَذَا وَكَذَا فَامْكِنِّي مِنْهُ وَاقْدِرْ لِي عَلَيْهِ، وَأْمُرْنِي بِفِعْلِهِ وَأَوْضِحْ لِي طَرِيقَ الْهِدَايَةِ إِلَيْهِ وَإِنْ كَانَ اللَّهُمَّ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ لِي مِنْهُ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ثُمَّ تَسْجُدُ سَجْدَةً وَتَقُولُ فِيهَا: أَسْتَخِيرُ اللَّهَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ، مِائَةَ مَرَّةٍ، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ وَتَتَوَقَّعُ الْبِنَادِقَ، فَإِذَا خَرَجَتِ الرُّقْعَةُ مِنَ الْمَاءِ فَاعْمَلْ بِمُقْتَضَاهَا إِنْشَاءً اللَّهُ تَعَالَى. (١)

(درخواست خیر و برکت از خدا و پیامبرش، برای فلان شخص فرزندِ فلان زن «در روایت عنوان فلان، مستمای مادر آمده است»، و در یکی از آن دو ورقه می‌نویسد، «انجام بده.» و در ورقه دیگر می‌نویسد «انجام نده.»

بعد آن دو ورقه را در دو بطری جداگانه قرار داده و در ظرفی پر از آب می‌اندازد. سپس وضو می‌گیرد و دو رکعت نماز می‌خواند و بعد از نماز این دعا را می‌خواند؛ پروردگارا! من همانند کسی که امور خویش را به تو واگذار کرده باشد، و خود را تسلیم تو کرده باشد و در کار خود بر تو توکل کرده باشد و در مورد همه بلاها و خیراتی که بر او نازل می‌شود، تسلیم اراده تو باشد، از تو طلب خیر می‌کنم.

پروردگارا! برای من انتخاب خیر نما و انتخاب خیرم را به خودم واگذار نکن. پروردگارا! به من کمک کن و کمک به خودم را، به خودم واگذار نکن و مرا یاری کن و یاری به خودم را، به خودم واگذار نکن و مرا در رفاه قرار ده و تأمین رفاه برای خودم را، به خودم واگذار نکن.

و مرا به سوی خیر و نیکی هدایت فرما و از گمراهی رهایم کن و مرا راضی به قضای خود

(١) - وسائل الشیعه / ج ٨ / ص ٧٢ / ح ١٠١٠٩، * بحار الانوار / مجلسی / ج ٨٨ / ص ٢٣٩ / ح ٥ / س ١١، صحیفه مهدی

(مجله الله تعالی فرجه الشریف) / قیومی / ص ٧٤ و ٧٦.

قرار ده و اندازه روزی خود را بر من مبارک گردان، زیرا تو هرچه را که بخواهی انجام می‌دهی و هر چه را که بخواهی اعطاء می‌کنی.

پروردگارا! اگر خیر من در همین کاری است که می‌خواهم انجام دهم، پس توان انجام آن را به من بده و انجام آن را برای من مقدر فرما و مرا مأمور انجام آن قرار ده و راه رسیدن به انجام آن عمل را به من نشان بده.

و ای خدای من! اگر خیر من در غیر از این کاری است که من می‌خواهم انجام دهم، پس این کار را از من دور کن و مرا بر کار دیگری که خیر من در آن باشد، راهنمایی کن. زیرا تو قادری و من فاقد قدرتم، و تو آگاه هستی و من ناآگاه، و تو آگاه بر پنهان‌هایی. ای رحم‌کننده بر رحم‌کنندگان.

سپس سجده‌ای انجام می‌دهی و در سجده صد مرتبه می‌گویی: « از خدا طلب خیر می‌کنم، همچون کسی که برای رسیدن به عافیت و سلامتی از خدا طلب خیر می‌کند. »
سپس سر از سجده بر می‌داری و یکی از بطری‌ها را از آب بیرون می‌آوری، هر ورقه‌ای که از آب بیرون آمد، به تناسب آن عمل می‌کنی. اگر خدا بخواهد و به صلاح تو باشد، به مقصود خواهی رسید.)

○ استخاره بعد از نماز حاجت

همه یادگاری‌های برجای مانده از محبوب و مولا ارزشمند است، اما در آخرین یادگاری خصوصیتی ویژه دارد. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرین نامه‌اش به چهارمین نماینده خاص خویش، جناب علی بن محمد سمری، دستور خاصی را برای دعا در پیشگاه حضرت حق، جهت استخاره بیان فرمودند.

مرحوم علامه مجلسی رحمته نقل کرده است که ابودلف محمد بن مظفر، پس از بیان این دعا گفته است؛ این آخرین توقیع شریف برای نماینده خاص است و نیز مرحوم مجلسی رحمته آورده است که محمد بن علی بن محمد، در کتاب جامعی که دارد، این دعا را به عنوان دعای استخاره بعد از نماز حاجت، که از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است، نقل کرده است.

آن دعا به این شرح است؛

• حدیث ۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَقُلْتَ لِهَمَا اثْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا، قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى عَصَى مُوسَى، فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ، حَتَّى قَالُوا: آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ، رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

وَ أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبْلِي بِهَا كُلَّ جَدِيدٍ وَ تُجَدِّدُ بِهَا كُلَّ بَالٍ وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ، وَ بِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ، إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَ تُهَيِّئْهُ وَ تُسَهِّلْهُ عَلَيَّ، وَ تُلَطِّفْ لِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَ إِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَ أَنْ تُصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ وَ تَرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ وَ تُبَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحَبَّ تَعْجِيلَ شَيْءٍ آخِرَتَهُ وَ لَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ عَجَلْتَهُ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. (۱)

« به نام خداوند بخشنده مهربان »

(پروردگارا! تو را به آن نامت که به وسیله آن، زمین و آسمانها را خلق کردی و به آنان گفתי: به میل و رغبت خود و یا با بی میلی به سوی من آید و آنها گفتند: بلکه با میل به سوی تو می آییم، قَسَمْتَ می دهم؛ و تو را به آن نامی که با آن نام، به عصای موسی دستور دادی، تا همه بافته های ساحران را بلعید، قَسَمْتَ می دهم؛ و به احترام آن نامی که به وسیله آن دل های ساحران را به سوی خود جلب کردی، تا آن جا که گفتند: به خدای جهانها و خدای موسی و هارون ایمان آورده ایم، از تو که خدای جهانیان هستی درخواست می نمایم؛

و به احترام آن قدرتی که به وسیله آن به هر مخلوق جدید، رشد و بالندگی می دهی و هر بالندهای را خلق می کنی، از تو می خواهم، و به احترام همه حقوقی که تو بر مخلوقات

(۱) - مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۲۳۷ / ح ۵/۶۷۹۶، * بحار الانوار / مجلسی / ج ۸۸ / ص ۲۷۶ / ح ۲۵، معجم احادیث الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / کورانی عاملی / ج ۴ / ص ۴۰۷، صحیفة المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ص

داری، از تو درخواست می‌کنم،

و به احترام همه حقوقی که برای مخلوقات، بر خودت واجب دانسته‌ای، از تو درخواست می‌کنم، اگر این کاری که می‌خواهم انجام دهم، خیر دنیا و دین و آخرتم در آن است، پس بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام درود و رحمت فرست و این کار را بر من گوارا و آسان گردان، و با رحمت خود، ای مهربان‌ترین مهربانان، سایه لطف خویش را در این کار بر من بگستران.

و اگر این کار مُضِرّ به حال دنیا و آخرت من است، پس بر محمد و خاندانش درود و رحمت فرست و به هر گونه که خود خواستی، آن شرّ و بدی را از من دور کن و مرا راضی به قضای خود قرار ده و اندازه روزی خود را بر من مبارک گردان، تا در مورد چیزی که تو آن را به تأخیر انداخته‌ای، خواستار تعجیل نباشم و نیز در مورد چیزی که تو خواستار زود آمدن آن شده‌ای، هرگز خواستار تأخیر در آمدنش نباشم، زیرا که هیچ قدرتی نیست، مگر این که متکی به قدرت بی پایان خداوندی است. ای بزرگ، ای بزرگوار، ای صاحب شکوه و کرامت. (

○ استخاره با ورقه

در حدیثی آمده است: محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری ^(۱) نقل کرده است که طیّ نامه‌ای به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشت:

(شخصی نیازمند است کاری را انجام دهد و این کار از کارهایی است که نمی‌داند آن را انجام دهد یا خیر.

برای تعیین تکلیف، دو انگشتر بر می‌دارد و روی یکی می‌نویسد: آری! انجام بده! و روی دیگری می‌نویسد: خیر! انجام نده.

سپس از خداوند چند بار طلب خیر می‌کند و بعد دست می‌برد، یکی از آن انگشترها را برمی‌دارد و به هرچه در آن نوشته بود، عمل می‌کند.

آیا این کار جایز است؟ و آیا عمل کننده به چنین کاری که از این‌گونه استخاره دستور

(۱) - همان ابو جعفر، محمد بن عبدالله بن جعفر بن حسین بن جامع بن مالک الحمیری است که نجاشی در رجالش اعلان نمود که او مورد اعتماد است.

گرفته است و یا کسی که با دستور ترک گرفتن از این استخاره، به این کار اقدام نمی‌کند، مانند کسی است که با استخاره، تصمیم بر انجام یا ترک کاری گرفته باشد؟ و یا جریان غیر از این موارد است؟.

○ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب این نامه نوشته‌اند:

• حدیث ۱۴

الَّذِي سَنَّهُ الْعَالِمُ ﷺ فِي هَذِهِ: الْأِسْتِخَارَةَ بِالرَّقَاعِ وَالصَّلَاةِ. (۱)

(آن‌چه که در این گونه موارد مطرح است و سنت امام رضا (ع) است، استخاره با رُقعه و ورقه به همراه نماز است.)

• افشا

○ افشاگری بر علیه جعفر کذاب ← حرف ج - جعفر کذاب

• اطاعت

○ اطاعت از رهبر و مولا

محمد بن علی بن نوبخت گفت: تصمیم گرفتم به زیارت خانه خدا بروم و مقدمات کار را آماده کردم، اما نامه‌ای به من رسید که آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

• حدیث ۱۵

نَحْنُ لِذَلِكَ كَارِهُونَ. (۲) (ما به این سفر راضی نیستیم.)

قلبم گرفت و اندوهگین شدم و طیّ نامه‌ای به آقا نوشتم: من اطاعت می‌کنم و در وطن می‌مانم و به حج نمی‌روم. لکن از این که از زیارت خانه خدا محروم می‌شوم، غمی در دل

(۱) - الاحتجاج / طبرسی / ج ۲ / ص ۵۸۶ / ذح ۲۵۷ / س ۴، وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۷۳ / ح ۱۰۱۱۱ / ط آل‌البیت، بحارالانوار / مجلسی / ج ۸۸ / ص ۲۲۷ / ح ۲ / س ۲، و ج ۵۳ / ۱۶۸ / ذح ۴ / س ۱۴.

(۲) - محاسن / ج ۱ / مقدمه کتاب / س ۷، کافی / ج ۱ / ص ۵۲۲ / ذح ۱۷، الارشاد / مفید / ج ۲ / ص ۳۵۵ / س ۷، الغیبة / طوسی / ص ۴۱۶ / ح ۳۹۳، مدینه المعجز / بحرانی / ج ۸ / ص ۸۸ / ذح ۴۴ / ۲۷۰۰، بحارالانوار / ج ۵۱ / ص ۳۶۳ / ذح ۱۰ / س ۹، شرح اصول کافی / محمد صالح مازندرانی / ج ۷ / ص ۳۵۰ / ح ۱۷.

دارم. آن حضرت طی نامه‌ای خطاب به من نوشتند:

• حدیث ۱۶

لا یضیقنَّ صدرك، فانَّک تحجُّ من قابلٍ. (۱)

(«از این که امسال به حج نرفتی» دل تنگ نباش، چون سال آینده به حج خواهی رفت.)

در سال بعد وقتی ایام حج نزدیک شد، نامه‌ای به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشتم و درخواست اجازه سفر به حج را نمودم و نوشتم که من با محمد بن عباس قرار گذاشتم که به همراهش بروم و به دیانت و امانت داری او اعتماد دارم.

○ آن حضرت در جواب نوشتند:

• حدیث ۱۷

الأسدي نعم العَدیل، فان قدم فلاتختره علیه. (۲)

(ابوالحسین اسدی طرف قرار داد خوبی است، اگر جزء کاروان‌های اوّل بود، «و کاروانش از راه رسید» ، کسی را بر او ترجیح نده.)

پس از چندی ابوالحسین اسدی وارد شد و من با او قرار گذاشتم به همراهش به حج بروم.

• امام

○ ضرورت وجود امام

نیاز به امام معصوم و رهبر بی بدیل برای جامعه، در هر عصری از بديهيات روشن است و

(۱) - * محاسن / ج ۱ / مقدمه / س ۸، کافی / ج ۱ / ص ۵۲۲ / ذح ۱۷، الارشاد / مفید / ج ۲ / ص ۳۵۵ / س ۹، الغيبة / طوسی / ص ۴۱۶ / ج ۳۹۳، شرح اصول کافی / ج ۷ / ص ۳۵۰ / ذح ۱۷، مدينة المعاجز / بحرانی / ج ۸ / ص ۸۸ / ذح ۴۴ / ۲۷۰۰، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۶۳ / ذح ۱۰ / س ۱۰، المستجد من كتاب الارشاد / ابن مطهر حلی / ص ۲۴۹، معجم احادیث الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / کورانی / ج ۴ / ص ۴۴۰ / س ۱.

(۲) - * محاسن / ج ۱ / مقدمه / س ۱۰، کافی / ج ۱ / ص ۵۲۳ / ج ۱۷، ارشاد / مفید / ج ۲ / ص ۳۶۴، الغيبة / طوسی / ص ۴۱۶ / ذح ۳۹۳، المستجد من كتاب الارشاد / ص ۲۴۹، مدينة المعاجز / ج ۸ / ص ۸۹ / ذح ۴۴ / ۲۶۰۱، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۶۳ / ذح ۱۰ / س ۱۲، معجم احادیث المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۴۴۰ / ذح ۱۴۰۷، المختار من كلمات المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۲۹۷ / ذح ۸۴ / س ۱۲، معجم رجال الحديث / خویی / ج ۱۵ / ص ۱۶۷ / س

هر انسانی باید امام خویش را انتخاب کند و تحت رهبری او، به عبادت پروردگار مشغول شود.

اما نکته مهم این است که، این راه را هر کسی نمی تواند به آسانی ببیند، بلکه علاوه بر لزوم انتخاب امام، نوع انتخاب و راه رسیدن به امام عادل، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا چه بسیار بودند کسانی که با صدق و خلوص، به دنبال انتخاب پیشوایی معصوم بودند، اما دچار لغزش گشته و به جای انتخاب صالح، گرفتار انتخاب فاسد شدند.

○ سعد بن عبدالله قمی گوید: در آن جلسه که به حضور امام حسن عسگری علیه السلام رسیدم، از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در دامن پدرش نشسته بود، پرسیدم: مولای من! علت چیست که مردم توفیق پیدا نمی کنند امام زمان خود را انتخاب کنند؟ (گویا در پرسش به این نکته اشاره شده است که چگونه بعد از مدت کوتاهی از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، مردم دچار اشتباه شدند و ابابکر را به خلافت برگزیدند؟.)

○ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند:

• حدیث ۱۸

مُضْلِحٌ أَوْ مُفْسِدٌ؟. قُلْتُ: مُصْلِحٌ. قَالَ: هَلْ يَجُوزُ أَنْ تَقَعَ خَيْرٌ تَهُمٌ عَلَى الْمَفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ مَا يَخْطُرُ بِبَالٍ غَيْرِهِ مِنْ صَالِحٍ أَوْ فَاسَادٍ؟. قُلْتُ: بَلَى... (۱). (۲)

(آیا آن شخصی که توفیق انتخاب امام حقیقی خود را ندارد، انسان صالح و پاکی است. یا انسان فاسدی است؟. عرض کردم: انسان صالحی است.

آن حضرت پرسیدند: آیا امکان این هست که این شخص، با این که انسان صالحی است، به

(۱) - این روایت طولانی است و به خاطر حفظ اختصار ادامه متن عربی حذف شده است. علاقمندان می توانند به منابع روایت مراجعه فرمایند.

(۲) - دلائل الامامة / ص ۵۱۴ / ذح ۹۶/۴۹۲ / س ۱۱، کمال الدین / صدوق / ص ۴۶۱ / ذح ۲۱ / س ۱۷، تفسیر صافی / ج ۴ / ص ۱۰۰ / ذیل تفسیر آیه ۶۸ / قصص / س ۹، مدینه المعاجر / بحرانی / ج ۸ / ص ۵۸ / ذح ۲۱/۲۶۷۷ / س ۹، * بحار الانوار / مجلسی / ج ۲۳ / ص ۶۸ / ج ۳ و ج ۵۲ / ص ۸۴ / ذح ۱ / س ۲۱، مستدرک سفینه البحار / نمازی / ج ۱ / ص ۱۹۴، میزان الحکمة / ری شهری / ج ۱ / ص ۱۹۰ / ح ۹۱۶، معجم الاحادیث الامام المهدی (عج) / کورانی عاملی / ج ۴ / ص ۲۶۰ / ذح ۱۲۹۸ / س

گمان خودش، فردی را که نمی‌داند در واقع صالح است یا فاسد، بدون خبر از صالح بودنش، به عنوان فرد صالح انتخاب کند؟ عرض کردم: آری «چنین امکانی وجود دارد».

آن حضرت فرمود: این همان پاسخ پرسش توست، کمکت کردم تا به پاسخ تحقیقی پرسش خود برسی. حالا «اگر به همین روش استدلال کنم» آیا عقلت چنین استدلالی را می‌پذیرد؟ عرض کردم: آری!

آن حضرت فرمود: بگو ببینم! در مورد پیامبرانی که برگزیده خداوند هستند و دارای کتاب آسمانی نیز می‌باشند و خداوند آنها را از طریق وحی و نیز دادن مقام عصمت، مورد تأیید و حمایت خویش قرار داده است.

چرا که آنان بزرگان قوم خود بوده و هدایت یافته‌تر از آن بودند و آزاد بودن آنان در انجام وظایف، نیاز به اثبات داشته باشد، که از جمله آنان حضرت موسی و عیسی علیهما السلام را می‌توان نام برد،

حال با توجه به رشد و کمال عقلی حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما السلام و با توجه به این که آنان در زندگی دارای اختیار و اراده بوده‌اند، آیا این امکان وجود داشت که آنان، کسانی را که در واقع منافق بوده‌اند، به گمان خود صالح تشخیص داده و به عنوان مؤمن انتخاب کنند؟

عرض کردم: خیر «امکان ندارد آنان چنین اشتباهی مرتکب شوند.»

آن حضرت فرمود: «پس خوب گوش کن» این موسی کلیم الله و سخن گوینده با خداوند است که با همه رشد عقلی و کمال علمی و با این که وحی بر او نازل می‌شد، از بین بزرگان قوم خود و چهره‌های سرشناس نظامی، که نسبت به ایمان و اخلاص آنان هرگز شک نداشت، برای ملاقات با خداوند هفتاد نفر را انتخاب کرد.

اما جریان برعکس شد، یعنی او منافقین را انتخاب کرده بود «و خود نمی‌دانست» چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید، و هنگامی که زمین لرزه آنها را فرا گرفت «و هلاک شدند»، گفت:

پروردگارا! اگر می‌خواستی، می‌توانستی آنها و من را پیش از این هلاک کنی، آیا ما را به آنچه بی‌خردهای قوم ما انجام داده‌اند، هلاک می‌کنی؟! این جز آزمایش تو چیز دیگری نیست، که هرکس را بخواهی «و مستحق بدانی»، به وسیله آن گمراه می‌سازی، و هر

کس را که بخواهی « و شایسته بدانی»، هدایت می‌کنی. تو ولیّ ما هستی، پس ما را پیامرز و بر ما رحم کن، که تو بهترین آمرزندگان.»^(۱)

بنا بر این وقتی می‌بینیم حضرت موسی علیه السلام که خداوند او را به پیامبری برگزید، در موقع انتخاب، بدون آگاهی انگشت روی فاسدترین‌ها می‌گذارد و عناصر نامطمئن را به این خیال که صالح هستند، انتخاب می‌کند، درمی‌یابیم؛ کسی که از پنهان شده درون و مخفی‌های دل بی‌خبر است و از اسرار دور است، توان این را ندارد که صالح‌ترین واقعی را انتخاب کند.

و در می‌یابیم؛ با توجه به این که پیامبران در هنگام انتخاب صالح، به اشتباه اهل فساد را انتخاب می‌کنند، بر مجاهدین و انصار اشکالی وارد نیست، که در هنگام انتخاب امام خود، دچار اشتباه شوند. « و احياناً به بیراهه بروند و حتی در انتخاب خلیفه دچار اشتباه شوند و به جای امامان معصوم علیهم السلام، دیگران را انتخاب کنند.»

○ اهمیت امام شناسی

در هر عصری، شناختن پیشوا و رهبر و پیروی از آن، از جایگاهی ویژه برخوردار است. و این مهم بر عهده پیروان است. که اگر دچار مشکل شدند، به جستجو پردازند و از این بابت از اهمیت برخوردار است، که با کمترین اقدام پیرو، برای شناسایی امام خود، امام نیز قدم‌های بلندی را برای شناساندن خویش برمی‌دارد.

○ از محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی نقل شده است؛ در حالی که نسبت به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در تردید قرار گرفته و در جستجوی رسیدن به حقیقت بودم، وارد عراق شدم.

در این حال، فرستاده‌ای از طرف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسید و فرمود:

• حدیث ۱۹

قُلْ لِلْمَهْزِيَارِيِّ! قَدْ فَهِمْنَا مَا حَكَيْتَهُ عَنْ مَوَالِينَا بِنَاجِيَّتِكُمْ فَقُلْ لَهُمْ: أَمَا سَمِعْتُمْ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ:

(۱) -سورة اعراف / آية ۱۵۵.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ. »... (۱) (۲)

(به مهزیاری (۳) بگو؛ آن چه را که از طرف دوستان ما در منطقه خودت « به عنوان پیام آورده‌ای و » حکایت کردی، می‌دانم.

پس به دوستان ما بگو، آیا فرموده خداوند را نشنیده‌اید که فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید از خداوند و پیامبر خدا و اولوالأمر.

آیا هیچ امری جز همان ولایت که تا روز قیامت باقی است، وجود دارد؟ آیا نمی‌بینید که خداوند پناه‌گاه‌هایی را برای تان قرار داده است، تا به آن پناه ببرید؟ و آیا برای تان از زمان حضرت آدم علیه السلام، همین زمان که امام تان « امام حسن عسگری علیه السلام » درگذشت، رهبرانی قرار نداده است که با رفتن هر پرچمداری، پرچم‌دار دیگری ظاهر می‌شود؟ و هرگاه ستاره‌ای غروب می‌کرد، ستاره دیگری طلوع می‌نمود؟.

اما وقتی خداوند آن امام « امام حسن عسگری علیه السلام » را قبض روح کرد، گمان بردید که خداوند سبب متصل بین خود و خلقش را قطع نمود. هرگز چنین نیست و این گونه هم نبود، بلکه « این سبب متصل بین خدا و مردم » تا روز قیامت وجود دارد. و خداوند امر ولایت را آشکار می‌سازد، هرچند دشمنان را خوشحال نشوند.

ای محمد بن ابراهیم! نسبت به آن چه که از امر ولایت مطرح شد، شک و تردید در تو راه پیدا نکند، زیرا که خداوند، زمین را خالی از حجت نمی‌گذارد. آیا پدرت نبود که پیش از وفاتش به تو گفت: هم اکنون برو و شخص امینی را پیدا کن و بیاور، تا این دینارهای بیت المال را از من امانت بگیرد.

اما وقتی احساس کرد تا تو بروی و شخص امینی پیدا کنی، زمان می‌گذرد و ممکن است مرگش به سرعت فرا رسد، خطاب به خودت گفت: تو خودت این دینارها را از من به عنوان عاریه بپذیر، و کیسه‌ای بزرگ از دینارها را در اختیار قرار داد، چنان چه هم اکنون سه کیسه و یک همیان از دینارها با سکه‌های گوناگون، نزد توست که تو آن‌ها را به

(۱) - متن این نامه طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع حدیث مراجعه فرمایند.

(۲) - دلائل الامامة / ص ۵۲۶ / ذح ۱۰۳/۴۹۹. * کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۸۷ / باب ۴۵ / ح ۸، الخرائج و الجرائح / راوندی / ج ۳ / ص ۱۱۱۶ / ح ۳۱، مدینة المعاجز / بحرانی / ج ۸ / ص ۱۰۸ / ذح ۶۸/۲۷۲۴، بحار الانوار / مجلسی / ج ۵۳ / ص

(۳) - منظور محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی است. ۱۸۵

عنوان عاریه پذیرفتی و پدرت با مهر شخصی خودش، بر آنها مهر زد و از تو نیز خواست که با مهر شخصی خودت بر آنها مهر بزنی.

و گفت: اگر خودم زنده ماندم، می‌دانم با این دینارها چه کنم و اگر دار فانی را وداع گفتم، ابتدا در مورد خودت و سپس در مورد من از خدا بترس.

پس ای ابن مهزیار! برو و بر همین علاقه‌ای که من به تو دارم باقی باش. خدای رحمت کند، آن دینارهایی را که از بین طلاها و نقره‌ها به حساب ما کنار گذاشته‌ای، که ده دینار و اندی است، به اهلش برسان، زیرا که زمان حاضر سخت‌تر از سابق است. خداوند برای ما کافی است و او بهترین وکیل است.)

○ امامان معصوم علیهم‌السلام واسطه‌های فیوضات الهی

← حرف الف - ائمه - فضیلت امامان معصوم علیهم‌السلام

• انتخاب

○ اهمیت دقت در انتخاب

سعد بن عبدالله قمی می‌گوید: در آن سفری که به همراه احمد بن اسحاق قمی به سامرا، به حضور امام عسگری علیه‌السلام رسیدیم و آن حضرت دستور داد: پرسش‌هایم را از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که کودک بودند، بپرسم.

○ و یکی از آنها این بود که پرسیدم: ای مولای من! به من بگو دلیل این که برخی از افراد نمی‌توانند امام واقعی خویش را انتخاب کنند، چیست؟
به حرف الف - امامت - ضرورت وجود امام، مراجعه فرمایید.

• انتظار

○ وظیفه اصلی منتظران ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

انتظار ظهور حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو گونه است:

○ یکی انتظار اعتقادی و شعاری

○ و دیگری انتظار عملی و فراهم کردن زمینه ظهور آن حضرت

آن چه که مهم تر است و مأموریت اصلی منتظران ظهور می باشد، انتظار عملی و زمینه سازی برای برپایی حکومت عدل جهانی، در ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. ○ علی بن محمد از محمد بن علی بن ابراهیم و او از عبدالله ابن صالح نقل می کند که گفت: امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در کنار حجرالأسود مشاهده کردم که مردم همگی جذب نورانیت وجود او شده بودند، «در حالی که ایشان را نمی شناختند، چنین مجذوب بودند.»
در حالی که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرمود:

• حدیث ۲۰

مَا بِهَذَا أُمِرُوا. ^(۱) (به این کار امر نشده اند.)

«کنایه از این که شیعیان به کارهای عملی، جهت فراهم کردن زمینه ظهور آن حضرت مأمور هستند و باید به دنبال آن کار بروند و صرف ایستادن و بے بے گفتن کافی نیست.»

• انتقام

○ **انتقام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دشمنان خدا**

احمد بن اسحاق می گوید: به حضور امام حسن عسگری علیه السلام رسیدم، به این قصد که در مورد جانشین آن حضرت از ایشان بپرسم. هنگام ورود و پیش از طرح پرسش، آن حضرت خطاب به من فرمود: (خداوند از زمانی که آدم را خلق کرده است، تا روز قیامت، زمین را خالی از حجّت نمی گذارد.)

من پرسیدم: پس امام بعد از شما کیست؟

آن حضرت برخاست و داخل حجره شد و در حال بازگشت، کودک سه ساله ای را روی شانه خویش داشت و فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر اعتبار و ارزش تو نزد خداوند و امامان علیهم السلام نبود، پسر من را به تو نشان نمی دادم، که هم نام و هم کنیه پیامبر خداست.»
من سؤال کردم: آیا نشانه ای وجود دارد که این پسر، امام بعد از تو باشد؟

(۱) ... * اصول کافی / ج ۱ / ص ۳۳۱ / ح ۷، وسائل الشیعة / ج ۱۳ / ص ۳۲۷ / ح ۹، کشف الاستار / ص ۲۱۷.

در این حال آن پسر، به زبان عربی فصیح شروع به سخن کرد^(۱) و فرمود:

• حدیث ۲۱

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ، فَلَا تَطْلُبُ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنِ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ. (۲)
(من هستم کسی که خدا در زمین باقی گذارده است، و انتقام گیرنده از دشمنان خدا، پس وقتی که من را می بینی، پس چگونه به دنبال نشانه وجود من پرس و جو می کنی؟)

• انضباط

○ انضباط تشکیلاتی در لشکر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

از جمله مسایلی که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور به آن توجه جدی می نمایند، مسأله نظم و ترتیب، و داشتن تشکیلات منسجم است. حتی در مسأله قتل و دیه آن، کسانی را که بدون رعایت دستور و برخلاف نظم حرکت کنند و کشته شوند، دیه آن ها را منتفی می داند.

○ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وقتی ظهور می کند، در طول مسیر خطاب به لشکریان خویش می گوید:

• حدیث ۲۲

يَا مَعْشَرَ الْفُرْسَانِ! سِيرُوا فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ، يَا مَعْشَرَ الرِّجَالِ سِيرُوا عَلَى جَنْبِي الطَّرِيقِ. فَأَيُّمَا
فَارِسٍ أَخَذَ عَلَى جَنْبِي الطَّرِيقِ، فَأَصَابَ رَجُلًا عَيْبُ الزَّمَانِ الدِّيَّةَ وَأَيُّمَا رَجُلٍ أَخَذَ فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ
فَأَصَابَهُ عَيْبُ فَلَادِيَّةٌ لَهُ. (۳)

(۱) - تلخیص و ترجمه از بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۲۳ / ح ۱۶.

(۲) - * کمال الدین و تمام النعمة / ص ۳۸۴، اعلام الوری بأعلام الهدی / ج ۲ / ص ۲۴۹، محجة البيضاء / ج ۴ / ص ۳۳۹، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۲۴ / ذح ۱۶، مدينة المعاجز / ج ۸ / ص ۶۹، الزام الناصب / ج ۱ / ص ۳۵۳ / ص ۱۰، معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۲۶۷.

(۳) - * الأشباه والنظائر / ص ۱۶۱، * وسائل الشیعه / ج ۲۹ / ص ۲۴۳ / ح ۳۵۵۴۵، معجم احادیث الامام المهدی (عج)

(ای سوارکاران! از وسط خیابان حرکت کنید و ای پیاده نظام! از کنار خیابان حرکت کنید، و هر کس از پیاده نظام که از کنار خیابان حرکت می‌کند، اگر دچار حادثه شود، دیه او برماست و اما اگر یک نفر از پیاده نظام در وسط خیابان حرکت کند و برایش حادثه‌ای پیش آید، هیچ دیه‌ای برایش مقرر نمی‌شود.)

• امتحان

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه معروف البیان، که در بصره ایراد فرمودند، از تعداد افراد و یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خبر داده است که تعداد آنان به عدد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر است، یعنی ۳۱۳ نفرند. ^(۱) برخی از اصحاب برخاستند و آن حضرت را به حقّ خودش و به حقّ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قسم دادند که نام آنان را بگو.

حضرت علی علیه السلام پس از آن که نام تک تک آنان را بیان داشت، فرمود:

« یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جمع شده و در جستجوی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، او را در کنار مناره مسجد پیامبر می‌یابند. آن‌جاست که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود را به یاران خویش معرفی می‌کند. »

به روایتی در این زمینه توجه فرماید:

• حدیث ۲۳

فیقولون له : أنت المهدی؟. فیقول لهم : نعم یا أنصاری. ثمَّ انه یخفی نفسه عنهم لیُنظَر هم کیف هم فی طاعته فیمضی الی المدینة فیخبرونهم انه لاجقٌ بقبرِ جدّه رسول الله صلی الله علیه و آله فیلحقونه بالمدينة.

(۱) - مجموعه اسامی یاران حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ابتدای ظهور را برخی از کتاب‌ها با اسنادی که آورده‌اند، نام می‌برند، هرچند برخی از نقل‌ها در عین این که بر ۳۱۳ نفر تأکید دارند، اما عملاً در موقع شمردن ۳۱۴ نام را یادآور شده‌اند، در کتاب الزام الناصب ج ۲ / ص ۲۰۴ / س ۱۲، و کتاب معجم الملاحم و الفتن ج ۲ / ص ۱۰۶ / س ۸، که منبع حدیث فوق نیز هستند، اسامی یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است، علاقه‌مندان می‌توانند مراجعه کنند.

ضمن این که ممکن است این نام‌ها کنایه‌ای باشد.

فاذا احسّ بهم يوجّه الى مكة، فلا يزالون على ذلك ثلاثاً... (۱)

(اصحاب حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) وقتی آن حضرت را در کنار مناره مسجد الحرام می‌یابند، از آن حضرت می‌پرسند: آیا مهدی موعود تویی؟ حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در پاسخ آنان می‌فرماید: آری! ای یاران من! پس از آن، حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) برای مدّتی از دیدگان یاران خاصّ «۳۱۳ نفر» مخفی می‌شود، تا آنان را بیازماید، که تا چه حدّ از او اطاعت خواهند کرد و به مدینه می‌رود.

یارانش با خبر می‌شوند، که آن حضرت به سوی قبر جدّش رسول الله رفته است. به سوی مدینه می‌روند تا آن حضرت را بیابند. اما آن حضرت مجدّداً به مکه باز می‌گردد و این کار تا سه بار ادامه پیدا می‌کند، تا استقامت یاران سنجیده شود.)

○ دلیل امتحان پیامبران با بلاها ← حرف پ - پیامبر - پیامبران

• اهل بیت علیهم السلام

○ حقّ اهل بیت علیهم السلام

حقّ الناس و پرداخت آن، از معضلات بزرگی است که در قیامت هر انسانی گرفتار آن است، یعنی ممکن است خداوند از نافرمانی هایی که بنده نسبت به حقوق خداوند داشته است، درگذرد، ولی حقّ مردم به سادگی قابل رسیدگی و بخشش نیست. به ویژه اگر صاحب حق، امام معصوم علیه السلام باشد، که خوردن حقّ امامان معصوم علیهم السلام عواقب خطرناکی دارد.

○ ابوالحسین اسدی نقل کرده است که گفت: بدون این که از قبل، پرسشی را مطرح کرده باشم، از ناحیه ابو جعفر محمد بن عثمان عمّری، «دومین نماینده خاصّ امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)» نامه‌ای از حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به من رسید. برای مطالعه این نامه مراجعه فرمایید به حرف خ - خمس، موضوع اهمیّت خمس.

(۱) - الزام الناصب / ج ۲ / ص ۲۰۴ / س ۱۲، معجم الملاحم والفتن / ج ۲ / ص ۱۰۶ / س ۸، مجمع النورین / ص ۳۳۴.

◦ جایگاه اهل بیت علیهم السلام

امام‌شناسی از وظایف هر انسان شیعه است و این حقی است که امامان معصوم علیهم السلام بر گردن ما دارند و هر گونه درنگ کردن و بهانه آوردن در جریان امام‌شناسی و یا قدم نهادن در مسیر قبول کردن غیر معصوم به عنوان امام، مایه ناراحتی خدای بزرگ می‌شود و چنین انسانی مستحق توبیخ است.

◦ شیخ طوسی رحمته الله علیه گوید: نامه‌ای از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را که به عثمان بن عمری و فرزندش نوشته شده بود، با خط سعد بن عبدالله «که آن را روایت کرده بود» دیدم که آن حضرت خطاب به عمری و فرزندش فرمود:

• حدیث ۲۴

وَقَقُّكُمْ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ وَ تَبَتُّكُمْ عَلَى دِينِهِ وَ أَسْعَدَكُمْ بِمَرْضَاتِهِ، إِنْتَهَى إِلَيْنَا مَا ذَكَرْتُمْ أَنَّ الْمِيثِمِّيَّ أَخْبَرَكَ عَنِ الْمُخْتَارِ وَ مُنَاطِرَاتِهِ مَنْ لَقِيَ وَ احْتِجَاجِهِ بِأَنَّهُ لَا خَلْفَ غَيْرِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ وَ تَصَدِيقَهُ إِيَّاهُ... (۱) (۲)

(خداوند شما را در مسیر طاعت و عبادت موفق بدارد و شما را بر دین خویش ثابت قدم نگه دارد و با رضایت خودش از شما، شما را خوش بخت کند.

نکاتی را که در مورد نظر میثمی «یا هیشمی» و بحث‌هایی که با مخالفین داشت و این که آنان گفته بودند: برای امام عسگری علیه السلام غیر از جعفر بن علی، وارثی نیست. و میثمی نیز آنان را تصدیق کرده است، همگی به من رسید و نیز همه آن‌چه را که از جانب اصحاب تان نوشتید، دانستم.

من از کوری بعد از بینایی و از گمراهی بعد از هدایت و از پیگردهای کردار و از پرت‌گاه‌های فتنه، به خداوند پناه می‌برم. زیرا که خداوند بزرگ می‌فرماید: «الْم، آيا

(۱) - متن این نامه طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع حدیث مراجعه فرمایند.

(۲) - * کمال الدین / ج ۲ / ب ۴۵ / ص ۵۱۱ / ح ۴۲، الخرائج و الجرائح / ج ۳ / ص ۱۱۱۰ / س ۱۳، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۹۰ / ح ۱۹، معجم احادیث الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۲۸۷ / ذح ۱۳۱۲.

مردم گمان کردند همین که بگویند: ایمان آوردیم، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! (۱)»

اینان چگونه در فتنه فرو می‌افتند و در سرگردانی و حیرت مُرَدَّد هستند و به چپ و راست تمسک می‌کنند؟ آیا اینان از دین خود دست برداشته‌اند و یا نسبت به دین خود در شک افتاده‌اند؟ یا این که با حق دشمنی دارند و یا از مضامین روایات راست و درست بی‌خبرند؟

و یا مضامین روایات را می‌دانند، اما دریغ کرده‌اند از علم خود، که همانا زمین خالی از حجت نیست، یا دریغ کرده‌اند از شناختن حجت آشکار «امام ظاهر و در معرض دید همگان»، و یا حجت مخفی از دیدگان. آیا آنان ندانسته‌اند که امامان معصوم علیهم‌السلام به طور منظم، پس از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی پس از دیگری آمدند، تا این که به اراده خداوند جریان امر به امام حسن عسگری علیه‌السلام که اکنون در گذشته است، منتهی شد؟

همان امامی که در جایگاه پدران خویش، به هدایت مردم به سوی حق و صراط مستقیم مشغول شد. «همان امامانی که نور درخشنده و ستاره براق و ماه تابان بودند». پس از آن، خداوند او را به جوار رحمت خود فراخواند و او به روش پدران خویش عمل کرد و قدم جای قدم پدران خود گذاشت و بر مبنای عهدی که متعهد شده بود، عمل کرد. و بر اساس وصیتی که از پدران خود گرفت و به وصی مخفی خود سپرد، عمل کرد، آری! همان وصی‌ای که خداوند او را به امر خود، تا زمانی که خود می‌داند، از دیده‌ها پنهان ساخت و با خواست خود براساس قضای الهی‌اش و قدر در حال اجرایش، جایگاه و مکان زندگی‌اش را نیز مخفی ساخت.

آری! جایگاه و فضیلت این قضا و قدر الهی در وجود ماست. البته اگر خداوند نسبت به آن چه که از او منع کرد، اجازه صادر می‌نمود و حکم مخفی بودن را که حکم الهی است، برمی‌داشت، هر آینه من ظاهر می‌شدم و حق را با زیباترین چهره‌اش و روشن‌ترین برهان و واضح‌ترین نشانه برای آنان «کسانی که در تردید واقع شده‌اند» آشکار می‌ساختم. آن گونه که حق، با تمام جوانبش روشن شود و همه دلیل‌های آن اقامه گردد.

اما چه کنم که هیچ چیز بر قضا و قدر الهی پیروز نمی‌شود و خواست خداوند قطعی است

و رد خور ندارد و هیچ چیز بر اراده او پیشی نمی‌گیرد.

بنابر این، آنان باید پیروی از هوا و هوس را از خود دور کنند و بر اساس دینی که بر آن بوده‌اند، استقامت کنند و باقی بمانند و به تفحص و جستجو در مورد آنچه را که مخفی از دید آنهاست، نپردازند «در فکر این نباشند» که امام زمان خود را همیشه و در هر حال که بخواهند، ببینند و بشناسند،

که اصرار بر این کار، باعث گناه کار شدن آنان می‌گردد و هرگز در صدد برنمایند که راز پروردگار را بکشایند که این کار برای آنان باعث پشیمانی است و این را بدانند که حق با ماست و در میان ماست، البته این جمله را غیر از ما، هر کس که بگوید دروغگو و گمراه نا امید است.

پس آنان «کسانی که نسبت به ما تردید کرده‌اند» همین جمله را «أَنَّ الْحَقَّ فِينَا وَمَعَنَا» به خواست خداوند از ما داشته باشند و به آن اکتفا کنند و به همین مقدار قانع شوند و به تفسیر آن نپردازند.

○ آثار و عواقب دشمنی با اهل بیت (علیهم‌السلام)

کمترین اثر دشمنی با اهل بیت (علیهم‌السلام)، آثار دنیایی آن است و حداقل اثر دنیایی آن، این است که آن بزرگواران، از انسان روی گردان شوند و انسان را دشمن خویش بدانند و این خود، بزرگ‌ترین خسارت برای یک انسان است.

○ ابن حماد از حضرت علی (علیه‌السلام) نقل کرده است که فرمود:

آن گاه که سُفیان با پرچم‌های سیاه و با همراهی شعیب بن صالح سر به شورش بر می‌دارد، مردم برای خلاصی از شر او، ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را آرزو می‌کنند.

آنجاست که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حالی که پرچم حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در دست دارد، از مکه ظاهر می‌شود و این زمانی است، که مردم از قیام و ظاهر شدن آن حضرت مأیوس می‌شوند.

اما او در همان روزگار ناامیدی مردم ظاهر می‌شود، ابتدا دو رکعت نماز می‌خواند و بعد از نماز، خطاب به مردم می‌فرماید:

• حدیث ۲۵

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَلْحَ الْبَلَاءِ بِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ خَاصَّةً فَهُوَ بَاغٍ بِنِعْيِ عَلَيْنَا. (۱)

(ای مردم! بلاء و گرفتاری بر امت محمد ﷺ و به ویژه بر اهل بیت محمد ﷺ هجوم آورده است. اکنون او «سفیانی» تجاوزگری است که بر علیه ما طغیان کرده است.)

○ فضایل اهل بیت ﷺ

در مورد ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ابو بصیر حدیثی طولانی از امام باقر ﷺ نقل کرده است که آن حضرت فرمود :

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قبل از ظهور و تکیه زدن بر دیوار کعبه، ابتداءً به بیان فضایل اهل بیت ﷺ می پردازد. حضرت خطاب به اصحابش می فرماید :

• حدیث ۲۶

يَا قَوْمِ! إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنِي وَ لَكِنِّي مُرْسَلٌ إِلَيْهِمْ لِأَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِي أَنْ يَسْتَجِجَ عَلَيْهِمْ. وَ هُوَ يَقُولُ لَكُمْ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ الْخِلَافَةِ وَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ سُلَالَةُ النَّبِيِّينَ وَ إِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَ اضْطَهَدْنَا وَ قَهَرْنَا وَ ابْتَزَّ مِنَّا حَقَّنَا مُنْذُ قُبِضَ نَبِيُّنَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فَتَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَأَنْصُرُونَا. (۲)

(ای یاران من! همانا اهل مکه ما را دوست نمی دارند و با ما همراه نیستند. اما من به سوی آنان فرستاده شدم و مأمورم به گونه ای که از فردی مثل من شایسته است، در برابر آنان استدلال کنم و حقایقت خود را به اثبات برسانم.

سپس مردی از اصحاب خویش «نفس زکیه» را فرامی خواند و خطاب به او می فرماید: به سوی اهل مکه برو و بگو: ای اهل مکه! من فرستاده فلانی «امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» هستم. (او برای شما پیام فرستاده و فرمود: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم.

(۱) - کنز العمال / ج ۱۴ / ص ۵۹۰ / ذح ۳۹۶۷۳، موسوعة الإمام المهدي (عج) / فقيه ایسمانی / ج ۱ / ص ۱۵۷ / س ۱۹، *

معجم احادیث الامام المهدي (عج) / ج ۳ / ص ۷۶ / ح ۶۲۰.

(۲) - * بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۲۰۷ / ح ۸۱ / س ۳، معجم احادیث الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / کورانی

العالمی / ج ۳ / ص ۳۹۴ / ذح ۸۳۱، عصر الظهور / کورانی العالمی / ص ۲۷۹.

ما از نسل محمد ﷺ و سلسله پیامبران هستیم، به ما ستم شد و مورد آزار و اذیت قرار گرفتیم و شکست ظاهری را بر ما تحمیل کردند و از روزی که پیامبر اسلام ﷺ رحلت کرد، تا به امروز، دشمنان حق ما را به زور از ما گرفتند. پس ما از شما یاری می‌طلبیم، پس به کمک ما بیایید.)

« فرہنگ سخنان امام زمان (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) »

حرف ب

- بعثت
- بیت المال
- بیعت

• بعثت

○ ستایش خداوند به خاطر بعثت حضرت محمد ﷺ

← حرف د - دعای ندبه «موضوع شماره ۲»

• بیت المال

○ تصرف در بیت المال

مسلمانانی که به بیت المال مسلمین و حق حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دست اندازی کنند، حضرت روز قیامت در مقابشان می ایستد و او را دشمن خویش می داند و هر مسلمانی باید از چنین وضعیتی پرهیز کند، که یکی از راههای رهایی از غصه این گرفتاری و مشکل، احتیاط در بیت المال و پرهیز از تصرف بی اجازه در اموال امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

زیرا کسی که بی پروا در اموال امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تصرف کند، دشمن او خواهد بود.

○ در روایتی، محمد بن جعفر اسدی نقل می کند: یکی از جوابهای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که از طریق محمد بن عثمان «دومین نایب خاص امام زمان (عج)» به شیعیان ابلاغ شد، این بود که:

• حدیث ۲۷

وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرٍ مَنْ يَسْتَحِلُّ مَا فِي يَدِهِ مِنْ أَمْوَالِنَا وَ يَتَصَرَّفُ فِيهِ تَصَرُّفِهِ فِي مَالِهِ مِنْ غَيْرِ

أَمْرِنَا، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مَلْعُونٌ وَ نَحْنُ خَصَمَاؤُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

(اما این که پرسیدی ؛ حکم کسی که اموال ما را در اختیار دارد و آن را برای خود حلال می‌داند و بدون اجازه ما، همانند تصرف در اموال خویش در آن تصرف می‌کند، « پس باید بگویم : » کسی که چنین کند، ملعون است و ما در روز قیامت، دشمن او خواهیم بود.)

○ موارد مجاز تصرف در بیت المال

هرچند تصرف بی اجازه در بیت المال حرام است و کسی که از ناحیه حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان غیبت صغری، اجازه خاص و در زمان غیبت کبری، اجازه عام نداشته باشد، حق تصرف در بیت المال را ندارد، اما خود آن بزرگوار موارد و عناوینی را برای جواز تصرف مطرح کرده‌اند، که یکی از آنها، تصرف با کسب اجازه، برای ارتقاء کیفیت در اموال متعلق به بیت المال است.

○ در روایتی محمد بن جعفر اسدی نقل می‌کند؛ از جمله جواب‌های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که توسط محمد بن عثمان عمّری « دومین نایب خاص حضرت »، به ما رسید، این است که :

• حدیث ۲۸

أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الضِّيَاعِ الَّتِي لِنَاحِيَّتِنَا هَلْ يَجُوزُ الْقِيَامُ بِعِمَارَتِهَا وَ أَذَاءِ الْخَرَاجِ مِنْهَا وَ صَرْفِ مَا يُفْضَلُ مِنْ دَخْلِهَا إِلَى النَّاحِيَةِ اِحْتِسَاباً لِلْأَجْرِ وَ تَقَرُّباً إِلَيْنَا، فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ مِنْ مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَيْفَ يَحِلُّ ذَلِكَ فِي مَالِنَا، مَنْ فَعَلَ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا فَقَدْ اسْتَحَلَّ مِنَّا مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئاً، فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَاراً وَ سَيُصَلِّي سَعِيراً. (۲)

(اما آن مزرعه ما که در موردش کسب تکلیف کردی و پرسیدی که آیا می‌توان اقدام به آباد کردن آن نمود، به نحوی که از درآمدش مالیات آن نیز پرداخت شود، و باقی مانده

(۱) - کمال الدین / ص ۵۲۰ / ذح ۴۹ / س ۱۷، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۵۸ / ذح ۳۵۱ / س ۱۳، وسائل الشیعه / حرّ عاملی / ج ۹ / ص ۵۴۰ / ذح ۱۲۶۷۰ / بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۲ / ذح ۱۱ / س ۱۵ و ج ۹۳ / ص ۱۸۴ / ذح ۲ / س ۱۴، معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۲۹۶ / ذح ۱۳۱۹ / س ۱۶.

(۲) - کمال الدین / ص ۵۲۱ / ذح ۴۹ / س ۱۰، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۵۹ / ذح ۳۵۱ / س ۱۲، معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / کورانی / ج ۴ / ص ۲۹۷ / ذح ۱۳۱۹ / س ۲.

درآمد آن از باب مال الإجارة زمین و برای جلب رضایت ما، برای ما ارسال شود؟
 «در جواب باید بگویم» در امور افراد معمولی هم، هیچ کس بدون اجازه صاحب آن، حق تصرف در مال دیگران را ندارد، پس چگونه بدون اجازه ما، در مال ما تصرف می‌کنند؟
 هر کس بدون دستور از طرف ما چنین اقدامی بکند، مانند کسی است که مال ما را که بر او حرام است، بر خود حلال کند. و هر کس «اگر چه ذره‌ای» از اموال ما را «بی حساب» بخورد، همانا آتش را بلعیده است و به زودی در شعله‌های سوزان آتش می‌سوزد. (

○ آثار تصرف در بیت المال

یکی از نتایج و آثار تصرف بدون اجازه در بیت المال و حلال دانستن آن برای خویش، این است که هر آن چه خورده باشد، در قیامت تبدیل به آتش خواهد شد.

○ اسحاق بن یعقوب نقل می‌کند؛ از جمله جواب های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که از طریق محمد بن عثمان عمّری «دومین نایب خاص حضرت» و با خط شریف آن حضرت نوشته شده بود، این نوشته است؛

• هدیث ۲۹

وَأَمَّا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا، فَمَنْ اسْتَحْلَلَ مِنْهَا شَيْئًا فَأَكَلَهُ، فَإِنَّمَا يَأْكُلُ النَّيْرَانَ. (۱)

(اما کسانی که با اموال ما سر و کار دارند، پس آن کسی که اموال ما را برای خود حلال بداند و به غیر حق از آن بخورد، البته آتش جهنم را بلعیده است.)

• بیعت

○ شرایط بیعت یاران خاص با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه معروف به خطبه البیان، که در بصره ایراد فرمودند، در بیان علائم و نشانه‌های ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نیز وقایع هنگام و بعد از ظهور آن حضرت، مطالبی فرمود که در بخشی از آن آمده است :

(۱) - الغيبة / طوسی / ص ۲۹۲ / ذح ۲۴۷ / س ۳، * کمال الدین / ص ۴۸۵ / ح ۴ / س ۸، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۴۴ / ذح ۳۴۴، الخرائج والجرائح / ج ۳ / ص ۱۱۱۴ / ذح ۳۰ / س ۱۵، وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۵۵۰ / ح ۱۶ / ۱۲۶۹۰، بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۱ / ذح ۱۰ / س ۱۲ و ج ۷۵ / ص ۲۸۰ / ذح ۱ / س ۱۰ و ج ۹۳ / ص ۱۸۴ / ذح ۱.

(پس از آن که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در ابتدای ظهور، یاران خاص خویش، یعنی همان ۳۱۳ نفر را مورد آزمایش قرار می‌دهد و آنان در طلب آن حضرت از مکه به مدینه، سه بار رفت و آمد می‌کنند. آن بزرگوار بین صفا و مروه بر آنان ظاهر می‌شود و خطاب به آنان می‌فرماید :

• حدیث ۳۰

انی لست قاطعاً أمراً حتى تباعوني على ثلاثة خصلية تلزمكم لا تغيرون منها شيئاً. و لكم على ثمان خصالٍ. فقالوا : سمعنا و أطعنا فاذا ذكر لنا ما أنت ذاكرة، يا ابن رسول الله!... (۱) (۲)

(هیچ برنامه روشنی برای شما ارائه نمی‌دهم، مگر این که با من هم پیمان شوید، که سی خصلت را همواره مراعات کنید و هرگز هیچ یک از آن‌ها را تغییر ندهید و رها نکنید. در برابر پیمانی که شما با من می‌بندید، من هم با شما پیمان می‌بندم، هشت خصلت را همواره مدّ نظر داشته باشم.)

آنان عرض می‌کنند : ما گوش به فرمان و مطیع هستیم، ای پسر پیامبر خدا، هر شرطی که می‌خواهی مطرح فرما. پس از آن که یاران اعلان آمادگی کردند، حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به طرف کوه صفا حرکت می‌کند و آنان نیز همراه آن حضرت حرکت می‌کنند.

در آن جا امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) خطاب به آنان می‌فرماید :

(اما آن سی نکته‌ای که باید منشور هم پیمانی شما با من باشد، مواردی است که در ذیل می‌آید :

۱ - هرگز از اطاعت من سرپیچی نکنید و از هیچ یک از اصول توافقات عقب نشینی ننمایید.

۲ - هرگز دست به دزدی نزنید.

۳ - هرگز به زنا کاری آلوده نگردید.

(۱) - متن این روایت طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع حدیث مراجعه فرمایند.

(۲) - الزام الناصب / ج ۲ / ص ۲۰۴ / س ۱۲، معجم الملاحم و الفتن / ج ۲ / ص ۱۰۶ / س ۸، مجمع النورین / ص ۲۲۴.

- ۴ - هرگز فعل حرام انجام ندهید.
- ۵ - هرگز به فحشا و فساد گرایش نداشته باشید.
- ۶ - به ناحق هیچ کس را نزنید.
- ۷ - به زراندوزی و جمع کردن طلا مبادرت نکنید.
- ۸ - به جمع کردن نقره مشغول نشوید.
- ۹ - گندم را احتکار نکنید.
- ۱۰ - هرگز جو را احتکار نکنید.
- ۱۱ - هیچ مسجدی را خراب نکنید.
- ۱۲ - هرگز شهادت باطل ندهید.
- ۱۳ - هرگز از مؤمنینی بدگویی نکنید.
- ۱۴ - هرگز ربا نخورید.
- ۱۵ - در سختی‌ها بردبار باشید.
- ۱۶ - بر هیچ خداپرستی لعنت نفرستید.
- ۱۷ - هرگز شراب نخورید.
- ۱۸ - هرگز لباس زربافت « بافته شده از تار و پود طلا » نپوشید.
- ۱۹ - هرگز پارچه ابریشمی را به روی خود نیاندازند.
- ۲۰ - لباسی که از دیباچ، « پارچه ابریشمی رنگ شده » دوخته شده است را نپوشید.
- ۲۱ - دشمن شکست خورده در حال فرار را تعقیب نکنید و نکشید.
- ۲۲ - هیچ خون ناحقی را نریزید.
- ۲۳ - با هیچ مسلمانی به حيله و نیرنگ برخورد نکنید.
- ۲۴ - حتی بر کفار هم تجاوز و ستم نکنید.
- ۲۵ - با منافقان به تجاوز و ستم برخورد نکنید.
- ۲۶ - هرگز لباس دوخته شده از ابریشم بر تن نکنید.
- ۲۷ - در زندگی ساده زیست باشید و خاک، فرش زندگی شما باشد.
- ۲۸ - از فساد و فحشا همواره بی‌زاری بجوید.
- ۲۹ - امر به معروف را سرلوحه زندگی خویش قرار دهید.

۳۰ - همواره نهی از منکر کنید.

هر گاه شما نسبت به این سی مورد ذکر شده، با من پیمان بستید، این حق را خواهید داشت، که من هم در مورد هشت چیز به شما پیمان بسپارم ؛

۱ - متعهد می شوم شما دوستان خاص من باشید و دیگران را بر شما ترجیح ندهم.

۲ - لباس هایی را که می پوشم، مانند لباس های شما باشد.

۳ - غذا و خوراکم مانند غذای شما باشد.

۴ - مرکب سواری من همطراز مرکب شما باشد.

۵ - در همه حال و هر زمان با شما باشم.

۶ - همواره همراه با شما حرکت کنم.

۷ - در زندگی به مقدار کم راضی باشم.

۸ - زمین پر از ظلم و جور شده را، پُر از عدل و داد کنم.

پس همگان خدا را آن گونه که شایسته است، عبادت می کنیم. من به عهدم با شما وفا

می کنم و شما هم به عهدتان با من وفا دار بمانید. (

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف پ

- پدر
- پرهیزگاری
- پوشاک
- پیامبر - پیامبران

• پدر

○ احسان به پدر

مرحوم سیّد محمد موسوی نجفی هندی، امام جماعت حرم امیرالمؤمنین علیه السلام، از جناب شیخ باقر، فرزند شیخ هادی کاظمی نقل کرده است؛ یکی از مؤمنین «که در حتمّ دلاک بود» پدر پیر و ناتوانی داشت و مرتّب در خدمت پدر بود و به کارهایش می‌رسید. به جز شب‌های چهارشنبه که در خدمت پدر نبود و به مسجد سهله، برای عبادت می‌رفت. اما پس از مدّتی، رفتن به مسجد سهله را ترک کرد. پرسیدم: چرا دیگر شب‌های چهارشنبه به مسجد سهله نمی‌روی؟

گفت: من مرتّب به مسجد سهله می‌رفتم، تا چهل شب، اما چهلمین چهارشنبه که خواستم بروم، به خاطر برخی گرفتاری‌ها رفتنم به تأخیر افتاد، تا این که نزدیک غروب آفتاب حرکت کردم، که به شب برخورددم.

شب مهتابی بود و یک سوم از راه را رفته بودم، که ناگهان دیدم عربی سوار بر اسب، به طرف من می‌آید. وحشت کردم و پیش خود گفتم: الآن است که بیاید و اموال من را بگیرد.

اما با تعجّب دیدم، وقتی به من رسید، با زبان عربی محلی با من سخن گفت و پرسید: کجا می‌روی؟ گفتم: به مسجد سهله می‌روم.

پرسید: از خوردنی‌ها چیزی به همراه داری؟ گفتم: نه.

فرمود: دست در جیبت کن، پیدا می‌کنی. گفتم: می‌دانم چیزی در جیبم نیست. با تندی فرمود: دست در جیبت کن، پیدا می‌کنی. وقتی دست در جیبم گذاشتم، فهمیدم آن مقدار کِشمشی را که برای کودکم خریده بودم، در جیبم مانده است. پس از آن، حضرت خطاب به من فرمودند:

• حدیث ۳۱

أُوصِيكَ بِالْعُودِ ^(۱)، أُوصِيكَ بِالْعُودِ. ^(۲)

(مواظب پدر پیرت باش، مواظب پدر پیرت باش، مواظب پدر پیرت باش.)
و بعد از آن از نظرم غایب شد و من از این جریان دو چیز دانستم؛ یکی این که آن شخص، همان مولای من حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود.
و دیگر این که او راضی نیست من حتی شب‌های چهارشنبه هم، از پدرم جدا شوم.

• پرهیزگاری

○ پرهیزگاری محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی ^(۳)

در عالم تعلیم و تربیت، خوبان با کمترین اشتباه ممکن است توبیخ شوند، زیرا درختان باغ، هرچه محبوب‌تر باشند، اصلاح آن با حساسیت و دقت بیشتری انجام می‌شود، به طوری که اگر کمترین ناهماهنگی در آنها ایجاد شود، باغبان اقدام به اصلاح می‌نماید.
در مورد انسان نیز، جریان به همین صورت است که گاهی، برخی از مؤمنان آن چنان محبوبند که با کمترین اشتباهی که مرتکب می‌شوند، شخص امام معصوم علیه السلام، اقدام به رفع اشتباه از آنان می‌کند.

○ محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی رضی الله عنه می‌گوید: به قصد زیارت و دیدن حضرت صاحب

(۱) - «عود» در عربی و بالهجه بدوی، یعنی پدر پیر.

(۲) - منتهی الآمال / ج ۲ / ص ۸۴۴ / ب ۱۴ / س ۲۰ / حکایت ۲۱، نجم الثاقب / ص ۴۱۹ / حکایت ۸۶ / س ۱۱، خلاصه عبقری الحسان / ص ۲۲۵ / ج ۶۷ / س ۱۳، * بحار الانوار / مجلسی / ج ۵۳ / ص ۲۴ / س ۱۱ / حکایت ۱۸، العبقری الحسان / ج ۲ / ص ۸۸ / س ۲۴.

(۳) - در مورد آل مهزیار در حرف الف - امام، توضیح مختصری آمده است.

الزَّمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به سامرا رفتیم و به طرف ناحیه مقدسه حرکت کردم. زنی سر راهم حاضر شد و پرسید: آیا محمد بن ابراهیم تویی؟ گفتم: آری! آن زن گفت: برگرد، چون در این ساعت نمی‌توانی وارد ناحیه مقدسه شوی و شب هنگام بیا که درب باز است، وارد خانه شو و به طرف حجره‌ای که چراغ در آن روشن است، برو. من هنگام شب همان کار را کردم و به طرف آن خانه رفتم، که درب باز بود. وارد خانه شدم و به سوی همان حجره‌ای که آن زن گفته بود، رفتم. در آن هنگام خود را بین قبر دو امام معصوم دیدم، که در این حال ناله کنان، گریه کردم. در همین حالات بود که صدایی را شنیدم که می‌فرمود:

• حدیث ۳۲

يَا مُحَمَّدُ! اتَّقِ اللَّهَ وَ تُبْ مِنْ كُلِّ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ، فَقَدْ قَلَّدْتَ أَمْرًا عَظِيمًا. (۱)

(ای محمد! از خدا بترس و از تمام آن کارها که تا کنون انجام دادی، «و تحت عنوان نمایندگی از ناحیه مقدسه و به نام ما کارهایی را انجام دادی» توبه کن، زیرا که تو مسؤولیت بزرگی را بر عهده داری.)

• پوشاک

○ پوشیدن پوشاک از پوست دباغی شده

احمد بن داوود قمی نقل می‌کند؛ در نوشته‌ای دیدم که به خط ابراهیم نوبختی و املاء ابی القاسم حسین بن روح بود و در آن پرسش‌هایی از امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) شده بود که از آن حضرت جواب هم دریافت کرده بودند و از جمله آن سؤال و جواب‌ها این بود؛

○ در مورد کفشی که از پوست دباغی شده، ساخته باشند، از آن حضرت سؤال شد که بعضی از اصحاب ما می‌گویند: پوشیدن آن صحیح نیست.

آن حضرت در پاسخ مرقوم فرمودند:

(۱) - * کمال الدین / صدوق / ج ۲ / ص ۴۸۷ / س آخر، الخرائج و الجرائح / قطب الدین / ج ۲ / ص ۱۱۱۸ / س ۱ / ح ۳۲، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۲۲۶ / ح ۴۷.

• حدیث ۳۳

جائز ذلك و لا بأس به. ^(۱) (« پوشیدن آن جایز است و اشکالی ندارد. »)

• پیامبر - پیامبران

○ عصمت پیامبران

سعد بن عبدالله قمی می گوید: در آن جلسه که به همراه احمد بن اسحاق قمی به حضور امام حسن عسگری علیه السلام رسیدم، به دستور امام، پرسش هایم را از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدم و جواب دریافت کردم.

○ در یکی از آن پرسش ها از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدم: ای پسر رسول خدا! بفرمایید چرا خداوند به حضرت موسی علیه السلام دستور داد « کفش هایم را بیرون آور، که تو در سرزمین مقدس « طُوًی » هستی. » چون فقهای شیعه و سنی می پندارند که کفش حضرت موسی از پوست مردار حیوان، « یعنی حیوانی که ذبح شرعی نشده باشد » بود.

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

• حدیث ۳۴

مَنْ قَالَ ذَلِكَ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى مُوسَى وَ اسْتَجْهَلَهُ فِي نُبُوتِهِ لِأَنَّهُ مَا خَلَا الْأَمْرُ فِيهَا مِنْ خَطِيئَتَيْنِ إِمَّا أَنْ تَكُونَ صَلَاةُ مُوسَى فِيهِمَا جَائِزَةً أَوْ غَيْرُ جَائِزَةٍ، فَإِنْ كَانَتْ صَلَاتُهُ جَائِزَةً جَازَ لَهُ لُبْسُهُمَا فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ.

وَ إِنْ كَانَتْ مُقَدَّسَةً مُطَهَّرَةً فَلَيْسَتْ بِأَقْدَسَ وَ أَطْهَرَ مِنَ الصَّلَاةِ وَ إِنْ كَانَتْ صَلَاتُهُ غَيْرُ جَائِزَةٍ فِيهِمَا فَقَدْ أُوجِبَ عَلَى مُوسَى أَنَّهُ لَمْ يَعْرِفِ الْحَلَالَ مِنَ الْحَرَامِ وَ مَا عَلِمَ مَا تَجُوزُ فِيهِ الصَّلَاةُ وَ مَا لَمْ تَجُزْ، وَ هَذَا كُفْرٌ. ^(۲)

(۱) - * الغيبة / طوسی / ص ۲۸۲ / ذح ۳۴۶ / س ۷، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۷۲ / ذح ۳۵۵ / س ۵، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۵۷ / ذح ۲.

(۲) - * کمال الدین / ص ۴۶۰ / ح ۲۱ / س ۶، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۲۸ / ذح ۳۴۱ / س ۵، مدينة المعاجز / ج ۸ / ص ۵۶ /

(هر کس چنین گفته است به حضرت موسی تهمت زده است و در عین حال به آن حضرت، نسبت جهالت و نادانی داده است، زیرا این که بگویند کفش حضرت موسی از پوست مردار بوده است. یکی از دو اشتباه را باید به حضرت موسی نسبت دهید.

چون یا نماز خواندن با آن نعلین جایز بود و یا نبود. اگر بگویید نماز خواندن در آن نعلین^(۱) برای حضرت موسی جایز بود، پس پوشیدن آن کفش و رفتن در آن مکان مقدّس هم جایز بود، و آن مکان هر اندازه که مقدّس باشد، هرگز از نماز مقدّس تر نیست.

و اگر نماز خواندن در آن نعلین جایز نبود، پس لازم می آید که بگوییم حضرت موسی، حلال و حرام را تشخیص نمی داده و نمی دانست که نماز خواندن در چه چیزی جایز است و در چه چیزی جایز نیست و این کفر است.)^(۲)

سعد بن عبدالله قمی می گوید: عرض کردم: ای پسر رسول خدا! در مورد دو آیه «فاخلع نعلیک» و «انّک بالواد المقدّس» بفرمایید منظور چیست؟

حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

إِنَّ مُوسَى نَاجَى رَبَّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ، فَقَالَ: يَا رَبِّ إِنِّي قَدْ أَخْلَصْتُ لَكَ الْمَحَبَّةَ مِنِّي، وَغَسَلْتُ قَلْبِي عَمَّنْ سِوَاكَ - وکان شدید الحبّ لأهله - فَقَالَ اللهُ تَعَالَى: «إِخْلَعْ نَعْلَيْكَ» أَي أَنْزِعْ حُبَّ أَهْلِكَ مِنْ قَلْبِكَ إِنْ

→ ذح ۲۱/۲۶۷۷/س ۷، بحارالانوار / ج ۱۳ / ص ۶۵ / ح ۴ / س ۹ و ج ۵۲ / ص ۸۳ / ذح ۱ / س ۱۲، و ج ۸۰ / ص ۲۳۶ / ح ۳۶ / س ۱۹، معجم احادیث الامام المهدي (عج) / ج ۴ / ص ۲۵۹ / ح ۱۲۹۸.

(۱) - نعل، نعلین و نعال معمولاً به کفش هایی گفته می شود که بندهایی دارد که روی پا قرار می گیرد و رویش بسته نیست. بنابر این مسأله نماز خواندن با نعلین مانع رسیدن انگشتان بر زمین نمی شود، پس پوشیدن آن در نماز اشکالی ندارد.

(۲) - محقق کتاب کمال الدین در ج ۲ / ص ۴۶۰ همان کتاب آورده است. خود صدوق علیه السلام در علل الشرایع از امام صادق علیه السلام روایت صحیحی را نقل کرده است که إخلأ نعلیک، نعلین خود را از پا درآور، از این بابت بود که نعلین از پوست خر مردار تهیه شده بود، به همین دلیل این روایت منقول از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بعید می شمارد.

امّا باید گفت: بر طبق بیان مجلسی علیه السلام در بحارالانوار / ج ۱۳ / ص ۶۵، در مورد تفسیر اخلع نعلیک، در قرآن کریم، شش احتمال را مطرح می کند که مورد ششم در مورد این روایت، احتمال بیشتری دارد و آن این که منظور این است که قلبت را از هر چیزی غیر از خدا خالص کن.

كَانَتْ مَحَبَّتُكَ لِي خَالِصَةً، وَ قَلْبُكَ مِنَ الْمَيْلِ إِلَى مَنْ سِوَايَ مَغْسُولًا. (۱)

(حضرت موسی در وادی مقدّس با خدای خود مناجات کرد و عرض کرد: پروردگارا! من همه عشق و علاقه‌ام را خالصانه و مخلصانه برای تو قرار داده‌ام و دلم را از غیر تو پاک کرده‌ام «در حالی که حضرت موسی به خانواده‌اش محبت بسیار داشت»، این جا بود که خداوند فرمود: اِخْلَعْ نَعْلَيْكَ، یعنی اگر واقعاً مرا دوست داری و از غیر من دل کنده‌ای، دوستی و علاقه به خانواده‌ات را از دلت بیرون کن.)

○ دلیل امتحان پیامبران با بلاها

نایب‌های خاصّ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در دوره غیبت صغری، واسطه ارتباط با مردم بودند و تعداد آن‌ها هم، در مجموعه غیبت صغری از چهار نفر بالاتر نرفت (۲)، بدون شنیدن از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چیزی را از خود بیان نمی‌کردند و هر آن چه که به مردم پاسخ می‌دادند، عیناً همان چیزی بود که در ملاقات‌ها، به گونه‌ای از خود حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن را شنیده بودند.

روایتی که در ذیل می‌آید، بخشی از فلسفه شهادت امام حسین علیه السلام را توضیح می‌دهد و بر این نکته تصریح دارد که گفتار نواب خاصّ، همان است که از حضرت ولیّ عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شنیده‌اند.

○ محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی می‌گوید: به همراه جماعتی از جمله علی بن عیسی قیصری، نزد ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه بودیم که شخصی نزدیکش رفت و گفت: می‌خواستم چیزی بپرسم؟.

حسین بن روح گفت: بپرس آن چه را که در ذهن داری. آن مرد پرسید: از امام حسین علیه السلام برایم بگو، آیا او ولیّ الله بود؟.

حسین بن روح گفت: آری. آن مرد پرسید: آیا سزاوار است که خداوند دشمن خودش

(۱) - دلائل الامامة / ص ۵۱۳ / س ۹، اجتجاج / ج ۲ / ص ۲۷۲، * کمال الدین / ص ۴۶۰ / ح ۲۱ / س ۱۱، مدینه المعاجز / ج ۸ / ص ۵۶ / س ۱۵ / ح ۲۶۷۷ / ۲۱، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۸۳ / ذح ۱ / س ۱۸.

(۲) - توضیح بیشتر در مورد نواب خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حرف ن - نمایندگان خاصّ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است.

«عدو الله» را بر ولیّ خودش «ولیّ الله» مسلط کند؟

ابوالقاسم بن روح در جواب گفت:

• حدیث ۳۵

إِفْهَمَ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ، إِعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يُخَاطِبُ النَّاسَ بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ وَلَا يُشَافِيهِمْ بِالْكَلَامِ
وَلَكِنَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ يَبْعَثُ إِلَيْهِمْ رُسُلًا مِنْ أَجْناسِهِمْ وَأَصْنَافِهِمْ بَشَرًا مِثْلَهُمْ... (۱) (۲)

(به آن چه که می گویم دقت کن. بدان که خداوند تبارک و تعالی مردم را در حالی که با چشم سر او را ببینند، مورد خطاب قرار نمی دهد و با حضور جسمانی با افراد سخن نمی گوید.

اما خداوند بزرگ رسولانی را از جنس خود مردم و از نوع خود مردم که بشرهایی همانند مردم هستند، به سوی آنان می فرستد. و اگر از غیر هم جنس و هم شکل مردم، رسولانی به سوی آنان می فرستاد، از او دوری می کردند و حرف هایش را نمی پذیرفتند.

از آن طرف وقتی رسولانی از جنس خود مردم که می خوردند و در بازار راه می رفتند، به سوی آنان مبعوث شدند، مردم گفتند: شما بشرهایی همانند ما هستید و ما حرف های تان را نمی پذیریم، مگر این که یک کاری را که ما نتوانیم انجام دهیم، انجام دهید. و معجزه ای بیاورید تا ما بدانیم که تنها شماست که چنین کاری می توانید بکنید و ما قادر بر آن نیستیم.

بر این اساس، خداوند توان کارهای اعجاز آمیزی را که دیگران از انجام آن عاجز بودند، به پیامبران عنایت فرمود. و از پیامبران الهی، یکی «حضرت نوح» بود که پس از انذار و ترساندن مردم از عذاب خداوند و اتمام حجّت بر آنان، خداوند به درخواست او، آن طوفان عظیم را آورد که همه سرکش ها و متمرّدین را غرق نمود.

و یکی دیگر از پیامبران الهی «حضرت ابراهیم علیه السلام» بود، که در آتش افکنده شد، اما آتش بر

(۱) - متن این نامه طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می توانند به منابع حدیث مراجعه فرمایند.

(۲) - * کمال الدین / ص ۵۰۷ و ۵۰۸ / ح ۳۷ / ص ۱۸. علل الشرایع / صدوق / ج ۱ / ب ۱۷۷ / ص ۲۸۳ / ذح ۱ / ص ۵، الغیبة / طوسی / ص ۳۲۴ الی ۳۲۶ / ح ۲۷۳، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۴۷ / ذح ۲۴۶ / ص ۸، الدعوات / راوندی / ص ۶۶ / ح ۱۶۴، عوالم / جلد امام حسین علیه السلام / ص ۵۲۱، بحار الانوار / ج ۴۴ / ص ۲۷۳ / ح ۱.

او سرد و ملایم گردید. و یکی دیگر از پیامبران الهی «حضرت صالح علیه السلام» بود که به قدرت خداوند، از درون کوه و قطعه سنگی سخت، شتری بیرون آورد و از پستان‌های آن شیر جاری ساخت.

و یکی دیگر از پیامبران الهی «حضرت موسی علیه السلام» بود که به اذن خداوند، دریا را شکافت و از درون سنگ، برایش چشمه‌ها برای بهره بردن قومش جاری شد و عصایی که در دست داشت، ماری بزرگ «افعی» شد و وسایل دروغین ساحران را بلعید و نابود کرد.

و یکی دیگر از پیامبران الهی «حضرت عیسی علیه السلام» بود که کور مادرزاد و نیز مبتلا به مرض پیسی را شفا داده و مرده‌ها را زنده کرد و این همه به اذن خداوند انجام می‌شد و از آن چه که مردم می‌خوردند و نیز در خانه‌های شان ذخیره می‌کردند، خبر داد.

و یکی دیگر از پیامبران الهی، حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود. همان پیامبری که ماه را دو نیم کرد و چهار پایانی همانند شتر و سوسمار و غیر آن‌ها با او سخن گفتند. آنگاه که پیامبران الهی این گونه معجزات را آوردند و خلق در مورد آن‌ها عاجز ماندند و نتوانستند مثل آن‌ها را بیاورند، با این همه، از باب لطف خداوند به بندگان و حکمتی که خداوند در این کار قرار داده بود، این شد که پیامبران با این همه قدرت اعجاز، باز هم در ظاهر گاهی پیروز و چیره شوند و گاهی شکست بخورند.

که اگر خداوند در همه حال پیامبران را پیروز قرار می‌داد، و آن‌ها را به بلاء گرفتار نمی‌کرد و امتحان نمی‌نمود، هر آینه مردم آنان را به جای خداوند و به عنوان خدایان خود انتخاب می‌کردند و جایگاه با فضیلت صبر و بردباری پیامبران بر بلاها و امتحان‌ها، برای مردم روشن نمی‌شد.

اما خداوند پیامبران را در مورد پیروزی و شکست، همانند دیگر مردمان قرار داد، تا در سختی و بلا صابر باشند و در رفاه و پیروزی بر دشمنان، شاکر باشند و در تمام حالات زندگی خود فروتن باشند و از خود راضی و متکبر نباشند.

و بندگان نیز بدانند که برای پیامبران هم، خدایی است که خالق و مدبّر امور پیامبران است، تا مردم خدا را پرستش کنند و مطیع پیامبران الهی باشند و نیز بر کسانی که در مورد پیامبران غلوّ و زیاده روی کردند و پیامبران را خدا دانستند، حجّت تمام شود.

و نیز بر کسانی که با پیامبران دشمنی آغاز کردند و به مخالفت برخاسته و نافرمانی

کردند و آورده‌های پیامبران را انکار کردند، حجّت تمام باشد. تا هر کس که هلاک می‌گردد، بر اساس دلیل و برهان هلاک گردد و هر کس که زنده و جاوید می‌ماند، بر اساس دلیل و برهان، زنده و جاوید بماند. (

محمد بن ابراهیم بن اسحاق رضی الله عنه می‌گوید: فردای آن روز که این سخنان را از ابوالقاسم بن روح رضی الله عنه شنیدم، به حضورش رسیدم، در حالی به این فکر بودم که آن چه را که ابن روح برای من بیان کرد، از طرف خودش بود، یا از حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان کرده است؟.

در همین حال و بدون این که چیزی بر زبان بیاورم، حسین بن روح شروع به سخن کرد و خطاب به من فرمود:

(ای محمد بن ابراهیم! البته اگر از آسمان به طرف زمین بیافتم و در هوا پرنده شکاری من را برباید و یا باد سهمگین مرا در مکانی دور دست بیندازد، برایم دوست داشتنی‌تر است، از این که از روی هوای نفس خود و با رأی خودم، مطلبی برای تان بگویم، بلکه آن چه را که گفتم، مطابق با اصل است و از حضرت حجّت بن الحسن العسگری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شنیدم.)

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) »

حرف ت

- تربت
- تسلیت
- تشرف
- تفسیر
- توبه
- توسل
- توصیف

• تربت

○ فضیلت تربت امام حسین علیه السلام

استفاده از تسبیح تربت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام اولویّت فراوانی دارد.

یک صورتش به این است که، اگر انسان ابتدا ذکر را شروع کند و در وسط به علّتی، گفتن ذکر را فراموش کند، ولی تسبیح را هم چنان در دست داشته باشد، و دانه‌های آن را به سبک شمردن ذکر جا به جا کند، ثواب ذکر گفتن را خداوند به او می‌دهد.

○ محمد بن عبدالله حمیری طیّ نامه‌ای از حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسید: آیا انسان می‌تواند از خاک قبر «تربت امام حسین علیه السلام» تسبیح تهیّه کند و آیا این کار فضیلتی دارد؟

حضرت در جواب فرمودند:

• حدیث ۳۶

يُسَبِّحُ بِهِ فَمَا مِنْ شَيْءٍ مِنَ التَّسْبِيحِ أَفْضَلُ مِنْهُ وَ مِنْ فَضْلِهِ أَنَّ الرَّجُلَ يَنْسِي التَّسْبِيحَ، وَ يُدِيرُ الشُّبْحَةَ فَيُكْتَبُ لَهُ التَّسْبِيحُ. (۱)

(کسی که از تربت امام حسین علیه السلام دانه‌های تسبیح تهیّه کرده است، می‌تواند به وسیله آن

(۱) - الاحتجاج / ج ۲ / ۵۸۳ / ذح ۳۵۷ / س ۵، وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۴۵۷ / ذح ۷/۸۴۳۳، * بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۶۵ / ذح ۸۴ و ج ۸۲ / ص ۳۲۷ / ح ۱، حدائق الناضرة / ج ۸ / ص ۵۲۴ و ۵۲۵ / مصباح الفقیه / ج ۲ / ص ۳۹۷، من لایحضره الفقیه / ج ۱ / ص ۲۶۸ / س ۱۶ «باکمی تفاوت»، تهذیب الاحکام / ج ۶ / ص ۷۶ / ذح ۱۷/۱۴۸ / س ۱، محجة البیضاء / ج ۲ / ص ۳۴۹ / س ۱۴ «باکمی تفاوت»، وسائل الشیعه / ج ۱۴ / ص ۵۳۶ / ذح ۱/۱۹۷۷۱ «باکمی تفاوت».

تسبیح خداوند بگوید و هیچ چیزی برای تسبیح گفتن، با فضیلت‌تر از آن نیست و برای نمونه، یکی از فضیلت‌های آن این است که، انسان با تسبیح تهیّه شده از تربت که ذکر می‌گوید، ممکن است گاهی گفتن ذکر را فراموش کند، امّا همین که دانه‌ها را «در دست دارد و» می‌گرداند، خداوند ثوابِ گفتن ذکر را به او عنایت می‌کند. (

• تسلیت

○ پیام تسلیت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در وفات اولین نایب خاصّ

← حرف م - محمد - محمد بن عثمان عمّری

• تشرف

○ تشرف علامه مجلسی اول[ؑ] خدمت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

← حرف م - مجلسی[ؑ]

○ تشرف ابوسوره حسین بن عبدالله تمیمی

از برکات وجودی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر غیبت، این است که در فکر دوستان خویش و اهداء هدیه به آنان است. به گونه‌ای که در صورت عدم توفیق و دسترسی بر مراد، وعده کمک نیز می‌دهد.

○ احمد بن علی رازی از جناب ابوذر احمد بن ابی سوره (ابوسوره همان حسین بن عبدالله تمیمی است که زیدی مذهب هم بود) نقل می‌کند که گفت: از گروهی از مردم شنیدم که داستانی را از پدرم «ابوسوره» نقل می‌کردند و آن داستان این است که پدرم، روزی از منزل به طرف منطقه حیر^(۱) رفت.

پدرم گفت: وقتی به منطقه حیر رسیدم، جوانی خوش سیما را دیدم که نماز می‌خواند و آن جوان پس از سلام نماز خداحافظی کرد و با منطقه وداع کرد و من هم وداع کرده و از منطقه

(۱) - کتاب مهدی موعود در پاورقی ص ۷۳۶ - موضوع ابوسوره زیدی را آورده است و نوشت: حیر نام قصر متوکل عباسی بود که بعدها خراب شد.

خارج شدم. به صورت اتفاقی با هم از منطقه بیرون آمدیم و با هم حرکت کردیم، تا به منطقه مَشْرَعَه^(۱) رسیدیم.

آن جوان از من پرسید:

• حدیث ۳۷

یا ابا سوره اَینَ تُریدُ؟. فقلت: الكوفة، فقال لي: مَعَ مَنْ؟... (۲) (۳)

(ای اباسوره قصد کدام مسیر را داری؟. من گفتم: می‌خواهم به کوفه بروم.

پرسید: به همراه چه کسی می‌خواهی به کوفه بروی؟. من گفتم: به همراه همه مردم.

فرمود: آیا دوست نداری ما با هم برویم؟. من عرض کردم: چه کسی همراه ما می‌آید؟.

فرمود: منظورم این نیست که کسی همراه ما باشد «بلکه من و شما با هم می‌رویم». «ابی سوره

می‌گوید:» من به همراه آن جوان به راه افتادیم و شب را به راه خود ادامه دادیم که ناگهان

خود را در مقابل قبرستان مسجد سهله دیدم.

آن جوان فرمود: منزلت آنجاست، اگر خواستی؛ با من خداحافظی کن و برو. سپس به

من فرمود: سر راهت علی بن یحیی «پسر زراری»^(۴) را می‌بینی، به او بگو: آن مقدار

پولی که نزد اوست به تو بدهد. ابی سوره می‌گوید: عرض کردم: او به این آسانی به من

پول نمی‌دهد.

آن جوان فرمود: نشانی‌هایی از پول‌ها می‌گویم به او بده. «سپس مقدار پول از نظر دینار و درهم

و این که در کجا قرار دارد و روی آن با چه چیزی پوشانده شده است را به من فرمود.» پرسیدم: شما

کیستی؟.

فرمود: من محمد بن الحسن هستم «یعنی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)». گفتم: اگر

این نشانه‌هایی را که می‌گویی قبول نکند و نشانی دیگری بخواهد چه کنم؟.

فرمود: من از پشت سرت می‌آیم. ابی سوره گوید: من به حضور ابن زراری رسیدم و

(۱) - ناحیه‌ای است در نزدیکی کوفه که آن روز آباد و مسکونی بود «رجوع به فرهنگ دهخدا - حرف ح».

(۲) - متن این نامه طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع حدیث مراجعه فرمایند.

(۳) - الغیبة / للطوسی / ص ۲۶۹ / ح ۲۳۴. * بحار الانوار / علامه مجلسی / ج ۵۲ / ص ۱۴ / ح ۱۲ / ۱۵. معجم الاحادیث

الامام المهدی (عج) / ج ۴ / ص ۴۲۳ / س ۳. (۴) - در برخی نسخه‌ها و نسخه بدّل «دراری» دارد.

تمامی نشانی‌ها را گفتم و او پول را به من تحویل داد. سپس گفتم آن شخص گفته بود؛ اگر پول‌ها را نداد، من پشت سرت می‌آیم. این زراری گفت: لازم نیست! و اضافه کرد که؛ البته جز خدا، کسی نمی‌داند که او چه وقت می‌آید. این را گفت و پول را تحویل داد.

• تفسیر

○ تفسیر کهیعص « آیه اول سوره مریم »

سعد بن عبدالله قمی می‌گوید: پس از آن که در مناظره با بعضی از ناصبی‌ها دچار مشکل شدم، حدود چهل پرسش را نوشتم و رفتم که از عالم شهر، احمد بن اسحاق پرسم. گفتند که او به سفر برای ملاقات با امام عسگری علیه السلام رفته است.

من هم به دنبالش رفتم و در راه به او رسیدم. با هم به محضر امام حسن عسگری علیه السلام مشرف شدیم. احمد بن اسحاق کیسه‌ای از جواهرات آورده بود که تقدیم کند.

امام عسگری علیه السلام فرمود: تحویل پسر، مهدی بده.

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که کودکی روی زانوی پدر بود، یک به یک اسامی را گفت و حرام‌ها را از حلال‌ها جدا کرد، اما احمد بن اسحاق حواله مختصر یک پیر زن را در محل اقامت جا گذاشت و فراموش کرد که بیاورد. و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به یادش آورد.

احمد بن اسحاق رفت تا آن بسته را بیاورد. در این فاصله امام حسن عسگری علیه السلام فرمود: ای سعد! چه شد که به حضور ما آمدی؟ گفتم: احمد بن اسحاق تشویق کرد که می‌توانم به زیارت شما بیایم.

آن حضرت فرمود: پس آن مسایل را که می‌خواستی بررسی چه شد؟ عرض کردم: آری! هنوز هم می‌خواهم پرسم.

حضرت فرمود: از پسر پرس. و اشاره کرد به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

سَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ مِنْهَا. (هر چه در ذهن داری پرس.)

سعد بن عبدالله قمی می‌گوید: سؤالات زیادی پرسیدم. یکی از آنها این بود که عرض

کردم؛ یابن رسول الله! از تفسیر کلمه «کهیصص» برایم بگو.

○ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

• حدیث ۳۸

هذه الحروف من أنباء الغيب، أطلع الله عليها عبده زكريا، ثم قصها على محمد ﷺ و ذلك أن زكريا سأل ربه أن يعلمه أسماء الخمسة فأهبط عليه جبرئيل فعلمه إياها، فكان زكريا إذا ذكر محمداً ﷺ و علياً ﷺ و فاطمة ﷺ و الحسن ﷺ و الحسين ﷺ سري عنه هممه، وأنجلي كربته، وإذا ذكر الحسين خنقته العبرة و وقعت عليه البهزة، فقال ذات يوم: يا إلهي! ما بالي إذا ذكرت أربعا منهم تسليت بأسمائهم من همومي، وإذا ذكرت الحسين تدمع عيني و تشور زفرتي؟ فأنبأه الله تعالى عن قصته، و قال: «كهيصص» «فالكاف» اسم كربلاء، و «الهاء» هلاك العثرة و «الياء» يزيد، و هو ظالم الحسين ﷺ، و «العين» عطشه، و «الصاد» صبره. (۱)

(این حروف از خبرهای غیبی هستند که خداوند آن‌ها را به اطلاع بنده‌اش، حضرت زکریا ﷺ رساند و سپس داستان آن را برای حضرت محمد ﷺ نقل کرد. جریانش این گونه بوده است که، حضرت زکریا از خداوند خواست، اسم‌های پنج تن را به او بیاموزد. جبرئیل نازل شد و اسم‌های پنج تن را برایش آورد و گفت آنان عبارتند از حضرت محمد ﷺ، حضرت علی ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ، امام حسن ﷺ، و امام حسین ﷺ، و با این نام‌ها، غم و غصه‌اش از بین می‌رفت و اندوهش به خوشی تبدیل می‌گشت. اما وقتی به نام مبارک امام حسین ﷺ می‌رسید، اشک در چشمانش حلقه می‌زد و نفس‌هایش به شماره می‌افتاد.

روزی عرض کرد: پروردگارا! مرا چه می‌شود که وقتی نام چهار نفر اول، از پنج تن را می‌برم، با نام آن‌ها تسلائی خاطر پیدا می‌کنم و اندوهم برطرف می‌گردد. اما وقتی نام امام حسین ﷺ را بر زبان جاری می‌کنم، آشکم جاری می‌شود و آه از جگر بلند می‌شود؟

خداوند داستان امام حسین ﷺ را برای زکریا نقل کرد. و فرمود: «کهیصص»، پس «کاف»

(۱) - * کمال الدین / ص ۴۶۱ / ح ۲۱، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۸۴ / ذح ۱ / س ۳، فرائد السمطين / ج ۲ / ص ۱۷۱ / ح ۴۵۹.

علامت اختصاری نام کربلا است و «هاء» علامت شهادت خاندان امام حسین علیه السلام است و «یاء» علامت نام یزید ملعون است، همان کسی که این ستم را بر امام حسین علیه السلام روا داشت. و «عین» علامت عطش و تشنگی امام حسین علیه السلام در روز عاشورا است. و «صاد» علامت صبر و بردباری امام حسین علیه السلام است.

• توبه

○ پذیرش توبه تردید کنندگان در وجود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

برقرار کردن ارتباط معنوی با امامان معصوم علیهم السلام، در حالت ابتدایی اش، آن است که انسان به آن بزرگواران اطمینان و یقین داشته باشد و در صورت شک در حقانیت آنان، توبه کند و حقانیت آن بزرگواران را بپذیرد.

○ اسحاق بن یعقوب کلینی می گوید: سؤالاتی را از طریق محمد بن عثمان عمری «نایب خاص دوم حضرت» خدمت حضرت فرستادم و حضرت جواب آن‌ها را برایم ارسال کردند. یکی از پاسخ‌ها به این شرح است؛

• حدیث ۳۹

وَأَمَّا نَدَامَةٌ قَوْمٍ شَكُّوا فِي دِينِ اللَّهِ عَلَى مَا وَصَلُونَا بِهِ، فَقَدْ أَقْلَنَّا مِنْ إِسْتِقَالٍ وَ لَأَحَاجَةٌ إِلَى صَلَاةِ الشَّاكِّينَ. (۱)

(اما آن گروهی که پس از شک در دین خدا، پشیمان شدند، پس آن‌ها که توبه کرده و بازگشتند، ما توبه آن‌ها را پذیرفتیم و هیچ نیازی نیست، برای ما هدیه بفرستند. «تادل ما را به دست آورند، فقط باید توبه کنند.»)

• توسل

○ توسل به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

انسان در هر مجلسی که بخواهد وارد شود، باید با آداب و رسومی خاص آشنا باشد و

(۱) - کمال الدین / ص ۴۸۵ / ذح ۴ / س ۱۱، الغيبة / طوسی / ص ۲۹۲ / ذح ۲۴۷ / س ۱۱، * الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۴۴ / ذح

۳۴۴، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۱ / ذح ۱۰ / س ۱۵.

هرچه پرمعناتر، زیباتر و خالصانه‌تر سخن بگوید، از جایگاه بهتری برخوردار خواهد شد. سخن گفتن در درگاه خداوند و نیز برقراری ارتباط با امامان معصوم علیهم‌السلام از طریق دعا، از این قاعده جدا نیست. یعنی هر چه سخن مخلصانه‌تر و پرمعناتر باشد، احتمال حاجت روا شدن شخص بیشتر است و یکی از وجوه همت امامان معصوم علیهم‌السلام نیز این بود که، نوع دعا کردن را به مردم بیاموزند.

○ محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: نامه‌ای از طرف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسید که در آن نوشته شده بود: ^(۱)

• هَدِيث ۴۰ •

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِاللَّغَةِ فَمَا تُغْنِي [النذر] عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْنَا، فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ» ^(۲)، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِثْقَالَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَا غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ. السَّلَامُ

(۱) - هیچ یک از منابع آدرس داده شده، شأن صدور این توقیع را بیان نکردند، اما با توجه به این که در نقل حمیری، بعد از پرسش از مسائلی و شاید نوشتن جواب‌های آن‌ها، حضرت صاحب الزمان (عج) این توقیع شریف را صادر فرمودند، می‌شود برداشت کرد که شاید پرسش‌ها طوری بود که ایجاب می‌کرد، چنین توقیعی صادر شود.

در نتیجه ممکن است خطاب مربوط به همان پرسش‌کنندگان باشد و یا اساس خطاب عام است و امام به مناسبت، این توقیع را صادر کردند. (۲) - سورة صافات / آیه ۳۰.

عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمَسِي.
 السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ السَّمَاوُونَ. السَّلَامُ
 عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ السَّمَاوُونَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.
 أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لِأَحَبِّبَ
 إِلَّاهُ وَ أَهْلَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ
 حُجَّتَهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى
 حُجَّتَهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ.
 أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ أَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لِأَشْكَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنْتَ مِنْ قَبْلُ أَوْ
 كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ تَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ،
 وَ أَنَّ الصِّرَاطَ وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعْدَ
 بِهِمَا حَقٌّ.

يَا مَوْلَايَ! شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ. فَأَشْهَدُ عَلَى مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ
 مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ، وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ
 عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَ خَدَهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ، وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِأَيِّمَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا
 مَوْلَايَ أَوْلِيكُمْ وَ آخِرُكُمْ، وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ.

الدُّعَاءُ عَقِيبَ هَذَا الْقَوْلِ :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَ لِيكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ
 وَ طَهَّرْتَ تَهُمْ تَطْهِيرًا. اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ انصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ.
 اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ
 وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ، مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ،
 وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيِّدْهُ بِالنُّصْرِ وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخذُلْ خاذِلِيهِ، وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَ اقْتُلْ بِهِ
 الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ
 امْلَأْ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ، وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَغْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ، وَ
 أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ مَا يَأْمَلُونَ، وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَخْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ

الإكرام، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ الشَّبَاتِ، وَعِزِّي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عليهم السلام، حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِثَاقِكَ، فَتَسْعُنِي رَحْمَتُكَ يَا وَلِيَّيَا حَمِيد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالدَّاعِي إِلَيَّ سَبِيلِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالثَّابِرِ بِأَمْرِكَ، وَوَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَمُجْلِي الظُّلْمَةِ وَمُنِيرِ الْحَقِّ، وَالسَّاطِعِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَعَلْمُ الْهُدَى وَنُورَ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرُ مَنْ تَقَمَّصَ وَازْتَدَى، وَمُجْلِي الْعَمَى، الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ^(۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان،

(برای کارهای الهی اندیشه نمی‌کنید و به حرف‌های اولیاء خدا گوش نمی‌دهید، قرآن کریم یک حکمت کاملی است که به نهایت کمال رسیده است، اما اخطار دادن به افرادی که گوش به فرمان نیستند، سودی ندارد. ^(۲)

سلام و درود بر ما و بر همهٔ بندگان صالح خداوند باد.

سپس آن حضرت فرمود: اگر خواستید با یاد کردن از ما، به خدا و ما متوسل شوید، پس ابتدا همان گونه که خداوند در قرآن کریم فرمود: درود بر پیامبر بفرستید و بگویید: سلام بر خاندان یاسین «خاندان پیامبر». ^(۳)

و در ادامه بگویید: سلام بر تو ای دعوت‌کننده به سوی خدا و نشانهٔ ارزشمند و دانای خدا! سلام بر تو ای دروازهٔ ورود به محضر پروردگار و چیره دست در آگاهی نسبت به دین

(۱) - الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۹۱ تا ۵۹۵، * بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۱۷۱ تا ۱۷۳ ح ۵ و ج ۹۹ / ص ۸۱ تا ۸۳ / ذح ۱، معجم احادیث المهدی (عج) / ج ۴ / ص ۳۴۹.

(۲) - طبرسی در مجمع البیان / ج ۹ / ص ۳۰۹، می‌گوید: امکان هم دارد که «ما» در «ما تغنی» استفهام باشد که معنا می‌شود: وقتی گوش به فرمان نیستند، دیگر انذار چه فایده‌ای دارد؟.

(۳) - سورة صافات / آیه ۳۰.

خدا!

سلام بر تو ای جانشین خدا در زمین و یاری کننده دین حق او!

سلام بر تو ای حجّت خدا و راهنمای رسیدن به آیات خداوندی!

سلام بر تو ای تلاوت کننده قرآن کریم و ترجمه کننده آن!

سلام بر تو در همه ثانیه‌های شب و در تمام ساعات روز تو!

سلام بر تو ای باقی مانده حجّت خداوند در زمین!

سلام بر تو ای پیمان محکم خداوند که از مردم اخذ کرده است!

سلام بر تو ای وعده تضمین شده خداوند «برای نجات مردم»!

سلام بر تو ای پرچم برافراشته و ای دانش مورد رغبت دیگران و ای فریادرس و رحمت

واسعه‌ای که خداوند وعده آن را داد و هرگز دروغ نخواهد بود!

سلام بر تو هنگامی که ایستاده‌ای. سلام بر تو هنگامی که نشسته‌ای.

سلام بر تو آن گاه که به قرائت قرآن و روشن‌گری مشغول هستی.

سلام بر تو آن گاه که نماز می‌خوانی و قنوت می‌خوانی.

سلام بر تو آن گاه که رکوع انجام می‌دهی و به سجده می‌روی.

سلام بر تو آن گاه که «لا إله إلا الله» و الله اکبر می‌گویی.

سلام بر تو آن گاه که ثنای خداوند می‌گویی و نیز استغفار می‌کنی.

سلام بر تو آن گاه که شب را صبح می‌کنی و روز را به شب می‌رسانی.

سلام بر تو در شب، آن گاه که همه جا را فراگیرد و در روز، آن گاه که جلوه کند.

سلام بر تو ای پیشوای پناه دهنده!

سلام بر تو ای پیشتازی که همگان انتظار قدومت را داشته‌اند!

سلام بر تو با هر نوعی از سلام که قابل هدیه کردن به پیشگاه تو باشد.

ای مولای من! ای صاحب الزمان! تو را گواه می‌گیرم که شهادت می‌دهم، خدایی جز

خدای یکتا نیست، واحد است و شریکی ندارد و حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بنده او،

پیام آور از ناحیه خداست. همان پیامبری که برای جز او و اهل بیتش علیهم السلام هیچ دوست

دیگری وجود ندارد.

و شهادت می‌دهم که امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام حجّت خداست و امام حسن

مجتبی علیه السلام حجّت خداست. و امام حسین علیه السلام حجّت خداست. و حضرت علی بن الحسین، زین العابدین علیه السلام حجّت خداست. و حضرت محمد بن علی امام باقر علیه السلام حجّت خداست. و حضرت جعفر بن محمد امام صادق علیه السلام حجّت خداست. و حضرت موسی بن جعفر، امام کاظم علیه السلام حجّت خداست. و حضرت علی بن موسی امام رضا علیه السلام حجّت خداست. و حضرت محمد بن علی، امام جواد علیه السلام حجّت خداست. و حضرت علی بن محمد، امام هادی علیه السلام حجّت خداست. و حضرت حسن بن علی، امام عسگری علیه السلام حجّت خداست. و گواهی می‌دهم که تو «یا صاحب الزّمان» حجّت خدا هستی.

اوّل و آخر خلقت بشر شما هستید و در روزی که اگر کسی از قبل، ایمان نیاورده باشد و یا نتیجه خیر از ایمان خود نگرفته باشد، ایمان آن روزش به او سودی نمی‌بخشد، رجعت شما امامان معصوم علیهم السلام در آن روز حق است و شکی در آن نیست.

و شهادت می‌دهم که مرگ حق است و وجود دو فرشته‌ای که در قبر سؤال از اعمال می‌کنند «نکیر و منکر» حق است و شهادت می‌دهم که روز قیامت و محشور شدن انسان‌ها در آن روز، حق است و پل صراط و گذرگاه عبور از محاسبات در قیامت حق است و جایگاه سنجش اعمال و حساب‌رسی اعمال بندگان حق است و بهشت و جهنّم حق است و وعده بهشت و تهدید به جهنّم حق است.

ای مولای من! «صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» تیره بخت است کسی که با شما از در مخالفت درآید، و خوشبخت است، کسی که از شما پیروی کند، پس نسبت به آن چه که در برابرتان به آن‌ها گواهی دادم، بر من گواه باش. البته من دوست‌دارتان هستم و از دشمنان‌تان بیزارم.

حق چیزی است که شما راضی به آن باشید و باطل آن چیزی است که شما به آن راضی نباشید. نیکی چیزی است که شما دستور انجام آن را داده باشید و زشتی چیزی است که شما مردم را از آن برحذر بدارید.

روح و جانم، به خدایی - که یکی است و شریک ندارد - ایمان آورده است و به پیامبر خدا و به امیرالمؤمنین و به همه امامان معصوم علیهم السلام و به تو ای مولای من! ایمان دارم و به اولین افراد خانواده شما و آخرین افراد خانواده شما ایمان دارم و همه توانم را برای یاری شما به کار می‌بندم و همه دوستی‌ام را خالصانه برای شما قرار می‌دهم. آمین، آمین.

«در ادامه آن نامه شریف آمده است؛ پس از خواندن این سلام‌ها و درودها، دعایی را که در ذیل می‌آید، می‌خوانی:»

به نام خداوند بخشنده مهربان،

پروردگارا! بر ولیّ خودت و فرزند اولیاء خودت درود فرست. همان اولیایی که پیروی از آنان را بر ما واجب کرده‌ای و حقّ آنان را برگردن ما نهاده‌ای و پلیدی را از آنان دور ساخته‌ای و با بهترین صورت، آنان را پاکیزه کرده‌ای.

پروردگارا! حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را یاری کن و دوستان خودت و دوستان او و پیروان و یارانش را به وسیله او یاری کن و ما را هم جزء کسانی که از یاری او بهره‌مند می‌شوند، قرار ده.

پروردگارا! او را از شرّ نافرمانان و گردن‌کشان و از شرّ همه مخلوقات نجات بده و او را از حوادث چپ و راست و پیش رو و پشت سر نگه دار و نگهبانش باش و هر بدی را از او دور کن و با نگهداری از او، چهره پیامبرت و آل پیامبرت را نگه دار باش. به وسیله او عدالت را بر جهان حاکم ساز و با کمک خود، او را یاری کن و یاران او را یاری کن. و بدخواهان او را ذلیل کن و به وسیله او، ستمگران کافر را درهم شکن و کافران و منافقان و همه منکران خدا، در شرق یا غرب، در خشکی و یا دریا، همه را به دست حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به قتل برسان.

و به دست او دین پیامبرت را گسترش بده و مرا از یاران و انصار و از پیروان و شیعیانش قرار ده و به من توفیق ده که خاندان پیامبر ﷺ را حاجت روا و دشمنان آنان را گرفتار در عذاب مشاهده کنم، ای خدای برحق! آمین.

ای صاحب شکوه و کرامت و ای رحم کننده‌تر از همه رحم کنندگان!

پروردگارا! بر محمد ﷺ پیامبر رحمت و کلمه نور خویش درود فرست و دلم را پُراز نور یقین ساز و سینه‌ام را مملوّ از نور ایمان گردان و به اندیشه‌ام استواری عنایت کن و به تصمیم من روشنایی دانش عطا فرما و به زبانم نور راست گویی و به دیمنم نور بینایی از طرف خویش و به دیدگانم، نور روشنایی و به گوشم، نور دریافت حکمت و دانش و به حسّ دوست داشتنم، نور دوستی با محمد و خاندان محمد، عنایت بفرما این همه را از تو درخواست می‌کنم.

تا با وفای به عهد و پیمان به ملاقات تو بیایم. ای سرور و ای ستایش شده! مرا در رحمت بی‌کران خویش قرار ده.

پروردگارا! بر حجّت خودت در زمین و جانشین خویش در شهرها و دعوت کننده به سوی راه تو و بر پا دارنده عدالت تو و خون خواه «مظلومان» به امر تو، ولیّ مؤمنان و هلاک کننده کافران و روشن کننده تاریکی‌ها و شعله ور کننده حق و نور دهنده با حکمت و حق و کلمه کامل خویش در زمین، همان کسی که نگهبان دین توست، در عین بیم و هراس از دشمن و سرپرست اندرزگو، کشتی نجات و پرچم هدایت، و نور چشمان مردمان و بهترین کسی که لباس جهان گستری و عدالت گستری را پوشید و روشن سازنده نقاط تاریک و کور است.

بر همان امامی که زمین را پس از پُر شدن از ظلم و جور، پُر از عدل و داد می‌کند، درود فرست. زیرا که تو بر هر کاری توانایی. (

○ لزوم توسّل به چهارده معصوم علیهم‌السلام هنگام دعا

توجه به عناصر تعیین کننده و مورد احترام در درگاه خداوند و واسطه قرار دادن آنان در پیشگاه خدا، بهترین وسیله حاجت‌روا شدن و پذیرفته شدن درخواست‌ها است و بهترین برترین واسطه فیض در درگاه پروردگار، پیامبر خدا، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان پاک او هستند.

یعنی توسّل به چهارده معصوم علیهم‌السلام، تنها راه قبولی درخواست‌هاست، چه این که پیامبران الهی نیز برای پذیرفته شدن در بارگاه قدسی خداوند، حضرت محمد و خاندانش علیهم‌السلام را واسطه قرار می‌دادند و این سیره از حضرت آدم علیه‌السلام تا پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ادامه داشت و در دعاهای امامان معصوم علیهم‌السلام نیز این روش رعایت شده است.

← حرف د - دعای افتتاح - موضوع شماره ۵.

• توصیف

○ لزوم توصیف خداوند در دعا

یکی از آداب دعا و نیایش، آن است که بنده نشان دهد که خدا را می‌شناسد و با بیان

اوصاف پروردگار مشخص کند که در چه حدی از معرفت قرار دارد، چه اینکه هر قدر والاتر و بهتر، صفات خداوند متعال را آن گونه که لایق درگاه خداوندی است، بیان کند و ناچیزی و ضعف خود را، در برابر عظمت قدرت خداوند به مقایسه بنشیند، زمینه مناسبی برای پذیرش درخواست‌هایش به وجود خواهد آمد.

← حرف د - دعا - دعای افتتاح - موضوع شماره ۲.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ج

- جعفر
- جمکران
- جنگ

• جعفر •

○ افشای چهره جعفر کذاب توسط حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

احمد بن اسحاق اشعری می گوید: یکی از یاران ما نزد من آمد و نامه ای را هم آورد که جعفر بن علی «جعفر کذاب برادر امام حسن عسگری (ع)» آن نامه را برایش فرستاد و در آن نوشت که، امام بعد از امام یازدهم است و مدعی شد که علوم حلال و حرام و هر دانشی که مردم نیازمند به آن باشند، در نزد اوست.

من وقتی نامه جعفر کذاب را خواندم، نامه ای به حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) نوشتم و نامه جعفر کذاب را نیز در درون آن نامه قرار دادم و برای حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرستادم.

○ آن حضرت در جواب نامه من، طی دست خطی شریف نوشتند:

• حدیث ۴۱ •

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

أتاني كتابك أبقاك الله، و الكتاب الذي أنفذته درجه و أحاطت معرفتي بجميع ما تضمنه علي اختلاف ألفاظه، و تكرر الخطأ فيه، ولو تدبرته لوقفته علي بعض ما وقفته عليه منه، والحمد لله

ربِّ العالمین... (۱) (۲)

به نام خداوند بخشنده مهربان،

(خدا تو را باقی بدارد، نامه‌ات رسید و آن نامه جداگانه «نامه جعفر کذاب» که داخل نامه اول بود را نیز ملاحظه کردم و با همه اشتباه نوشتاری که نامه جعفر کذاب داشت، حتی با اشتباهات تکراری آن دیدم، و البته اگر خودت دقت بیشتری می‌کردی، می‌توانستی برخی از آن اشتباهاتی را که من یافتم، بیابی.

و خداوند را به گونه‌ای که معتقدیم در احسانش به ما و تفضلش بر ما، هیچ شریکی ندارد، سپاس‌گذاری می‌کنیم، در مورد حق، به چیزی جز به ثمر رسیدن آن رضایت نمی‌دهد و در مورد باطل، به جز نابودی آن، به چیزی دیگر رضایت نمی‌دهد و بر گفتار من خداوند شاهد است.

و در روز قیامت، روزی که هیچ شکی در آن نیست، و همه در یک جا جمع می‌شویم و مورد بازخواست الهی قرار می‌گیریم، خداوند در مورد آن چه که من برای شما می‌گویم، شاهد است و از شما بازخواست خواهد کرد.

همانا! آن کسی که نامه‌اش به دست دوست تو رسید، هرگز امامت بر دوست تو و بر خودت و بر هیچ شخصی ندارد و بر هیچ کس واجب نشده است که از او اطاعت کند و تعهدی نسبت به پیروی از او داشته باشد. اکنون جملاتی را برای‌تان می‌گویم تا به آن اکتفاء کنید و مطلب برایتان روشن شود.

ای مرد! خدا تو را مشمول رحمت خود قرار دهد، خداوند هرگز مخلوقات را بیهوده نیافرید و پس از آفرینش نیز، آنان را بی‌هدف رها نکرد. بلکه آفریدگان را با قدرت خویش آفرید و برای آنان چشم و گوش قرار داد و برای‌شان دل‌ها و عقل‌ها قرار داد.

سپس پیامبران را - که درود خدا بر آنان باد - به سوی آنان، به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاد، تا آنان را به اطاعت از خداوند و دوری از معصیت پروردگار امر کنند و

(۱) - متن این نامه شریف طولانی است و به جهت حفظ اختصار حذف شد. علاقمندان می‌توانند به منابع ذکر شده مراجعه کنند.

(۲) - الغیبة / طوسی / ص ۲۸۷ / ح ۲۴۶. * بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۱۹۳ / ح ۲۱ و ج ۵۰ / ص ۲۲۸ / ح ۳ و ج ۲۵۸ / ص ۱۸۱ / ح ۴، معجم احادیث الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ج ۱ / ص ۱۸۱ / ح ۱۳۶۰.

نسبت به هر چه که در مورد خداوند و دین آگاهی ندارند، آنان را روشن کنند و آگاهی دهند و کتاب آسمانی برای آنان نازل کرد.

و فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد، تا بین مردم و پیامبران در رفت و آمد باشند و برتری پیامبران را برای مردم گوشزد کنند و راه‌های هدایت را برای آنان هموار سازند و زمینه پذیرش آن دلیل‌ها و معجزات نمایان و برهان‌های روشن و نشانه‌های الهی را که پیامبران، آورنده آن‌ها بودند، برای مردم فراهم کنند.

یکی از پیامبران، کسی است که خداوند آتش را بر او سرد و ملایم قرار داد و او را به عنوان دوست خود «خلیل» معین کرد و یکی دیگر را هم صحبت خود «کلیم» قرار داد و به آن نحوه خاص با او سخن گفت و به قدرت خود، از عصای آن پیامبر اژدهایی آشکار ساخت و به یکی دیگر از پیامبران «حضرت سلیمان» سخن گفتن با پرندگان را آموخت و تسلط بر همه موجودات زمین را به او عنایت فرمود.

سپس حضرت محمد - که درود خدا بر او و بر خاندانش باد - را، به عنوان رحمت برای جهانیان فرستاد و با فرستادن پیامبر اسلام ﷺ نعمت خویش را بر مردم کامل کرد و او را پایان دهنده پیامبری قرار داد «که دین او تا ابد بماند» و او را برای هدایت همه عالم فرستاد و صدق و راستی او را، آن گونه که شایسته بود، آشکار ساخت و از آیات و نشانه‌های قدرت خویش، آن گونه که لازم بود، بیان کرد.

سپس آن پیامبر بلند مرتبه - که درود خدا بر او و بر خاندانش باد - را قبض روح کرد، در حالی که ستوده و با سعادت بود و مردم در فقدانش سوگوار بودند و پس از او، جریان سرپرستی و ولایت بر امت اسلام را به دست برادرش و پسر عمویش و وصی و وارثش، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام داد و پس از او جانشین‌های او را از نسلش، یکی پس از دیگری قرار داد، به گونه‌ای که به وسیله آن جانشینان، دین خود را زنده کرد و به وسیله آن جانشینان، نشر نور خودش را کامل کرد و به گونه‌ای بین آن‌ها و برادرانشان و پسرعموهایشان «بنی عباس» تفاوت قرار داد، که به راحتی می‌توان حجّت را از غیر حجّت و امام را از غیر امام تشخیص داد.

البته با ویژگی‌هایی، مانند این که آن بزرگواران را از آلودگی به گناه بازداشت و از هر عیبی منزّه نمود. و از آلودگی‌ها، آنان را پاک ساخت و از اشتباه‌ها آنان را دور داشت و

آنان را گنجینه دانش خویش و امانت‌دار حکمت خود و جایگاه اسرار الهی قرار داد. و با برهان‌های روشن، به کمک آن‌ها شتافت و اگر خداوند چنین نمی‌کرد، همه مردم به یک اندازه، از نظر مقام و منزلت بودند و هر کس ادّعا می‌کرد که ولیّ امر است و حق از باطل تشخیص داده نمی‌شد و دانشمند از نادان قابل شناختن نبود. اکنون این باطل‌گرایی دروغگو «جعفر گذاب» که بر خدا تهمت می‌زند، ادّعاهایی را مطرح کرده است که نمی‌دانم، چگونه می‌تواند ادّعاهای خود را اثبات کند، آیا بر فرض، با تفقهی که در دین خدا داشته است، می‌خواهد ادّعای خود را اثبات کند؟.

در حالی که به خدا قسم، او نمی‌فهمد حلال و حرام یعنی چه؟ و فرق بین خطاء و صواب را تشخیص نمی‌دهد.

و یا این که با دانشی که دارد می‌خواهد ادّعای خود را ثابت کند؟ در حالی که او هیچ شناختی نسبت به حق از باطل ندارد و محکّمات را از متشابّهات تشخیص نمی‌دهد و نماز و وقت آن را نمی‌شناسد و یا این که با تقوایی که دارد، می‌خواهد ادّعای خود را ثابت کند؟.

در حالی که خدا گواه است، او چهل روز به بهانه انجام یک تردستی و نیرنگ، «یعنی شعبده بازی»، نماز واجب خود را ترک کرد. و شاید خبر همین کارش، به شما هم رسیده است و نیز ظرف‌های مخصوص شراب خواری او، در معرض دید افراد است و آثار نافرمانی او در درگاه پروردگار مشهور و ثابت است.

و یا این که آیا آیه‌ای بر او نازل شده که می‌خواهد با آن ادّعای خودش را به اثبات برساند؟ اگر چنین است، پس آن آیه را بیاورد و یا اینکه اگر دلیلی بر مدّعای خود دارد، پس اقامه کند و اگر راهنمای خاصی را در اختیار دارد؟ که اگر چنین است، پس آن را بیان کند.

خداوند بزرگ و بلند مرتبه در قرآن کریم چنین آورده است:

به نام خداوند بخشنده مهربان.

« این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است. ما آسمان‌ها و زمین و آن چه را که در میان این دو است، جز به حق و برای سرآمد معیّنی نیافریدیم، امّا کافران از آن چه انذار و ترساننده می‌شوند، روی گردانند.

به آنان بگو: «این معبودهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا شرکتی در آفرینش آسمان‌ها دارند؟! یک کتابی آسمانی پیش از این، یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید» که دلیل راستی و درستی گفتار شما باشد» اگر راست می‌گویید!؟.

چه کسی گمراه‌تر است از آن کس که، معبودی غیر خدا را می‌خواند که تا قیامت هم به او پاسخ نمی‌گوید و از خواندن آن‌ها «کاملاً» بی‌خبر است؟! و صدای آنان را هیچ کس نمی‌شنود و هنگامی که مردم محشور می‌شوند، معبودهای آنان دشمنان‌شان خواهند بود، حتی عبادت آن‌ها را انکار می‌کنند. ^(۱)

پس برای پیروزی بر این ستم‌کار، از طریق مطالبی که برایت گفتم، از خداوند توفیق بخواه و آن ظالم را مورد امتحان قرار بده و از آیات قرآن، چیزهایی از او بپرس و بخواه که تفسیرش را بگوید، یا در مورد نماز واجبی از او بپرس، که کیفیت آن و اعمال واجبه در آن را بگوید، تا خوب بفهمی که وضعیت او چگونه است و اندازه دانش او چه قدر است و ضعف و نقصانش برایت روشن شود. محاسبه و بازخواستِ کردارش با خداوند است. خداوند حقّ او را در میان اهلش نگه داشته است و حق را در جایگاهش مستقر کرده است و حکمت خداوند چنین تعلق گرفته است که بعد از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، دیگر دو برادر پشت سر هم امام نشوند، «پس عموی من جانشین برادرش امام عسگری علیه السلام نیست.» البته آن گاه که خداوند به ما اجازه سخن گفتن دهد، حق روشن خواهد شد و باطل درهم شکسته می‌شود و این بلا از شما رفع می‌گردد و از خداوند امید کفایت امورتان را دارم. خدا ما را کافی است و خوب پشتوانه‌ای است.

« درود خدا بر محمد و خاندانش باد. » (

○ عاقبت جعفر کذاب

اسحاق بن یعقوب کلینی نقل می‌کند که؛ مجموعه‌ای از پرسش‌هایم را نوشتم و به محمد بن عثمان عمّری «دومین نایب خاص امام زمان (عج)» سپردم، تا به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برساند و جواب دریافت کند.

(۱) - سوره احقاف / آیه ۱ تا ۶.

از جمله این جواب‌ها این بود که حضرت به خط خویش نوشته بودند؛

• حدیث ۴۲

وَأَمَّا سَبِيلُ عَمِّي جَعْفَرٍ وَوَلَدِهِ، فَسَبِيلُ إِخْوَةِ يَوْسُفَ عليه السلام. (۱)

(امّا راهی که عمویم جعفر «کذاب» و پسرش انتخاب کرده‌اند، پس مانند راهی است که برادران یوسف رفته بودند. «یعنی عاقبت آن خسارت و پشیمانی است.»)

○ کنار زدن جعفر کذاب، موقع نماز خواندن بر پیکر امام عسگری علیه السلام

ابوالادیان گوید: من در خدمت امام حسن عسگری علیه السلام مشغول بودم و نامه‌های آن حضرت را، به شهرهای گوناگون می‌بردم و جواب می‌آوردم که روزی امام نامه‌هایی نوشت و فرمود: (به مداین ببر و جواب بیاور، و تا برگردی ۱۵ روز طول می‌کشد و من از دنیا می‌روم. در آن صورت، هر کس جواب نامه را از تو خواست و دیگر نشانه‌ها را بیان کرد، وصی و جانشین من است.)

من وقتی برگشتم، همان گونه که امام فرموده بودند، مشاهده کردم که امام از دنیا رفته است و صحنه‌ای، به صورت ذیل مشاهده کردم؛

وقتی داخل خانه شدم، مشاهده کردم که جنازه امام حسن عسگری علیه السلام را کفن کرده‌اند و جعفر «جعفر کذاب، برادر آن حضرت» پیش رفت که بر برادر خود نماز بگذارد. در آن هنگام، وقتی همگان آماده تکبیر گفتن شدند، «ناگهان» کودکی گندمگون، با موهایی پیچ در پیچ، که دندان‌هایش کمی از یک دیگر فاصله داشت، وارد شد و عبای جعفر را گرفت، کشید و فرمود:

• حدیث ۴۳

تَأَخَّرْ يَا عَمُّ! فَإِنَّا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ أَبِي. (۲)

(۱) - * کمال الدین / ص ۴۸۴ / ح ۴ / س ۴، الغيبة / طوسی / ص ۲۹۰ / ذح ۲۴۷، الاحتجاج / ح ۲ / ص ۵۴۲ / ذح ۳۴۴، بحار الانوار / ح ۵۳ / ص ۱۸۰ / ذح ۱۰، كشف الغمّة / ح ۳ / ص ۴۵۶ / س ۱۲.

(۲) - کمال الدین / ص ۴۷۵ / ح ۲۵ / س ۲۱، الثاقب فی المناقب / ص ۶۰۸ / س ۱، الخرائج و الجرائح / ح ۳ / ص ۱۱۰۲ /

(ای عموا بیا عقب، من سزاوارترم که بر پدرم نماز بخوانم.)

○ ردّ ادّعی باطل جعفر کذاب در ارث بردن از امام عسگری علیه السلام

شروع غیبت حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از همان زمان تولّد بود، منتهی در زمان پدر، مسؤولیت امامت به عهده ایشان نبود و فقط از دید حکومت پنهان بود و یاران نزدیک او را می دیدند و بعد از شهادت پدر، در برخی موارد از جمله، زمانی که عمویش جعفر کذاب، خود را وارث برادر خواند و قصد تعرّض به اموال امام حسن عسگری علیه السلام را داشت، حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر شد و پس از چندی، ارتباطها از طریق نایبهای خاصّ برقرار می شد.

○ علی بن محمّد بن قنبر کبیر، غلام امام رضا علیه السلام نقل کرده است؛ پس از آن که جعفر کذاب، عموی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به ادّعی این که برادرش فرزند ندارد، ادّعی ارث بردن از برادر کرده بود، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جایی که جعفر نتوانست تشخیص دهد، ظاهر شد و خطاب به جعفر فرمود:

• حدیث ۴۴

یا جَعْفَرُ! ما لَكَ تُعَرِّضُ فِي حَقُّوقِي؟ (۱)

(ای جعفر! چرا متعرّض حقوق من می شوی؟)

جعفر متحیّر و مبهوت ماند و ندانست که آن حضرت از کدام مسیر آمده است. در این حال، آن حضرت از نظرها غایب شد و جعفر هرچه در بین مردم جستجو کرد، آن حضرت را نیافت.

○ ردّ ادّعی باطل جعفر کذاب در مالک بودن خانه امام عسگری علیه السلام

وقتی که جدّه آن حضرت، یعنی مادر امام حسن عسگری علیه السلام وفات کرد، بر طبق وصیّت

→ س ۱۱ / ح ۲۳، مدینه المعاجز ج ۸ / ص ۶۴ / ذح ۲۳ / ۲۶۷۹ / س ۵، * بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۶۷ / ذح ۵۳ / س ۱۹، معجم احادیث الامام المهدی (عج) / ج ۴ / ص ۲۵۵ / ذح ۱۲۹۷ / س ۲۰.

(۱) - * کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۴۲ / ح ۱۵ / س ۷، الخرائج والجرائح / ج ۲ / ص ۹۶۰ / س ۸، شرح اصول کافی / مازندرانی / ج ۷ / ص ۳۱۷، بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۴۲ / ح ۳۱ / س ۹.

خودِ جدّه، باید در همان خانه امام حسن عسگری علیه السلام دفن می شد، که جعفر کذاب مدّعی شد و گفت: چون خانه من است، نمی گذارم دفن شود.

در این جا بود که باز هم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر شد و خطاب به جعفر با تعجب فرمود:

• حدیث ۴۵

یا جَعْفَرُ! دَارَكَ هِيَ؟! ^(۱) (ای جعفر! آیا این خانه توست؟!)

سپس از نظرها غایب شد و دیگر دیده نشد.

• جمکران

○ کیفیت ساختن مسجد جمکران

← حرف م - مسجد - کیفیت ساختن مسجد جمکران

• جنگ

○ آذوقه جنگی لشکر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یکی از مشکلات اصلی هر انقلاب و نهضتی پس از آغاز، تأمین آب و نان نیروها و لشکریان است. به گونه ای که بخش عمده فکر رهبران را به خود اختصاص می دهد و یکی از مشکلات مهم در درون یک لشکر، کمبود مواد غذایی است، اما در نهضت جهانی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، راه حل این معضل بزرگ از طرف آن حضرت ارائه می گردد.

○ امام باقر علیه السلام در مورد تأمین آذوقه لشکر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: آن گاه که قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مکه ظهور کرد و تصمیم گرفت با لشکریانش به طرف کوفه حرکت کند، دستور می دهد منادیان مخصوص او فریاد بزنند که:

(۱) - * کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۴۲ / ح ۱۵ / س ۱۰، الخرائج والجرائح / ج ۲ / ص ۹۶۰ / س ۱۲، بحارالانوار / ج ۵۲ / ص

۴۲ / ح ۳۱ / س ۱۲، شرح اصول کافی / مازندرانی / ج ۷ / ص ۳۱۷.

• هديت ۴۶

أَلَا لَا يَخْمِلُ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا. (۱)

(هيچ کس چيزی از خوردنی و آشاميدنی به همراه نياورد.)

و سنگِ حضرت موسی عليه السلام « همان سنگی که موسی با عصا بر او زد » را، که وزنش به سنگینی یک بارِ شتر است، به همراه خویش می آورد و در هر منزل و جایگاهی که اطراق می کنند، از آن سنگ، چشمه ای می جوشد که گرسنگان را سیر و تشنگان را سیراب می کند. و تا موقعی که به پشت دروازه های کوفه برسند، زاد و توشه و غذا و آب آن ها، از همان سنگ تأمین می شود.

○ روش امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در جنگ

هر قیام و نهضتی، با مخالفت دشمنان و بدخواهان مواجه می شود و ساز و برگ جنگی و آمادگی نبرد، یکی از اصلی ترین موضوعات در هر انقلاب است که نهضتِ امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) نیز از این وضعیّت مصون نیست.

به همین دلیل است که امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، علاوه بر این که به فکر افراد لشکر و تهیّه آذوقه برای آنان هستند، در مورد تهیّه تجهیزات جنگی، آن حضرت به اذن خداوند به تهیّه آن ها اقدام می کند.

○ امام صادق عليه السلام فرمود:

وقتی قائم آل محمد (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ظهور کند، به منطقه کوفه می آید و با پایش به مکانی اشاره می کند « امام صادق عليه السلام پایش را به همان حالت در آورد که این گونه با پایش اشاره می کند »، و با دستش به مکانی اشاره می کند، سپس می فرماید:

• هديت ۴۷

احْفَرُوا هَهُنَا، مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَيْكُمْ فَاقْتُلُوهُ. (۲)

(۱) - * اصول کافی / ج ۱ / ص ۲۳۱ / ح ۳، غیبت نعمانی « مترجم » / ص ۲۷۸ / ح ۲۹، بحار الانوار / ج ۵۲ / ۳۵۱ / ح ۱۰۵، الخرائج و الجرائح / ج ۲ / ص ۶۹۰ / ح ۱، الغیبة نعمانی / عربی / ص ۱۵۸ / س ۸ و ص ۱۵۸ / س ۲.
(۲) - اختصاص / شیخ مفید / ص ۳۳۴ / س ۱۵ و ۱۷، * بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۳۷۷ / ح ۱۷۹، معجم احادیث الامام المهدي (عج) / ج ۴ / ص ۴۳ / ح ۱۱۱۳.

(آن مکان را بکنید « و لباس و زره لازم برای سربازان که در آن مکان دفن شده است را، به لشکریان می دهند و می فرمایند ، « و حفر کنید، با هر کس که چنین کلاه خودی بر سر نداشت، بجنگید و او را بکشید.)

آن مکان را می کنند و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاه خود، که از دو طرف قابل استفاده است، بیرون می آورند، سپس دوازده هزار مرد از دوستان و پیروانش، از عرب و عجم را فرامی خواند و آنان حاضر می شوند و کلاه خود بر سر می گذارند و آماده جنگ می شوند. سپس آن حضرت دستور جنگ می دهد.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ح

- حاجت
- حجّت
- حجرالأسود
- حديث
- حِرْز
- حسين
- حق
- حكومت
- حوادث

• حاجت

○ دعا برای برآورده شدن حاجت

دعا عالی ترین شیوه عرض حاجت به درگاه خداوند است و از وعده های الهی است که خداوند انسان حاجتمند را، از درگاه خود دست خالی بر نمی گرداند. صاحب کتاب شریف مهج الدعوات از مرحوم ابو علی فضل بن حسن طبرسی، در کتاب کنوز النجاح نقل می کند که گفته است: دعایی از طرف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است که برای رفع حاجات خوانده می شود و آن دعا این است:

• حدیث ۴۸

مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى حَاجَةٌ فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَيَأْتِيَ مُصَلِّاً وَ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ يقرأ فِي الرِّكْعَةِ الْأُولَى، الْحَمْدَ فَإِذَا بَلَغَ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، يُكْرِرُهَا مِائَةً مَرَّةً، وَ يُتِمُّ فِي الْمِائَةِ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ وَيَقْرَأُ سُورَةَ التَّوْحِيدِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَ يُسَبِّحُ فِيهِمَا سَبْعَةَ سَبْعَةٍ وَ يُصَلِّي الرِّكْعَةَ الثَّانِيَةَ عَلَى هَيْئَةِ الْأُولَى، وَ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْضِي حَاجَتَهُ الْبَتَّةَ كَائِنًا مَا كَانَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي قَطِيعَةٍ رَحِمٍ.

وَ الدُّعَاءُ: «اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَأَلْحَمِدُكَ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرُّوحُ وَ مِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ الْإِيْمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَ لَدَا وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكاً مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لِأَمْنًا مِنِّي بِهِ

عَلَيْكَ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ عِبُودِيَّتِكَ وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ.

فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمٌ...
« حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ. »

ثم يقول: يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ؛ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَسَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافُ أَحَدًا وَلَا أَخْذِرُ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

يَا كَافِي إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ، وَيَا كَافِي مُوسَى فِرْعَوْنَ، وَيَا كَافِي مُحَمَّدٍ ﷺ الْأَخْرَابَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ...
فَيَسْتَكْفِيَنِي شَرُّ مَنْ يَخَافُ شَرَّهُ، فَإِنَّهُ يَكْفِيَنِي شَرَّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَسْأَلُ حَاجَتَهُ وَيَتَضَرَّعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَإِنَّهُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ صَلَّى هَذِهِ الصَّلَاةَ وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ، إِلَّا فَتُحْتَلُّ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ لِلْإِجَابَةِ وَيُجَابُ فِي وَقْتِهِ وَلَيْلَتِهِ كَأَنَّ مَا كَانَ، وَذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ. (۱)

(هر کس حاجتی در درگاه خداوند دارد، شب جمعه و بعد از نیمه شب، غسل کند و به محل نماز خواندن خود برود و دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اول در موقع خواندن سوره حمد، وقتی به ایتاک نعبد و ایتاک نستعین، رسید، یکصد بار آن را تکرار کند و یکصدمین ایتاک نعبد و ایتاک نستعین را که گفت، تا آخر حمد بخواند و سوره توحید را یک مرتبه بخواند،

و در رکوع « و سجدة » هر دو رکعت، هفت بار « سبحان الله » بگویند و در رکعت دوم نیز به همان ترتیب رکعت اول عمل کند و بعد از اتمام نماز، دعایی را که در ذیل می آید، بخواند و البته هر حاجتی که داشته باشد، برآورده می شود، مگر این که درخواست قطع رجم کرده باشد، که چنین درخواستی حتی با این دعا هم برآورده نمی شود و آن دعا این

(۱) - مهج الدعوات / ص ۵۰۲ / س ۱۵، * بحار الانوار / ج ۸۶ / ص ۲۲۳ / ح ۳۰، مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۷۶ / ح

است؛

« پروردگارا! اگر مطیع فرمان تو باشم، پس صفات پسندیده از توست و اگر نافرمانی کنم، پس تویی که صاحب برهان و دلیل هستی «و من محکوم هستم». راحتی و آسایش در اختیار توست و رهایی از مشکلات به وسیله تو انجام می‌شود.

منزه است خدایی که نعمت داده و در برابر اعمال، پاداش دهنده است. منزه است خدایی که قادر است و بخشنده گناهان.

پروردگارا! گرچه نافرمانی کردم، اما نسبت به محبوب‌ترین چیز نزد تو، یعنی ایمان به تو، مطیع بودم و اطاعت کردم. فرزندی برایت قائل نشدم و شریکی برایت قرار ندادم. و این از باب این است که منت بر من نهادی و توفیق چنین اعتقادی را به من عنایت کردی و من در این مورد هیچ منتی بر تو ندارم.

ای خدای من! معصیت و نافرمانی کردم، اما نه از این بابت که بی‌منطق و به استبداد عمل کنم و از بندگی تو خارج شوم و پروردگاریت را انکار کنم، بلکه به خاطر این بود که از هوای نفسم پیروی کردم و شیطان مرا به لغزش واداشت.

پس تو برهان لازم و بیان روشن را بر علیه من داری و اگر بخواهی مرا به عذاب خود گرفتار کنی، می‌دانم به خاطر گناهان من است و تو ظالم نیستی. و اگر بر من ترحم می‌کنی و مرا می‌آمیزی، می‌دانم که تو بخشنده و با کرامت هستی، ای کریم! ای کریم!

(آن حضرت فرمود: جمله؛ ای کریم، را «در یک مرحله» هرچند بار که شد و تا نفسش می‌آید، بگوید.) سپس بگوید: ای کسی که از هر خطری آسوده و در امانی و هیچ چیزی از خوف تو در امان نیست «هر کسی در مورد نافرمانی کردن، باید از تو بترسد»، به خاطر آسودگی ات از هر چیز و خوف همگان از ذات پاکت، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام درود فرستی و امان و آسایش را برای من و فرزندان و خانواده‌ام و همه آن چه را که بر من منت نهادی و نعمت داشتن آن را بر من عنایت کردی، مقرر فرما، تا این که از هیچ کس نترسم و هرگز از چیزی نهراسم، همانا تو بر هر چیزی قدرت داری و خداوند ما را کافی است، و خوب کفایت کننده‌ای است.

ای خدایی که ابراهیم را از شر نمرود نجات دادی!

ای خدایی که موسی را از شر فرعون نجات دادی!

ای خدایی که محمد ﷺ را از شرّ احزاب نجات دادی! از تو می‌خواهم بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا از شرّ فلانی فرزند فلانی نجات دهی. ﴿

و به زودی دفع شرّ هر چیزی را که از آن ترس دارد، از خداوند بخواهد و البته که خداوند او را از آن شرّ و بدی نجات می‌دهد. «ان شاء الله» اگر خدای بزرگ بخواهد.

سپس به سجده می‌رود و حاجتش را از خدا می‌خواهد و در درگاه خداوند تضرّع و زاری می‌کند، زیرا هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای نیست که چنین نمازی به جای آورد و این گونه دعا بخواند، مگر این که برای استجابت دعایش، درهای آسمان باز می‌شود و در همان لحظه و شب، دعایش هرچه که باشد، مستجاب می‌شود و این از فضل و رحمت خداوند است که بر ما و بر مردم منت نهاده است.)

○ دعایی برای رهایی از دشواری‌ها و گرفتن حاجت

این سنت تاریخ است که هر انسان، هر قدر با استعداد، قوی و با تدبیر باشد، در یک مرحله در برابر نظم حتمی طبیعت دچار مشکل می‌شود که البته این گرفتاری هم، به خاطر ناهماهنگی‌هایی است که ندانسته ایجاد کرده است.

در این صورت، آخرین پناه‌گاه بشر، خداوند است که بنده باید به درگاهش برود و دست تضرّع به سوی خداوند بلند کند. هرچند که نوع دعا کردن در درگاه پروردگار هم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خوب است کلمات دعا در سختی‌ها را، از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیاموزیم.

از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای مال باخته‌ای که مالی را از دست داده است و یا حاجتمندی که در طلب حاجت خویش است و کسی که گرفتاری و سختی او را احاطه کرده است، دعایی رسیده است که بر تکرار در قرائت آن دعا تأکید بسیار شده است. و آن دعای کوتاهی است که در ذیل می‌آید؛

• حدیث ۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

أَنْتَ اللهُ الَّذِي مَبْدَأُ الْخَلْقِ وَ مُعِيدُهُمْ، أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ وَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ،

وَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَارِثُ الْأَرْضِ وَ مَنْ عَلَيْهَا.

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ وَ إِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ، وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ.

أَسْأَلُكَ بِكُلِّ إِسْمٍ سَمَّيْتَهُ بِهِ نَفْسَكَ وَ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَجِّلَ خَلَاصَنَا مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ.

يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان

(آن خدای آغازگر هستی و منتهای آن تویی. تو آن خدایی هستی که خدایی جز تو نیست. تدبیر امور به دست توست و تویی برانگیزاننده همه مردمان از قبرها. و تو آن خدایی هستی که خدایی جز تو نیست.

«به موقع» سخت گیر و «به موقع» اهل گذشتی و تو آن خدایی هستی که خدایی جز تو نیست و تو وارث زمین و اهل آن هستی.

به آن اسمی از تو درخواست می کنم، که اگر به آن نام خوانده شوی، اجابت می کنی و اگر با آن نام، مورد پرسش قرارگیری، عطا می کنی. از تو می خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی و به حق آن کسی که رعایت حقش را بر خودت سزاوار دانستی، از تو می خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی و هم اکنون، همین الان حاجت مرا برآوری، ای آقا و مولای من! ای پناه من!

به حق هر اسمی که خودت را به آن نام خواندی و در علم غیب خود، آن را به خودت اختصاص دادی، از تو می خواهم در رهایی ما از این سختی تعجیل کنی. ای متحوّل سازنده دلها و دیدهها! ای شنونده نیایشها! همانا تو بر هر کاری توانایی. به رحمت خودت، ای مهربانترین مهربانان، بر ما ترحم کن.)

(۱) - منتخب الاثر / ج ۲ / ص ۲۵۳ / ذح ۱۲۸۱، حیاة الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ص ۴۹ * صحيفة

المهدي / ص ۱۵۲ / ش ۱۸، معجم احاديث المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / كوراني / ج ۴ / ص ۴۷۵ / ذح ۱۴۳۰.

• حَجَّتْ

○ خالی نماندن زمین از حَجَّتْ

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله با سندی که آورده از اودی نقل کرده است که گفت: در مسجد الحرام در حال طواف بودم. شش دور از طواف تمام شد و مشغول دور هفتم طواف بودم. وقتی به طرف راست کعبه رسیدم، جوانی خوش سیما را دیدم که با هیبت است.

وقتی شروع به سخن گفتن کرد، احساس کردم تا کنون چنین سخنوری ندیده بودم و مجلس بسیار گرمی داشت. خواستم نزدیک شوم و با او هم صحبت شوم که ازدحام جمعیت مانع شد.

از مردم پرسیدم: او کیست؟ گفتند: پسر پیامبر خداست و هر سال یک بار برای دوستانش ظاهر می شود و با آنها به صحبت می نشیند.

من عرض کردم: ای آقا و سرورم! به دنبال ارشاد هستم، من را راهنمایی کن. آن حضرت سنگ ریزه‌ای به من داد و من برگشتم. برخی از افراد پرسیدند: چه گرفتی؟ گفتم: سنگ ریزه‌ای است. اما وقتی مشتم را باز کردم، دیدم قطعه‌ای از طلا است. پس از چند لحظه او به من ملحق شد و خطاب به من فرمود:

• هَدَيْتُكَ

ثَبَّتْ لَكَ الْحُجَّةَ وَ ظَهَرَ لَكَ الْحَقَّ وَ ذَهَبَ عَنكَ الْعَمَى. أَتَعْرِفُنِي؟ فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ لَا. فقال: «انا» المهدى، انا قائم الزمان، انا الذي أملاها عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، إن الأرض لا تخلو من حجة، ولا يبقى الناس في فترة أكثر من تيه بني إسرائيل و قد ظهر أيام خروجي، فهذه أمانة في رقبتك، فحدث بها إخوانك من أهل الحق. (۱)

(اکنون حجت بر تو تمام شد و حق برایت ظاهر گردید و بینا شدی. حال آیا من را می شناسی؟ عرض کردم: خدایم می داند، هنوز شما را نشناختم.

(۱) - * کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۴۵ / س ۱ / ح ۱۸، الغيبة / طوسی / ص ۲۵۴ / س ۳ / ح ۲۲۳، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۲ / س ۵ / ح ۱، معجم احادیث المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۳۹۴ / ح ۱۳۶۹، يوم الخلاص / ص ۲۰۶، الزام الناصب / ج ۱ / ص ۲۸۰ / س ۱.

آن حضرت فرمود: منم مهدی. منم قائم آل محمد ﷺ در آخر الزمان. من هستم همان کسی که زمین را پُر از عدل و داد می‌کنم، پس از آن که پُر از ظلم و ستم شده باشد.

زیرا که زمین خالی از حجّت نمی‌ماند و مردم بیشتر از مقدار زمانِ بلا تکلیفی و سرگردانی بنی اسرائیل، بلا تکلیف نمی‌مانند. اکنون روزهای قیام من نزدیک است. این حرف‌هایی را که گفتم، از طرف من امانتی است که بر گردنت نهادم. این جریان را به همه برادران شیعه خود بگو. (

• حجرالأسود

○ کیفیت نصب حجرالأسود

مرحوم ابوالقاسم جعفر بن قولویه از بزرگان فقه و حدیث و از عناصر مورد اطمینان همه فقهای شیعه است که به روایت صحیح در سال ۳۶۹ هـ ق از دنیا رفته است. بر اساس روایتی از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در سالی که قرامطه حجرالأسود را به کعبه بازگرداندند و آن را بر دیوار کعبه نصب کردند، در پیامی به ابن قولویه فرموده بود که ایشان سی سال دیگر می‌مانند و سال ارجاع حجرالأسود از طرف گروه قرامطه، سال ۳۳۹ هـ ق بوده است، چون بر طبق نقل مورّخین، آن گروه در سال ۳۱۷ هـ ق، حجرالأسود را غصب کردند و مدت ۲۲ سال هم نزد آنان بود و پس از آن در سال ۳۳۹ هـ ق باز گردانده شد. (۱)

○ ابوالقاسم جعفر بن قولویه گوید: در سال سیصد و سی و نه هـ ق در همان سال که قرامطه (۲) تصمیم داشتند تا حجرالأسود را «که به علت تعمیرات یا هر دلیل دیگری که در جای خود قرار نداشت» در جایش مستقر کنند.

قصد سفر حج کردم، چون در تاریخ خوانده بودم که حجرالأسود را یا پیامبر و یا امام معصوم ﷺ باید نصب کند، چنان چه در یک دوره، در زمان حجّاج بن یوسف، امام زین

(۱) - الخرائج و الجرائح / ج ۱ / پاورقی ص ۱۷۶.

(۲) - گروهی از شیعیان اسماعیلیه هستند که بعد از امام صادق محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق ﷺ را امام می‌دانستند و می‌گفتند که مهدی اوست و پیامبر و اولوالعزم هم هست و زنده است و در بلاد روم زندگی می‌کند. شرح بیشتر در مورد این گروه در حرف ح - نقل داستانی از حسن بن علی بن موسی بن بابویه قمی آمده است.

العابدین علیهم السلام حجر الأسود را نصب کرد، به همین دلیل تمام کوشش من این بود که در آن سال در مکه باشم، تا ببینم چه کسی حجر الأسود را بر دیوار کعبه نصب می‌کند؟.

به همین جهت عازم سفر حج شدم، اما وقتی به بغداد رسیدم، دچار بیماری سختی شدم. به نحوی که ترسیدم از این بیماری جان سالم به در نبرم. و چون نتوانستم به سفر ادامه دهم، شخصی که معروف به «ابن هشام» بود را، به نیابت از خود انتخاب کردم و نامه‌ای را که در آن از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در مورد مدت عمرم و این که آیا از این مرض جان به در می‌برم یا نه؟. سؤال کردم و نامه را مهر و موم کردم و به ابن هشام دادم.

و به او گفتم: همه قصد من این است که این نامه را به آن کسی که حجرالأسود را نصب کرد، بدهی و جوابش را هم از او بگیری، و اضافه کردم: من تو را فقط به خاطر همین کار می‌فرستم.

ابن هشام به مکه رفت و پس از بازگشت برایم این گونه نقل کرد:

(وقتی به مکه رسیدم و زمان نصب حجرالأسود در جایگاهش رسید، پول به خدمت‌کاران کعبه دادم، تا جایگاهی برایم جور کنند که از آن جا بتوانم شخصی را که حجرالأسود را در جایگاه می‌گذارد، ببینم.

و یک نفر از آن‌ها را همراه خویش داشتم تا در ازدحام جمعیت از من محافظت کند «پس از مهیا شدن مقدمات نصب حجرالأسود» هر کس از افراد جلو می‌رفت که آن سنگ مقدس را بلند کند و بر دیوار کعبه نصب نماید، دچار اضطراب می‌شد. در نتیجه حجرالأسود بر دیوار ثابت و مستقر نمی‌شد.

در این هنگام، جوانی با چهره‌ای گندمگون و خوش سیما جلو آمد و آن سنگ مقدس را برداشت و بر دیوار کعبه نصب کرد. به طوری که حجرالأسود صاف، مستقیم و ثابت بر دیوار ماند که گویا در همان جای اصلی قرار گرفته است.

با این کار، صدای مردم به تشویق بلند شد و آن جوان برگشت که از در مسجد الحرام بیرون برود.

من به سرعت از جایگاهم بر خاستم و به دنبالش رفتم، به طوری که در بین راه به مردم برخورد می‌کردم و از چپ و راست آن‌ها را از خود دور می‌کردم، که راه را باز کنم و بروم. و مردم خیال می‌کردند که دیوانه شدم و بر این حرکاتم می‌خندیدند.

امّا من هم چنان چشم از آن جوان بر نمی‌داشتم و به دنبالش می‌رفتم، تا این که از بین شلوغی جمعیت بیرون رفت و من با بیشترین سرعت ممکن، پشت سرش حرکت می‌کردم، امّا او سنگین و آرام و با وقار راه می‌رفت و با این حال به او نمی‌رسیدم. وقتی به جایی رسید که غیر از من، کس دیگری در مسیر نبود، ایستاد و رو به من کرد و فرمود:

• حدیث ۵۱

هَاتَ مَا مَعَكَ. فَنَاولَتْهُ الرُّقعةَ. فقال من غير أن ينظر فيها:

قل له: لا خوف عليك في هذه العلة، و يكون ما لا بدّ منه بعد ثلاثين سنة. (۱)

(نامه‌ای را که همراه داری بده.

من نامه را به حضورش تقدیم کردم و او بدون این که به نامه نگاه کند، فرمود: « به او «ابن قولویه» بگو: از

این بیماری هراس نداشته باش. آن بیماری که در آن بیماری از دنیا می‌روی و گریزی از

آن نیست، سی سال دیگر «سال ۳۶۹ هـ.ق» به سراغ تو می‌آید.»)

در این حال، یک ترس و وحشت و لرزشی در من ایجاد شد، به طوری که نتوانستم

کوچک‌ترین حرکتی داشته باشم. در همین حال آن حضرت از کنار من رفت.

ابوالقاسم ابن قولویه می‌گوید: این جزیان را ابن هشام برایم نقل کرد.

روای می‌گوید: در سال سیصد و شصت و نه هـ.ق «سی سال بعد از آن جریان» ابوالقاسم محمد

بن قولویه مریض شد، و به سرعت شروع کرد به تجدید نظر در امور زندگی و مقدمات و

وسایل لازم بعد از مرگ و حتی قبر را آماده کرد و وصیّت خود را نوشت و با سرعت و جدیّت،

همه کارهایش را انجام داد.

برخی از نزدیکان گفتند: چرا این همه هراسانی؟ ما امید داریم خداوند بر تو تفضّل کند و

سلامتی خودت را بازیابی. پس ترسی نداشته باش.

ابن قولویه گفت: امسال «سال ۳۶۹ هـ.ق» همان سالی است که خبر آن را به من داده‌اند.

راوی می‌گوید: آن بزرگوار در همان مریضی از دنیا رفت.

(۱) - * الخرائج والجرائح / ج ۱ / ص ۴۷۷ / ح ۱۸ / س ۹، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۵۸ / ح ۴۱ / ۲۱، معجم احادیث

الإمام المهدي (عج) / ج ۴ / ص ۲۷۶ / س ۱۰، مدينة المعاجز / ج ۸ / ص ۱۵۶ / س ۶.

• حدیث

○ اهمیت نشر احادیث ائمه اطهار علیهم السلام

در ارسال بیت المال برای امام معصوم علیه السلام یک نکته قابل توجه است، که احتمال دارد اموال ارسال شده برگردد، که این کار دو تعبیر دارد.

گاهی آن مال ارسالی، از حلال به دست نیامده است قبول نمی شود و برگشت داده می شود. اما گاهی مال ارسالی، حلال می باشد، اما مورد مصرف همان کسی است که آن مال را آورده است.

بنابر این اگر وجوهات ارسالی بازگشت و از نوع دوم بود، یعنی مورد مصرفش را امام در خود آن شخص دید، پذیرفتن چنین مالی افتخار دارد و مایه مباهات است.

○ ابواسحاق ابراهیم بن مهزیار اهوازی می گوید؛ در جستجوی شناختن فرزندی از امام حسن عسگری علیه السلام به مدینه رفتم و پس از جستجو به نتیجه ای نرسیدم، به همین دلیل به مکه سفر کردم. روزی در حال طواف بودم که جوانی به سویم آمد و با هم آشنا شدیم ^(۱) همان جوان مرا به خیمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در منطقه ای در طائف راهنمایی کرد، که پس از پیمودن ریگزارهای زیادی، خیمه آن حضرت نمودار شد.

در آن جا حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ملاقات کردم و چند روزی را در خدمت آن حضرت ماندم و احادیث و نصایح فراوانی به من آموختند، تا این که احساس کردم تأخیر بازگشتم به اهواز، ممکن است خانواده ام را نگران کند. به همین دلیل از آن حضرت جهت بازگشت اجازه خواستم و ایشان برایم دعا کردند و اجازه بازگشت دادند.

در آخرین روز که رفتنم قطعی شد، مبلغی پول که از پانصد هزار درهم بیشتر بود، به آن حضرت تحویل دادم و تقاضا کردم آن را از من بپذیرد. آن حضرت لبخندی زدند و فرمودند:

• حدیث ۵۲

يَا أَبَا إِسْحَاقَ، اسْتَعِنُ بِهٖ عَلَي مُنْصَرَفِكَ، فَإِنَّ الشُّقَّةَ قَدْفَةٌ وَ فُلُواتِ الْأَرْضِ أَمَامَكَ جَمَّةٌ، وَ لَا تَحْزَنُ

(۱) - جریان آشنایی ابن مهزیار با آن جوان به طور مفصل در حرف م - پاورقی موضوع «علم امامت و...» آمده است.

لَا عَرَاضَنَا عَنْهُ، فَإِنَّا قَدْ أَخَذْنَا لَكَ شُكْرَهُ وَ نَشْرَهُ وَ رَبَضْنَاهُ عِنْدَنَا بِالتَّذْكِرَةِ وَ قَبُولِ الْمِنَّةِ، فَبَارَكَ اللهُ
فِي مَا خَوَّلَكَ وَ أَدَامَ لَكَ مَا نَوَّلَكَ .

وَ كَتَبَ لَكَ أَحْسَنَ ثَوَابِ الْمُحْسِنِينَ وَ أَكْرَمَ آثَارِ الطَّائِعِينَ، فَإِنَّ الْفَضْلَ لَهُ وَ مِنْهُ. وَ أَسْأَلُ اللهُ أَنْ يَرُدَّكَ
إِلَى اصْحَابِكَ بِأَوْفَرِ الْحِظِّ مِنْ سَلَامَةِ الْأَوْيَةِ وَ أَكْنَافِ الْغِبْطَةِ بِلِينِ الْمُتَصَرِّفِ وَ لَا أَوْعَثَ اللهُ لَكَ وَ
لَا حَيْرَ لَكَ دَلِيلًا وَ اسْتَوْدِعَهُ نَفْسَكَ وَ دَيْعَةً لِاتِّضَاعِ وَ لَا تَزُولَ بِمَنْتِهِ. ^(۱)

(ای ابواسحاق این مال را کمک خرج بازگشت خودت قرار ده، زیرا مقصد دوری در
پیش داری، و بیابان‌های زیادی از زمین در پیش روی توست. و از این که ما آن پول را
نپذیرفتیم، دلهره نداشته باش.

«و خیال نکن که مالت حلال نیست» چون چنان که دیدی، ما بابت آن پول از تو تشکر کردیم و
آن پول را جهت یادگار و یادبود و به خاطر لطف به تو برگرداندیم.

پس این عطای الهی مبارکت باشد و خداوند توفیق دریافت دایمی این گونه عطایا از ما را
به تو عنایت کند. و بهترین پاداش نیکوکاران و بالاترین سود، فرمانبرداران را برایت
مقرر فرماید، زیرا که احسان و بخشش از اوست و از او سرچشمه می‌گیرد.

و از خدا می‌خواهم تو را با بهره فراوان «در محبت و سلامت قبیلهات» و برکرانه آرزوها «در
رسیدن به اهداف» و بازگشت آرام بخش، به سوی بستگان و یاران بازگرداند و هرگز تو را
گرفتار مشقت و سختی راه نگرداند و راهنمای راحت را گمراه نگرداند.

«ای ابواسحاق» خود را به عنوان یک امانت به خداوند بسپار، که با لطف و منت
پروردگار در این سفر، هرگز درد و رنج نمی‌بینی و از بین نمی‌روی. (

• حرز

○ **حرز امام زمان** (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

چون حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بشری هم چون دیگر انسان‌ها است و از
ویژگی جسمی معمول همه انسان‌ها برخوردار است، پس باید از نظر جسمانی سلامت بماند،

(۱) - کمال الدین / ص ۴۵۱ / ذ ۱۹ / ص ۱۳، مدینه المعاجز / ج ۸ / ص ۲۰۰ / ذ ۱۲۷۸۷ / ص ۱، کلمة الامام
المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۴۸۸ / ص ۴، * معجم احادیث الامام المهدی (عج) / ج ۴ / ص ۴۴۹ / ذ ۱۴۱۷ / ص

تا زمان ظهورش فرا رسد و خداوند چه بسا بر اساس تنظیم اسباب و علل زندگی، همراه با طراوت و نشاط، وجود مبارک آن مصلح جهانی را به سلامت نگه داشته است.

و این به برکت دعای پیامبران الهی و امامان معصوم علیهم السلام و حتی شخص حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) است، که آنان برای آن حضرت و خود آن حضرت نیز، برای سلامتی خویش دعا می‌کند، که یکی از نمونه‌های دعای خود حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) برای خودش، دعایی است که به حرز امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) معروف است.

• حدیث ۵۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ! وَيَا هَارِمَ الْأَخْزَابِ! يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ! يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ! سَبَّبْنَا سَبَبًا لَا تَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. (۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان.

ای مالک همه جانداران «و مسلط بر حیات آنان» و ای در هم شکننده تشکلهای ضد خدا! و ای گشاینده درها و ای آماده سازنده سبب‌ها! تو را به حقّ خدایی که جز او خدایی نیست و به حقّ محمد، رسول خدا که درود خدا بر او و بر خاندانش باد، قسم می‌دهم، برای ما و در جهت حراست و حفاظت از ما، نوعی سبب سازی کنی که بدون کمک تو، رسیدن به آن هدف امکان نداشته باشد.

• حسین علیه السلام

○ حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، خون خواه امام حسین علیه السلام

هر خونی که ریخته می‌شود، خون خواهی دارد که قاتل را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد. خون حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز که هنوز انتقامش از دشمنان گرفته نشده است، خون خواهی دارد که بر طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، خون خواه امام حسین علیه السلام، حضرت صاحب الزمان

(۱) - مهج الدعوات / ص ۴۵، * بحار الانوار / ج ۹۱ / ص ۳۶۵ / ح ۱.

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) است، که انتقام خون شهدای کربلا را خواهد گرفت.

○ امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۳۹ از سوره حج که خداوند می فرماید :

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. (۱)

« به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده است، اجازه جهاد داده شده است، چرا که مورد ستم قرار گرفته اند و خدا بر یاری آنها تواناست. »

فرمود :

اهل سنت می گویند ؛ این آیه در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است و آیه مربوط است به زمانی که قریش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از مکه بیرون کردند.

در حالی که شأن نزول آیه، در مورد قائم آل محمد (عجل الله تعالى فرجه الشريف) است و آیه، مربوط است به زمانی که حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ظهور می کند و به خون خواهی امام حسین علیه السلام برمی خیزد و این معنای جمله آن حضرت است که :

• حدیث ۵۴

نَحْنُ أَوْلِيَاءُ الدِّمِّ وَ طُلَّابُ الدِّيَةِ. (۲)

(ما خون خواهان «امام حسین علیه السلام» و طلب کنندگان دیه هستیم.)

○ زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام آن چنان از اهمیت والایی برخوردار است، که در برخی از کتاب های حدیثی شیعه (۳) فصل خاصی تحت عنوان « باب وجوب زیارة الحسین علیه السلام » قرار داده شده و متن های زیادی از راه های مختلف، به عنوان زیارت نامه اباعبدالله الحسین علیه السلام

(۱) - قرآن کریم / سوره حج / آیه ۳۹.

(۲) - تفسیر صافی / ج ۲ / ص ۳۸۱ / ذیل آیه ۳۹ / سوره حج / ص ۲، العوالم امام حسین (ع) / ص ۳۹۷. * بحارالانوار / ج ۲۴ / ص ۲۲۴ / ح ۱۳ و ج ۵۱ / ص ۴۷ / ح ۷، معجم احادیث الامام المهدی (عج) / ج ۵ / ص ۲۶۵ / ذح ۱۶۹۰.

(۳) - وسائل الشیعه / ج ۱۴ / ص ۴۴۳، مرحوم شیخ حرّ عاملی در این باب تحت عنوان « باب وجوب زیارة الحسین و الأئمة کفائياً » تعداد پنج روایت نقل کرده است و در ادامه فرمود : یک سری روایات که دلالت بر واجب کفائی بودن زیارت امام حسین علیه السلام می نمود، از قبل در دیگر باب ها گذشت و در آینده نیز در دیگر باب ها به روایاتی با این مضمون

رسیده است، که یکی از آن‌ها متنی طولانی، با معانی بلند است که از طرف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دستور خواندنش رسیده است و آن دعایی است که در ذیل می‌آید: حضرت فرمود: اگر خواستی امام حسین علیه السلام را در روز عاشوراء زیارت کنی، در مقابل قبرش بایست و بگو:

• حدیث ۵۵

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلِيقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى شَيْثٍ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى اَدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ..... (۱)

• فرستان درود بر پیامبران الهی و بیان اوصاف ایشان

(سلام بر حضرت آدم، برگزیده خدا از بین مخلوقات.

سلام بر حضرت شیث، ولی خدا و برگزیده او.

سلام بر حضرت ادریس که به اقامه برهان الهی در بین مردم پرداخت.

سلام بر حضرت نوح که خداوند دعایش را در مورد ارسال عذاب بر قوم کافر مستجاب کرد.

سلام بر حضرت هود که با یاری خداوند به پیش رفت.

سلام بر حضرت صالح، که به خاطر کرامت خداوند بر او، به سوی پروردگار متوجه شد.

سلام بر حضرت ابراهیم که خداوند با دوست خود و خلیل قرار دادنش، از او حمایت کرد.

سلام بر حضرت اسماعیل که خداوند گوسفندی ارزشمند را از بهشت خود، به عنوان فدایی او برای او فرستاد.

سلام بر حضرت اسحاق که خداوند پیامبران را از نسل او قرار داد.

(۱) - المزار / ابن مهدی / ص ۴۹۸، بحار الانوار / ج ۹۸ / ص ۳۱۷ / ح ۸، المهدی المنتظر (عج) / ج ۲ / ص ۶۰۶، * صحیفة المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / قیومی / ص ۲۸۴ / دعاء ۴۴.

قابل ذکر است که این زیارت هر چند که دارای معانی بسیار بلندی است، اما چون متن عربی آن بسیار طولانی است، از آوردن آن خودداری کردیم. علاقمندان می‌توانند به آدرس‌های داده شده مراجعه کنند. ضمن اینکه یک فراز کوتاه از متن عربی بین ترجمه آمده است.

سلام بر حضرت یعقوب که خدا به رحمت خودش بینایی او را به او باز گرداند.
 سلام بر حضرت یوسف که خداوند به عظمت و قدرت خود او را از درون چاه نجات داد.
 سلام بر حضرت موسی که خداوند به قدرت خودش دریا را برایش شکافت.
 سلام بر حضرت هارون که خداوند با برگزیدنش به پیامبری، او را به خود اختصاص داد.
 سلام بر حضرت شعیب که خداوند او را بر قومش پیروز ساخت.
 سلام بر حضرت داوود که خداوند از خطای او درگذشت و توبه او را پذیرفت.
 سلام بر حضرت سلیمان که به وسیله عزت و جلال خداوند، جتیان و پریان در تسخیر او
 قرار گرفتند.

سلام بر حضرت ایوب که خداوند از آن بیماری شفایش عنایت فرمود.
 سلام بر حضرت یونس که خداوند ضمانت قومش را «از نفرین یونس» پذیرفت، «و آنها را
 نجات داد.»

سلام بر حضرت عزیز که خداوند پس از آن که او مرده بود، او را دوباره زنده کرد.
 سلام بر حضرت زکریا که در مصیبت وارده «قتل یحیی» صبر و بردباری پیشه کرد.
 سلام بر حضرت یحیی که خداوند به خاطر دادن لیاقت شهادت، او را به خود نزدیک
 کرد. سلام بر حضرت عیسی روح خدا و کلمه پروردگار.
 سلام بر حضرت محمد ﷺ حبیب و دوست خدا و برگزیده او.

○ فرستادن درود بر اهل بیت علیهم السلام و بیان فضایل ایشان

سلام بر حضرت امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام که به برادری برای حضرت
 محمد ﷺ اختصاص داده شد.

سلام بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر حضرت محمد ﷺ .

سلام بر ابومحمد امام حسن مجتبی علیه السلام ، وصی و جانشین پدرش، حضرت علی علیه السلام .

سلام بر امام حسین علیه السلام که با خون خود، جانش را در راه خدا ارزانی داشت.

● بیان فضایل و مصیبت‌های وارده بر امام حسین علیه السلام

سلام بر آن امامی «امام حسین علیه السلام» که در پیدا و پنهان، اطاعت خداوند را پیشه خود

ساخت.

سلام بر آن امامی که خداوند در تربت «خاک قبر» او شفای بیماران را قرار داد.

سلام بر آن امامی که دعا در زیر گنبد او مستجاب است.

سلام بر آن امامی که دیگر امامان معصوم علیهم السلام از نسل او به دنیا آمده‌اند.

سلام بر فرزند خاتم پیامبران.

سلام بر فرزند بهترین اوصیای پیامبران.

سلام بر فرزند فاطمة زهراء علیها السلام.

سلام بر فرزند خدیجة کبری.

سلام بر فرزند «سدرۃ المنتهی» ^(۱)

سلام بر فرزند «جنۃ المأوی» ^(۲)

سلام بر فرزند زمزم و صفا.

سلام بر آن امام آغشته به خون.

سلام بر آن امامی که خیمه هایش را پاره پاره کردند.

سلام بر پنجمین نفر از آل عبا «خامس آل عبا».

سلام بر آن غریب‌تر از همه غریبان.

سلام بر آن شهید بالاتر از همه شهیدان.

سلام بر آن امامی که به دست افراد بی اصل و نسب به قتل رسید.

سلام بر آن امام ساکن کربلا.

سلام بر آن امامی که فرشتگان آسمان در عزایش گریستند.

سلام بر آن امامی که همه نسل او از افراد پارساو برگزیده‌اند.

سلام بر سلطان دین. سلام بر محلّ نزول براهین و دلایل واضح الهی.

سلام بر امامان دارای مقام سروری.

سلام بر سینه‌های چاک چاک «از شمشیر و نیزه».

سلام بر آن لبان خشکیده «از تشنگی».

(۱) - درختی است در بهشت یا در آسمان هفتم، در طرف راست عرش الهی.

(۲) - یکی از بهشت‌های هشت گانه.

سلام بر جسم‌های ریشه کن شده «از دنیا».

سلام بر جان‌های ربوده شده.

سلام بر بدن‌های برهنه.

سلام بر جسم‌هایی که بر اثر تابش آفتاب بر آنان، رنگشان تغییر کرد.

سلام بر آن خون‌های جاری شده.

سلام بر آن اعضاء قطعه قطعه شده بدن.

سلام بر سرهایی که در بلندی قرار گرفت «بالای نیزه» و همراه کاروان اسیران «در حرکت بود»^(۱).

سلام بر زنان «بدون پوشش مناسب» به اسارت رفته. سلام بر حجّت خدای هستی.

سلام بر تو «ای حسین» و بر پدران پاک تو. سلام بر تو و بر فرزندان شهیدت.

سلام بر تو و بر ذرّیه ات که به یاری تو برخاسته‌اند.

سلام بر تو و بر فرشتگان خفته در کنارت.

سلام بر آن کشته مظلوم.

سلام بر برادر مسمومش «امام حسن مجتبی علیه السلام». سلام بر حضرت علی اکبر.

سلام بر شیرخواره، حضرت علی اصغر علیه السلام.

سلام بر بدن‌های افتاده «رهاشده» در بیابان.

سلام بر خاندان نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله.

سلام بر افتادگان در بیابان. سلام بر دور از وطن‌ها.

سلام بر بی کفن دفن شده‌ها. سلام بر آن سرهایی که از بدن‌ها جدا شدند.

سلام بر آن امام امر به معروف و نهی از منکر کننده بردبار.

سلام بر مظلوم بی یاور. سلام بر ساکن خاک پاک.

سلام بر صاحب بارگاه با شکوه.

(۱) - قابل ذکر است که «مُشالات» که اکنون در عبارت «رؤوس المشالات» از آن به سرهایی که در بلندی قرار گرفتند تعبیر شده است، در لغت از باب افعال و اسم مفعول از اَسَالُ يُشِيلُ «شال یشول»، جمع مؤنث و به معنای در ارتفاع قرار داده شده است و ترجمه به «نیزه» که توسط برخی مترجمین انجام شده است، از باب قرائن است که سرهای شهداء کربلا را، با قرار دادن روی نیزه‌ها، در بین کاروان از دیگر چیزها بالاتر گرفته بودند، تا در معرض دید باشد.

سلام بر آن امامی که خدای بزرگ او را از پلیدی‌ها پاک ساخت.
 سلام بر آن امامی که جبریل به وجود او افتخار کرد.
 سلام بر آن امامی که در کودکی و در گهواره، حضرت میکائیل با او به زبان کودکی سخن گفت.
 سلام بر آن امامی که هم پیمان‌های او پیمان شکنی کردند.
 سلام بر آن امامی که حرمت حریم او شکسته شد.
 سلام بر آن امامی که خونش به ناحق بر زمین ریخته شد.
 سلام بر آن امامی که غسلش با خون زخم‌های بدنش بود.
 سلام بر سیراب شده با کاسه‌های نیزه.
 سلام بر آن ستم دیده‌ای که خونش مباح شد.
 سلام بر آن امامی که در بیابان سربریده شد.
 سلام بر آن امامی که روستاییان او را دفن کردند.
 سلام بر آن امامی که شاه‌رگ گردنش را قطع کردند.
 سلام بر آن امام مورد حمایتی که «در روز عاشورا» بدون یاور ماند.
 سلام بر آن ریش رنگ شده با خون.
 سلام بر آن صورتی بر خاک افتاده. سلام بر آن جنازه بر زمین مانده.
 سلام بر آن لب‌هایی که با چوب دستی «چوب خیزران» به آن زدند.
 سلام بر آن سر روی نیزه‌ها.
 سلام بر آن بدن‌های برهنه‌ای که در بیابان‌ها افتاده بودند و گرفتار نیش ستم‌گرگ‌های ستم‌گر شدند.
 و درندگان وحشی به سوی آنان در رفت و آمد بودند.
 سلام بر تو ای مولای من! و بر فرشتگانی که در اطراف بارگاہت در رفت و آمدند.
 همان فرشتگانی که بر تربت تو حلقه زدند و در صحن و سرایت در حال طوافند و برای زیارتت بر تو وارد شدند.
 سلام بر تو، همانا من سوی تو آمده‌ام و رستگاری را نزد تو می‌جویم.
 سلام بر تو از طرف کسی که حرمت حریم تو را می‌شناسد و با اخلاص، ولایت تو را

پذیرفته است و با ابراز محبت به تو، می‌خواهد به خداوند نزدیک شود.
و از دشمنان تو بیزار گردد.

سلامی از قلبی که به خاطر مصیبت‌های وارده بر تو زخمی و مجروح است و در هنگام یاد تو اشک هایش جاری است. سلام انسانی دردمند و محزون و سرگردان، خوار و ذلیل.

سلام بر تو از طرف کسی که اگر در کربلا ^(۱) حضور داشت، با سپر قرار دادن جان خود، جسم تو را از شمشیرها محافظت می‌کرد و برای مردن در راه تو، آخرین نفس خود را هدیه می‌کرد و پای رکاب تو جهاد می‌کرد و تو را در جنگ بر علیه دشمنانی که بر تو شوریده‌اند، یاری می‌داد و جسم و جان و مال و فرزند و روح و روان خود را، فدای جان تو کرده و اهل بیت خود را، سپر بلای اهل بیت تو علیهم‌السلام قرار می‌داد.

گرچه روزگار، تولد من را به تأخیر انداخت و قضا و قدر الهی مرا از یاری تو بازداشت و نتوانستم در برابر دشمن تو رو در روی بجنگم و در برابر کسی که علم دشمنی بر علیه تو برافراشته بپاخیزم، اما هر آینه هر صبح و شام، به نوحه و زاری برایت می‌پردازم و در عزایت به جای اشک، خون از دیده می‌بارم.

این همه برای این است که بر آنچه که بر تو گذشت، حسرت می‌خورم و غمگین هستم و بر گرفتاریت تأسف می‌خورم. و هم‌چنان افسوس می‌خورم، تا از اندوه مصیبت وارده بر تو و غصه افسردگی و دل شکستگی بمیرم. ^(۲)

شهادت می‌دهم تو نماز را برپا داشتی ^(۳) و زکات را ادا کردی و امر به معروف نموده و از منکر و دشمنی با خدا نهی کردی و مطیع خداوند بودی و نافرمانی نکردی و به خداوند و ریسمان الهی تمسک جستی.

پس او را از خود راضی نگه داشتی و خدا ترسی پیشه کردی و مراقبت نفس نمودی و دعوت خداوند را اجابت کردی. و سنت‌های الهی را به پا داشتی و فتنه‌ها را خاموش

(۱) - از این بابت به کربلا سرزمین طفوف گویند، چون در کنار فرات و بر ساحل واقع شده است.

(۲) - دو پاراگراف بالا به طور مستقل با موضوع: عزاداری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای امام حسین علیه‌السلام آمده است.

(۳) - اقامه نماز عبارت است از نشر فرهنگ نماز و اجرای قانون نماز و این با خواندن معمولی نماز فرق دارد.

کردی و به راه هدایت، مردم را دعوت کردی و راه راستی و درست کرداری را روشن ساختی.

و آن گونه که حقش بود، در راه خدا جهاد کردی و مطیع پروردگار و جدّت حضرت محمد ﷺ، رسول خدا بودی. و به گفتار پدرت حضرت علی ﷺ گوش شنوا داشتی و به سرعت، وصیت برادرت، امام حسن مجتبی ﷺ را عمل کردی و ستون دین را بر افراشتی و طغیان و سرکشی را در نطفه خفه کرده و از بین بردی و کوبنده طاعیان و سرکشان بودی و برای امت اسلام، اندرز دهنده بودی.

و در لحظه های مرگ و سختی جان کندن، شنا کنان رفتی و با فاسقان مبارزه کردی و با براهین الهی قیام کردی و برای اسلام و مسلمین شفقت نشان داده و عاطفه به خرج دادی. و حق را یاری کردی و در گرفتاری و آزمایش های الهی، بردبار بودی و از دین محافظت کردی و از گستره حضور دین دفاع کردی.

از آرمان هدایت نگه داری کرده و آن را یاری نموده ای. عدالت را گسترش داده و به نشر آن اقدام کرده ای. دین را یاری کرده و فرهنگ دین داری را علنی ساختی. بازیچه قرار دهندگان دین را از کارشان باز داشته و مانع آنان شدی.

دارایی سرمایه داران را به نفع افراد مستضعف مصادره کرده و بین قوی و ضعیف به تساوی تقسیم کردی. بهار امید یتیمان و نگه دارنده مردمان، و مایه عزت اسلام و معدن احکام الهی و ملازم نعمت ها بودی.

راه و روش جدّ و پدرت را طی کردی و در وصیت کردن به روش برادرت امام حسن ﷺ وصیت کردی. در پیمان ها دارای خوی و خصلت پسندیده و کرامت روشن هستی. حتی در تاریکی ها «ی جهل و نادانی جهان» به کوشش ادامه دادی و راه های استوار را انتخاب کردی.

با شرف و با کرامت تر از همه مخلوقات. پیشینه ای عظیم و عالی داری. حَسَب و نَسَب شریف و بلندی داری، و دارای رتبه والا و مناقب بسیار و نژادی پسندیده ای. و بردبار، رستگار و بازگشت کننده به سوی خدایی.

تو بخشنده دانا، نیرومند و بلند مرتبه هستی. امام شهیدی. بسیار ناله کننده در پیشگاه خدا و بازگشت کننده به سوی خدایی. دوست داشتنی و دارای هیبت و وقاری.

برای پیامبر خدا، فرزند و برای قرآن کریم بررسی کننده و برای امت اسلام بازوانی. و در طاعت پروردگار کوشا و نسبت به عهد و پیمان وفادار، و از راه فاسقان کناره‌گیری کننده‌ای و انجام دهنده تمامی سعی و تلاش هستی و نیز دارای رکوع و سجود طولانی هستی.

و همانند کسی که می‌خواهد از دنیا کوچ کند، از دنیا کناره‌گرفتی و به دنیا مانند کسی که از دنیا وحشت داشته باشد، نگاه می‌کنی. از آرزوهای دنیایی چشم پوشیدی و نظر همت خود را از زینت‌های دنیا برگرداندی و نگاهت از خوشی‌های دنیا برگرفته شده است و اشتیاق به آخرت شناخته شده است.

تا آن‌جا که وقتی ستم، همه توان خود را به میدان آورد و بیدادگری پرده از چهره برداشت و گمراهی پیروانش را فراخواند؛ تو «در آن هنگام» در کنار حرم جدّت مدینه، سکونت داشتی و با ستم‌گران بیگانه بودی و همنشین خانه و محراب و کناره‌گیرنده از شهوات و لذات بودی و به اندازه طاقت خود، با قلب و زبانت نهی از منکر می‌نمودی.

• بیان حالات روز عاشورا

پس از آن، آگاهی از منکرات در جامعه، اقتضا کرد که نهی از منکر عملی و علنی انجام دهی؛ و عملاً در برابر تبه‌کاران ایستاده و با آنان به نبرد پردازی. به همین دلیل به همراه فرزندان و اهل بیت و نیز پیروان و دوستان، جهاد آغاز کردی و مقصود خود را، با دلیل و برهان آشکار کردی و با استفاده از علم و دانش و بردباری و موعظه نیکو، مردم را به سوی خداوند دعوت کردی و به اقامه حدود الهی و اطاعت از خداوند امر و از پلیدی و سرکشی‌ها نهی کردی.

اما آنان با ستم و تجاوز، با تو مقابله کردند و تو بعد از بر حذر داشتن آنان و تکرار بی‌تنبه و برهان بر آنان، با آن‌ها به جهاد برخواستی. ولی آن‌ها حرمت حریم تو و بیعت با تو را شکستند. و پروردگارت و نیز جدّت رسول خدا ﷺ را خشمگین کردند و آغازگر جنگ با تو بودند.

پس صحنه، صحنه ضربت شمشیر و نیزه شد و تو مرگ را بر لشگر کفار تحمیل کردی و در گرد و غبار میدان جنگ غرق شدی و با ذوالفقاری وارد شدی؛ که گویا علی مرتضی

در میدان جنگ حاضر شده است.

وقتی که دیدند تو اقوام و یاران ثابت قدمی داری و بی قراری و ترس در تو مشاهده نمی‌شود، حیل‌های آشوب برانگیز خود را در مورد تو اجراء کردند و با حیل و نیرنگ و بدی‌های‌شان، با تو به نبرد پرداختند و آن ملعون به لشگرش امر کرد که از رسیدن آب به تو جلوگیری شود و نیز مانع رسیدنت به آب شدند و با تو جنگیدند و با عجله از تو خواستند در بیابان کربلا فرود آیی.

و تیرها به سویت پرتاب کردند و برای ریشه کن کردن دست‌ها دراز کردند و پیمانی را که با تو بسته بودند، رعایت نکردند و در هنگامه کشتن دوستان و یارانت و مصادره اموالت، هرگز فکر نکردند که این اقدام آن‌ها گناهی بزرگ است.

در حالی که تو در میان گرد و غبار جنگ بودی و آزار و اذیت‌ها را تحمل می‌کردی، آن‌گونه که حتی فرشتگان آسمان از بردباریت تعجب کردند، آن دشمنان از هر جهت تو را محاصره کردند و با زخم‌های زیادی که بر تو وارد کردند، ناتوانت ساختند و بین تو و خیمه‌های حرم فاصله انداختند و مانع رفت و آمدت به خیمه‌های حرم شدند، آن‌گونه که حتی یک یاور هم برایت نماند، در حالی که تو آمر به معروف و ناهی از منکر بودی. بردبار بودی و مدام از زنان و فرزندان دفاع می‌کردی؛ تا آن‌که تو را از اسب بر زمین انداختند. پس در حالی که مجروح بودی، بر زمین قرار گرفتی، تا آن‌جا که زیر سُم اسبان قرار گرفتی، یا این که سرکشان، شمشیر بر بدن تو زدند و عرقِ مرگ بر پیشانی تو نشست و از این پهلو به آن پهلو می‌شدی.

آن‌گاه که نگاه مایوسانه‌ای به خیمه‌های حرم و اهل بیت خویش کردی، آن‌گونه که از شدت دردها و جراحات می‌رفت که فرزندان و اهل بیت خود را فراموش کنی. در این بین ذوالجناح به سرعت رَم کرد و به طرف خیمه‌های حرم رفت، در حالی که شیهه‌های گزیه آلود داشت.

وقتی که زنان حرم اسب را ذلیل و شرمسار دیدند و مشاهده کردند که زین اسب بر اسبت آویزان است، مو پریشان و در حالی که سیلی بر صورت‌های خود می‌نواختند، نقاب از چهره گرفتند، از پشت پرده بیرون دویدند و شیون کنان و در حالی که آثار ذلت بعد از عزت را می‌دیدند، به سوی قتلگاهت شتابان دویدند.

در همان حال، شمر ملعون روی سینه‌ات نشسته بود. شمشیرش را بر گلویت می‌کشید، در حالی که با دست دیگرش ریش مبارک تو را گرفته بود، که با شمشیر هندی خود سر از بدنت جدا کند.

در همان حال بود که حواس پنج‌گانه‌ات از کار افتاد و نفس‌های آخر را زدی و سرت روی نیزه قرار گرفت و اهل بیت تو، همانند بردگان به اسارت برده شدند و با زنجیر آهنی به بند کشیده شدند و بر روی پالان چهارپایان «شتران» سوار شدند، به گونه‌ای که شدت گرمای تابستان صورت آنان را سوزانید و آنان از صحراها و بیابان‌ها بُرده شدند. و در حالی که دست‌های بسته آنان به گردن‌شان آویزان شده بود، در بازار شهرها چرخانده می‌شدند.

پس وای بر گنهکاران فاسد که با کشتن تو، اسلام را به قتل رساندند و نماز و روزه را تعطیل کردند و سنت‌ها و احکام الهی را شکستند و پایه‌های ایمان را منهدم کردند و آیات قرآن را تحریف کردند و در طغیان‌گری و دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام تند رفتند و قساوت به خرج دادند.

از این پس یک بار دیگر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مورد ستم قرار گرفت و ولی دم شد و حق انتقام گرفتن برایش باقی ماند و قرآن کریم یک بار دیگر غریب واقع شد.

و وقتی که تو به شکست کشانده شدی، حق یک بار دیگر مورد خیانت قرار گرفت و شکست خورد و با رفتن تو تکبیر «الله اکبر» و تهلیل «لا اله الا الله» و حلال و حرام و قرآن و تفسیر آن، همگی از بین رفت. و بعد از شهادت تو تغییر و تبدیل «تحریف احکام» و دشمنی «با دین»، تعطیل شدن احکام و هواپرستی و گمراهی و فساد و باطل‌گرایی، به صورت فرهنگ جامعه در آمد و ظاهر شد.

پس، آن کس که خبر شهادت تو را در مدینه، در کنار قبر جدت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اعلان می‌کرد، با اشک‌های طولانی، خبر مرگ تو را به پیامبر داد.

در حالی که خطاب به رسول خدا می‌گفت: ای رسول خدا! جوان و نوه‌ات «حسین» کشته شد و تعرض به اهل بیت تو و افراد مورد حمایت تو را مباح شمردند و بعد از تو، فرزندان و نوه‌های تو به اسارت برده شدند و هر رفتار غیر اصولی و غیر انسانی را نسبت به عترت و اهل بیت تو انجام دادند.

آنجا بود که پیامبر خدا بر آشفته و گریه از درون قلب آرام او برآمد و در عزای تو فرشتگان و پیامبران الهی به او تسلیت گفتند و در شهادت تو مادرت زهرا علیها السلام سوگوار شد و لشگرهایی از فرشتگان مقرب درگاه خداوند، برای تسلیت گفتن به پدرت، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در رفت و آمد بودند و در عزای تو، در بالاترین طبقات بهشت، محافل عزا برپا کردند و در عزای تو، زنان بهشتی بر صورت‌های خود سیلی زدند و همه آسمان‌ها و ساکنان آن و بهشت و نگهبانان آن و کوه‌های مرتفع و دامنه‌های آن و دریاها و ماهی‌های آن، و بهشت و افراد آن، و خانه کعبه و مقام ابراهیم و مشعر و آنان که در احرام بودند و نیز آنان که از احرام بیرون آمدند، همگی در عزای تو گریه کردند. پروردگارا! به حرمت این مکان ارزشمند «کربلا» بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در قیامت به همراه آنان و جزء گروه آنان محشور کن و با شفاعت آنان مرا وارد بهشت کن.

• مناجات با خداوند

پروردگارا! به حق محمد، خاتم پیامبران، فرستاده تو برای هدایت همه هستی و به حق برادر و پسر عمویش که دو طرف پیشانی‌اش مو نداشت، همان دانشمند بالا مرتبه، یعنی حضرت علی علیه السلام و به حق فاطمه، بزرگ زنان جهان و به حق امام حسن، طیب و طاهر و پارسا و نگهبان پرهیزکاران و به حق امام حسین، کریم‌ترین فرد از شهیدان و به حق فرزندان شهید امام حسین و به حق اهل بیت مظلوم امام حسین، و به حق امام علی بن الحسین، زین العابدین و به حق امام باقر پیشقراول و پیشاهنگ بازگشت کنندگان ^(۱) و به حق امام ششم، راستگوترین راستگویان، و به حق امام موسی بن جعفر، جلوه گاه دلایل و براهین و به حق امام هشتم، علی بن موسی، یاور دین و به حق امام نهم، محمد بن علی، نمونه راه یافتگان و به حق امام دهم، علی بن محمد، پارساترین پارسایان و به حق امام

(۱) - این جمله، اشاره دارد به بازگشت اسراء خاندان پیامبر علیه السلام از کربلا، چون کوچک‌ترها به خاطر مصون ماندن از خطرات احتمالی، به گونه‌ای حرکت داده می‌شوند که مورد حمایت بزرگترها باشند. امام باقر علیه السلام که شاید تنها کودک پسر باقی مانده از نسل امام حسین بود. پیش پای بزرگ‌ترها حرکت داده می‌شد. به همین دلیل به پیشاهنگ اسیران نامیده شده است.

یازدهم حسن بن علی، وارث بازماندگان و به حقّ امام دوازدهم، حجّت و گواه بر همه مخلوقات، تو را قسم می‌دهم که بر محمد و خاندان پاک و راست کردارش، همان آل طه و یس درود فرستی و در قیامت مرا، از ایمن‌های مطمئنِ نجات یافته، و خوشحال بشارت دیده، قرار دهی.

پروردگارا! نام مرا در لیست مسلمانان بنویس و مرا به نیکوکاران ملحق ساز، و به من نسبت به دیگران، زبان راستگو عنایت کن و مرا بر سرکشان پیروزی عنایت فرما و از حيلة حسودان حفظ کن و حيلة همه حيله گران را از من دور بدار.

دست سلطه ستم گران را از سر من کوتاه بگردان و به رحمت خودت ای رحم کننده تر از همه رحم کننده گان، مرا با بزرگان خجسته و با برکت، به همراه همان پیامبرانی که مشمول نعمت خود قرار دادی و نیز شهیدان و نیکو گفتاران نیکومنش، همنشین قرار ده. پروردگارا! تو را به پیامبر معصومت و به حکم ثابت و استوارت و نهی پنهانت و به حقّ این قبری که ارادتمندان برای زیارتش می‌آیند، که در درون آن، امام معصوم، همان کشته مظلوم جای گرفته است، قسمت می‌دهم که همه اندوه‌هایم را برطرف کنی و شرّ قضا و قدر پنهان را از من دور بداری و از شرّ آتش زهرآگین و خفقان آور پناهم بدهی. پروردگارا! با ارزانی داشتن نعمت خود بر من، مرا در خور ستایش خود قرار ده و نسبت به آن اندازه از روزی که به من دادی، مرا راضی ساز و مرا تحت پوشش جود و گرم خویش قرار ده و مرا از غضب خویش و نقشه‌هایی که بر علیه دشمنانت می‌کشی، دور بدار.

پروردگارا! مرا از لغزش نگه دار و در گفتار و کردار به من استواری عنایت کن، و فراخی و فزونی در مدّت اجل من ایجاد کن و مرا از تحمیل سختی گرسنگی و مریضی دور نگه دار و به حقّ رهبران دینی‌ام «امامان معصوم علیهم‌السلام» و به فضل و کرمّت، بهترین آرزوها را نصیب من بفرما.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و توبه‌ام را بپذیر و بر گریه و اندوه شدیدم ترحّم کن و از لغزش من در گذر و سختی‌هایم را بر طرف ساز و گناهانم را بیامرز و نسل من را پاک و اصلاح کن.

پروردگارا! در این بارگاه ملکوتی و مکان با کرامت، تمامی گناهانم را بیامرز و کلیّه

عیب‌هایم را بپوشان و تمام غصه‌هایم را برطرف گردان و روزی‌ام را در همه زمین‌ها گسترش بده و مقام و موقعیت اجتماعی‌ام را فزونی بخش و همه مفسد زندگی‌ام را اصلاح کن و من را به همه آرزوهایم برسان و همه دعا‌هایم را مستجاب گردان.

و همه تنگناهای زندگی من را به رفاه مبدل گردان و هر جمعیت منتسب به من را منسجم گردان و هر کار مربوط به من را به سرانجام برسان و اموال و دارایی‌ام را بسیار گردان و اخلاقم را نیکو کن. و انفاقم را به جا و سزاوارتر قرار ده و سال مرا، سالی خوش قرار ده و هر حسود نسبت به من را خوار و ذلیل گردان و همه دشمن‌هایم را هلاک گردان و من را از آسیب هر شری بازدار.

و همه بیماری‌هایم را شفا بخش و همه آرزوهای دورم را نزدیک و قابل دسترسی قرار ده و هر پراکندگی در زندگی‌ام را جمع کن و موارد همه درخواست‌هایم را به من عطا فرما.

پروردگارا! خیر دنیا و پاداش آخرت را از تو می‌خواهم.

پروردگارا! به وسیله روزی حلالیت، مرا از مال حرام بی‌نیاز گردان و به وسیله فضل و رحمت خود، من را از تمام مخلوقات بی‌نیاز گردان.

پروردگارا! من از تو دانشی منفعت رساننده و قلبی فروتن و یقینی کامل و کرداری پاک و صبری نیکو و پاداشی عظیم درخواست دارم.

پروردگارا! توفیق شکرگزاری نعمت‌هایی که به من داده‌ای را عنایت بفرما و احسان و کرمات را بر من بیش از پیش گردان و مردم را نسبت به گفتارم شنوا گردان و کردارم را در نزد خودت صاحب جایگاه قرار ده و خیرات و نیکی‌هایم را دامنه دار گردان و دشمنم را خوار و ذلیل گردان.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام، در تمام لحظه‌های شب و روز درود فرست و شرّ اشرار را از من بازدار و من را از گناهان و وزر و وبال‌ها پاک ساز و در برابر آتش جهنّم پناهم باش و بهشت جاویدان را برایم مقرر گردان و به رحمت خودت، ای ترحم‌کننده‌تر از همه ترحم‌کنندگان من و همه برادران و خواهران دینی من را بیامرزد.

« حضرت صاحب الزمان در ادامه دستورش به زیارت‌کننده قبر امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: »

سپس رو به قبله بایست و دو رکعت نماز به جای آور. در رکعت اول «بعد از حمد» سوره

انبیاء را بخوان و در رکعت دوم «بعد از حمد» سوره حشر را بخوان. و در قنوت بگو: خدایی نیست جز خدای یکتا، که بردبار و با کرامت است.

خدایی نیست جز خدای بلند مرتبه و با عظمت، خدایی نیست جز خدای هفت آسمان و زمین، و هر چه که در آن آسمان‌ها و زمین‌ها زندگی می‌کنند و هر آن که بین این آسمان‌ها و زمین‌ها هستند.

این شهادت به یگانگی را، از باب مخالفت با دشمنان خدا و تکذیب کسانی که از خداوند اعراض کرده‌اند و از باب اقرار به خداوندی خدا و فروتنی در برابر عظمت او بر زبان جاری کرده‌ام.

همان کس که پیشینه همه چیز است و پیش از او هیچ چیز نبوده است و آخر همه چیز است و خود آخری ندارد و با قدرت خود بر هر چیزی اشراف دارد و با دانش و مهربانی خود، از درون همه چیز اطلاع دارد.

عقل‌های بشری به حقیقت وجودی او دسترسی ندارند و تصوّر بشری، وجود او را درک نمی‌کند و مفهوم چگونگی وجود او برای بشر، قابل تصوّر نیست و بر باطن اشخاص آگاهی دارد و اسرار دل انسان‌ها را می‌شناسد و از خیانت چشم‌ها و از رازهای پنهان شده در سینه‌ها آگاه است.

پروردگارا! من بر پذیرش پیامبرت و ایمان آوردنم به او و آگاه بودنم به جایگاه رفیع او، تو را گواه می‌گیرم و گواهی می‌دهم که حضرت محمد ﷺ همان پیامبری است که قرآن کریم در فضیلت او سخن گفت و همه پیامبران به آمدن او بشارت داده‌اند و آن آیات قرآنی که خود او آورده بود، از مردم دعوت کرد که به پیامبری او اقرار کنند.

و خداوند از طریق آیه مبارکه‌ای که نازل کرد، مردم را تشویق به تصدیق او نمود که فرمود: «همان‌ها که از فرستاده خدا، پیامبر پیروی می‌کنند، پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که در نزدشان است، می‌یابند. آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد.

اشیاء پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را حرام می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد.»^(۱)

و بر برادر و پسر عموی پیامبر «حضرت علی علیه السلام» همان دو بزرگواری که حتی در یک چشم به هم زدن هم مشرک نشده‌اند و نیز بر فاطمه زهرا، بانوی زنان جهان و بر دو مولای جوانان بهشت، امام حسن و امام حسین علیهم السلام، به پایداری ابدیت و به تعداد قطره‌های نم نم باران و هم وزن تپه‌ها و کوه‌ها، تا موقعی که درختان برگ دهند و زندگی و شب و روز برقرار باشد، درود فرست.

و بر خاندان آن پیامبر، همان امامان معصوم هدایت شده و مدافعین دین خدا، یعنی؛ حضرت علی بن الحسین علیهم السلام (امام چهارم)، حضرت محمد بن علی علیهم السلام (امام پنجم)، و حضرت جعفر بن محمد علیهم السلام (امام ششم)، و حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام (امام هفتم)، و حضرت علی بن موسی علیهم السلام (امام هشتم)، و حضرت محمد بن علی علیهم السلام (امام نهم)، و حضرت علی بن محمد علیهم السلام (امام دهم)، و حضرت حسن بن علی علیهم السلام (امام یازدهم)، و حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام (امام دوازدهم، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) همان‌ها که بر پای دارندگان عدل هستند و همگی از نسل سبط پیامبر «امام حسین علیه السلام» هستند، درود و سلام فرست.

پروردگارا! به همین امام دوازدهم «امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» قَسَمْتُ می‌دهیم که ظهورش را نزدیک نمایی، و صبری نیکو و پیروزی کامل و بی‌نیازی از خلق و پایداری در راه هدایت و توفیق دست یابی به آن چه که تو راضی هستی و دوست می‌داری، به ما عنایت فرمایی.

«پروردگارا!» روزی فراوان، حلال، پاک، سَبُک، همیشگی و روان که از هر طرف فزونی داشته باشد، و مورد علاقه و اشتیاق باشد و بدون دردسر و زحمت زیاد و بدون منت کشیدن از دیگران به دست آید، به ما عنایت بفرما.

«پروردگارا!» ما را از هر گرفتاری و درد و مریضی رهایی بخش و توفیق شکرگزاری بر سلامتی و بر نعمت هایت را به ما عنایت بفرما و هرگاه زمان مرگ ما رسید، ما را بر بهترین حالتی که در حال طاعت تو و رعایت دستورات تو باشیم، بمیران؛ تا با رحمت خود، ای مهربان‌ترین مهربانان! ما را به بهشت جاویدان وارد کنی.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و من را از دنیا بیزار و با آخرت مأنوس ساز، زیرا هیچ چیز جز ترس از تو، باعث فرار از دنیا نمی‌شود و هیچ چیز جز امید به تو، باعث اُنس با آخرت نمی‌گردد.

پروردگارا! برهان در اختیار توست و تو همیشه حاکمی و هرگز برهانی علیه تو اقامه نشد و تو محکوم نشدی. پروردگارا! همگان از ستم دیگران به سوی تو عرض حال می‌آورند و هرگز از دست تو به سوی کسی عرض حال برده نمی‌شود.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و من را در جهت پیروزی بر نفسِ ستمگر و سرکش و هواپرستی فراوانی که در درونم قرار دارد، یاری فرما و من را عاقبت به خیر گردان.

پروردگارا! این که از یک طرف از تو طلب مغفرت می‌کنم و از طرفی دیگر بر ارتکاب معصیت اصرار می‌ورزم، به خاطر کمی حیا است و باز با این که می‌دانم دائرة بردباری تو وسیع است، باز هم توبه نمی‌کنم و از تو طلب مغفرت نمی‌نمایم، ضایع ساختن و هدر دادن امید به توست.

پروردگارا! گناهانم مرا از امید بستن به تو ناامید می‌کند و یقین من به فراگیری رحمت، مانع ترسیدن از تو می‌شود. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و امیدم را تلقی به قبول کن و ترسم از خودت را نادیده بگیر و در جایگاه بهترین گمان‌کنندگان به خود، همراه من باش، ای کریم‌ترین کریمان!

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و برای مصون ماندن از گناه کمکم کن و زبانم را به حکمت و دانش عقلانی گویا ساز و من را جزء کسانی قرار ده که از دست دادن فرصت گذشته پشیمان می‌شوند و در استفاده از فرصت هر روز خود متضرر نمی‌شوند و غصه روزی فردا را ندارند.

پروردگارا! بی‌نیاز آن کسی است که محتاج تو باشد و به وسیله تو از دیگران بی‌نیازی بجوید و فقیر آن کسی است که با دست نیاز به سوی خلق دراز کردن، خود را از تو بی‌نیاز بداند.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و با لطف خود من را از مخلوقات بی‌نیاز کن و من را جزء کسانی قرار ده که به سوی هیچ کس جز تو، دست خویش را دراز نمی‌کنند.

پروردگارا! بدبخت کسی است که مأیوس شود، در حالی که در پیش رویش، توبه قرار گرفته است و در پشت سرش رحمت بی‌پایان تو واقع شده است. اگرچه در کردار ضعیف هستم، اما در عرصه رحمت تو از آرزومندترین‌ها هستم، پس ضعف کردارم را با

توجه به فزونی امید و آرزویم به تو، بر من ببخش.

پروردگارا! اگر تو می‌دانی که در بین بندگان از من سنگ‌دل‌تر و گنه‌کارتر نیست؛ اما من هم می‌دانم، که برتر از تو در عظمت، و گسترده‌تر از تو در عفو و رحمت مولایی وجود ندارد.

پس ای مولایی که در عفو و رحمت یکتایی، کسی را که در این دنیا تنها فردی نیست که نافرمانی تو را می‌کند، مورد عفو و رحمت خود قرار ده.

پروردگارا! تو به ما دستور دادی، اما ما نافرمانی کردیم و ما را از بدی‌ها برحذر داشتی و ما از بدی‌ها دوری نکردیم و خطرها را به ما یادآوری کردی. اما ما خود را به فراموشی زدیم و تو ما را به سوی بینایی کشاندی، اما ما خودمان را به نابینایی زدیم و تو به ما هشدار دادی، اما ما به تجاوزکاری ادامه دادیم.

این برخورد ما، سزای آن نیکی‌های تو به ما نبود و تو آگاه‌تری از آن‌چه که ما در پیدا و پنهان انجام می‌دهیم و تو از آن‌چه که ما تا کنون انجام دادیم و آن‌چه که بعداً انجام می‌دهیم، با خبرتری، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را به خاطر آن اشتباه کاری‌ها و فراموش کاری‌ها مجازات نکن.

و از حقوقی که بر گردن ما داری درگذر و احسانت را به ما به آخر برسان «ما را از تمام احسانت بهره‌مند گردان» و رحمت خویش را بر ما جاری ساز.

خدایا! ما به حرمت این امام راستین «امام زمان» دست نیاز به سوی تو دراز می‌کنیم و به تو متوسل می‌شویم و به حقّ عظمتی که برای این امام و جدّش رسول خودت و پدر و مادرش، علی و فاطمه که جزء اهل بیت رحمت هستند، قرار دادی، تو را قسم می‌دهیم که روزی دایم را که پایه‌های حیات ماست، برای ما مقرر بفرمایی. و اصلاح امور زندگی خانوادگی ما را مقرر بگردانی.

پس تو همان کریمی هستی که بخشندگی فراوان داری و هرگاه بخواهی چیزی را از کسی دریغ کنی، با قدرت و توانایی از او دریغ می‌کنی. خدایا! ما از تو آن رزق و روزی را می‌خواهیم که صلاح دنیای ما و رستگاری آخرت ما در آن باشد.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و گناهان ما و پدر و مادر ما و همه مردان مؤمن و زنان با ایمان و همه زن و مرد مسلمان، چه زنده و چه مرده، همه را بیامرزد و از

نیکی دنیا و آخرت ما را بهره‌مند گردان و ما را از عذاب جهنم نگاهبان باش.

« حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: »

سپس رکوع انجام می‌دهی و به سجده می‌روی و بعد تشهد می‌خوانی و نماز را سلام می‌دهی. بعد وقتی تسبیحات حضرت زهرا را گفتی، صورت خویش را روی خاک بگذار و بگو: منزّه است خدا و سپاس مخصوص خدا است. و خدایی جز خدای یکتا نیست. و خدا بزرگ است.

این ذکر را چهل مرتبه تکرار می‌کنی، سپس مصون ماندن از گناه، نجات از خطرات، آمرزش گناهان و توفیق کار خیر و قبولی اعمالی را که باعث نزدیک شدن به خداوند می‌شوند و تو آرزوی آن را داری، همگی را از خدا بخواه.

و بعد برو قسمت بالای سر بایست و به همان صورتی که گفته شد، دو رکعت نماز بجا آور، سپس به رو خود را روی قبر بیانداز و قبر مطهر را ببوس و بگو: خداوند شرافت شما را زیاد کند و درود خدا و رحمت و برکات خداوند بر شما باد. بعد از آن برای خود و پدر و مادرت و نیز برای هر کس که خواستی دعا کن. (

○ عزاداری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای امام حسین (علیه السلام)

برپا ساختن عزا برای امام حسین (علیه السلام) به دو لحاظ مورد توجه همیشگی امامان معصوم (علیهم السلام) قرار گرفته است. اول به خاطر ثواب بسیار زیادی که گریه بر امام حسین (علیه السلام) و یارانش دارد و باعث اجر و ثواب آخرتی برای گریه کننده است.

و دوم جنبه اجتماعی آن است، یعنی زنده نگه داشتن یاد آن آزاد مرد تاریخ و مظهر مقاومت در برابر ستم، تا جایی که مصلح حقیقی بیاید و انتقام خون آن امام معصوم را بگیرد.

گریه بر امام حسین (علیه السلام) آن چنان با ارزش است که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آن انتقام گیرنده حقیقی هم در رثای آن امام مظلوم اشک می‌ریزد و عزاداری می‌کند.

○ نقل شده است که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) در ضمن دعایی، خطاب به آن امام شهید عرض کرد:

• حدیث ۵۶

قَلْبِي أَخْرَتَنِي الدُّهُورَ وَ عَاقِبِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورَ وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ

الْعَدَاوَةَ مُنَاصِباً، فَلَا تُدْبِنَكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا بُكَيْنَ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا حَسْرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا عَلَى مَا دَهَاكَ وَ تَلَهُفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ وَ غُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ. (۱)

(گرچه روزگار تولد من را به تأخیر انداخت و من را از داشتن قدرت بر یاری تو بازداشت، و نتوانستم با دشمن تو، رو در رو بجنگم و با کسی که با تو دشمنی می‌کند، دشمنی کنم، اما هر آینه هر صبح و شام روضه تو را می‌خوانم و برایت عزادارم و در رثای تو به جای اشک، خون از دیده‌گانم جاری است.

و این کار، به خاطر این است که بر آن چه که بر تو گذشت، حسرت می‌خورم و غمگین هستم و بر گرفتاریات تأسف می‌خورم و هم‌چنان افسوس می‌خورم، تا این که از اندوه مصیبت وارد شده بر تو و غصه افسردگی و دل شکستگی بمیرم.)

○ فضیلت تربت امام حسین (ع) ← حرف ت - تربت

○ فضیلت ابوالقاسم حسین بن روح

گروهی از راویان از ابوالعباس بن نوح روایتی را در فضیلت جناب حسین بن روح، نایب خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقل کرده‌اند که گفت:

در نامه‌ای که محمد بن نفیس، مردم اهواز نوشته بود، این جمله را یافتیم که نوشت: اولین دست نوشته‌ای که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای تأیید ابوالقاسم، حسین بن روح مرقوم فرمودند، به صورت ذیل است؛

• مَدِيْثٌ ٥٧

نَعْرِفُهُ عَرَفَهُ اللهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَ رِضْوَانَهُ وَ أَسْعَدَهُ بِالتَّوْفِيقِ وَ قَفْنَا عَلَى كِتَابِهِ وَ ثَقَّنَا بِمَا هُوَ عَلَيْهِ وَ أَنَّهُ عِنْدَنَا بِالْمَنْزِلَةِ وَ الْمَحَلِّ الَّذِي يُسْرَانَهُ، زَادَ اللهُ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. (۲)

(ما او را می‌شناسیم، خداوند او را به همه خیرات و نیز آن چه که باعث رضای خدا

(۱) - المزار الكبير / ص ۵۰۱. * بحار الانوار / ج ۹۸ / ص ۳۲۰ / ذح ۸ / س ۹ و ص ۲۳۸ / ذح ۳۸. صحیفه المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / قیومی / ص ۲۹۴.

(۲) - الغيبة / طوسی / ص ۲۷۲ / ح ۳۴۴. * بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۲۵۶ / ذح ۶ / س ۹.

می‌شود، آشنا کند و با توفیقات خود او را یاری کند. بر نوشته و نامه او آگاهی پیدا کردیم و کارهای او مورد اعتماد ماست. و جایگاه و منزلت او در نزد ما به گونه‌ای است که او را راضی می‌کند.

خداوند احسان خویش را نسبت به او بیشتر کند، همانا خداوند سرپرست توانایی است و سپاس، مخصوص خداست و شریکی ندارد و درود خدا بر پیامبرش، حضرت محمد و بر خاندانش علیهم السلام باد. چنان‌که خداوند درود فراوان بر ایشان می‌فرستد. (

• حق

○ دفاع امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از حق خویش

← حرف ج - جعفر کذاب - ادعای جعفر کذاب در ارث بردن از امام عسگری علیه السلام

• حکومت

○ ارائه راه‌کارهای مناسب در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با توجه به شرایط زمان و وضعیت جهان در آخر الزمان، از شیوه‌های گوناگون برای اداره حکومت جهانی خویش استفاده می‌کند که در برخی از موارد به طریق عادی پیش رفته و در برخی از موارد از کرامت و اعجاز امامت استفاده می‌کند.

و یک نمونه از اعجاز امامت و کرامت آن حضرت این است که، در زمان ظهورش افراد مورد اعتماد و نمایندگان آن حضرت در هر کاری در مانده شوند و تکلیف مشخص نباشد، اگر به کف دست خود نگاه کنند، دستورات صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در کف دست خویش می‌یابند.

○ امام صادق علیه السلام فرمود: قائم آل محمد علیهم السلام وقتی ظهور کند، نمایندگانی به بخش‌های مختلف جهان می‌فرستد و خطاب به هر یک از آنان چنین می‌گوید:

• هدیث ۵۸

عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا

فیها. (۱)

(دستورالعمل کاری تو در کف دست توست، پس هرگاه حادثه‌ای پیش آمد که روش برخورد با آن حادثه و حکم شرعی آن را ندانستی، به کف دست خود نگاه کن و به هر دستوری که دیدی، عمل کن.)

• حوادث

○ حوادث هنگام ظهور ← حرف ظ - علائم ظهور

(۱) - الغیبة / نعمانی / عربی / ص ۲۱۹ / س ۳. * بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۳۶۵ / ح ۱۴۴. معجم الاحادیث الامام المهدی (عج) / ج ۳ / ص ۲۱۷ / ح ۸۵۸ عصر ظهور / ص ۳۲۹.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف خ

- خاک
- خدمت
- خطبه
- خمس
- خودی
- خون خواهی
- خویشاوندان

• خاک

○ خاک قبر

← حرف ت - تربت - فضیلت تربت امام حسین علیه السلام.

• خدمت

○ دستور حضرت به بزرگان، جهت خدمت به مردم

← حرف ن - نامه حضرت به سید ابوالحسن اصفهانی

• خطبه

○ خطبه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کنار کعبه

یکی از دلائل حقایقیت یک رهبر الهی آن است که در هنگام ظهور و قیام، هر چند برخی احکام رهبران الهی پیش از خود را تمام شده اعلام می‌کند، امّا مبانی کلی اندیشه رهبران الهی را پذیرا است. و اساساً خودش، چهره تکمیلی رهبران الهی گذشته است که در چهره‌ای جدید و کامل تر ظاهر شده است.

به همین دلیل همه خصلت‌های نیکوی رهبران الهی گذشته را دارا است و هیچ کس نمی‌تواند به خاطر وابستگی به یکی از سفیران سابق الهی، بر او ترجیح داشته باشد.

○ امام باقر علیه السلام فرمود:

روزی که قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مکه ظاهر شود، پشت به دیوار کعبه

می‌دهد و پناهنده به کعبه می‌شود و در همان حال فریاد می‌زند؛

• هَدِيث ۵۹ •

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ وَ مَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ ﷺ، فَمَنْ حَاجَنِي فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ... (۱) (۲)

(ای مردم! ما برای یاری خدا از شما طلب یاری می‌کنیم. هر کس به ندای ما پاسخ مثبت دهد، بداند که ما اهل بیت پیامبر شما هستیم. ما از همه مردم به خدا و پیامبر نزدیک‌تر هستیم. و هر کس خواسته باشد، پیروی و همراهی با حضرت آدم را به رخ من بکشد «و بگوید من پیرو حضرت آدم ﷺ هستم و از تو پیروی نمی‌کنم» پس بداند که من از همه مردم به حضرت آدم نزدیک‌تر و سزاوارترم.

و هر کس که خواسته باشد پیروی و همراهی با حضرت نوح را به رخ من بکشد، پس بداند که من از همه مردم به حضرت نوح نزدیک‌تر و سزاوارترم.

و هر کس خواسته باشد پیروی و همراهی با حضرت ابراهیم خلیل الله ﷺ را به رخ من بکشد، پس بداند که من از همه مردم به حضرت ابراهیم خلیل نزدیک‌تر هستیم.

و هر کس که بخواهد پیروی و همراهی با حضرت محمد ﷺ را به رخ من بکشد، پس بداند که من از همه مردم به حضرت محمد ﷺ نزدیک‌تر و سزاوارترم.

و هر کس که بخواهد پیروی و همراهی با پیامبران را به رخ من بکشد، پس بداند که من از همه مردم به پیامبران نزدیک‌تر و سزاوارترم. آیا این خداوند نیست که در قرآن می‌فرماید:

«خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. آن‌ها فرزندان «دودمانی» بودند «که از نظر پاکی، تقوا و فضیلت» بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند» یعنی بعضی از آن‌ها، از نسل بعض دیگر هستند که حضرت هم باقی مانده از آن نسل است» و خداوند شنوا و داناست.

پس من بقیة الله هستم، باقی مانده از آدم و ذخیره باقی مانده از نوح و برگزیده از نسل

(۱) - با توجه به این که شبیه متن عربی این حدیث، در روایتی از امام صادق ﷺ در ادامه آورده شده است، از آوردن ادامه متن عربی خودداری شد.

(۲) - الغيبة / نعمانی / ص ۱۸۸ / س ۹. * اختصاص / ص ۲۵۶ / س ۱۶ و ص ۲۵۷. بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۲۲۳ / س ۷ / ذ ح ۸۷ و ص ۲۱۵ / ح ۱۰، سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن / ص ۵۴ و ۵۵.

ابراهیم و برگزیده ممتاز از نسل محمد ﷺ. آگاه باشید هر کس که بخواهد پیروی از قرآن را به رُخ من بکشد، پس بداند من از همه مردم به قرآن نزدیک تر و سزاوارترم. آگاه باشید! هر کس که بخواهد پیروی از سنت پیامبر اسلام ﷺ و روش او را به رُخ من بکشد، پس بداند که من از همه مردم به سنت پیامبر ﷺ و سیره اش نزدیک ترم. همه کسانی را که مستقیماً و یا از طریق ابلاغ شاهدان به غایبان، امروز سخنان من را شنیده اند، به خدا سوگند می دهم و از شما به حق خدا و حق پیامبرش و آن حقی که من بر شما دارم، که همان خویشاوندی با پیامبر خداست، درخواست می کنم که ما را یاری کنید و مانع ستم ستم کاران به ما شوید، البته ما مورد ستم واقع شدیم و از وطن مان اخراج شدیم و از فرزندان مان دور شدیم و ظلم و تجاوز بر ما روا داشته اند، و از دسترسی به حق مان منع شدیم و اهل باطل بر ما چیره شدند. پس خدا را، خدا را در مورد ما از خدا بترسید. ما را رها نکنید و ما را یاری کنید که خدا شما را یاری کند.)

○ در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است: مولای ما! قائم آل محمد علیهم السلام پشت به دیوار کعبه می دهد و می گوید؛

• هدیث ۶۰ •

يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ! أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَ شَيْثَ، فَهِيَ أَنَا ذَا آدَمَ وَ شَيْثَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحَ وَ وَ لَدِهِ سَامَ، فَهِيَ أَنَا ذَا نُوحَ وَ سَامَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ فَهِيَ أَنَا ذَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ.

أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُوسَى وَ يُوشَعَ، فَهِيَ أَنَا ذَا مُوسَى وَ يُوشَعَ، أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَ شَمْعُونَ، فَهِيَ أَنَا ذَا عِيسَى وَ شَمْعُونَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، فَهِيَ أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ ﷺ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام، أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، فَهِيَ أَنَا ذَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ علیهم السلام، أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وَ لَدِ الْحُسَيْنِ علیهم السلام، فَهِيَ أَنَا ذَا الْأَئِمَّةِ علیهم السلام، أَجِيبُوا إِلَى مَسْأَلَتِي، فَإِنِّي أَنبِئُكُمْ بِمَا نُبِّئْتُمْ بِهِ وَ مَا لَمْ تُنَبِّئُوا بِهِ. وَ مَنْ كَانَ يَقْرَأُ

الْكُتُبِ وَالصُّحُفِ فَلْيَسْمَعْ مِنِّي. (۱)

(ای مردم آگاه باشید! هر کس می‌خواهد در چهره حضرت آدم و شیث نگاه کند، این منم همان آدم و شیث. آگاه باشید! هر کس که بخواهد در چهره حضرت نوح و فرزندش سام بنگرد، این منم همان نوح و سام.

آگاه باشید! هر کس بخواهد در چهره حضرت ابراهیم و اسماعیل بنگرد، این منم همان ابراهیم و اسماعیل. آگاه باشید! هر کس که بخواهد در چهره حضرت موسی و یوشع علیه السلام بنگرد، این منم همان موسی و یوشع.

آگاه باشید! هر کس که بخواهد در چهره حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام بنگرد، پس این من هستم، همان محمد - که درود خدا بر او و بر خاندانش باد - و امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

آگاه باشید! هر کس بخواهد در چهره امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بنگرد، پس این منم همان امام حسن و امام حسین علیه السلام. آگاه باشید! هر کس بخواهد در چهره امامان معصوم از نسل امام حسین علیه السلام بنگرد، پس این من هستم همان امامان معصوم علیهم السلام.

پس به درخواست من پاسخ مثبت دهید، زیرا من در مورد چیزهایی که تا کنون شنیدید و آن چیزهایی که تا کنون نشنیدید، اخباری دارم. و هر کس که اهل خواندن کتاب‌ها و صحیفه‌های آسمانی است، پس باید به حرف من گوش فرا دهد. (

پس از آن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ابتدا شروع به خواندن آن کتاب آسمانی که بر حضرت آدم و شیث نازل شده است، می‌کند و از امت حضرت آدم و شیث می‌گویند: (این صحیفه آسمانی به خدا قسم! همان کتاب‌های آسمانی است که بر آدم و شیث نازل گردید. البته خدا از طریق آن کتاب، در مورد بسیاری از چیزها که ما نمی‌دانستیم و بسیاری دیگر از علوم که بر ما پوشیده بود، به ما آگاهی داد.

این را که می‌خوانید، اصل آن کتاب هاست و هیچ کلمه‌ای از آن کم نشد و از دست نرفت و نیز جابجایی در مطالب آن و تحریف در آن راه نیافت.)

سپس شروع می‌کند به قرائت کتاب‌های نوح و ابراهیم و نیز تورات و انجیل و زبور به گونه‌ای که اهل تورات و انجیل و زبور می‌گویند:

(۱) - مختصر بصائر الدرجات / ص ۱۸۴ / س ۱۲، * بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۹ / ب ۲۵، الزام الناصب / ج ۲ / ص ۲۵۸ / س ۱۵، مکیال المکارم / ج ۱ / ص ۱۹۵.

(به خدا قسم به راستی این اصل کتاب‌های حضرت نوح و حضرت ابراهیم است و هیچ کلمه‌ای از آن حذف نشده و نیز تبدیل و تحریف در آن انجام نگرفته است.

به خدا قسم این را که در اختیار دارد، همان تورات است که توسط حضرت موسی جمع آوری گردید و این‌هایی که در دست دارد، همان زبور کامل ابرهیم و همه انجیل حضرت عیسی است و این مطالبی را که قرائت کرد، در هر موضوعی، چندین برابر آن مطالبی است که ما قرائت می‌کردیم و در اختیار داریم.)

سپس شروع به خواندن قرآن می‌کند، که در این جا مسلمانانی که آگاهی به قرآن دارند می‌گویند:

(به خدا قسم که این عین قرآن است که می‌خواند، همان قرآنی که خداوند بر حضرت محمد ﷺ نازل کرده است و یک حرف از آن کم و یا جابجا نکرده است و هیچ تحریفی در آن ایجاد نکرده است.)^(۱)

• خمس

○ اهمیت خمس

هر انسانی بر اساس مقررات خاصی که در فقه و در جای خودش آمده است، باید یک پنجم در آمدِ مازاد خود را، تحت عنوان یکی از مالیات‌های شرعی بپردازد.

هرچند گاهی یک مسلمان با همه محبتی که نسبت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارد، از داشتن حساب سالانه خودداری می‌کند و یا اگر محاسبه هم بکند، در پرداختن آن و رساندن به اهلش کوتاهی می‌کند.

در ضمن گاهی کسانی هستند که اهلیت ندارند و استحقاق جمع کردن سهم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ندارند و اقدام به جمع آوری این وجوه از مردم می‌نمایند، که این دو

(۱) - لازم به ذکر است که براساس روایات کتاب‌های آدم و شیث و نوح و ابراهیم و داوود، همان زمان به وسیله امت‌های شان نابود شد و کتابی وجود ندارد تا در زمان ظهور، افرادی به عنوان پیرو وجود داشته باشند که امام زمان (عج) را تصدیق کنند.

البته بعید نیست بگوییم، این تصدیق‌هایی که در روایت هست، مربوط به پیروان تورات و انجیل و قرآن است که برخی از مطالب کتب حضرت آدم و دیگر پیامبران برای شان نقل شده بود.

گروه؛ یعنی هم بدهکارانی که با دانستن مسأله و حکم شرعی، حق امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نمی‌پردازند و کسانی که بدون اجازه، به اخذ وجوهات اقدام می‌کنند، مورد لعن حضرت هستند.

از ابوعلی نقل شده است که گفت: پدرم ابو حنین محمد بن جعفر اسدی گفته است: بدون این که از پیش نامه‌ای بنویسم و پرسشی را مطرح کنم، توسط محمد بن عثمان عمّری «دومین نماینده خاص حضرت»، نامه‌ای رسید که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن نوشته بودند:

• هَدِيث ٦١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ اسْتَحَلَّ مِنْ مَالِنَا دُرْهَمًا. (۱)

(لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی که حتی یک درهم از مال ما را برای خویش حلال بداند.)

ابوالحسین اسدی گوید: با رسیدن چنین نامه‌ای، پیش خود فکر کردم که این روایت مربوط به کسی است که اموال حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برای خود حلال بشمارد و مربوط به تصرف و مصرف مال نیست. بلکه صرف حلال دانستن هم، باعث لعن و نفرین می‌شود و نیز اگر کسی بدون این که تصرف در مال امام را برای خود حلال بداند، در مال تصرف کند، چه بسا مورد لعن و نفرین نخواهد بود.

قسم به خدایی که محمد ﷺ را برگزید، بعد از این که چنین اندیشه‌ای به ذهنم رسید، وقتی برای بار دوم به توقیع مراجعه کردم، دیدم که دست نوشته عوض شده و کلمه «أكل» که به معنای خوردن است، در آن آمده است. و به صورتی نوشته شد که در ذیل می‌آید؛

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِنَا دُرْهَمًا حَرَامًا. (۲)

(۱) - کمال الدین / ص ۵۲۲ / ح ۵۱، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۶۰ / ذح ۳۵۲، * الخرائج و الجرائح / ج ۳ / ۱۱۱۸ / ذح ۳۳، وسائل الشیعه / آل البیت / ج ۹ / ص ۵۴۱ / ح ۱۲۶۷۱ / ۸، معجم احادیث الامام المهدي (عج) / ج ۴ / ص ۲۹۸، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۳ و ج ۹۳ / ص ۱۸۵، مدینه المعجز / ج ۸ / ص ۲۰۷ و ۲۰۸، جواهر الکلام / ج ۱۶ / ص ۱۶۲.

(۲) - همان.

(به نام خداوند بخشندهٔ مهربان، لعنت خدا و فرشتگان و همهٔ مردم بر کسانی که بدون اجازه، و به حرام مال ما را بخورند و حتی در یک درهم از مال ما تصرف کنند.)

• خودی

○ **خودی و غیرخودی از دیدگاه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

معیار در خودی و غیر خودی، براساس ایمان و اعتقاد و موضع‌گیری، سنجیده است و به همین دلیل، خویشاوندی هیچ تأثیری در خودی یا غیر خودی بودن، ندارد. محمد بن یعقوب کلینی رضی الله عنه از اسحاق بن یعقوب رضی الله عنه نقل کرده است که گفت: تعدادی از مسایل مشکل را نوشتم و از محمد بن عثمان عمری خواستم آن‌ها را به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برساند و جواب آن‌ها را دریافت کند. او چنین کرد و نامه‌ای با دست خط آن حضرت برایم رسید که در آن نوشته شده بود:

• حدیث ۶۲

أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرْشَدَكَ اللَّهُ وَ تَبَّتْكَ وَ وَقَاكَ مِنْ أَمْرِ الْمُتَكْرِپِينَ لِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِنَا وَ بَنِي عَمَّنَا. فَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ عليه السلام. (۱)

(در جواب پرسش تو که خداوند راهنمایت باشد و تو را بر دین خویش ثابت قدم نگاه دارد و تو را از شر آن دسته از بستگان و پسر عموهایم که مرا انکار کرده‌اند، نگاه دارد، باید به تو بگویم این را بدان، که خداوند با هیچ کس خویشاوندی و فامیلی ندارد. هر کس مرا انکار کند، از ما نیست و مسیرش، مسیر پسر نوح است «که گمراه شد».)

• خون‌خواهی

○ **خون‌خواهی از مظلومان**

عدل الهی اقتضا می‌کند انتقام هر خون ناحقی که ریخته می‌شود، گرفته شود و برای این کار

(۱) - * کمال الدین / ص ۴۸۱ / ح ۴ / س ۱، الغیبة / ص ۲۹۰ / ذح ۲۴۷ / س ۴، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۴۲ / ح ۳۴۴، بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۰ / ح ۱۰.

بستگان مقتول را به عنوان وَلِيٍّ دَمِّ و صاحب اختیار خون ریخته شده قرار داده‌اند. طبیعی است که اگر قتل و غارت و ظلم و ستم جهانی باشد، منتقم و صاحب اختیار هم باید جهانی باشد، زیرا هرچند انتقام برخی از خون‌های به ناحق ریخته شده گرفته شود، امّا انتقام نهایی موقعی صورت می‌پذیرد که ریشه فسادکننده شود و جنایت‌کار اصلی مجازات شود. به همین خاطر انتقام اصلی به دست مصلح کل و قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار داده شده است که او وقتی ظهور می‌کند به دنبال خون‌خواهی از اصلی‌ترین ارزش‌های به ناحق نابود شده، یعنی خون و آبرو و ناموس معصومین و امامان و پیامبران علیهم‌السلام می‌رود و ریشه‌های اصلی فساد را که باعث به بیراهه رفتن بشریت شدند، یعنی ابابکر و عمر را به عنوان اولین کسانی که باید محاکمه شوند، معرفی می‌کند.

○ امام صادق علیه‌السلام فرمود:

وقتی سرور ما، قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند، پس از آن که به مدینه الرسول آمد، مؤمنین را عزیز و کافران را ذلیل می‌کند و پس از آن، کنار قبر جدّش، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای محاکمه ظالمان می‌آید و...^(۱)

• خویشاوندان

○ کمک به خویشاوندان ← حرف ن - نیکی به بستگان و فامیل.

(۱) - لازم به ذکر است که جریان حضور حضرت مهدی (عج) در کنار قبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مفصل و بسیار جالب است که به دلیل بعضی مصلحت‌اندیشی‌ها، از آوردن آن خودداری شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع ذیل مراجعه فرمایند.

★ الهدایة الکبری / ص ۴۰۱، مختصر بصائر الدرجات / ص ۱۸۶ / س ۱۳، * بحار الانوار / مجلسی / ج ۵۳ / ص ۱۲ / س ۱۶ / چاپ بیروت، الزام الناصب / ج ۲ / ص ۲۶۲ / س ۱.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف د

- دَجَّال
- دستور
- درخواست
- دعا
- دَقَّتْ
- دوست
- دین

• دَجَّال

○ نکوهش دَجَّال

هرگاه فتنه‌ای در جهان ظاهر شود، آن کس که آگاه به مسایل است، موظف است دانش و آگاهی خود را برای مردم بازگو کند و در این راه، حتی امامان معصوم علیهم‌السلام هم استثناء نشده‌اند، چرا که بیان حقایق و معرفی خوب و بد، باعث نجات و راهنمایی مردم می‌گردد و امامان معصوم علیهم‌السلام هم که عالی‌ترین راهنمایان بشرند، در فتنه‌ها و به خصوص فتنه‌های دینی ساکت نمی‌نشینند.

و نمونه‌ای از این افشاگری و بیان حقایق را در نکوهش حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نسبت به دَجَّال می‌توان یافت.

○ عبدالوهاب از ابن عباس نقل کرده است؛ پس از جنگ و نبرد با پادشاه روم «غرب» و تسخیر آن سرزمین از ناحیه نماینده حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، خبر خروج دَجَّال که آن زمان در غرب مشغول نبرد است، می‌رسد.

یاران حضرت همه غنایم شخصی را که در غرب به دست آورده بودند، رها می‌کنند و اعلان می‌شود که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای جنگ با دَجَّال حرکت می‌کند. پس از کشته شدن بیش از سی هزار نفر از یاران دَجَّال، او با لشکرش به طرف بیت المقدس فرار می‌کند و در راه، گرفتار طوفان «باد سرخ» می‌شود و چهل هزار نفر از یارانش کشته می‌شوند.

سپس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با یک لشکر صد هزار نفری به او می‌رسد و

۴ خطاب به لشکر دجال می فرماید :

• حدیث ۶۳

وَيَلَكُمْ أَتَشْكُونَ فِي هَذَا الْأَعْوَرِ الْكَذَّابِ، أَنَّهُ الدَّجَالُ؟ (۱)

(وای بر شما! آیا در مورد دروغگویی و بر باطل بودن این یک چشم دروغگو شک دارید؟)

لشکریانش خطاب به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گویند :

(ما می دانیم که او بر باطل است، امّا به خاطر غذایی که به ما می دهد، با او هستیم.)
در این جاست که به امر خداوند همه آنان مسخ شده و تبدیل به میمون و خوک می شوند.

• دستور

○ دستورالعمل های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نمایندگان خویش

← حرف ح - حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

• درخواست

○ ناچیز بودن درخواست بنده در برابر کرم خداوند

انسان در پیشگاه خداوند، باید ضعف و ناچیزی خویش را به یاد آورد و این را بر زبان بیاورد، که حاجتش در برابر قدرت نامتناهی خداوند، چیزی نیست و برآورده شدن حاجتش از سفره کرم پروردگار کم نمی کند و برای خداوند نیز هیچگونه مشکلی پیش نمی آید.

بنابر این بنده باید مراحل ترحم خداوند را یادآور شود و خود را گناه کار، امّا آزمند رحمت خداوندی بداند تا این که خداوند دعایش را مستجاب کند.

به یک نمونه از سیره امام معصوم علیه السلام که در بخشی از دعای افتتاح جلوه کرده است، توجه فرمایید.

← حرف د - دعا - دعای افتتاح - موضوع شماره ۳.

(۱) - نهاية الإرب / ج ۱۴ / ص ۲۱۴ / س ۱۰، شرح احقاق الحق / ج ۱۳ / ص ۲۹۰ / س ۱۴.

• دعا

○ **دعای امامان معصوم علیهم السلام از زبان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**

ائمه اطهار علیهم السلام الگوهای کاملی هستند که در تمام عرصه‌ها می‌توانند برای جهانیان الگو باشند. مخصوصاً در دعا و نیایش با خداوند، که این نورهای پاک، بهترین راه برای رسیدن به خداوند هستند. برای به دست آوردن بهترین روش دعا، بررسی روش دعا کردن ائمه اطهار علیهم السلام می‌تواند راهگشا باشد.

○ ابونعیم انصاری نقل می‌کند: روز ششم ذی حجه سال دویست و نود و سه هجری قمری، در مکه در کنار «باب مُسْتَجَار» به همراه گروهی نشسته بودیم.

در همان حال، دیدیم جوانی از محل طواف خارج شد و به طرف ما آمد. و با دو عدد پارچه مُحَرَّم شده است و دو لنگه کفش هم در دست دارد.

وقتی چشم ما به او افتاد، از هیبتی که داشت همگی از جا برخاستیم و هیچ کس از ما باقی نماند، و بر او سلام کردیم. سپس آن جوان نشست و به راست و چپ نگاهی کرد.

آن حضرت خطاب به جمع حاضر فرمود:

• حدیث ۶۴

أَتَذْرُونَ مَا كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي دَعَاءِ الْإِلْحَاحِ؟

قلنا: و ما كان يقول؟ قال: كان يقول: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاوَاتُ وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَبِهِ تُجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ تُفَرَّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ وَبِهِ أُخْصِيَتْ عِدَّةُ الرَّمَالِ وَزِنَةُ الْجِبَالِ وَكَيْلُ الْبَحَارِ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَمَخْرَجاً.

(آیا می‌دانید امام صادق علیه السلام در موقعی که با اصرار و خواهش فراوان در درگاه خداوند دست به دعا بر می‌داشت، چه می‌فرمود؟ گفتیم: خوب! امام صادق علیه السلام چه می‌فرمود؟.

حضرت فرمود: امام صادق علیه السلام همواره در آن دعا می‌فرمود: پروردگارا! به حق آن

نامت که به وسیله آن آسمان و زمین را بر پا می‌داری و تفاوت بین حق و باطل را

مشخص می‌کنی و اختلاف «دوستان» را به اتحاد مبدل می‌کنی و اتحاد «دشمنان» را به

اختلاف مبدل می‌کنی و نیز به وسیله آن، تعداد ریگ‌های بیابان و وزن کوه‌ها و مقدار

آب دریاها را مشخص نمودی، از تو

درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و برای مشکل من گشایش و راه
حلی بیابی. (

پس از آن رفت و مشغول طواف شد و ما هم به احترامش برخاستیم، اما فراموش کردیم از
او بپرسیم که کیست؟. فردا که شد در حالی که در همان مکان نشسته بودیم، باز همان جوان از
طواف بیرون آمد و به سوی ما آمد و ما هم به احترامش برخاستیم و او در میان ما نشست.
سپس به سمت چپ و راست نگاهی کرد و فرمود:

قال: أَتَدْرُونَ مَا كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ؟. قلنا: و ما كان يقول؟. قال:
كان يقول: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ زُفَعَتِ الْأَصْوَاتُ [وَ دُعِيَتِ الدَّعَوَاتُ] وَ لَكَ عَنَتِ الْوُجُوهُ وَ لَكَ خَضَعَتِ
الرِّقَابُ وَ إِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ. يا خَيْرَ مَسْئُولٍ وَ خَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ، يا صادق يا باريء، يا من
لا يُخْلَفُ الْمِيعَادَ، يا مَنْ أَمَرَ بِالْدُّعَاءِ وَ تَكْفَّلَ بِالْإِجَابَةِ، يا مَنْ قَالَ: ﴿ اُدْعُونِي أُسْتَجِبْ لَكُمْ ﴾، يا مَنْ
قَالَ: ﴿ وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ، فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا
بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴾.

يا مَنْ قَالَ: ﴿ يا عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
جَمِيعاً، إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. ﴾

(آیا می‌دانید امیرالمؤمنین علی عليه السلام بعد از نماز واجب چه دعایی می‌خواند؟. گفتیم:
«نمی‌دانیم، خوب بگو» امیرالمؤمنین چه دعایی می‌خواند؟.

آن جوان گفت: حضرت علی عليه السلام همواره بعد از نماز می‌فرمود: پروردگارا! صداها به
سوی تو بلند شده است و دعاها در درگاه تو انجام شده است و چهره‌ها در برابر تو تسلیم
شد و گردن‌ها در برابر تو خم شد و امضاء خوب و بد اعمال در اختیار توست.

ای بهترین پناه‌گاه درخواست مستمندان! و ای بهترین بخشش‌کننده! ای درست‌کردار!
ای آفریننده! ای کسی که در وعده‌ات خلافتی صورت نمی‌گیرد! ای خدایی که خود دستور
دعا و راز و نیاز در درگاه خودت را دادی و استجابت دعا را نیز تعهد کردی!

ای خدایی که در قرآن کریم فرمودی: من را بخوانید تا جواب شما را بدهم. ^(۱)

ای کسی که در قرآن کریم فرمودی : و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند، « بگو » نزدیکم، دعای دعا کننده را هنگامی که من را می خواند، پاسخ می گویم، پس باید دعوت من را بپذیرند و به من ایمان بیاورند، به راه رشد برسند، « و به مقصد برسند ». (۱)

ای خدایی که در قرآن کریم فرمودی : « بگو : ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید، از رحمت خداوند ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. » (۲)

پس از آن، بار دیگر نگاهی به چپ و راست انداخت و فرمود :

« أتدرون ما كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول في سجدة الشكر؟ قلنا: و ما كان يقول؟ قال: كان يقول: يا من لا يزيدك إلحاح الملحّين إلا جوداً و كرمًا يا من له خزائن السماوات و الأرض، يا من له خزائن مادقّ و جلّ، لا تمنعك إساءة تي من إحسانك إلّيّ إني أسألك أن تفعل بي ما أنت أهله، و أنت أهل الجود و الكرم و العفو، يا ربّاه،

يا الله إفعل بي ما أنت أهله، فأنت قادرٌ على العقوبة و قد استحققتّها، لا حجة لي و لا عذر لي عندك، أبوء إليك بذنوبي كلّها، و أعترف بها كي تعفو عنيّ و أنت أعلم بها منّي، بُؤتُ إليك بكلّ ذنبٍ أدنّبته، و بكلّ خطيئةٍ أخطأتها و بكلّ سيئةٍ عمِلْتُها، يا ربّ اغفر لي و ارحم و تجاوز عمّا تعلم، إنك أنت الأعزُّ الأكرم.

(آیا می دانید امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در سجده شکر چه ذکر می خواند؟ ما عرض کردیم : خیر نمی دانیم، چه ذکر می خواند؟

آن حضرت فرمود : حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سجده شکر عرضه می داشت : « ای خدایی که گدایان درگاهت، هر قدر که در درخواست از تو اصرار و پافشاری بسیار کنند، بر جود و کرم تو افزوده می شود. ای خدایی که همه گنجینه های آسمان ها و زمین در اختیار او و مال اوست.

ای خدایی که گنجینه های هر مکان پیشرفته و ارزشمند مال اوست. بدی های من هرگز مانع خوش رفتاری تو با من نمی شود. من از تو می خواهم آن گونه که در خور شخصیت تو است، با من رفتار کنی. « البته می دانم » تو اهل جود و کرم و بخشش هستی.

ای خدای من! ای پروردگار من! با من آن گونه که در خور شخصیت توست، رفتار کن. تو بر عذاب کردن من توانایی، و من مستحق عذاب هستم. هیچ عذر و دلیلی ندارم که به تو ارایه کنم.

با همه روسپاهی و گناهان به تو پناه می آورم و در حضور تو به گناهم اعتراف می کنم، باشد که من را ببخشی، هر چند تو نسبت به گناهان من از من آگاه تری. با همه نافرمانی هایم، به سوی تو می آیم و با همه اشتباهاتی که مرتکب شده ام و با همه زشتی هایی که انجام داده ام، به سوی تو می آیم.

ای پروردگار من! من را بیمارز و به من ترحم کن و از هر گناهی که مرتکب شدم و فراموش کردم، اما تو آن را می دانی، درگذر. همانا تو عزیزترین و کریم ترین هستی. (

پس از آن برخاست و وارد طواف کنندگان شد و ما هم به احترامش برخاستیم.

روز بعد نیز «روز سوم»، در همان زمان به سوی ما آمد و ما به احترامش برخاستیم و او وسط مجلس نشست و با نگاهی به چپ و راست، فرمود:

كان علي بن الحسين سيّد العابدين عليه السلام يقول في سجوده في هذا الموضع - وأشار بيده إلى الحجر ^(۱) نحو الميزاب - «عبيدك بفنائك، مسكينك ببابك، أسألك ما لا يقدر عليه سواك.

«حضرت علی بن الحسین، امام زین العابدین علیه السلام در همین مکان «حضرت به حجر اسماعیل و مخصوصاً مکانی که زیر ناودان طلاقرار دارد، اشاره کرد» در حال سجده می فرمود: «بندۀ کوچک تو به درگاه تو آمده است. بینوایت در درگاهت آمده است. از تو درخواستی دارم که غیر از تو کسی قادر به پاسخ گویی آن نیست.»

سپس به طرف راست و چپ نگاهی کرد و نگاهی به محمد بن قاسم علوی انداخت و فرمود: ای محمد بن قاسم! ان شاء الله عاقبت به خیر می شوی. «

البته در بین ما تنها محمد بن قاسم شیعه بود. سپس آن حضرت برخاست و از میان ما رفت و وارد طواف کنندگان شد و ما هم به احترام او برخاستیم.

همه ما به طور کلی همه آن دعاها را که چند روز به ما فرموده بود، حفظ کردیم و در ذهن

(۱) - الحجر، همان مکان معروف به حجر اسماعیل است و حُجره ای بود در کنار خانه کعبه که حضرت اسماعیل و نیز خود اسماعیل در آنجا مدفون هستند و میزاب یعنی ناودان طلا هم در آن محدوده است و آب باران یا هر آبی از سقف کعبه جاری شود، در محدوده حجر اسماعیل می ریزد.

داشتیم، اما همگی فراموش کردیم که از نام و نشان ایشان پرسیم.
در آخرین روزهایی که جمع ما در آن مکان نشسته بودیم، ابوعلی محمودی خطاب به ما گفت:

آیا می‌دانید آن جوان چه کسی بود؟ به خدا او امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود.
ما گفتیم: چگونه؟ تو از کجا می‌دانی که او امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؟
ابوعلی گفت:

من هفت سال بود که به مکه می‌آمدم و از خداوند درخواست می‌کردم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ببینم. تا این که در یک شامگاه، در عرفه بودم که جوانی را عیناً با همین شکل دیدم، خود حضرت بود. دعایی را می‌خواندند که به دقت گوش دادم و مضامین آن را فهمیدم. سپس از ایشان پرسیدم: تو کیستی؟
ایشان فرمود:

مِن النَّاسِ. فَقُلْتُ: مِنْ أَيِّ النَّاسِ مِنْ عَرَبِيَّهَا أَوْ مَوَالِيَّهَا؟ فَقَالَ: مِنْ عَرَبِيَّهَا. فَقُلْتُ: مِنْ أَيِّ عَرَبِيَّهَا؟ فَقَالَ: مِنْ أَشْرَفِيَّهَا وَأَشْمَخِيَّهَا. فَقُلْتُ: وَمَنْ هُمْ؟
فَقَالَ: بَنُو هَاشِمٍ. فَقُلْتُ: مِنْ أَيِّ بَنِي هَاشِمٍ؟ فَقَالَ: مِنْ أَعْلَاهَا ذُرْوَةً وَأَسْنَاهَا رَفْعَةً، فَقُلْتُ: وَمِمَّنْ هُمْ؟ فَقَالَ: مِمَّنْ فَلَقَ الْهَامَ وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ وَصَلَّى بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ. (۱)
(من یکی از مردم این مناطق هستم. عرض کردم: از کدام گروه از مردم، از عرب‌ها یا از عجم‌ها هستی؟)

فرمود: از عرب‌ها هستم. پرسیدم: از کدام طایفه از عرب‌ها هستی؟

فرمود: از شریف‌ترین و با شخصیت‌ترین طایفه‌های عرب هستم. پرسیدم: آن طایفه و قبیله شریف، نامش چیست؟

فرمود: بنی هاشم. پرسیدم: از کدام خانواده از بنی هاشم هستی؟

فرمود: از بزرگ‌ترین خانواده بنی هاشم، از نظر بلندی مرتبه و با شخصیت‌ترین آن‌ها

(۱) - کمال الدین / ص ۴۷۲ / س ۱ و ۲ / ذح ۲۴، الغيبة / طوسی / ص ۲۶۱ / س ۱۷ / و ص ۲۶۲ / س ۶، نزهة الناظرة / ص ۱۵۰ / س ۱۱ و ۱۸، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۸ / س ۱۱ و ۱۹ / ح ۵ و ج ۹۱ / ص ۱۸۹ / س ۸ و ۱۴، و ج ۸۳ / ص ۲۰۲ / ۱۴ و ۱۵، مستدرک الوسائل / ج ۵ / ص ۱۳۲ / ح ۱/۵۵۰۴ و ص ۱۳۳ / ح ۲/۵۵۰۵، مکیال المکارم / ج ۱ / ص ۲۱۸ / س ۲۸، معجم احادیث الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۳۹۲ / س ۷ و ۱۴.

هستم. پرسیدم: «فرزند» کدام یک از آن بزرگان بنی هاشم هستی؟.

فرمود: فرزند کسی که فرق سرِ گردن‌کشان را شکافت و تنها غذای خود را به فقیر داده و خود و خانواده‌اش گرسنه ماندند و شب در حالی که مردم به خواب فرو رفته بودند، به نماز خواندن مشغول بود. (

تا این جا که گفت دانستم که او از علویان است و از فرزندان علی و فاطمه علیها السلام است و به همین خاطر که علوی باشد، محبتش را در دل گرفتم و در همین حال که جلوی پایم بود، گمش کردم و نفهمیدم چگونه از پیش من رفت.

به همین دلیل از گروهی از حاجیان که در اطرافش بودند، پرسیدم: آیا این سید علوی را که الان این جا بود، می‌شناسید؟. گفتند: آری! او هر سال با ما پیاده به حج می‌آید. پیش خودم گفتم: من اثری از پیاده رفتن در پایش ندیده بودم!

به هر حال از آن مکان به طرف مزدلفه رفتم، اما بسیار ناراحت بودم و همان شب را خواب دیدم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خواب به من فرمود:

(ای احمد « ابوعلی محمودی » به خواسته‌ات رسیدی و آن کس را که می‌خواستی دیدی.

عرض کردم: او چه کسی بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همان کسی را که در شامگاه

عرفه دیدی، او امام زمانت بود.)

ابو نعیم می‌گوید: ما همگی به ابوعلی محمودی اعتراض کردیم، که چرا آن زمان که حضرت در بین ما بود، به ما خبر ندادی؟.

محمودی گفت: فراموش کرده بودم، هم اکنون یادم آمد، که این جوان همان کسی است که در عرفه دیدم.

○ دعا برای برطرف شدن مشکلات

دعا و نیایش در همه اوقات پسندیده است، به خصوص در مواقع شب که هم‌چون تیری است که شیاطین را دور می‌کند و انسان را به خداوند نزدیک می‌سازد.

○ در ذیل دعایی را می‌خوانید که از لحاظ مضامین و والا بودن معانی، با دیگر دعاها تفاوت دارد که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خداوند عرض می‌کند؛

• هدیث ۶۵ •

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيزِ تَعَزُّبِ إِعْتِزَالِ عِزَّتِكَ، بِطُولِ حَوْلِ شَدِيدِ قُوَّتِكَ، بِقَدْرِ مِقْدَارِ إِقْتِدَارِ قُدْرَتِكَ، بِتَأَكِيدِ تَحْمِيدِ تَمْجِيدِ عَظَمَتِكَ، بِسُمُوِّ نُمُوِّ عُلُوِّ رَفْعَتِكَ. بِدَيْمُومِ قِيُومِ دَوَامِ مُدَّتِكَ، بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ أَمَانِ رَحْمَتِكَ، بِرَفِيعِ بَدِيعِ مَنِيْعِ سَلْطَنَتِكَ، بِسُعَاةِ صَلَاةِ بَسَاطِ رَحْمَتِكَ، بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ، بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّ سِرِّكَ، بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ.

بِحَنِينِ أَنْبِيَاءِ تَسْكِينِ الْمُرِيدِينَ بِحَرَاقَاتِ خَضَعَاتِ زَفَرَاتِ الْخَائِفِينَ، بِأَمَالِ أَعْمَالِ أَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِينَ، بِتَخَشُّعِ تَخَضُّعِ تَقَطُّعِ مَزَارَاتِ الصَّابِرِينَ، بِتَعَبُّدِ تَهَجُّدِ تَجَلُّدِ الْعَابِدِينَ.

اللَّهُمَّ ذَهَلَتِ الْعُقُولُ وَانْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ وَضَاعَتِ الْأَفْهَامُ وَحَارَتِ الْأَوْهَامُ، وَقَصُرَتِ الْخَوَاطِرُ وَبُعِدَتِ الظُّنُونُ، عَنِ ادِّرَاكِ كُنْهِ كَيْفِيَّةِ مَا ظَهَرَ مِنْ بَوَادِي عَجَائِبِ أَصْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ، دُونَ الْبُلُوغِ إِلَى مَعْرِفَةِ تَلَالُيْ لَمَعَاتِ بُرُوقِ سَمَائِكَ.

اللَّهُمَّ مُحَرِّكَ الْحَرَكَاتِ وَ مُبْدِيءَ نَهَائِيَةِ الْغَايَاتِ، وَ مُخْرِجَ يَنَابِيعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانِ النَّبَاتِ، يَا مَنْ شَقَّ صُمَّ جَلَامِيدِ الصُّخُورِ الرَّاسِيَاتِ وَ أَنْبَعَ مِنْهَا مَاءً مُغِيثًا حَيَاةً لِلْمَخْلُوقَاتِ، فَأَخْيَا مِنْهَا الْحَيَوَانَ وَ النَّبَاتِ وَ عَلِمَ مَا اخْتَلَجَ فِي سِرِّ أَفْكَارِهِمْ مِنْ نُطْقِ إِشَارَاتِ خَفِيَّاتِ لُغَاتِ النَّمْلِ السَّارِحَاتِ. يَا مَنْ سَبَّحَتْ وَ هَلَّلَتْ، وَ قَدَّسَتْ وَ كَبَّرَتْ وَ سَجَدَتْ لِجَلَالِ جَمَالِ أَقْوَالِ عَظِيمِ عِزَّةِ جَبَرُوتِ مَلَكَوتِ سَلْطَنَتِهِ مَلَائِكَةِ السَّبْعِ السَّمَاوَاتِ.

يَا مَنْ دَارَتْ فَأَضَاءَتْ وَ أَنْارَتْ لِدَوَامِ دَيْمُومِيَةِ النُّجُومِ الزَّاهِرَاتِ وَ أَحْصَى عَدَدَ الْأَحْيَاءِ وَ الْأَمْوَاتِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْبَرِيَّاتِ، وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا. (۱)

(خداوندا! به حق بزرگواری و سربلندی، و بزرگواری که تو را عزیز کرده است، و به حق و قدرتمندیات، و به حق جاذبه نیرومند قدرتی؛ و به حق استحکام واژه‌ها در ستایش‌گری و ستودن بزرگیات؛ و به حق دوام و ازلی بودن وجودت، و به حق آن رضایت‌مندی، آمرزش و آسایشی که در رحمت تو نهفته است، و به حق بلند مرتبه‌گی، بی‌نظیری و استواری سلطنتت، و به حق کوشش‌کنندگان راهروان مسیر رحمتت، و به حق حقیقت‌های پذیرفته شده از سزاواری حقوق تو بر مخلوقات،

(۱) - المصباح / کفمی / فصل ۲۸ / ص ۳۵۴. * صحیفه المهدی (عج) / ص ۱۷۰ و ۱۷۱، س ۲۴، البلد الامین / ص ۴۷۹ / س

و به حقّ اسرار پنهان از پنهانی‌های اسرار، و به حقّ جایگاه بزرگ از بزرگی عزّت، و به حقّ بانگِ ناله آرامش دهنده مریدانت، و به حقّ گرمی و فرو افتاده‌گی، نفس‌های عمیق بندگان خائف، و به حقّ آرزوهای کرداری گفتار به بار نشسته مجتهدین، و به حقّ عجز و از بین رفتن و قطعه قطعه شدن سختی‌ها در برابر صبرِ صابران، و به حقّ پذیرش بندگی و شب زنده داری و تحمّل سختی‌ها، توسط عبادت کنندگان از تو می‌خواهم؛ «حاجت من را برآوری».

پروردگارا! عقل‌ها بهت زده شد و دیده‌ها ناتوان ماند و ادراکات ضایع گردید و افکار حیرت زده شد و دل‌ها عاجز ماند. و گمانه زنی در مورد آن مقدار از کیفیت وجودی تو، از مناطق اقسام قدرت ظاهره بدیع توست، چه رسد به این که انسان بتواند به درخشش نور برق‌های آسمانی‌ات، دسترسی پیدا کند.

پروردگارا! ای ایجاد کننده حرکت‌ها و به وجود آورنده نهایت اهداف و جاری کننده چشمه‌های جدا شده از شاخه‌های گیاهان. ای خدایی که منطقه غیر قابل نفوذ صخره‌های سخت را شکافتی و از آن آبی را که پایه و اساس حیات مخلوقات است، جوشان ساختی. و از آن آب، حیوانات و گیاهان را زنده نگه داشتی و از آن گفتار اشاره گونه و پنهان که در درون ذهن مورچگان در فعالیت و رفت و آمد، خطور می‌کند، آگاهی داری.

ای خدایی که به خاطر عظمت و خوش رویی و گفتار با عظمت و عزّت و جبروت و ملکوت زمامداریت، فرشتگان تو را تسبیح می‌گویند و به گفتن «لا إله إلا الله» مشغول شده و تو را تقدیس می‌کنند و بزرگ می‌شمارند «به گفتن ذکرِ الله اکبر مشغول می‌شوند» و در برابر توست به سجده می‌افتند.

ای خدایی که بر هستی احاطه کرده‌ای و درخشیدی و روشنی بخشیدی، تا حادث بودن «و مخلوق بودن» ستارگان درخشنده را به اثبات برسانی، و ای خدایی که تعداد زنده‌ها و مرده‌ها را می‌دانی، بر محمد و خاندانش که بهترین اشخاص هستند، درود فرست. و برای من چنین و چنان انجام ده «در روایت آمده است که به جای چنین و چنان، حاجات خویش را در نظر می‌گیرد و ذکر می‌کند».

○ **دعای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)** برای گشایش کار

انسان هر قدر بزرگ مرتبه و صاحب منزلت باشد، در برابر خدای رحمان، کوچک و ناچیز

است و بن بست‌های به وجود آمده در زندگی را نمی‌تواند با اراده خود بگشاید، بلکه باید دست نیاز به درگاه گشایش‌گر واقعی، یعنی خداوند توانا دراز کند و در این راه، حتی امامان معصوم علیهم‌السلام هم استثناء نیستند و برای گشایش و معضلات زندگی، دست نیاز به درگاه پروردگار دراز می‌کنند.

هرچند ممکن است بگوییم این گونه تضرع و زاری که امامان معصوم علیهم‌السلام دارند، به یک اعتبار، درس دادن به ما پیروان است؛ که شیوه درخواست از خداوند را بیاموزیم. محمد بن فضل با سندهایی که آورده است از امام حسین علیه‌السلام نقل کرده است که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیثی طولانی در پاسخ پرسش اُبی بن کعب در مورد دعاهای مخصوص هر یک از امامان معصوم علیهم‌السلام بیان داشته‌اند و یک قسمت از آن بیانات این است که فرمود: از جمله دعایی که حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، امام دوازدهم معمولاً آن را می‌خواند، این است که آن حضرت در مناجاتش به درگاه خداوند عرضه می‌دارد:

• هَدِيث ٦٦ •

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَنَا بَاباً لَمْ تَذْهَبْ إِلَيْهِ الْأَوْهَامُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِأُمُورِي الْمَتَضَايِقَةَ بَاباً لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ وَهْمٌ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ^(۱)

(ای خدایی که هرگاه اسباب فراهم شود و مصلحت تو ایجاب کند، گشایشی در کار ما ایجاد می‌کنی. ای کسی که وهم و خیال در او راه ندارد. پس بر محمد و خاندانش درود فرست. و ای مهربان‌تر از مهربانان، برای کاری که به بن بست رسیده‌ام، راهی بگشا که هیچ وهمی و خیالی در آن راه نیابد.)

○ دعای حضرت برای بخشیده شدن گناهان شیعیان

می‌توان گفت سرچشمه شفاعت ائمه اطهار از گناه کاران، مردم دوستی آن بزرگواران بوده است. و شاید به همین علت، خداوند اجازه شفاعت در قیامت را به آنان داده است.

○ حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در نیایشی می‌فرماید:

(۱) - قصص الانبیاء / راوندی / ص ۳۶۳ / ذح ۶۷، * صحیفة المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف / قیومی / ص ۲۲ / ش ۱.

• حدیث ۶۷

اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طَيْبَتِنَا وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اتُّكَلَّأَ عَلَيَّ حُسْبَانًا وَ
وَلَا يَتَيْنَا.

فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ، فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ قَاصٌّ بِهَا عَنْ
حُسْنِنَا وَ أَدْخَلَهُمُ الْجَنَّةَ وَ زَخْرَجَهُمْ عَنِ النَّارِ وَ لَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ. (۱)

(پروردگارا! شیعیان ما از پرتو نور وجود ما و باقی مانده سرشت ما خلق شده‌اند، اما همین شیعیان، به خاطر مغرور شدن به دوستی با ما و داشتن ولایت و «از روی بی توجهی» گرفتار گناهان بسیاری گشته‌اند.

حال اگر گناهانی که آنان انجام داده‌اند، جزء گناهانی است که بین تو و آنها باید حل شود، پس به خاطر ما آنها را ببخش و ما هم از آنها راضی هستیم و اما اگر گناهانی که انجام داده‌اند، «حق الناس و» جزء گناهانی است که بین خودشان است «و باید حق دیگران پرداخت شود» برای پرداخت بدهی آنان، از خمسی که در اموال برای ما مقرر کردی، به عنوان تقاص و تاوان بدهی آنان برداشت کن و به طلب کاران آنها بده و آن شیعیان را وارد بهشت کن و از آتش جهنم دور ساز و آنها را با دشمنان ما که گرفتار غضب تو هستند، در یک مکان قرار نده.)

○ دعا بعد از ذکر رکوع

دعا کردن در هر حال خوب است، که با استفاده از دعاهایی باشد که از امامان معصوم علیهم السلام رسیده است و دسترسی به چنین الگوهایی نه تنها مشکل نیست، بلکه آسان نیز هست، زیرا امامان معصوم علیهم السلام در همه موارد زندگی دستورات فراوانی را صادر کرده‌اند.

○ حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بعد از ذکر رکوع، دعای ذیل را می‌خوانند؛

• حدیث ۶۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَرَحَّمْ عَلَيَّ عَجْزِنَا وَ أَغْنِنَا بِحَقِّهِمْ. (۲)

(۱) - بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۲۰۲ / س ۱، الشيعة في احاديث الفريقين / ص ۵۳۹ / ح ۲/۸۰۸. * صحيفة المهدي

(عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۲۲. (۲) - صحيفة المهدي (عج) / ص ۶۲ / ش ۹.

(پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و بر ناتوانی ما ترحم کن و به آبروی محمد و خاندانش، ما را از گرفتاری نجات ببخش.)

○ دعا برای درمان بیماری‌ها

گاهی برخی از دعاها، به خاطر استفاده از برخی جملات و کلمات است که به اجابت می‌رسد، یعنی حتی انتخاب جمله و نحوه خطاب کردن در سخن گفتن با خداوند، در استجاب دعا تأثیر دارد و چه بسا کلمات دعا از نظر کمی زیاد نیست، ولی از مضمون بالا و ارزشمندی برخوردار است و دعا کننده روی کلمات عاشقانه تکیه می‌کند و با کلمات کنار می‌آید.

○ کفعمی در بلد الامین از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعایی را نقل کرده و گفت: امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

(هر کس این دعا را روی یک ظرف مصرف نشده، با تربت امام حسین علیه السلام بنویسد و بعد آن را «با کمی آب» بشوید و آن آب را بنوشد، از بیماری شفا پیدا می‌کند.)
و آن دعا این است:

• هدیث ۶۹

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله دواء و الحمد لله شفاء و لا اله الا الله كفاء هو الشافي شفاء و هو الكافي كفاء اذهب الباس
رب الناس شفاء لا يغادره سقم و صلى الله على محمد و آله النجباء. (۱)

(به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوندی که دواي درد است. و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که شفای بیماری‌ها است. و خدایی جز خدای یکتا نیست که نگه دارنده از هر مشکلی است.

شفا دهنده اصلی خداست و نگه دارنده اصلی خداست. با قدرت پروردگار بیماری را ببر و شفا را بیاور. آن چنان شفایی که هیچ‌گونه درد و مرضی یارای مقاومت در برابر آن را نداشته باشد و بر محمد و خاندان نجیب او درود فرست.)

(۱) - * بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۲۲۶ / حکایت ۶، دارالسلام / ص ۱۹۴ / م ۴۶، نجم الثاقب / ص ۳۰۷ / حکایت ۲۵.

○ دعای حضرت در کنار کعبه

همان گونه که در دعا، گاهی از کلمات ویژه‌ای برای رسیدن به استجابت استفاده می‌شود، گاهی حالت دعا کننده و وضعیتی که از نظر نشستن یا ایستادن و یا حالتی که در نوع صدا و درخواست پیدا می‌شود، زمان استجابت دعا را نزدیک تر می‌کند و این نوع برخورد با خداوند، چیزی نیست که هر شخصی به دل خواه خود، بتواند آن را انتخاب کند، بلکه انتخاب چنین شیوه‌هایی، نیازمند الگوهای رفتاری صحیح است که بهترین اسوه و الگو برای انتخاب رفتار در حال نیایش، امامان معصوم علیهم‌السلام هستند.

○ حمیری می‌گوید: از محمد بن عثمان پرسیدم: آیا حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیدی؟

گفت: آری! حضرت را دیدم و آخرین دیدارم با او کنار کعبه بود که مشغول دعا بود و می‌گفت:

• هَدِيث ۷۰

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي.

(پروردگارا! وعده‌ای را که به من داده‌ای، حتمی ساز و به مرحله عمل برسان «زمان ظهور من را برسان».)

و نیز محمد بن عثمان می‌گوید: حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیدم، در حالی که دست بر پرده کعبه داشت و می‌فرمود:

• هَدِيث ۷۱

اللَّهُمَّ اِنْتَقِمْ لِي مِنْ اَعْدَائِكَ. (۱)

(پروردگارا! انتقام من را از دشمنانت بگیر.)

○ دعای افتتاح

یکی از دعاهایی که براساس نقل صاحب «اقبال» و نیز صاحب «مصباح» خواندش در ماه مبارک رمضان از طریق حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) توصیه شده است،

(۱) - * الغيبة / طوسی / ص ۲۵۱ / ح ۲۲۲ و ص ۳۶۴ / ح ۳۳۰. بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۵۱ / ذح ۳ / س ۳.

دعای شریف افتتاح است.

این دعا که دستور خواندن آن در همه شب‌های ماه مبارک رمضان وارد است، فرازهای ارزشمندی دارد که اندیشه در آن، هر خواننده‌ای را با شیوه دعا کردن و نوع تضرع در درگاه پروردگار و کیفیت مطرح کردن حاجت آشنا می‌کند.

با توجه به اینکه این دعا و کتاب مفاتیح الجنان در دسترس همگان می‌باشد، از آوردن این دعای شریف، در این مجموعه خودداری کردیم، اما عناوین ترجمه آن را، با رعایت ترتیب متن آن آورده‌ایم.

سید بن طاووس این دعا را با اسنادی در الإقبال آورده است و می‌گوید: «از احمد بن عثمان خواستم که آن دعاهایی را که عمویش محمد بن عثمان بن سعید عمری «نایب خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» در ماه مبارک رمضان می‌خواند را، برایم بیاورد.

او دفتری با جلد قرمز آورد که دعاهای زیادی در آن نوشته شده بود و من بسیاری از دعاهایی را که در الاقبال نقل کرده‌ام، از آن دفتر یادداشت می‌باشد، که دعای شریف افتتاح هم یکی از همان دعاهاست.

در آن دفتر نوشته بود: «این دعا را وقتی در هر شب از شب‌های ماه رمضان که بخوانی، فرشتگان به این دعا گوش می‌دهند و برای خواننده‌اش دعا می‌کنند.»^(۱)

عناوین این دعا به شرح ذیل است:

- ۱ - لزوم اقرار به عظمت خداوند در دعا
- ۲ - لزوم توصیف خداوند در دعا
- ۳ - ناچیزی درخواست بنده در برابر قدرت خدا
- ۴ - لزوم سپاسگزاری از خدا هنگام دعا
- ۵ - لزوم توسل به چهارده معصوم علیهم‌السلام هنگام دعا
- ۶ - شیوه مناسب مطرح کردن حاجت هنگام دعا

(۱) - مصباح المتهدّد / ص ۵۷۷، اقبال الاعمال / ص ۳۱۷، * صحیفة المهدی (عج) / قیومی / ص ۲۳۲ / دعاء ۳۵، صحیفة

○ دعای ندبه

یکی دیگر از دعا‌هایی که بنا بر بسیاری از نقل‌ها، دستور خواندن آن از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است، دعای معروف ندبه است که در اعیاد چهارگانه، یعنی روزهای مبعث و عید قربان و عید فطر و روز جمعه، تأکید فراوان بر خواندن آن شده است. آری! در جمعه که بی تناسب با جماعت نیست، باید دعایی را خواند که بر محور نهضت جهانی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن بگوید و ضمن برشمردن رفتار همه خوبان عالم و یادآوری همه مظلومیّت‌ها، به بیان راه کار عملی حکومت جهانی آن حضرت، یعنی ظهور مصلح کُلّ پردازد و از خداوند در قالب دعا و زاری، عجله و سرعت بیشتر در ظهور منتقم جهانی، مهدی آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را درخواست کند.

آری! این هم یکی از شیوه‌های راهنمایی و رهبری در حال غیبت کبری است. به جهت اینکه این دعای شریف در دسترس همگان می‌باشد، از آوردن متن آن خودداری شده است ولی موضوع‌های مطرح شده در آن را، با رعایت ترتیب متن، در اینجا ذکر کرده‌ایم. آن دعا به این شرح است: ^(۱)

- ۱ - سپاسگزاری از خداوند به خاطر ارسال پیامبران
- ۲ - ستایش خداوند به خاطر بعثت حضرت محمد ﷺ
- ۳ - مقام و منزلت حضرت علی ﷺ
- ۴ - عزاداری برای شهیدان خاندان پیامبر ﷺ
- ۵ - در انتظار ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۶ - در جستجوی دیدار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۷ - در جستجوی همراه، برای دیدار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۸ - مناجات با خداوند در فراق مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۹ - واسطه قرار دادن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پیشگاه خداوند

(۱) - اقبال الاعمال / ص ۵۷۸، صحیفه المهدی (عج) / فیومی / ص ۲۰۴ / دعاء ۳۴، تحفة الزائر / ص ۳۴۲، صحیفه مهدویّه / ص ۷۵، بحار الانوار / ج ۹۹ / ص ۱۰۴ / ص ۱۷، مصباح الزائر / ص ۲۳۰ « این دعا را ابن مشهدی در مزارش ص ۱۹۰ نقل نموده است و این طاووس در مصباح الزائر در ص ۲۳۰ از ابن مشهدی نقل کرده است. »

○ دعای حضرت در مقام نعمانیّه و حلّه

در شرح حال ابن ابی جواد نعمانی گفته‌اند که ؛ او از کسانی است که به حضور حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف شده است^(۱) و در جریان ملاقات پرسید :

برای شما دو مقام « تحت عنوان مقام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) » نقل کرده‌اند، یکی در نعمانیّه^(۲) و یکی در حلّه. شما در چه زمان هایی در آن مکان‌ها حضور دارید؟

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود :

• هدیث ۷۲

أكون بالنعمانیة ليلة الثلاثاء و يوم الثلاثاء و يوم الجمعة و ليلة الجمعة أكون بالحلّة و لكن أهل الحلة، ما يتأدّبون فی مقامی، و ما من رجل دخل مقامی بالأدب يتأدّب و یسلم علیّ و علی الأئمّة و صلّی علیّ و علیهم اثنی عشر مرّةً، ثمّ صلّی رکعتین سورتین و ناجی الله بهما المناجاة، إلاّ اعطاه الله تعالی ما یسأله، أحدها المغفرة.

(در شب و روز سه شنبه در نعمانیّه هستم و در شب و روز جمعه در حلّه هستم. اما اهالی شهر حلّه نسبت به مقام من « مقام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) » احترام لازم را نگاه نمی‌دارند.

و بعد اضافه فرمود: هر کس مؤدّبانه و با احترام وارد مقام من در حلّه شود و در آن مکان، بر من و بر امامان معصوم علیهم السلام سلام کند و دوازده بار بر من و امامان معصوم علیهم السلام درود فرستد و دو رکعت نماز، که در هر رکعت یک سوره خوانده شود، بخواند و مناجات خاصی را در درگاه خداوند انجام دهد، خداوند همه حاجات او را برآورده می‌کند که کمترین حاجتی که برآورده می‌شود، آمرزش گناهان است.)

نعمانی گوید: پرسیدم: ای سرور من! آن مناجات را به من بیاموز.

حضرت فرمود: بگو؛

اللَّهُمَّ قَدْ أَخَذَ التَّأْدِيبَ مِنِّي حَتَّى مَسَّنِيَ الضَّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ أَنْ كَانَ مَا إِفْتَرَقْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ

(۱) - مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در بحار الانوار نقل کرده است که شیخ زین العابدین حائری شاگرد مرحوم شهید نیز آورده است که ابوجواد نعمانی در زمان غیبت کبری، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ملاقات کرده است.

(۲) - شهری است بین استان واسط و بغداد در عراق.

أَسْتَحِقُّ بِهٖ أَوْعَافَ أَوْعَافٍ مَا أَدَّبْتَنِي بِهٖ وَ أَنْتَ حَلِيمٌ ذُو أَنْانَةٍ تَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ، حَتَّىٰ يَسْبِقَ عَفْوُكَ وَ رَحْمَتُكَ عَذَابِكَ. (۱)

(پروردگارا! طی نمودن مراحل تربیت از من سلب شد، تا جایی که اکنون به سختی و بدحالی افتادم، البته تو مهربان‌ترین مهربانان هستی. گرچه با حاصل این زندگی که دارم « یعنی با گناهایی که مرتکب شده‌ام »، مستحق چندین برابر عذابی هستم که اکنون برایم در نظر گرفته‌ای.

در حالی که تو بردباری و هر بنده‌ای در آرزوی رسیدن به بردباری توست. به گونه‌ی شایسته‌ای از گناهان زیاد چشم پوشی می‌کنی، زیرا که عفو و رحمت تو بر عذابت پیشی می‌گیرد.)

○ دعای عبرات

یکی از دعاهایی که با نگرشی عارفانه، به نحوه‌ی ارتباط بنده با پروردگار پرداخته است و محورهایی از زمینه‌های عاطفی ارتباط با خداوند را مورد توجه قرار داده است، تا از آن راه، مسیر رسیدن به رحمت پروردگار را هموار کند و هر بنده‌ی گنه‌کار را، مشمول رحمت خداوند نماید، دعای عبرات است.

○ مرحوم علامه حلی رحمته‌الله در کتاب منهاج الصلح با سندی که آورده از مرحوم سید رضی الدین محمد بن محمد بن محمد آوهای «ساوجی» نقل کرده است که گفت:

روزگاری گرفتار زندان یکی از پادشاهان جرماغون شدم و مدتی زیاد از زندان را، با اعمال شاقه گذرانده بودم که شبی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در خواب دیدم، گریه کردم و گفتم: ای مولای من! فکری به حالم بکن.

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

(۱) - بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۲۷۰ / حکایت ۳۱ / ص ۱۵، مکیال المکارم / ج ۲ / ص ۴۷۴ / ص ۲۰، صحیفه المهدی / ص

۲۷۴ / ص ۳۹، برکات حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۸۰ / ح ۳۴.

• حدیث ۷۳

« أدع بدعاء العبرات. » دعای عبرات را بخوان « خلاص می شوی ».

عرض کردم: دعای عبرات چیست؟ « تا کنون ندیده‌ام ».

آن حضرت فرمود: آن دعا در بین دعا‌های کتاب مصباح که در نزد خود داری، موجود است. عرض کردم: ای مولای من! همه جای کتاب مصباح المتهدّج را خواندم، امّا چنین چیزی وجود نداشت.

آن حضرت فرمود:

« أنظره تجده. » (در کتاب دقت کن، پیدا می‌کنی.)

در این هنگام از خواب بیدار شدم و پس از خواندن نماز صبح، کتاب مصباح را باز کردم، دیدم اوراقی در بین آن وجود دارد که این دعاء بر آن نوشته شده است. من چهل مرتبه آن دعا را خواندم و همان دعا، باعث خلاصی من از زندان شد و آن گونه که بعداً برایم مشخص شد، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دستور آزادی مرا، از طریق خواب یکی از زنان شاه که زنی درستکار بود، برای شاه فرستاد و او را تهدید کرد. و شاه هم من را آزاد کرد و با احترام مرا روانه ساخت.

آن چه در ذیل می‌آید، ترجمه همان دعایی است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دستور خواندن آن را داده است؛ که برای اختصار متن عربی آورده نشده و به آوردن ترجمه آن اکتفا شده است. ^(۱)

• حدیث ۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

(۱) - هر چند این دعا را مرحوم علامه حلی رحمته الله و نیز مرحوم علامه مجلسی رحمته الله به امام صادق علیه السلام نسبت داده‌اند، ولی چون بر طبق نقل خود علامه مجلسی رحمته الله در بحار الانوار در مقدمه همین دعای عبرات و نقل مرحوم میرزا حسین نوری طبرسی در مقدمه دعای عبرات حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به طور مستقیم دستور خواندن این دعا را داده است و در خواب آن زندانی گرفتار؛ آن را به نقل از بحار الانوار «شاید نقل به معنای کلمات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یا اساساً عین عبارت آن حضرت باشد» جملاتی از آن حضرت آمده است که ما متن فارسی و عربی آن را در مقدمه آوردیم، به همین دلیل این دعا در فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز به عنوان دعایی که دستورش از آن حضرت رسیده است، ثبت گردید.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ وَيَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ... (۱)

○ قدرت بی پایان الهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

(پروردگارا! از تو درخواست دارم، ای ترحم کننده بر اشک‌ها و ای برطرف کننده اندوه‌ها! تویی آن کس که ابرهای سختی را، در حالی که به سنگین‌ترین حدّ ممکن رسیده‌اند، پراکنده می‌کنی و می‌غلیظ را، در حالی که هم چون توده بزرگ ابر می‌باشد، ظاهر می‌سازی و زراعت را خشک و شکننده می‌سازی و استخوان‌ها را خاکستر می‌کنی. و شکست خورده را پیروز می‌سازی و هر مطلوبی را که دیگران در جستجوی او هستند، طالب و جوینده قرار می‌دهی.

پروردگارا! چه بسیار بودند بندگان که تو را خواندند و گفتند: «من شکست خورده‌ام، من را یاری کن.» و تو با کمک خود و با آبی جاری، درهای آسمان را به روی آنان باز کردی و با یاری خود، چشمه‌هایی برایش باز کردی، تا این که از آن چشمه‌ها، آب‌رهایی و تغییر قضا و قدر الهی را نوشید و با دست قدرت خود، او را بر مرکبی از تخته و میخ‌های ساخته شده سوار کردی. (۲)

ای خدای من! شکست خورده‌ام، پس من را یاری کن. ای خدای من! شکست خورده‌ام، پس من را یاری کن. (۳)

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و برای من به کمک خودت، با آب جاری، درب‌های آسمان را باز کن و برایم با یاری خودت چشمه‌هایی بگشا، تا آب‌رهایی و تغییر قضا و قدر الهی را بنوشم و با دست قدرت خود، مرا بر مرکبی که از تخته و میخ و مهره‌ها ساخته شده است، سوار کن.

ای خدایی که اگر بنده‌ات در طلب تو وارد شب تاریک شود، با حیرت و بدون هدف راه می‌پیماید و فریادرسی که حامی او شود و به فریادش برسد، نمی‌یابد. «اکنون یک بار دیگر تقاضایم را تکرار می‌کنم و» از تو می‌خواهم بر محمد و خاندانش درود فرستی.

(۱) - علاقمندان می‌توانند جهت مطالعه متن عربی به مدارک ذیل مراجعه فرمایند: * بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۲۲۲ /

ح ۴، نجم الثاقب / ص ۳۰۱ / ح ۲۲. (۲) - اشاره به سوره قمر / آیه ۱۳.

(۳) - سه مرتبه تکرار در متن عربی موجود است و براساس متن عربی ترجمه تکرار شده است.

ای خدا! برای بندهات به کمک خودت یاوری فریادرس و کمک کار و سرپرست انتخاب کن، تا بندهات به سرعت به دنبالش روان شود. تا آن فریادرس، بندهات را از تنگنای زندگی و گرفتاری آن نجات دهد و نشانه‌های مهمّ رهایی بندهات را آشکار سازد.

پروردگارا! ای کسی که قدرتش فراگیر و نشانه‌هایش فخر آفرین و انتقام‌گیری‌هایش شکننده و به گونه‌ای است که برای هر ستم‌گری کوبنده و برای هر کافر ناسپاسی خُرد کننده است.

ای خدا! بر محمد و خاندانش درود فرست و نگاهی از نگاه‌های مهربانت را به سوی من بیفکن. تا این که آن تاریکی باقی مانده در درونم را، که هم‌چون آفت و بلایی که شیر پستان‌ها را می‌خشکاند و مزرعه را نابود می‌کند و دل‌ها را مایوس می‌کند، و نفس‌ها را به شماره می‌اندازد، و مرا گرفتار کرده است، به روشنایی مبدّل کند.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و آن نهال‌هایی را که دست قدرت تو آن‌ها را کاشته است و با آب حیات آن‌ها را آبیاری کرده است، به شدّت از برکنده شدن و نابود گشتن توسط شیطان، و بریده و قطعه قطعه شدن با تیشه شیطان، حفظ کن.

پروردگارا! چه کسی سزاوارتر از توست که نگه‌دارِ بندگانِ تو باشد و مانع ستم به آنان شود؟ پروردگارا! جریان زندگی به وضعیّت ترسناک و خشونت باری رسیده است، پس آن را بر ما آسان و نرم کن و دل‌های مرده ما را زنده کن و نفس‌های طغیان کرده ما را آرام کن.

پروردگارا! آن قدم‌هایی را که لغزیده‌اند، در راه راست استوار کن و اندیشه‌هایی را که در طوفان گمراهی افتاده‌اند، هدایت فرما.

آیا در این معرکه نابودی و هلاکت، که از سختی و شدّت، شیر در پستان را خشکانده است، با فضل و احسانت سازگار است که بندهات را، لقمه‌ای برای افتادن در حلقوم بلا و گرفتاری قرار دهی، در حالی که او به تو امید بسته است؟ و یا آن که بندهات را با عدل خود، در دره‌ای از اندوه قرار می‌دهی، در حالی که او به تو پناهنده شده است.

مولای من! گرچه من برای رسیدن به تقوا، خودم را به زحمت نینداختم و در فراهم کردن زمینه‌های بندگی، به حدّ رضایت تو نرسیدم و هرگز نتوانستم در گروه مردم تارک دنیا قرار گیرم، همان‌ها که از گریه، شکم به پشت چسبیده و همیشه اشک چشمشان

جاری است.

بلکه ای خدای من! با همان عمل ضعیف و با پُشتی خَم شده و لغزیده از خطا و اشتباه، و نفسی راحت طلب و تسلیم در برابر انگیزه‌های امروز و فردا، به سوی تو آمده‌ام. آیا همین مقدار که من تمام دوستان تو را دوست می‌دارم و سرمست عشق به تو هستم، برایم به عنوان واسطه در درگاه تو کافی نیست؟ آیا همین مقدار که من در بین دوستانت سر به زیر باشم، و صبح گاهانی غمگین داشته باشم، و غصه‌ها را یکی پس از دیگری تحمّل کنم و همیشه مورد نفرین باشم، برایم به عنوان شفیع درگاه تو کافی نیست؟

ای پروردگارم! آیا این همه رنج من، در نزد تو سبب حرمتی نمی‌شود که تو برای پاس داشت آن اقدام کنی؟ و باعث نوعی امان نمی‌شود که من به کمترین آن قناعت کنم؟ پس ای پروردگارم! من که در حال غرق شدن هستم، چرا مانع غرق شدن من نمی‌شوی؟ و مرا در آتش سوزان توطئه‌های دشمنان رها می‌کنی؟

آیا دوستانت را دام‌هایی برای دشمنان قرار می‌دهی؟ و با ذلیل و خوار نمودن آنان، افسار خواری و ذلت بر گردن آنان آویزان می‌کنی، در حالی که تو مالک جان آنان هستی، به گونه‌ای که اگر نظر عنایت خود را از آنان برداری، در همان لحظه خشک می‌شوند و ران نفس کشیدن آنان در دست تو، به گونه‌ای است که اگر آن را قطع کنی، آنان می‌میرند.

ای خدا! چه چیز مانع تو می‌شود که شرّ آنان را کم کنی؟ و به قدرت خود، لباس ستم را از تن آنان برکنی و لباس ستمکاری را از تن آنان بیرون کنی، تا به سیر و سیاحت در زمین تو بپردازند، در حالی که آنان اکنون، در میدان ستم و ستمکاری خوش می‌گذرانند؟

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا دریاب که هرگز راه خلاصی از غرق شدن ندارم و به دادم برس که آفتاب زندگی‌ام غروب کرد، گویا که هرگز قصد طلوع ندارد.

پروردگارا! چه بسیار مردم ترسیده از مشکلات بودند که به سلطانی قدرتمند پناهنده شدند و آن سلطان در امن و امان کامل از آنان حمایت کرد و آنان را در پناه خود قرار

داد. پس آیا بالاتر از قدرت تو، ای خدا! قدرتی یافت می‌شود که من به او روی آورم؟ یا گسترده‌تر از احسان تو، احسانی وجود دارد؟ آیا از گستره قدرت تو، قدرت وسیع‌تری وجود دارد؟ و یا گواراتر از یاری تو، یاری و نصرتی وجود دارد؟

پروردگارا! آن حمایت تو که به یاری مردم دادخواه می‌آید، کجاست؟ و آن نظر توجه تو که سپر بلای ستم‌دیدگان ایّام است، کجاست؟ ای پروردگارم! آن حمایت و عنایت خودت را به سویم بفرست، و مرا از شرّ قوم ستمگر نجات بخش، که کارم به شدّت و سختی رسیده است و تو ترحم کننده بر ترحم کنندگانی.

ای مولای من! سرگردانی و افتادن در گرفتاری‌ام را می‌بینی، و این که از شدّت آتش دل به خود می‌پیچم و نیز حرارت سینه‌ام را می‌بینی.

پس ای پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و آن گونه که خود اهل آن باشی، گشایش و رهایی در کارم ایجاد کن و برای من، ای خدا! راهی به سوی آسانی امور بگشا. پروردگارا! آن کس که برای به زمین زدن من نقشه بکشند، توان پاسخ گویی به حيله‌اش را به من عنایت فرما و هر کس که سر راه من چاهی می‌کند، تا مرا در آن بیندازد، تو او را در همان چاهی که کنده است، بینداز.

و شرّ، حيله، آشوب و ضررش را از من دور کن، همان گونه که شرّشان را از مردانی که نفس خود را مطیع دین خدا قرار داده‌اند و نیز از منادیانی که فریاد دین‌داری سر می‌دهند، نگه داشتی.

پروردگارا! بنده‌ات، بنده‌ات «رابین که چگونه است» پس دعایش را مستجاب کن. بنده ناتوانت، بنده ناتوانت «اکنون به درگاه تو آمده است، پس» گیره غصه‌اش را باز کن، البته به جز ریسمان امید به تو، همه ریسمان‌های امید قطع شده است و همه سایه‌ها جمع شده است، به جز سایه تو «که باقی است».

پروردگارا! اگر این دعایم را رد کنی، پس در کجا به محلّ اجابت دعایم دسترسی پیدا کنم، این گونه می‌اندیشم که اگر تو رخواست مرا اجابت نکنی، پس در کجا جایگاه اجابت دعایم را بیابم؟

پس کسی را که غیر از درِ خانه تو، خانه دیگری را نمی‌شناسد، از درِ خانه‌ات مران. و کسی را که جز درگاه تو، درگاهی را نمی‌شناسد، از درگاهت دور مساز.

« حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: « پس به سجده می‌روی و می‌گویی: خدایا! اکنون صورتی با اشتیاق به سوی تو متوجه شده است، پس مشتاق تو سزاوار است که جوابش را دریافت کند. اکنون که این پیشانی که برای تو، با تضرع و زاری سجده کرده است، سزاوار است که به مقصود خود برسد و گونه‌ای که برای گدایی در خانه‌ات بر خاک افتاده است، سزاوار است که به مرادش برسد و پیروز شود.

ای خدای من! اکنون می‌بینی این من هستم که با گونه‌ی خاک آلود و با حال زارم، برای درخواست از درگاه تو جدّیت و کوشش می‌کنم. پس با مهربانی خودت، اشتیاقم را بپذیر و با مهربانی خودت دسترسی به خواسته‌هایم را برایم آسان گردان و برای من شاخه‌های میوه‌ی اجابت دعایم را، به کامل‌ترین وجه در دسترس قرار ده.

پروردگارا! هیچ رکنی استوارتر از تو نیست، تا به آن رکن استوار پناهنده شوم. اکنون من به تو پناه آورده‌ام و در بر آورده شدن حاجتم، تکیه‌گاهم تو هستی و هیچ گفتاری محکم‌تر از دعای درگاه تو نیست، تا به آن قول محکم دست یابم. در حالی که همان‌گونه که خود دستور دادی، دست دعا به درگاه تو دراز کردم. پس با فضل خود همان‌گونه که وعده دادی، دعایم را مستجاب کن.

ای خدای من! آیا اکنون راهی جز اجابت دعایم، برایت باقی مانده است؟ بر گریه و زاری من ترحم کن. ای کسی که خدایی جز او نیست! ای خدایی که درخواستِ درمانده را اجابت می‌کنی.

پروردگارا! مرا بر ستمکاران پیروز کن و گشایشی در کارم ایجاد کن که تو بهترین گشایش‌دهندگانی و لطف‌خود را شامل حال من و همه‌ی مرد و زن مؤمن بگردان. ای ترحم‌کننده بر ترحم‌کنندگان. (۱)

◻ دعای مخصوص زمان غیبت

ابو محمد حسن بن احمد مکتب نقل کرده است که ابو علی بن همام گفت: جناب محمد بن عثمان عمّری برایم دعایی را «از طرف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)» نوشته است و دستور داده است که در زمان غیبت خوانده شود و آن دعایی است که در نوزده فرّاز، مضامین

(۱) - * بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۲۲۲ / ح ۴، نجم الثاقب / ص ۳۰۱ / ح ۲۲.

والایبی را مورد بررسی قرار داده است.

○ آن دعا به این شرح است :

• حدیث ۷۵

- ۱ - اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ رَسُوْلَكَ،
- ۲ - اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُوْلَكَ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُوْلَكَ، لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ،
- ۳ - اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِيْنِيْ،
- ۴ - اَللّٰهُمَّ لَا تَمْتِنِيْ مِيْتَةً جَاهِلِيَّةً، وَلَا تُزِغْ قَلْبِيْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِيْ،
- ۵ - اَللّٰهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِيْ بِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وَّلَاةِ اَمْرِكَ بَعْدَ رَسُوْلِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وَّلَاةَ اَمْرِكَ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ، وَعَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الحَسَنَ وَ الحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ.
- ۶ - اَللّٰهُمَّ فَتَبِّئْنِيْ عَلَي دِيْنِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِيْ بِطَاعَتِكَ وَ لِيْنْ قَلْبِيْ لِوَلِيِّ اَمْرِكَ وَ عَافِنِيْ مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهٖ خَلْقَكَ، وَ تَبِّئْنِيْ عَلَي طَاعَةِ وَلِيِّ اَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ فَبِاِذْنِكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَ اَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَ اَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيْهِ صَلَاحُ اَمْرٍ وَ لِيْكَ فِي الْاِذْنِ لَهُ، بِاِظْهَارِ اَمْرِهِ وَ كَشْفِ سِرِّهِ، وَ صَبْرُنِيْ عَلَي ذَلِكَ حَتَّى لَا اُحِبَّ تَعْجِيْلَ مَا اُخْرَتْ وَ لَا تَاخِيْرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا اُكْشِفُ عَمَّا سَتَرْتَهُ وَ لَا اُبْحَثُ عَمَّا كَتَمْتَهُ وَ لَا اَنَازِعُكَ فِي تَدْبِيْرِكَ وَ لَا اَقُوْلُ لِمَ وَ كَيْفَ؟ وَ مَا بَالُ وَلِيِّ اَمْرِ اللهِ لَا يَظْهَرُ؟ وَ قَدْ امْتَلَأْتُ الْاَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَ اَفْوَضُ اُمُوْرِيْ كُلَّهَا اِلَيْكَ.
- ۷ - اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ اَنْ تَرِيْنِيْ وَلِيًّا اَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا لِاَمْرِكَ، مَعَ عِلْمِيْ بِاَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ، وَ الْقُدْرَةَ وَ الْبُرْهَانَ، وَ الْحُجَّةَ وَ الْمَشِيَّةَ وَ الْاِرَادَةَ وَ الْحَوْلَ وَ الْقُوَّةَ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَ بِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ حَتَّى نَنْظُرَ اِلَى وَلِيِّكَ ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ، وَ اِضْحَ الدَّلَالَةِ هَادِيًّا مِنَ الظَّلَالَةِ، شَافِيًّا مِنَ الْجَهَالَةِ، اُبْرِرُ يَا رَبِّ مَشَاهِدَهُ وَ ثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقْرَأُ عَيْنُنَا بِرُؤْيِيَّتِهِ وَ اَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ وَ تَوَفَّنَا عَلَي مِلَّتِهِ وَ اَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ.
- ۸ - اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيْعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ اَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ اَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِيْنِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيْعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهٖ وَ اَحْفَظْ فِيْهِ رَسُوْلَكَ وَ وَصِيَّ رَسُوْلِكَ.
- ۹ - اَللّٰهُمَّ وَ مَدِّ فِيْ عُمْرِهِ وَ زِدْ فِيْ اَجَلِهِ وَ اَعِنُّهُ عَلَي مَا اَوْلَيْتَهُ وَ اسْتَرْعَيْتَهُ وَ زِدْ فِيْ كِرَامَتِكَ لَهُ،

فَانِكَ الْهَادِي الْمَهْدِي، الْقَائِمُ الْمُهْتَدِي، الطَّاهِرُ، النَّقِيُّ، النَّقِيُّ، الزَّكِيُّ، الرَّضِيُّ، الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ، الْمُجْتَهِدُ، الشَّكُورُ.

١٠ - اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَ الْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يَقْنَطُنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَقِيَامِهِ وَيَكُونَ يَقِينَنَا فِي ذَلِكَ كَيْتَقِينُنَا فِي قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ. قُوَّةَ قُلُوبِنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، وَقُوَّةَ عَلَى طَاعَتِهِ وَتَبَشُّرًا عَلَى مُشَايَعَتِهِ،

وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَفَّانَا، وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ غَيْرُ شَاكِّينَ وَلَا نَاكِثِينَ وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكْذِبِينَ.

١١ - اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ وَانْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ وَ اقْتُلْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ الْكُفْرَةَ وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ وَأَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ جَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَحْرِيهَا وَ بَرِّيهَا وَ سَهْلِيهَا وَ جَبَلِيهَا، حَتَّى لَا تَدَعُ مِنْهُمْ دِيَارًا، وَ لَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا وَ تُطَهِّرَ مِنْهُمْ بِلَادَكَ.

وَ اشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَا مِنْ دِينِكَ وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَ غَيِّرْ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدِهِ غَضًا جَدِيدًا صَاحِبِحًا لَأَعْوَجَ فِيهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نيرانَ الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُ لِنُصْرَةِ دِينِكَ وَ اضْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ أَطْلَعْتَهُ عَلَى الْعُيُوبِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ نَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.

١٢ - اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى شَيْعَتِهِمُ الْمُتَشَجِّبِينَ وَ بَلِّغُهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمَلُونَ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ، حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا تَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.

١٣ - اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِينَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ [بِنَا]، وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا.

١٤ - اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ بِصَبْرٍ مِنْكَ تُيسِّرُهُ وَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ

العالمين.

١٥ - اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَذْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَ قَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ دِعَامَةً إِلَّا قَضَمْتَهَا وَ لَا بُنْيَةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَ لَا رُكْنًا إِلَّا هَدَدْتَهُ وَ لَا حَدًّا إِلَّا فَلَلْتَهُ وَ لَا سِلَاحًا إِلَّا كَلَلْتَهُ وَ لَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَ لَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ وَ لَا حَيًّا إِلَّا خَذَلْتَهُ.

إِزْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ القَاطِعِ وَ بِبَاسِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَ عَذِّبْ أَعْدَاءَكَ وَ أَعْدَاءَ دِينِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَ أَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ.

١٦ - اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَ كَيْدَ مَنْ كَادَهُ وَ امْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ وَ اجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَ اقْطَعْ عَنْهُ مَا دَتَهُمْ وَ أَرْعَبَ بِهِ قُلُوبَهُمْ وَ زَلِزِلْ لَهُ أَقْدَامَهُمْ وَ خُذْهُمْ جَهْرَةً وَ بَغْتَةً. شَدِّدْ عَلَيْهِمْ عِقَابَكَ وَ أَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ، وَ الْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ وَ أَسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ وَ أَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ وَ أَصْلِهِمْ نَارًا وَ أَحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا وَ أَصْلِهِمْ حَرًّا نَارِكَ، فَانْتَهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَ أَذَلُّوا عِبَادَكَ.

١٧ - اللَّهُمَّ وَ أَخِي بَوْلِيِّكَ الْقُرْآنَ وَ أَرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا لَا ظِلْمَةَ فِيهِ، وَ أَخِي بِه الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَ اشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ وَ اجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَ أِقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَ اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ مِمَّنْ يُقْوِي سُلْطَانَهُ وَ الْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ الْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ وَ مِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ. أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ السُّوءَ وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَ تُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَكُشِفِ الضَّرَّ عَنْ وَلِيِّكَ، وَ اجْعَلْهُ خَلِيفَتَكَ فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ.

١٨ - اللَّهُمَّ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَ الْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ، فَأَعِدْنِي وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجْزِينِي.

١٩ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ

الْمُقَرَّبِينَ. (١)

(١) - كمال الدين و تمام النعمة / ص ٥١٢ / ح ٤٣، جمال الاسبوع / ص ٢١٦، مصباح المتهجد / ص ٢٩٤، * بحار الانوار / ج ٩٢ / ص ٣٢٧ / ح ٣، وج ٥٣ / ص ١٨٧ / ح ١٨ و ج ٩٩ / ص ٨٩ / س ٩، مكيال المكارم / ج ٢ / ص ١٢٥، من السيد الامام المهدي المنتظر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ج / ص ٨٨، معجم احاديث المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ج ٤ / ص ٤٩٩ / ذح ١٤٣٥، صحيفة المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ص ٢٦٠ / دعا ٣٧.

۱ - پروردگارا! خود را به من بشناسان، زیرا اگر خودت را به من نشناسانی، من نمی‌توانم رسولت را بشناسم.

۲ - پروردگارا! پیامبرت را به من بشناسان، زیرا اگر تو پیامبرت را به من نشناسانی، من نمی‌توانم حجّت تو «امامان معصوم علیهم‌السلام» را بشناسم.

۳ - پروردگارا! حجّت خود را به من بشناسان، زیرا اگر تو حجّت خود را به من معرفی نکنی، از دینم منحرف می‌شوم.

۴ - پروردگارا! مرا در مرگی مانند مرگ مردم زمان جاهلیت «مرگ در بی دینی» نمیران و پس از آن که مرا هدایت کردی، قلبم را منحرف نساز.

۵ - پروردگارا! همان طور که مرا با پیروی‌ام از کسانی، هم‌چون امامان و سرپرست‌های بعد از پیامبرت «که درود خدا بر او و بر خاندانش باد» هدایت کردی، به گونه‌ای که من ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام و امام حسن مجتبی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام و حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام و حضرت محمد بن علی علیه‌السلام و حضرت جعفر بن محمد علیه‌السلام و حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام و حضرت علی بن موسی علیه‌السلام و حضرت محمد بن علی علیه‌السلام و حضرت علی بن محمد علیه‌السلام و حضرت حسن بن علی علیه‌السلام و حضرت حجّة بن الحسن، مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) که درود تو بر همه آنان باد، را پذیرفتم.

۶ - پروردگارا! «اکنون که ولایت امامان دوازده گانه را پذیرفتم» پس مرا در دین خویش ثابت قدم بدار و من را به پیروی از خودت و وادار کن و قلبم را با حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مهربان گردان و مرا از حوادثی که به وسیله آن، دیگران را امتحان کردی، معاف دار و مرا در پیروی از ولی امر خویش ثابت قدم بدار.

همان امامی که او را از دید مردم پنهان نمودی. و به اذن تو از نظرها غایب شد و هنوز در انتظار فرمانت برای ظهور نشسته است و این تویی که بدون پرسیدن از کسی، می‌دانی که مصلحت ظهور او در چه زمانی است و چه زمانی اجازه ظاهر شدن و کنار زدن پرده غیبت را به او می‌دهی.

پس ای خدا! به من در این کار بردباری عنایت کن، تا نسبت به آن چه که تو در تأخیر آن مصلحت دیدی، تعجیل بی‌جا نداشته باشم و نسبت به آن چه که تو در زود رسیدن آن مصلحت دیده‌ای، دوست دار تأخیر نباشم و دوست دار کشف آن چه که تو در

پنهان ماندنش مصلحت دیدی، نباشم.

و نسبت به آن چه که تو آن را کتمان نموده‌ای، به بازرسی و جستجوی بی‌جا نپردازم و با تو در تدبیرت مخالفت نکنم و هر دم نگویم که چرا و چگونه و برای چیست که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور نمی‌کند، با این که جهان پُر از ظلم شد؟، بلکه آن چنان کن که همهٔ امور را به دست با کفایت تو بسپارم.

۷- پروردگارا! با توجه به این که می‌دانم تو صاحب سلطنت، قدرت، دلیل، برهان، اراده و حول و قوه هستی، از تو می‌خواهم ولی امر خویش، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را، که آشکارا به ادارهٔ امور می‌پردازد و مردم هم از او پیروی می‌کنند، به من بنمایانی «و چشمانم را به جمالش روشن کنی»

پس در حق من و همهٔ مؤمنین این محبت را بکن، در حالی که ولی امرت «که درود تو بر او باد» با سخنی آشکار و با ارشادی واضح، مردم را از گمراهی نجات می‌دهد و از بیماری نادانی شفا می‌بخشد، چهرهٔ نورانی او را به طور واضح و روشن ببینم.

و بنیان کارهایش را استوار کن و ما را جزء کسانی که چشمانشان به دیدار آن مولا روشن می‌شود، قرار ده و ما را به خدمت برایش وادار کن و بر دین او بمیران و در قیامت ما را در گروه او محشور گردان.

۸- پروردگارا! او را از شر همهٔ آن چه که خلق کردی، آفریدی، آماده کردی، ایجاد نمودی و شکل و صورت دادی، محافظت بفرما و در همهٔ جوانب زندگی، از حوادث پیش رو و مشکلات پشت سر، و خطرهای چپ و راست، با محافظت خاص خودت (که هر کس را در آن محدوده قرار دهی)، مصون می‌ماند، پناه ده و به وسیلهٔ ولی امرت، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جدش حضرت محمد «درود خدا بر او و بر خاندانش» و حضرت علی (ع) را جاوید و پایدار بدار.

۹- پروردگارا! عمرش را دراز و مهلتش را زیاد کن و در اجرای اموری که سرپرستی‌اش را به عهدهٔ او سپرده‌ای، کمکش کن و لطف و کرمّت را بر او افزون کن، زیرا که او همان راهنمای راه یافته و قیام‌کنندهٔ هدایت‌گر و همان عنصر پاک، با تقوا، خالص، راضی، پسندیده، بردبار، شکرگزار و کوشا است.

۱۰- پروردگارا! همان گونه که به بعثت پیامبر تو «که درود خدا بر او و بر خاندانش باد» و آن

چه که رسول تو از وحی و قرآن آورده است، یقین داریم، اگر مدّت غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طولانی شد، و خبری از آن بزرگوار نداشتیم، یقین به وجودش را از ما نگیر و یادش را از ذهن ما بیرون نبر و همواره انتظار او و ایمان به او و شدّت یقین به ظهورش در آینده و دعا برای سلامتی‌اش و درود فرستادن بر او را، در ذهن ما زنده نگه‌دار. تا این که طول غیبتش، ما را از قیام آن قائم ناامید نکند.

پروردگارا! توفیق بده تا به همان گونه که شایسته است، به ظهور ولیّ امرت یقین داشته باشیم، پس در مؤمن ماندن به او به ما کمک کن، تا تحت سرپرستی او در راه روشن هدایت و شاهراه مستقیم دین راه بیماییم و در مسیر اطاعت از او، ما را تقویت کن و در پیروی از او ما را ثابت قدم بدار و ما را از گروه او و از یارانش قرار بده و نیز جزء کسانی که راضی به کارهایش باشند، قرار بده.

و این حالت را هم در زمان حیات و هم در زمان مرگ ما، برایمان نگه‌دار، و ما را در حالی که هیچ شکی در وجود او نداریم و نسبت به او پیمان شکنی نکرده‌ایم و هیچ شبهه‌ای در دل ما قرار نگرفته و او را تکذیب نکرده‌ایم، بمیران.

۱۱ - پروردگارا! در ظهورش تعجیل کن و به یاری خودت او را تقویت کن و یارانش را یاری کن و بدخواهانش را خوار و ذلیل کن و هر کس را که به دشمنی با او برخیزد و او را تکذیب کند، نابود ساز و به وسیله او حق را ظاهر ساز و باطل را بمیران.

و به وسیله او، بندگان مؤمنت را از خواری رهایی بخش و شهرها را آباد و زنده کن و با دست او، سران سرکش کفر را به قتل برسان و سران اصلی گمراهی را درهم بشکن و زورگویان و کافران را به وسیله او نابود کن. و به وسیله او شرق و غرب زمین و خشکی و دریا و کوه و دشت را از وجود منافقان و پیمان شکنان پاک کن، به گونه‌ای که در روی زمین هیچ زنده‌ای از آنان باقی نماند و هیچ اثری از آنان برجای نباشد.

خدایا! شهرهایت را از وجود آنان «منافقان» پاک کن و با این کار، دلِ دردمندِ بندگان را شفا بخش و به وسیله ولیّ امرت، بخش‌های به فراموشی سپرده شده از دین خویش را زنده کن و به وسیله او هر تغییر نابجای ایجاد شده در قانون و احکامت را اصلاح کن، تا این که به دست او، دین تو به سبکی جدید، تازه و روان و سالم که هیچ گونه انحراف و بدعتی در آن نباشد، عرضه شود.

تا به وسیله عدل او، آتش فتنه کافران را خاموش گردانی، زیرا که او همان بندهای است که تو او را مخصوص خویش کرده و برای یاری دین خویش او را پسندیدی و با آگاهی خودت او را برگزیدی و او را از نافرمانی و معصیت باز داشتی. و او را از هر عیبی دور کردی و با اراده و خواست خویش علمی از غیب به او عنایت کردی و به او نعمت دادی و او را از هر زشتی و پلیدی، پاک و پاکیزه ساختی.

۱۲ - پروردگارا! پس بر ولیّ امرت و بر پدران پاکش، همان امامان معصوم علیهم السلام و بر شیعیان برگزیده‌اش درود فرست و آنان را به هر آرزویی که تمنایش را دارند، برسان و ایمان ما به آنان را، از شک و شبهه و ریا و شهرت‌طلبی خالص گردان. تا ما با این اعتقادی که داریم، جز ذات تو در جستجوی چیز دیگری نباشیم.

۱۳ - پروردگارا! ما در از دست دادن پیامبرمان و غایب بودن امام مان و سختی روزگار و رو آوردن فتنه‌ها و اتحاد دشمنان علیه ما و فراوانی دشمنان و کمی تعداد یاران، به سوی تو شکایت می‌آوریم و درد دل می‌کنیم.

۱۴ - پروردگارا! پس با پیروزی سریع از طرف خود و با آن صبری که خودت به ما می‌دهی، اندوه‌ها را برطرف کن و با ظهور آن امام عادل، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، این اندوه فراوان را از دل‌های ما دور کن.

۱۵ - پروردگارا! ای معبود برحق! خدای جهانیان! از تو می‌خواهیم برای ظاهر شدن عدل خود بین بندگان و کشتن دشمنانت در همه شهرها، به ولیّ امر خویش امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اجازه ظهور عنایت فرمایی، تا به وسیله او همه ستون‌های ظلم و ستم را درهم شکنی و هر بنیانی از ستم را نابود کنی و هر نیرویی از آنان را سست کنی و هر رکنی از ارکان آنان را درهم کوبی و همه خاک‌ریزهای آنان را بشکنی و همه سلاح‌های آنان را از کار بیندازی و هر پرچمی از آنان را سرنگون سازی و هر پهلوانی از آنان را به قتل برسانی و هر لشگری از آنان را تار و مار کنی.

پروردگارا! ظالمان و ستم‌گران را با سنگ‌های کوبنده‌ات سنگسار کن و با شمشیر برّانت و آن انتقام سخت، که هیچ جنایت کاری راه‌گریز از آن ندارد، ظالمان و ستمگران را نابود کن و دشمنانت و دشمنان ولیّ امرت، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دشمنان پیامبرت «که درود تو بر او و بر خاندانش باد» را، به دست ولیّ امرت و به دست بندگان مؤمنت

عذاب کن.

۱۶ - پروردگارا! ولیّ امر و حجّت خویش در روی زمین را از هراس دشمن در امان بدار و به نفع او پاسخ‌گوی هر نیرنگی که علیه او تدارک دیده می‌شود، باش و هر حيله‌ای که علیه او می‌شود را خنثی کن و برای هر کس که نسبت به او سوء قصد کند، گردش بد روزگار را مقرر کن.

و شرّ آنان را از سر او دور کن و در دل‌های آنان رعب و وحشت ایجاد کن و قدم‌های آنان را بلرزان و در آشکار و نهان، آنان را در تنگنا قرار ده و عذابت را بر آنان سخت کن و در بین مردم آنان را رسوا کن و آنان را مورد لعن و نفرین مردم همه شهرها قرار بده.

و در پایین‌ترین طبقات آتش آنان را جای ده. و سخت‌ترین عذاب فراگیر خویش را بر آنان مقرر دار و آنان را وارد آتش جهنّم کن. و قبرهای مردگان آنان را پر از آتش کن. زیرا آنان به نماز بی‌اعتنائی کردند و شهوت پرستی کردند و بندگانت را گمراه ساختند.

۱۷ - پروردگارا! به وسیله ولیّ امر خویش قرآن را زنده کن و نور همیشگی آن حضرت را بر ما بتابان، به گونه‌ای که هرگز تاریکی در آن راه نیابد.

و به وسیله او دل‌های مرده را زنده کن و سینه‌های سوخته را شفا بخش و به وسیله او رأی‌های گوناگون بر محور حق را به وحدت برسان و حدود الهی تعطیل شده و احکام به فراموشی سپرده شده را، به وسیله او بپا دار، تا همه جوانب حق ظاهر شود و تمام غنچه‌های عدالت بشکفد.

پروردگارا! ما را از یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و از تقویت‌کنندگان حکومت او و از فرمان‌بران دستوراتش و از راضیان به کردارش و از تسلیم‌شوندگان در برابر فرمان‌هایش و از کسانی که برای ابراز محبت به او، نیازمند تقیه از مردم نباشند، قرار ده. تو همان خدایی هستی که گرفتاری‌ها را برطرف می‌کنی و دعای درمانده‌ای را که تو را بخواند، اجابت می‌کنی و هر درمانده را از اندوه بزرگ نجات می‌دهی، پس اندوه و غم را از ولیّ امر خویش دور بدار و همان‌گونه که تعهد پذیرفتی، پس او را جانشین خود در زمین قرار بده.

۱۸ - پروردگارا! ما را از مخالفان با خاندان پیامبران علیهم‌السلام قرار نده. خداوند! ما را جزء

دشمنان خاندان محمد ﷺ قرار نده و ما را اهل خشم و غضب نسبت به خاندان محمد ﷺ قرار نده، خدایا! من از قرار گرفتن در چنین وضعیتی به تو پناه می‌برم. پس پناهم ده و از تو طلب کمک می‌کنم، پس کمک کن.

۱۹ - پروردگارا! بر محمد و خاندان او درود فرست و به اعتبار آنان مرا در دنیا و آخرت رستگار گردان و از مقرّبان درگاهت قرار ده. (

○ دعای حضرت در هنگام ظهور

انتظار فرج، به تصویر کشیدن قدرت منجی بزرگ جهانی در اندیشه است. انتظار فرج زندگی کردن، به امید رسیدن به نقطه‌رهایی است و این ذهنیتی است که هر انسان عدالت خواه آن را در وجود خویش زنده نگه می‌دارد و با آن زندگی می‌کند. به گونه‌ای که حتی امامان معصوم ﷺ نیز، در انتظار ظهور عدالت گستر جهان نشسته‌اند.

از حضرت امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب ﷺ نقل شده است که فرمود:
(گویا می‌بینم او «منجی عالم بشریت» آمده است و از وادی السلام به طرف مسیل سهله^(۱)، سوار بر اسب ابلقی که در پایش لکه‌های سفید دارد، شده است و آن حضرت عبایی درخشنده بر دوش، حرکت می‌کند و دعا می‌خواند و در دعا می‌گوید:

• حدیث ۷۶

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا، اللَّهُمَّ مَعْرُكُلْ مُؤْمِنٍ وَحَيْدٍ،
وَمَذَلُّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، أَنْتَ كُنْفِي حِينَ تَعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبْتُ.
اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتُ غَنِيًّا عَن خَلْقِي وَ لَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنَ
مَوَاضِعِهَا وَ مُخْرَجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مُعَادِنِهَا وَ يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعِزُّهُ يَتَعَزَّزُونَ

(۱) - برخی از متون مانند کتاب «دلائل الامامة» و «معجم احادیث المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)» که جزء منابع عربی ذیل نام آن‌ها آمده است، تعبیر به «مسجد سهله» کرده‌اند که در آن صورت مسأله روشن است، یعنی حضرت علی ﷺ می‌فرماید: امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) از وادی السلام به طرف مسجد سهله می‌روند. اما دیگر کتاب‌ها و منابع حدیث که نام‌شان نیز در ذیل حدیث آمده است، «مسیل سهله» را ثبت کرده‌اند و تقریب به ذهن این گونه است که حضرت علی ﷺ می‌فرماید: امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) از وادی السلام به طرف آب راه منتهی به منطقه مسجد سهله می‌روند.

يا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نِيْرَ الْمَذَلَّةِ عَلَيِ اَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ.
 أسألك باسمك الذي فطرت به خلقك، فكلُّ لك مُدْعِنُونَ أسألك أن تُصَلِّيَ عَلَيِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
 أن تُنَجِّزَ لي أمري وَ تعجِّلَ لي في الفرجِ وَ تكفِّني وَ تُعافيني وَ تُقْضِيَ حوائِجِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ
 اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

(با اعتقاد و درستی می گویم، خدایی جز خدای یکتا نیست. با اظهار بردگی و بندگی
 می گویم: خدایی جز خدای یکتا نیست. ای خدای هر مؤمن تنها مانده و خوار کننده هر
 ستمگر کینه توز؛ آن گاه که آزار گروه های گوناگون خسته ام کند، و زمین با همه وسعتش
 بر من تنگ شود، تو نگه دار من هستی.

پروردگارا! تو مرا آفریدی، در حالی که به آفرینش من نیازی نداشتی و اگر یاری تو
 نبود، تا این زمان من شکست خورده بودم. ای خدایی که از جایگاه های رحمت به نشر
 رحمت می پردازی و معدن ها و گنجینه های برکت خودت را عرضه می کنی!

ای خدایی که بلند مرتبه بودن را مخصوص خود قرار داده ای! و دوستانت از برکت عزت
 تو، کسب عزت و بزرگی می کنند. ای خدایی که پادشاهان برای ترس از قدرت تو، دایره
 آتش خواری و ذلت را بر گردن خویش می آویزند. به حق آن نامت که آفرینش را با آن
 آغاز کردی، و پس از آن همگان به بزرگی تو اقرار کردند.

از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و امر ظهور و حاکمیت
 جهانی مرا به اجراء در بیاوری و در ظهورم تعجیل کنی و من را تحت حمایت خود، و در
 رفاه و آسایش قرار دهی و همین الآن، الآن و همین امشب، امشب، حاجت های مرا
 بر آورده کنی، زیرا که تو بر هر کاری توانایی.)

○ دعای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قنوت

مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار با سندهایی که آورده است (۲)؛ بعد از وفات عثمان

(۱) - دلائل الامامة / ص ۴۵۸ / ح ۴۲/۴۳۸، * العدد القویة / ص ۷۵ / ح ۱۲۵، بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۳۹۱ و ۳۹۲ / ح

۲۱۴، نهج السعادة / ج ۳ / ص ۴۵۵ / ح ۱۲۱، معجم احادیث المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۳ / ص ۱۱۲ / ح ۶۵۲.

صحیفة المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۲۷۶ / دعا ۴۰، معجم الملاحم والفتن / ج ۴ / ص ۴۷ / س ۱۷ / با کمی تفاوت.

(۲) - بحارالانوار / ج ۸۲ / ص ۲۱۱.

بن سعید عمّری «نایب خاصّ امام زمان (عج)»، حسین بن روح، جانشین او شد.
 پس از مراسم دفن «ذکاء» خادم محمد بن عثمان عمّری، اموال آن مرحوم را که یک بغچه
 بسته و یک عصا و یک جعبه کوچک بود، به حضور حسین بن روح آورد.
 حسین بن روح آن جواهر را به قیمت هزار دینار طلا از وارثان محمد بن عثمان عمّری
 خرید، و بغچه را در حضور وارثان عثمان بن سعید باز کرد و همه دیدند داخل آن، دعاهایی
 بود که امامان معصوم علیهم السلام در قنوت‌های نماز خویش می خواندند.
 ○ یکی از آنها، دعایی است که حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قنوت
 خویش می خواند؛

• حدیث ۷۷

اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ
 بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا بَطَّاشُ، يَا ذَا الْبَطْشِ
 الشَّدِيدِ، يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رَوْوْفُ يَا رَحِيمُ، يَا لَطِيفُ،
 يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ
 الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ
 يَشَاءُ وَ بِهِ تَسْوِقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَالْعِظَامِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
 الَّذِي أَلْفَتْ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ وَ أَلْفَتْ بَيْنَ الثَّلْجِ وَ النَّارِ، لَاهَذَا يُذِيبُ هَذَا وَ لَاهَذَا يُطْفِئُ هَذَا،
 وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي عُرُوقِ
 النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَ سَقَيْتَ الْمَاءَ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
 الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَ أَلْوَانَهَا، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِيءُ وَ تُعِيدُ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
 الْفَرْدِ الْوَاحِدِ الْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ الْمُتَوَحَّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَجَّرْتَ بِهِ الْمَاءَ مِنْ
 الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ وَ سَقَيْتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ رَزَقْتَهُمْ كَيْفَ
 شِئْتَ وَ كَيْفَ شَأْوًا.

يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَ مَنْ مَعَهُ وَ أَهْلَكَتَ
 قَوْمَهُ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَ جَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا، وَ
 أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ، فَفَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَ أَعْرَفْتَ

فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ فِي الْيَمِّ وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى رُوحَكَ حِينَ نَادَاكَ، فَنَجَّيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ إِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ حَبِيبُكَ وَ صَفِيُّكَ وَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ مِنْ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ، وَ عَلَى أَعْدَائِكَ نَصْرَتَهُ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أُجِبْتَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي، وَ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللَّغَاثُ، وَ لَا يُبْرِمُهُ الْخَاحُ الْمُلْحِنُ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى، وَ أَعْقِدُوا لَكَ الْمَوَاقِفَ بِالطَّاعَةِ، وَ صَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَ اجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَ صَبْرَهُمْ وَ انصُرْنِي عَلَيَّ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَ لَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ، أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ،

سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ، وَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ وَ أَنْتَ عَلَيَّ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

(پروردگارا! ای صاحب عظمت و پادشاهی! به هر کس که خواهی سلطنت می دهی و از هر کس که بخواهی سلطنت را می گیری. هر کس را که بخواهی عزیز می کنی و هر کس را که بخواهی خوار و ذلیل می کنی. رشته همه خوبی ها در دست قدرت توست، البته تو بر هر کاری توانایی.

ای بزرگوار! ای بخشنده! ای صاحب شکوه و کرامت! ای خشمگین ترین، در هنگامه خشم! ای صاحب خشم شدید! ای انجام دهنده هر آن چه که اراده کرده ای! ای صاحب توان مندی پایدار! ای مهربان! ای بخشنده! ای خوش خوا! ای زنده جاوید از زمانی که هیچ زنده ای نبود!

به حق آن نام! پنهان در گنجینه ات، همان زنده پایدار «حی قیوم»، همان نامی که به وسیله آن علم غیب را مخصوص به خود ساخته ای، به گونه ای که هیچ یک از مخلوقات بر آن

(۱) - مهج الدعوات / ص ۶۸، بلد الامین / ص ۶۶۵ / س ۱۱، بحار الانوار / ج ۸۲ / ص ۲۳۴ / باب ۵۵، صحیفه مهدویة / ص ۵۲، صحیفه المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۶۶ / دعا ۱۱. * معجم احادیث الامام المهدی (عج) / ج ۴ / ۶۸ / ش

اطلاعی ندارند، از تو درخواست دارم و به حق آن نامت که به وسیله اش آن گونه که بخواهی، مخلوقات را در رَجِم مادر چهره پردازی می کنی و روزیشان را در رَجِم مادر، در تمام طبقات تاریک و بین رگ ها و استخوان ها به آنان می رسانی، از تو درخواست می کنم. و به حق آن نامت که به وسیله آن، دل های دوستانت را به هم مهربان ساختی، و بین یخ و آتش آن چنان آشتی می دهی که نه آتش یخ را آب می کند و نه یخ آتش را خاموش می سازد، و به حق آن نامت که به وسیله آن مزه آب را آفریدی، و به حق آن نامت که به وسیله آن، درون خاک آب را به ریشه گیاهان می رسانی و آب را به سوی ریشه های درختان روئیده بر صخره سخت، هدایت می کنی،

و به حق آن نامت که به وسیله آن مَرّه میوه ها و رنگ های آن ها را آفریدی، و به حق آن نامت که به وسیله آن هر چیز را می آفرینی و سپس به عدم بر می گردانی، و به حق آن نام یکتا، که برای بیان یکتایی تو و نفوذ ناپذیری تو انتخاب شده است، و به حق آن نامت که به وسیله آن از درون صخره سخت، چشمه آب جاری کردی و به هر جا که خواستی جاری ساختی، و به حق آن نامت که به وسیله آن مخلوقات را آفریدی و به نحوی که خود خواستی و آن ها خواستند، به آنان روزی دادی؛ از تو درخواست می کنم.

ای خدایی که گذشت روز و شب تأثیری در تو ندارد، در درگاهت آن گونه که حضرت نوح در درگاهت به زاری ایستاد و دعا کرد و تو او و همراهانش را نجات دادی و دیگر افراد قوم او را هلاک ساختی، دست به دعا برمی دارم.

و در درگاهت به گونه ای که حضرت ابراهیم، در هنگام مناجات با تو دست به دعا برداشت و تو آتش را بر ایشان سرد و ملایم قرار دادی، دست به دعا برمی دارم. و در درگاهت به گونه ای که حضرت موسی «کسی که با تو سخن گفت» در هنگام مناجات دست به دعا برداشت و تو دریا را برایش شکافتی و او و بنی اسرائیل را نجات دادی و فرعون و قومش را در دریا غرق کردی، دست به دعا برمی دارم.

و در درگاهت به گونه ای که حضرت عیسی، روح الله در هنگام مناجات دست به دعا برداشت و تو او را از شر دشمنان نجات دادی و به سوی خود بردی، دست به دعا برمی دارم.

و در درگاهت آن گونه که دوست، برگزیده و پیامبرت حضرت محمد «که درود خدا بر او و

خاندانش باد» دعا کرد و تو دعایش را مستجاب کردی و از شرّ احزاب متّحد نجاتش دادی و او را بر دشمنانش پیروز کردی، دست به دعا برمی‌دارم، و به حقّ آن نامت که اگر به وسیله آن نام از تو درخواست شود، پاسخ مثبت می‌دهی، از تو درخواست می‌کنم.

ای خدایی که آفرینش و آن فعل عجیب در اختیار توست. ای خدایی که از نظر دانش بر هر مخلوقی احاطه داری و آنان را در احاطه خود قرار داده‌ای. ای خدایی که تعداد همه اشیا را می‌دانی! ای خدایی که گذشت شب و روز در او تأثیری ندارد! فراوانی صداها و گویش‌ها، او را در تشخیص هویت‌ها به اشتباه نمی‌اندازد و هرگز هیچ لغت و گویشی از او مخفی نیست و اصرار پافشاری کنندگان، در رأی او تغییری ایجاد نمی‌کند.

«ای خدا» «همه این درخواست‌ها و دست به دعا برداشتن‌ها خلاصه شده در این است که: «از تو می‌خواهم بر محمّد و خاندانش درود فرستی، همان بهترین‌ها از آفریدگانت. پس با برترین درودهایت بر آنان درود فرست. و بر همه پیامبران و رسولان الهی، همان‌ها که به مأموریت از طرف تو هدایت را به مردم رساندند و برای تو از مردم پیمان اطاعت گرفتند، درود فرست. و بر بندگان صالح خودت درود فرست.

ای خدایی که وعده خلاف و غیر واقعی به کسی نمی‌دهی، آن وعده‌ای را که به من داده‌ای اجراء کن و همه اصحابم را دور من جمع کن و به آنان بردباری عنایت فرما و مرا بر دشمنانت و دشمنان پیامبرت پیروز گردان و نسبت به خواسته‌ام ناامیدم نکن، زیرا که من بنده تو و فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو هستم و اسیر در دست قدرت تو هستم. مولای من! تو همان کسی هستی که به خاطر دادن این مقام و منزلت به من، بر من منت نهادی و به جای بسیاری دیگر از بندگان، من را به وسیله این مقام بر دیگران برتری دادی، از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و آن وعده‌ای را که به من داده‌ای، اجراء کنی، زیرا که تو درستکاری و هرگز برخلاف وعده عمل نمی‌کنی و بر هر کاری توانایی.»

○ دعای دیگر حضرت در قنوت

ایستادن به درگاه الهی و دعا کردن، علاوه بر خلوص نیّت، معرفت هم می‌خواهد تا انسان

بتواند از جملاتی با محتوای مناسب استفاده کند و چون اغلب اوقات انسان‌ها از چنین شرایطی برخوردار نیستند، به همین دلیل، بهترین راه این است که همان دعاهایی را بخوانند، که امامان معصوم علیهم‌السلام از آن استفاده کرده‌اند.

○ نقل شده است حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قنوت این دعا را می‌خوانند :

• حدیث ۷۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَكْرَمِ أَوْلِيَاءِكَ بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ، وَ بَلِّغْهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمَلُونَ مِنْ نَصْرِكَ وَ اكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ وَ تَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ، وَ اسْتَعَانَ بِرَفْدِكَ عَلَى فُلِّ حَدِّكَ، وَ قَصَدَ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ، وَ وَسَّعَتْهُ حِلْمًا لِيَتَأْخُذَهُ عَلَى جَهْرَةٍ، أَوْ تَسْتَأْصِلُهُ عَلَى غَيْرَةٍ،

فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ « حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْيَنْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَيْهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. » (۱)

وَ قُلْتَ : « فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ » (۲) وَ إِنَّ الْعَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ وَ إِنَّا لِعَضْبِكَ غَاضِبُونَ وَ إِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ وَ إِلَى وَرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ، وَ لِإِنْجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَ لِحَوْلِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.

اللَّهُمَّ فَأُذِنْ بِذَلِكَ، وَ افْتَحْ طُرُقَاتَهُ وَ سَهِّلْ خُرُوجَهُ وَ وَطِّئْ مَسَالِكَهُ وَ اشْرَعْ شَرَائِعَهُ وَ أَيْدِ جُنُودَهُ وَ أَعْوَانَهُ وَ بَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَ ابْسُطْ سَيْفَ نِقْمَتِكَ عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ وَ خُذْ بِالثَّارِ، إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَّارٌ. (۳)

(پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و با عمل به وعده ظهور، ولی امرت، دوستانت را به بزرگواری برسان و توفیق رسیدن به آرزوی یاری خودت را به آنان عنایت بفرما و آنان را از شر کسانی که پرچم مخالفت با تو را برافراشتند و در برابر نهی

(۱) - قرآن کریم / سوره یونس / آیه ۲۴. (۲) - قرآن کریم / سوره زخرف / آیه ۵۵.

(۳) - * بحارالانوار / ج ۸۲ / ص ۲۳۳ / ب ۵۵، مکیال المکارم / ج ۲ / ص ۴۱، حیاة الامام المهدی

(عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۴۳، صحیفة المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۶۴ و ۶۶.

تو، با سوار شدن بر مرکب مخالفت، به نافرمانی مشغول شدند، و خواستند که با سوء استفاده از مهربانی و کمک تو، از مجازات فرار کنند.

و خواستند با سوء استفاده از دست قدرت تو، بر تو ضربه وارد کنند، نگه‌دار باش. البته که تو در برابرشان هرچه تمام‌تر بردباری به خرج دادی، تا در ملاء عام و به گونه‌ای که عبرت دیگران شوند، آنان را مجازات کنی و یا آنان را در همان غفلتی که دارند، ریشه کن نمایی.

زیرا که تو ای خدا! در قرآن کریم فرمودی و گفتار تو حق است: «تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند. «ناگهان» فرمان ما، شب هنگام یا در روز «برای نابودی آن» فرا می‌رسد، «سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم» و آن چنان درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز چنین کشتزاری نبوده است! این گونه نشانه‌های خود را برای گروهی که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم.»

و نیز در قرآن کریم فرمودی: «اما هنگامی که ما را به خشم آوردند، از آن‌ها انتقام گرفتیم.»

البته که در نزد ما مهلت به سر آمد و به پیروی از خشم تو بر دشمنان، ما نیز بر آنان خشم گرفتیم و ما با تعصب و دل‌بستگی بسیار، به یاری حق برخاستیم و مشتاق رسیدن دستورات تویم و در آرزوی وفا شدن به وعده‌ات نشستیم و در انتظار عملی شدن تهدیدهای قدرتمند تو بر دشمنان هستیم.

پروردگارا! اجازه عملی شدن آرزوهای ما را بده و راه‌ها را باز کن و رسیدن به پایان راه و ظهور منجی را آسان کن و مسیر رسیدن به آن منجی را در زیر پای ما نرم کن و مرامنامه و قانونش را تصویب کن و لشگرها و یارانش را تأیید کن و قدرت شکننده خودت را به ستمکاران بنمایان و شمشیر انتقامت را در بین دشمنان کینه توزت بگستران و انتقام مظلومان را بگیر، زیرا که تو بخشنده با تدبیر هستی.)

○ دعای فرج

مرحوم علامه مجلسی از مرحوم طبرسی در کتاب «کنوز النجاح» نقل می‌کند: ابوالحسن

محمد بن احمد بن ابی لیث در درگیری که پیش آمده بود، از ترس کشته شدن، به کنار قبرهای قریش رفت و در آن جا خود را مخفی کرد، اما حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعایی را به او تعلیم داد، که با خواندن آن، از مشکلات رهایی پیدا کرد. آن دعا، معروف به دعای فرج است.

• حدیث ۷۹

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءَ وَبَرِحَ الْخَفَاءَ وَانْكَشَفَ الْغِطَاءَ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، وَ فَرَّجَ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلْمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ ذَلِكَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، أَنْصِرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ وَ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي. (۱)

(پروردگارا! بلا و گرفتاری زیاد شد و پنهان، ظاهر شد و پرده برداشته شد و زمین بر ما تنگ شد و آسمان «از دادن باران» دریغ کرد و به سوی تو ای خدا! شکایت و شکوه داریم و البته در سختی‌ها و آسانی‌ها تکیه گاه ما تویی.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست. همان کسانی که اطاعت از آن‌ها را بر ما واجب کردی و با این دستورات، مقام و منزلت آنان را به ما شناساندی. «پس» به حق آنان در یک چشم بر هم زدن یا زودتر از آن، گشایشی سریع در زندگی ما ایجاد کن. ای محمد، ای علی، ای علی، ای محمد، مرا یاری کنید، زیرا که شما یاوران من هستید و امورم را کفایت کنید، زیرا شما کفایت کنندگان من هستید. ای مولای من! ای صاحب الزمان! به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس. من را دریاب، من را دریاب، من را دریاب.)

(۱) - * بحار الانوار ج ۸۸ / ص ۱۹۰ / س ۲۱ و ج ۹۹ / ص ۱۱۹ / س ۹ و ج ۵۳ / ص ۲۷۵ / حکایت ۴۰، صحیفه المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۱۵۸ / دعا ۱۹، الزام الناصب / ج ۲ / ص ۵۲ / حکایت ۲۸ / س ۳.

• دَقَّتْ

○ دَقَّتْ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در امور مالی

دَقَّتْ نظر رهبر یکی از اصول و بنیادهای رهبری است، مخصوصاً اگر آن دَقَّتْ نظر همراه با علم امامت باشد، که با آن علم برگرفته از علم خدا و با اذن خدا، رهبر معصوم به راحتی، هر کدام از اجتماع کوچک یا بزرگ را اداره خواهد کرد.

بدیهی است که دقت نظر داشتن در امور مالی، ضرورت ادامه هر حکومتی است، به خصوص اگر آن حاکم، امام معصوم علیه السلام باشد، که در آن صورت این ضرورت مضاعف خواهد شد. چون شیوه حکومتی امامان معصوم علیهم السلام، الگوی حکومتی حاکمان غیر معصوم است و دیگران باید از این روش پیروی کنند.

در مورد حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و روش برخورد مالی آن حضرت در زمان غیبت، سه روایت از زمان غیبت صغری آمده است :

الف - محمد بن شاذان می گوید : مبلغ چهارصد و هشتاد درهم از وجوهات «سهم امام و سهم سادات» نزد من جمع شد و من از طرف خودم، بیست درهم وزن کردم که در مجموع پانصد درهم شد.

برای ابوالحسین اسدی فرستادم تا به محضر حضرت برساند و هرگز یادآوری نکردم که من بیست درهم از طرف خودم اضافه کردم.

امّا جواب نامه ام از طرف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسید که فرمود :

• هَدِيَتْ ۸۰

قَدْ وَصَلَتْ الْخُمْسِمَائَةُ دِرْهَمَ الَّتِي لَكَ فِيهَا عِشْرُونَ دِرْهَمًا. (۱)

(پانصد درهمی که بیست درهم آن مال خودت بود به ما رسید.)

ب - محمد بن شاذان می گوید : پس از نامه اول، یک مقدار از اموال را برای آن حضرت ارسال کردم و هیچ یادداشتی نگذاشتم که آن اموال از چه کسانی است. امّا جواب نامه ام از طرف حضرت رسید که فرمود :

(۱) - * کمال الدین / ج ۲ / ص ۵۰۹ / ح ۳۸، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۳۹ / ح ۶۵، مدینه المعجز / ج ۸ / ص ۱۷۶.

• حدیث ۸۱

وَصَلَ كَذَا وَكَذَا، مِنْهُ لِفُلَانٍ كَذَا وَ لِفُلَانٍ كَذَا. (۱)

(چنین و چنان مالی که آن مقدارش از فلانی و آن مقدار دیگر از فلانی بود، به دست ما رسید.) (۲)

ج - و نیز محمد بن شاذان نقل می کند؛ ابوالعبّاس کوفی گفت: شخصی مقداری از اموال بیت المال را جمع آوری کرد، تا به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برساند، و در ذهنش چنین بود که ابتدا نشانی اموال را دریافت کند و بعد مال را تحویل دهد. در این حال نامه‌ای از طرف حضرت رسید که نوشته شده بود؛

• حدیث ۸۲

ان استرشدت أرشدتَ وَ انْ طَلَبْتَ وَ جَدْتَ، يَقُولُ لَكَ مَوْلَاكَ : إِحْمِلْ مَا مَعَكَ، قَالَ الرَّجُلُ : فَأَخْرَجَتْ مِمَّا مَعِيَ سِتَّةَ دِنَانِيرٍ بِلَاوِزْنٍ وَ حَمَلَتْ الْبَاقِي، فَخَرَجَ التَّوْقِيعُ : يَا فُلَانُ رُدِّ السُّتَّةَ دِنَانِيرَ الَّتِي أَخْرَجْتَهَا بِلَاوِزْنٍ وَ وَزْنَهَا سِتَّةَ دِنَانِيرٍ وَ خَمْسَةَ دَوَانِيقٍ وَ حَبَّةَ وَ نِصْفٍ. (۳)

(اگر طالب راهنما باشی، ارشاد می شوی و اگر جستجو کنی می یابی. اکنون مولایت به تو دستور می دهد، هر آن چه از اموال ما که نزد خویش داری، بردار و به سوی ما بیا. آن مرد می گوید: از مجموع پولی که در نزد من بود، شش دینار را بدون این که وزن کنم، جدا کردم و باقی را به همراه خود بردم که به امام علیه السلام برسانم. در این بین نامه‌ای از حضرت رسید که امام فرموده بود: ای فلانی! آن شش دینار را که بدون وزن کردن برداشتی، وزن دقیق آن شش دینار و پنج دانق و یک و نیم حبه است. برگردان و بیاور.)

(۱) - * کمال الدین / ج ۲ / ص ۵۰۹ / ح ۳۸، مدینه المعاجز / ج ۸ / ص ۱۷۶ / ح ۱۱۸/۲۷۷۴، بحارالانوار / ج ۵۱ / ص ۳۳۹ / ح ۶۵.

(۲) - گفتنی است جمله کذا و کذا، فلان و فلان، عین فرمایش حضرت نیست، بلکه راوی می گوید: من اسامی پرداخت کنندگان را ننوشتم، ولی حضرت در قبض رسید، اسامی پرداخت کنندگان را نوشت. راوی در هنگام نقل مثال می زند و می گوید: حضرت فرمود: فلان مبلغ از فلانی.

(۳) - * کمال الدین / ج ۲ / ص ۵۰۹ / ح ۳۸، مدینه المعاجز / ج ۸ / ص ۱۷۶ / ح ۱۱۸/۲۷۷۴، بحارالانوار / ج ۵۱ / ص ۳۳۹ / ح ۶۵.

آن مرد می‌گوید: من آن شش دینار را وزن کردم، دقیقاً به همان مقداری بود که آن حضرت فرموده بودند.

○ دقت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بیان ریز مطالب و دستورات در زمان غیبت، برای برخی از یاران، یکی از ویژگی‌های دست‌نوشته‌ها و توقیعات شریفه است که آن حضرت با اتکاء بر علم الهی، از برخی اسرار خبر می‌دادند و برخی از اشتباهات پنهان را متذکر می‌شدند و از آنها نهی می‌کردند، تا نظارتی جدی بر شیعه باشد و نیز پشت گرمی و اطمینان برای افرادی خاص، در ادامه انجام وظیفه گردد.

احمد بن ابی روح می‌گوید: زنی از اهالی دینور به حضورم آمد و گفت: ای ابی روح! از بین همه اهالی منطقه، تو بیشتر از دیگران مورد اعتماد هستی. من می‌خواهم امانتی را به تو بسپارم، به شرطی که قول بدهی هر آنچه می‌گویم در مورد این امانت انجام دهی. من پذیرفتم و آن زن گفت:

(۱ - این‌ها که می‌بینی، کیسه‌ای سر به مهر، پُر از پول است. تو نباید در کیسه را باز کنی. بلکه باید همین‌گونه سر به مهر، به کسی که اطلاعات لازم را در اختیارت قرار داد، بدهی.

۲ - این گوشواره را هم که ده دینار می‌ارزد و سه قطعه مروارید در آن قرار دارد که آن هم ده دینار می‌ارزد، به امانت از من بگیر.

۳ - یک پرسش دارم و می‌خواهم از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بپرسم، مایلم پیش از آن که من کلمه‌ای بگویم، خود ایشان جریان را بفرمایند.

پرسیدم: جریان چیست؟

آن زن گفت: مادرم برای عروسی من، ده دینار قرض کرده است، نمی‌دانم از چه کسی گرفته است تا پس بدهم.

ابن روح می‌گوید: پیش خود گفتم: این جریان را که مربوط به علم غیب می‌شود، چگونه با جعفر «جعفر کذاب» در میان بگذارم. بعد با خودم گفتم: باشد همین کار را می‌کنم تا امتحانش کنم.

به همین دلیل، امانت‌ها را برداشتم و به بغداد نزد حاجز بن یزید و شّاء رفتم و گفتم: امانتی آورده‌ام، اما تا نگویی چه مقدار است و چه کسی فرستاده است، به تو تحویل نمی‌دهم. حاجز بن یزید و شّاء گفت: « حال که انتظار خبر غیبی داری » به منطقه سَرّ من رأی، منطقه خانه امن امام حسن عسگری علیه السلام برو.

پیش خود گفتم: عجب چیزی پیش آمد. این همان چیزی بود که می‌خواستیم. وقتی به آن منطقه رسیدم، اوّل خواستم به حضور جعفر بن علی « جعفر کذاب » بروم، بعد گفتم نه! اوّل به خانه امام عسگری علیه السلام می‌روم، تا بدانم آن پسری که می‌گویند جانشین امام عسگری علیه السلام است، چگونه از عهده امتحان برمی‌آید و از غیب خبر می‌دهد. وقتی نزدیک منزل امام رسیدم، خادمی به سوی من آمد و پرسید: آیا احمد بن ابی روح تو هستی؟ گفتم: آری!

آن خادم نامه‌ای را از طرف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دستم داد و گفت: بردار و بخوان.

در نامه نوشته شده بود:

• حدیث ۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا ابْنَ أَبِي رُوْحٍ أُوْدَعَتْكَ عَاتِكَةَ بِنْتِ الدِّيرَانِي كَيْسًا فِيهِ أَلْفٌ دِرْهَمٍ بِزَعْمِكَ، وَ هُوَ خِلَافُ مَا تَظُنُّ وَ قَدْ أُدِّيتَ فِيهِ الْأَمَانَةُ... (۱) (۲)

به نام خداوند بخشنده مهربان

(ای فرزند ابی روح، عاتکه دختر دیرانی، کیسه پولی که تو خیال می‌کردی هزار درهم در آن است را، پیش تو به امانت گذاشته است، در حالی که گمان تو خلاف واقع بوده است.

(۱) - متن این روایت طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع روایت مراجعه فرمایند.

(۲) - الخرائج و الجرائح / قطب الدین الراوندی / ج ۲ / ص ۷۰۰ / س ۱۴، الثاقب فی المناقب / ابن حمزة الطوسی / ص ۵۹۵ / س ۱۲، خرج المهموم / السيد ابن طاووس الحسنى / ص ۲۵۷، منتخب انوار المضيئة / ص ۲۴۶ / فصل ۹ / س ۱۱، مدينة المعاجز / السيد هاشم البحراني / ج ۸ / ص ۱۷۱ / س ۱۳، بحار الانوار / العلامة المجلسي / ج ۵۱ / ص ۲۹۶ / س ۱۰، معجم احاديث الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / الشيخ علی الكوراني / ج ۴ / ص ۴۲۷.

البته تو امانت را به سلامت به صاحبش برگرداندی و در کیسه را باز نکردی و نفهمیدی که در حقیقت درون کیسه چه اندازه پول وجود داشت. در حالی که به جای هزار درهم که فکر می‌کردی، هزار درهم و پانصد دینار خالص «با عیار کامل» بود.

و دو قطعه گوشواره همراه توست که گمان کردی ده دینار می‌ارزد، البته به حساب دو نگینی که دارد، حق با توست، اما در داخل آن‌ها، به اندازه سه حبه «مروارید»^(۱) وجود دارد که آن زن ۱۰ دینار خریده بود، در حالی که بیشتر از این مقدار می‌ارزد.

آن را به فلانی تحویل بده که ما آن را به او بخشیدیم. و خودت به بغداد برو و دیگر اموال را به حاجز تحویل بده و آن مقدار خرجی راه را که او برای بازگشت به منزل به تو می‌دهد، از او بپذیر.

اما آن ۱۰ دینار که گمان کرد مادرش در جریان مراسم عروسی او قرض کرده است و نمی‌داند از چه کسی قرض کرده است، بدان که آن زن می‌دانست صاحب آن پول، کلثوم، دختر احمد که زن ناصبیه‌ای است می‌باشد و آن زن دوست ندارد این پول را به آن ناصبیه بدهد.

بلکه دوست دارد که آن پول را، به نحوی بین شیعیان ما تقسیم کند. تو هم این کار را بکن و پول را بین شیعیان ما تقسیم کن.

ای ابن ابی روح! از این پس، دیگر به گفتار جعفر «جعفر کذاب» توجه نکن و با او دوستی نکن و محبت او را از دلت بیرون کن. از همین جا به خانه ات بازگرد، زیرا دشمن تو مُرد و خداوند تمام مال و اموال و امور متعلق به او را به تو واگذار کرده است.

ابن ابی روح می‌گوید: با خواندن نامه آن حضرت، به بغداد برگشتم و کیسه پول را به حاجز بن وشاء دادم و او هم آن پول‌ها را وزن کرد و درست به اندازه هزار درهم خالص و پانصد دینار بود.

و خودش سی دینار پول به من داد و گفت: دستور دارم این پول را به تو بدهم. من هم آن سی دینار را گرفتم و به سوی وطن حرکت کردم. در بین راه، گروهی را دیدم که به من خبر دادند، عمویم مرده است و خانواده‌ام پیام دادند که زودتر برگردم. برگشتم و از ارثیه‌ای که عمویم برجای گذاشته بود، سه هزار دینار نصیبم شد.

(۱) - هر حبه ۲ جو، $\frac{1}{6}$ یک ششم دینار است.

• دوست

○ دوست و دشمن از نگاه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

← حرف خ - خودی و غیر خودی از دیدگاه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

• دین

○ قبول نکردن مال منحر فان از دین «مُرَجَّئَه»

یکی از مراحل امر به معروف و نهی از منکر، مرحله عملی آن است. و در این راه، معصوم و غیر معصوم، مساوی هستند، با این فرق که اگر معصوم نهی از منکر کند، گاهی مقارن با ابراز علم امامت و خبر دادن از پنهان است که هم از جهت کرامت و اعجاز تأثیر گذار است و هم از جهت نهی از منکر عملی تأثیر مطلوبی دارد.

حال فرقی نمی‌کند که همراه آن نهی از منکر عملی، نهی از منکر قولی هم وجود داشته باشد، یا فقط عملی باشد.

○ احمد بن هارون قاضی^(۱) می‌گوید:

محمد بن جعفر حمیری از پدرش اسحاق بن حامد کاتب نقل کرده است که گفت: در قم مرد مؤمن بزازی بود که با یک نفر از فرقه مُرَجَّئَه^(۲) شریک بود. روزی پارچه نفیسی در موقع خرید و فروش به دست‌شان رسید.

آن مؤمن گفت: این پارچه زیبا فقط برازنده مولای من است. و خوب است که در اختیار او باشد. شریک او گفت: من نمی‌دانم مولایت کیست؟، اما این پارچه در اختیار تو باشد، هرکاری خواستی بکن.

وقتی این پارچه را به امام^(علیه السلام) رساندند، آن حضرت پارچه را از وسط به درازا به دو نیم کرد

(۱) در برخی از نسخه‌ها، احمد بن هارون فامی آمده است.

(۲) - «مُرَجَّئَه» گروهی از مسلمانان هستند که در زمان معاویه پیدا شدند و این گونه شعار می‌دادند، که هر کس «لا إله إلا الله» گفت، مؤمن است. و اگر هر گناهی را مرتکب شود و تنها شهادت به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر خدا بدهد، کافی است که انسان مسلمان باشد، اگرچه یک حکم از احکام الهی را انجام نداده و به آن عمل نکرده باشد.

این فرقه در زمان خلفای بنی امیه رشد کردند و اقتدار زیادی به دست آوردند و آن هم به خاطر این بود که خلفای بنی امیه از هیچ معصیتی روی گردان نبودند و طرز تفکر مُرَجَّئَه با مذاق آنان سازگار بود.

و نصف آن را گرفت و نصف دیگر را برگرداند و فرمود:

• حدیث ۸۴

لَا حَاجَةَ لَنَا فِي مَالِ الْمُزَجِّئِ. (۱)

(ما را نیازی به مالِ یک شخص از گروه مُزَجِّئَة نیست.)

○ سرانجام منحرفان از مسیر دین

هنگامی که مُصلِح جهانی، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند، به اصلاح همه امور می پردازد و گروه های حق جو به او می پیوندند و او هر مقاومتی را درهم می شکند و تمامی امور انحرافی را از بین برده و شریعت ناب محمدی را به جهانیان معرفی می کند.

○ مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق (ع) در مورد وضع فاسق ها در زمان ظهور حضرت

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدم.

امام صادق (ع) مطالب بسیاری بیان داشتند و بخشی از آن این است که فرمود:

روزی که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند، آن مرد حَسَنی خطاب به

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عرض می کند:

(ای حَجَّتِ خدایا! یابن رسول الله! دستت را دراز کن، تا با تو بیعت کنم.)

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دست خود را دراز می کند و او با امام بیعت

می کند و به همراه آن مرد حَسَنی، بقیّه لشکر هم با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیعت می کنند

و فقط چهار هزار نفر قرآن به دست، که به گروه زیدیه معروف هستند، بیعت نمی کنند و

می گویند:

(این سحر بزرگی است که این مرد کرده است و خود را به عنوان امام زمان

(عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفی می کند.)

و دو لشکر به بحث و مذاکره می پردازند و حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با آن

(۱) - * کمال الدین / ص ۵۱۰ / ح ۴۰ / س ۶، بحار الانوار ج ۵۱ / ص ۲۴۰ / ح ۶۶، الثاقب فی المناقب / ص ۶۰۰ / ح

۱۱/۵۴۷، الخرائج والجرائح / ح ۳ / ص ۱۱۳۲ / ح ۵۲، مدینه المعجز / ج ۸ / ص ۱۷۷ / ح ۲۷۷۶ / ۱۲۰، معجم احادیث الامام

المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ح ۴ / ص ۴۰۸ / ح ۱۳۷۹.

گروه با احترام تمام برخورد می‌کند و تا مدت سه روز پشت سر هم از آن‌ها درخواست می‌کند که به او ببینند و آنان را موعظه می‌کند، اما از آنان جز کفر و طغیان چیزی نمی‌بیند. پس از آن، امام دستور اعدام آن‌ها را می‌دهند و همه آنان کشته می‌شوند و در نهایت خطاب به اصحاب خود می‌فرماید:

• هَدِيث ۸۵ •

لَا تَأْخُذُوا الْمَصَاحِفَ وَ دَعْوَاهَا تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً كَمَا بَدَّلُوها وَ غَيَّرُوها وَ حَرَّفُوها وَ لَمْ يَعْلَمُوا بِمَا فِيهَا. (۱)

(آن قرآن‌هایی را که به همراه داشته‌اند، از آنان جدا نکنید، تا مایه حسرت آنان شود. همان‌گونه که آنان مفاهیم قرآن را تغییر دادند و کلمات قرآنی را تحریف کردند و هرگز به قرآن عمل نکردند.)

(۱) - الهداية الكبرى / ص ۴۰۴، * بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۶ / س ۷، مختصر بصائر الدرجات / ص ۱۹۰، الزام الناصب / ج ۲ / ص ۲۶۶ / س ۱، مکیال المکارم / عربی / ج ۱ / ص ۷۸.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ذ

• ذکر

• ذکر

○ **ذکر حضرت مهدی** (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

نظم و انضباط، آن چنان در امور مربوط به صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مطرح است که آن حضرت، علاوه بر رعایت نظم و ترتیب در امور نهضت و دادن تشکّل خاصی به لشگریانش در زمان ظهور، در زمان غیبت هم، کارهایش دارای نظم و ترتیب است و حتی در دعاها این مسأله را مراعات می‌کنند.

○ نقل شده است که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) از روز هیجدهم تا آخر هر ماه، ذکر ذیل را تکرار می‌کنند و می‌گویند:

• حدیث ۸۶

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَى نَفْسِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ، وَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ. (۱)

(منزه است خدا به عدد همه مخلوقاتش، منزه است خدا آن گونه که خود راضی شود

(۱) - دعوات / راوندی / ص ۹۴ / شماره ۲۲۸، بحار الانوار / ج ۹۱ / ص ۲۰۷ / ذح ۳ / س ۲۰، صحیفه المهدی

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ص ۱۸ / دعا ۱.

« یعنی آن قدر می گویم تا او راضی شود ». منزّه است خدا به تعداد موجوداتش. منزّه است خدا به اندازه « عظمت و ارزش عرش » او و به همین اندازه که تسبیح گفتم، خدای را سپاس می گویم.)

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ر

- راز
- راهب
- رأی
- رجعت
- رفاه
- روزی
- روشنگری
- رهبر

• راز

○ سفارش حفظ اسرار به ابراهیم بن مهزیار

آموزش و سفارش به راز داری به یاران، یکی از ویژگی‌های ارزشمند رهبری است و هر پیشوایی، هم خود رازهایی را در سینه دارد و هم باید یارانی رازدار در اختیار داشته باشد، که بتوان اسرار را به آنها منتقل کرد و هم آنها بر شیوه‌های رازداری آگاهی داشته باشند.

یکی از محورهای حفظ اسرار، شناخت خودی و غیر خودی است. خودی‌ها محرم و هر کدام در مرتبه خود لایق دریافت نوعی خاص از اسرار می‌باشند. و غیر خودی‌ها نامحرم هستند و باید در کیفیت دور نگه داشتن آنان از اسرار دقت شود، تا آثار منفی بسیار به بار نیاورد.

حمیری از ابراهیم بن مهزیار نقل کرده است که گفت: برای این که بدانم جریان امامت بعد از امام حسن عسگری علیه السلام چگونه است و برای این که بتوانم به نحوی به ملاقات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بروم، به مدینه سفر کردم، ولی در مدینه چیزی دستگیرم نشد.

به مکه رفتم و به جستجو ادامه دادم، که روزی در حال طواف بودم.

جوانی را دیدم که نگاهش را به من دوخته است، به سویش رفتم. سلام کردم و او با خوش رویی جواب داد و پس از پرسش و پاسخ‌های فراوان پرسیدم: آیا می‌توان از فرزند امام حسن عسگری علیه السلام خبری به دست آورد و او را دید؟

او مرا راهنمایی کرد و من به زیارت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) توفیق پیدا کردم. آن حضرت در آن جلسه، سفارشات بسیاری فرمود و در آخر فرمایشات خویش

فرمود:

• **حدیث ۸۷**

يَا أَبَا إِسْحَاقَ! ^(۱) لِيَكُنْ مَجْلِسِي هَذَا عِنْدَكَ مَكْتُومًا إِلَّا عَنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْأَخُوَّةِ الصَّادِقَةِ فِي الدِّينِ إِذَا بَدَتْ لَكَ أَمَارَةُ الظُّهُورِ وَالتَّمَكُّينِ، فَلَا تُبْطِئْ بِأَخْوَانِكَ عَنَّا، بِأَهْلِ الْمُسَارَعَةِ إِلَى مَنَارِ الْيَقِينِ، وَضِيَاءِ مَصَابِيحِ الدِّينِ، تَلْقَى رُشْدًا. ان شاء الله. ^(۲)

(ای ابواسحاق، نسبت به این نشستی که با ما داشتی، راز دار باش و فقط به افراد درست کار و برادران دینی راستین خود، همان‌ها که اگر نشانه‌های ظهور پیدا شود، با تو همراه خواهند شد، می‌توانی از این نشست چیزی بگویی. تو و برادرانت در مورد ما سستی نکنید و به پویندگان قلّه یقین و جستجوگران نور چراغ‌های دین پیوندید. ان شاء الله به هدایت دسترسی پیدا می‌کند.)

○ **ضرورت رازداری در مورد جایگاه زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

← حرف م - مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - مکان و جایگاه زندگی حضرت.

○ **ضرورت رازداری**

← حرف غ - فلسفه غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

○ **رازداری در مورد نام مخصوص حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

← حرف ن - نام - ممنوعیت مطرح کردن نام مخصوص حضرت

• **راهب**

○ **هدایت شدن راهب** ← حرف ه - هدایت - هدایت شدن راهب ارمنستانی به دست

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

(۱) - ابواسحاق کنیه ابراهیم بن مهزیار اهوازی است. قابل توجه این که در مود آل مهزیار، در موضوع امام در پاورقی شرح کوتاهی آمده است.

(۲) - * کمال الدین / ص ۴۵۱ / ذح ۱۹، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۳۶ / س ۱۵، يوم الخلاص / ص ۲۰۷ / س ۱۲، معجم

احادیث المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / کورانی / ج ۴ / ص ۴۴۹ / س ۷ / ذح ۱۴۱۷.

• رأی

○ احترام به رأی یاران ← حرف م - مشورت حضرت با یارانش

• رجعت

مسأله رجعت و این که برخی از انسان‌ها دو بار می‌میرند و زنده می‌شوند، مفهومی قرآنی است که خداوند بزرگ به زبان بندگان می‌فرماید :

(پروردگارا ! دو بار ما را می‌میراندی و دو بار ما را زنده کردی و ما در هر دو بار، به

گناهان خود اعتراف کردیم، اکنون آیا راه گریزی برای ما وجود دارد؟) (۱)

اعتقاد به رجعت، از ضروریات مذهب است و این برگرفته از روایات فراوانی است که از امامان معصوم علیهم‌السلام در مورد رجعت رسیده است. هر چند ممکن است کسانی از شیعیان باشند که بگویند؛ منظور از رجعت، همان بازگشت دولت و اقتدار امامان معصوم علیهم‌السلام بعد از ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. (۲)

چنانکه اهل سنت نیز مسأله رجعت را پذیرفته‌اند و شیعه را بی دلیل و به بهانه ایجاد خلل در اعتقاد به توحید و نبوت، مورد سرزنش قرار داده‌اند. در حالی که با دقت و تحقیق بیشتر در مسأله رجعت درمی‌یابیم، اعتقاد به رجعت، منافاتی با اعتقاد به توحید و نبوت ندارد.

هم اکنون با بررسی دو آیه از قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که، رجعت نوعی حیات پس از مرگ است که با زنده شدن و حیات آخرتی تفاوت دارد؛

۱- قرآن می‌فرماید :

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۳)

(آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه‌های خود فرار کردند؟ و آنان، هزارها نفر بودند « که به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند ». خداوند به آنها گفت : بمیرید! « و به همان بیماری، که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند. « سپس خدا آنها را زنده

(۱) - قرآن کریم / سوره مؤمن / آیه ۱۱. (۲) - بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۳۹ و ۱۳۸.

(۳) - قرآن کریم / سوره بقره / آیه ۲۴۳.

کرد؛ « و ماجرای زندگی آنها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد. » خداوند نسبت به بندگان خود احسان می‌کند؛ ولی بیشتر مردم، شکر « او را » بجا نمی‌آورند. (مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر المیزان در ذیل همین آیه، روایتی از امام صادق رحمته الله علیه نقل می‌کند که؛ گروهی از مردم به خاطر فرار از طاعون، دسته جمعی از منطقه خویش بیرون رفته‌اند، اما خداوند همه آنها را می‌میراند و سال‌ها از این ماجرا می‌گذرد و بدن آنها خاک می‌شود.

پس از سالیان طولانی، با دعای یکی از پیامبران خدا، به نام حضرت حزقیل، که درود خدا بر پیامبر ما و خاندانش و پسر او باد، همه آنها، به همان صورتی که از اوّل مرده بودند، زنده شدند و پس از آن، روزگاران زیادی زندگی کردند. (۱)

۲- روایت دیگری از امام صادق رحمته الله علیه در روز رجعت حضرت علی رحمته الله علیه که همان روز یوم الوقت المعلوم است، و در قرآن آمده است؛ شیطان برمی‌گردد و جنگ سختی در کنار شهر کوفه درمی‌گیرد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سلاح خاصی به کمک حضرت علی رحمته الله علیه می‌آید و شیطان شکست می‌خورد.

از آن پس علی رحمته الله علیه سال‌ها در زمین حکومت می‌کند، در حالی که هیچ مُشرکی ر روی زمین وجود ندارد و عمر مردم طولانی می‌شود. (۲)

○ طول زمان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بر اساس روایتی از امام صادق رحمته الله علیه، اولین کسی که بعد از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رجعت می‌کند، امام حسین رحمته الله علیه است، که به همراه شهدا کربلا و ۷۰ نفر از انبیاء الهی رجعت می‌کنند. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انگشتر حکومت را به جدش امام حسین رحمته الله علیه تقدیم می‌کند.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور، ۱۹ سال (۳)، و بنابر روایات دیگر، ۴۰

(۱) - تفسیر المیزان / ج ۲ / ص ۲۸۲. (۲) - بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۴۲.

(۳) - بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۰۳ و ج ۲۵ / ص ۲۹۹، غیبه نعمانی / ص ۳۵۴.

سال حکومت می‌کند، (۱) حکومت جهانی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ادامه درد و پس از آن، حضرت به شهادت می‌رسد و امام حسین (علیه السلام) بدن مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را غسل می‌دهد و بر او نماز می‌خواند.

پس از آن امام حسین (علیه السلام) حکومت را به دست می‌گیرد و ۳۰۰ سال حکومت می‌کند و انتقام خود و اصحابش را می‌گیرد، تا این که پس از امام حسین (علیه السلام)، حضرت علی (علیه السلام) رجعت می‌کند. در مورد رجعت مطالب فراوان و شیرینی وجود دارد که در این مختصر نمی‌توان به همه آن‌ها اشاره کرد.

○ رجعت اهل بیت (علیهم السلام)

○ علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی آن گاه که در جستجوی قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عزم سفر کرد و وارد مدینه منوره شد و مدتی را در جستجوی حضرت قائم سپری کرد و در نهایت در مکه به حضور حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف گردید و در آن جلسه بعد از بیان مشکلات و عذر خواهی به خاطر تأخیر، و مورد عفو حضرت قرار گرفتن، از نشانه‌های ظهور آن حضرت پرسیده بود.

○ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حالی که دستشان را بلند کرده بودند، خطاب به علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی فرمودند:

• حدیث ۸۸

يَا ابْنَ الْمَهْزِيَارِ! - وَمَدِيدُهُ - أَلَا أُتْبِئُكَ الْخَبْرَ؟ إِذَا قَعَدَ الصَّبِيُّ وَ تَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ وَ سَارَ الْعُمَانِيُّ وَ بُوِيَعَ السُّفْيَانِيُّ وَ يُؤَذَّنُ لِوَلِيِّ اللَّهِ فَأَخْرُجُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا فَأَجِيءُ الْكُوفَةَ وَ أَهْدِمُ مَسْجِدَهَا وَ أُبْنِيهِ عَلَى بِنَايَةِ الْأَوَّلِ وَ أَهْدِمُ مَا حَوْلَهُ مِنْ بِنَاءِ الْجَبَابِرَةِ وَ أَحْجُ بِالنَّاسِ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ. وَ أَجِيءُ يَثْرِبَ... .

قلت: يَا سَيِّدِي، مَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ؟ قَالَ: الْكُرَّةُ الْكُرَّةُ، الرَّجْعَةُ الرَّجْعَةُ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ:

« ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا. » (۲) (۳)

(۱) - بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۶۲.

(۲) - متن این روایت طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع این

(ای پسر مهزیار! آیا می‌خواهی آن خبر را برایت بگویم؟. آن گاه که بچه بر جایگاه «بزرگان» تکیه زد (۴).

و مغربی به جنب و جوش درآمد و عمانی راه افتاد و مردم با سفیانی بیعت کردند و خداوند به ولیّ امرش اجازه ظهور داد، من از بین صفا و مروه، به همراه سیصد و سیزده تن از مردان خارج می‌شوم و به کوفه می‌آیم و مسجد کوفه را خراب می‌کنم و در جای اول آن مسجدی جدید می‌سازم، و همه ساختمان‌هایی را که ستمگران در اطراف مسجد کوفه بر پا کرده‌اند، خراب می‌کنم.

و آن سال به همراه مردم به حج تمتع می‌روم و به شهر مدینه می‌آیم... .

ابن مهزیار گوید: پرسیدم: ای مولای من! از آن پس دیگر چه می‌شود؟. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: تکرار زندگی، تکرار زندگی. بازگشت، بازگشت. «اشاره به رجعت امامان علیهم‌السلام و دیگر مردگان است».

سپس این آیه شریفه را قرائت کرد: «سپس شما را بر آنان چیره می‌کنیم، و شما را به وسیله دارایی‌ها و فرزندان کمک خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر «از دشمن» قرار می‌دهیم.» (

• رفاه

○ وضعیت رفاه مردم در حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

جهان در انتظار طلوع خورشید است و گستره گیتی چشم به راه خورشید عدالتی است، که تحت پرچم او جهان آباد گردد و مردم در رفاه و آسایش و امنیت کامل زندگی کنند و فتنه گران هیچگونه قدرت خودنمایی نداشته باشند و آن روز خواهد رسید و چشمان منتظران به جمال آن ابرمرد عدالت، روشن خواهد شد.

آن زمان است که گرفتاری مؤمنان برطرف و مردم از نظر زندگی هم در رفاه و آسایش قرار

→ روایت مراجعه کنند.

(۳) - * معجم احادیث الامام المهدي (عج) ج ۵ / ص ۲۲۵ / ح ۱۶۴۷ و ج ۴ / ص ۴۵۶ / ذح ۱۴۱۷، مدینه المعجز / ج ۸ / ص ۱۱۸ / ذح ۲۷۳۲، دلائل الامامة / ص ۵۴۲ / ذح ۱۲۶ / ص ۵۲۲، مکیال المکارم / ج ۱ / ص ۳۱۸ / حدیث سوم.

(۴) - بعید نیست که اشاره به حاکم شدن ثوری فرزند سالاری باشد، هرچند حمل کردن بر پادشاهی بچه‌ها بعید نیست.

می‌گیرند، به گونه‌ای که پول فراوان و فقیر کم می‌شود و به هر فقیر به میزان نیازش می‌دهند.
 ○ راوی می‌گوید: از حضرت علی علیه السلام شنیدم که فرمود: حضرت محمد صلی الله علیه و آله خطاب به من فرمود:

یا علی! امامان راهنما و هدایت‌گر معصوم، بعد از من، که از نسل تو نیز هستند، دوازده نفرند، که تو اولین نفر از آن دوازده نفر هستی و دوازدهمین امام بعد از تو، هم نام من است که پس از مدّت‌ها غایب بودن، ظهور می‌کند و زمین پر شده از جور و ستم را، پر از عدل و داد می‌کند،

و مردم در زمان او، آن چنان در رفاه و آسایش قرار می‌گیرند، که پول فراوان است و نیازمند پیدا نمی‌شود و هرگاه مستمندی به حضور آن حضرت می‌آید و درخواست پول می‌کند، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خرمنی از پول که در مقابل اوست، اشاره می‌کند و خطاب به فقیر می‌فرماید:

• حدیث ۸۹

خُذْ. بردار «هر قدر می‌خواهی بگیر». (۱)

• روزی

○ جایگاه امامان معصوم علیهم السلام در تنظیم روزی مخلوقات

← حرف الف - ائمه - فضیلت امامان معصوم علیهم السلام

• روشنگری

○ روشنگری در مورد منحرفین

در توقیع شریفی به خطّ ابوالقاسم حسین بن روح آمده است که گروهی از منحرفین را حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مورد لعن و نفرین قرار داده است. آری! این از حکمت‌های نَصَبِ امام است که امام مسلمین، با توانِ امامت خویش، همه زاویه‌های انحراف

(۱) - * الغیبة / للنعمانی / ص ۵۹ / س ۱، الملاحم و الفتن / سید بن طاووس / ص ۱۴۹ / باب ۱۵۳ / ح ۱۸۲، الشیعه فی المیزان / ص ۹۰، احقاق الحق / ج ۱۳ / ص ۲۲۴ / س ۱۱ و ج ۱۸ / ص ۵۵۶ / س آخر، نظرة عبارة الى الصحاح الستة / ص ۴۸۹ / ح

را می‌بندد و جلوی تحریف در عقاید مسلمین را با روشن‌گری‌های خویش می‌گیرد.

○ حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نامه‌ای خطاب به حسین بن روح

نوشتند:

• هَدِيث ۹۰ •

عَرَّفَ، أَطَالَ اللهُ بَقَاؤَكَ وَ عَرَّفَكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَ خَتَمَ بِهِ عَمَلَكَ، مَنْ تَثِقَ بِدِينِهِ وَ تَسَكَّنَ إِلَى نَيْتِهِ مِنْ إِخْوَانِنَا أَدَامَ اللهُ سَعَادَتَهُمْ بِأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ بِالسَّلْمَانِيِّ عَجَّلَ اللهُ لَهُ النَّقِمَةَ وَ لَا أَمَهْلَةَ، قَدْ اِزْتَدَّ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ فَارَقَهُ وَ أَلْحَدَ فِي دِينِ اللهِ وَ أَدْعَى مَا كَفَرَ مَعَهُ بِالْخَالِقِ جَلَّ وَ تَعَالَى وَ افْتَرَى كَذِباً وَ زُوراً وَ قَالَ بُهْتَاناً وَ اِثْماً عَظِيماً.

كَذِبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَ ضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً وَ خَسِرُوا خُسْرَاناً مُبِيناً وَ اِنَّا بَرِئْنَا إِلَى اللهِ تَعَالَى وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ آلِهِ «صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ» مِنْهُ وَ لَعْنَاهُ عَلَيْهِ لَعَائِنِ اللهِ تَتْرَى فِي الظَّاهِرِ مِنَّا وَ الْبَاطِنِ فِي السِّرِّ وَ الْجَهْرِ وَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ عَلَى كُلِّ خَالٍ، وَ عَلَى مَنْ شَايَعَهُ وَ تَابَعَهُ وَ بَلَغَهُ هَذَا الْقَوْلِ مِنَّا فَأَقَامَ عَلَى تَوَلِّيهِ بَعْدَهُ.

وَ أَعْلَمَهُمْ تَوَلَّاكُمْ اللهُ أَنَّنَا فِي التَّوْقِي وَ الْمُخَادَرَةِ مِنْهُ عَلَى مِثْلِ مَا كُنَّا عَلَيْهِ مِنْ تَقَدُّمِهِ مِنْ نُظْرَائِهِ مِنْ الشَّرِيعَةِ وَ النَّمِيرِ وَ الْهَلَالِيِّ وَ الْبِلَالِيِّ وَ غَيْرِهِمْ وَ عَادَةَ اللهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ مَعَ ذَلِكَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ عِنْدَنَا جَمِيلَةً وَ بِهِ نَثِقُ وَ إِيَّاهُ نَسْتَعِينُ وَ هُوَ حَسْبُنَا فِي كُلِّ أَمْرٍ نَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. (۱)

(خدا عمر طولانی به تو عنایت کند و شناختت را نسبت به خوبی‌ها کامل نماید و تو را عاقبت به خیر گرداند. به همه برادران ایمانی و آن کسانی که به دین آن‌ها اعتماد داری و می‌دانی که خیرخواه هستند، شلمغانی را معرفی کن و بگو که محمد بن علی معروف، به شلمغانی، که خداوند به او مهلت ندهد و انتقام ما را از او بگیرد - مرتد شد و از دین برگشت و از دین جدا شد و به دشمنی با دین پرداخت.

و چیزی را ادعا کرد که با آن ادعا، به خالق یکتا کافر می‌گردد و دروغ و باطل را به خداوند نسبت داده است و تهمت زده و گناه بزرگی را مرتکب شد.

روی گردانان از خداوند به خدا دروغ بسته و به گمراهی غیر قابل بازگشتی گرفتار شدند

(۱) - الغيبة / طوسی / ص ۴۱۰ و ۴۱۱ / ح ۳۸۴ * الاحتجاج / طبرسی / ج ۲ / ص ۵۵۳ / ح ۳۴۸. بحارالانوار / ج ۵۱ / ص

و خسارت و ضرر واضح و آشکار را متحمل شدند و ما با پناه بردن به خداوند و پیامبر و خاندانش «که درود و سلام و رحمت و برکات خداوند بر همه آنان باد» از شلمغانی بیزاری می‌جوئیم، و او را مورد لعن و نفرین قرار دادیم و چنان چه می‌بینی؛ در هر وقت و در هر حالی، شلمغانی و همه کسانی که دنباله‌رو او هستند و از او پیروی می‌کنند و هر کسی که این پیام ما به او برسد، ولی او بر پیروی از شلمغانی باقی بماند. از طرف ما و خداوند، مستحق همه لعن‌ها و نفرین‌های ظاهری و باطنی و مخفی و آشکار است.

خداوند به تو توفیق ولایت مداری عنایت کند، به همگان بگو ما در دور بودن و خودداری از رابطه با شلمغانی همان‌گونه هستیم که در رابطه با امثال او همانند: شریعی^(۱)، نمیری^(۲)، و هلالی^(۳)، و بلالی^(۴)، و دیگران^(۵) عمل کردیم، و هر چه را که خداوند از قبل برای ما آورده و یا بعدها می‌آورد، از دیدگاه ما نیکو است. ما به خداوند اعتماد داریم و از او کمک می‌خواهیم و او همه امور ما را کفایت می‌کند و او وکیلی نیکوست. (

• رهبر

○ مراقبت ویژه رهبری از پیروان

مدیریت امامت و رهبری جامعه اقتضاء می‌کند، که رهبر جامعه در شرایط حساس به اقدامات تاکتیکی و نیز انجام اقدامات بنیادی دست بزند.

حضرت صاحب الزمان (مجلس الله تعالی فرجه الشریف) پس از وفات نماینده خاص اول، عثمان بن سعید، علاوه بر تعیین محمد بن عثمان بن سعید به عنوان نماینده خاص دوم، طی نامه‌ای این جریان را به اطلاع محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی، که از بزرگان شیعه در آن زمان بود،

(۱) - ابو محمد حسن شریعی از اصحاب امام دهم علیه السلام و امام یازدهم علیه السلام بود که بعد از غیبت امام زمان علیه السلام ادعای نیابت خاصه کرد.

(۲) - محمد بن نصیر نمیری از اصحاب امام حسن عسگری علیه السلام بود که بعد از امام عسگری علیه السلام به جای محمد بن عثمان عسگری، خودش را نایب خاص معرفی کرد.

(۳) - احمد بن هلال عبرتانی کرخی که از مذمومین است و ادعای بابی‌گری داشت.

(۴) - ابو محمد، و گویا نامش حسن است و از اصحاب امام دهم و یازدهم علیه السلام بود، و اولین نفری بود که ادعای نیابت

خاص از طرف امام زمان (عج) را کرد. (۵) - ر.ک. بحارالانوار / ج ۵۱ / ص ۳۶۷ / باب مذمومین.

رسانده و به او مأموریت می دهد که دستور آن حضرت را به دیگران ابلاغ کند.

• حدیث ۹۱

والأبن وقاه الله لم يزل ثقتنا في حياة الأب رضى الله عنه و أرضاه و نضر وجهه، يجرى عندنا مجراه و يسد مسدّه و عن أمرنا يأمر الأبن و به يعمل، تولاّه الله، «فانته إلى قوله:» «و عرف معاملتنا ذلك.» (۱)

(و پسر « محمد بن عثمان بن سعید » - که خداوند او را از شر نگه دارد - و در زمان پدرش - که خداوند از او راضی باشد و چهره اش را نورانی گرداند، هم چنان مورد اعتماد ما بود - اکنون در جایگاه پدرش جای دارد و از طرف ما، جانشین پدرش محسوب می شود. همین پسر، در بین مردم به امر ما، امر و نهی می کند و به دستورات ما عمل می کند. خداوند او را تحت سرپرستی خودش قرار دهد.

روایت ادامه داشت تا آن حضرت خطاب به ابن مهزیار فرمود: جریان را برای کسانی که با ما ارتباط دارند، بیان کن.)

و نیز ← حرف م - محمد - جایگاه محمد بن عثمان عمّری.

(۱) - ❖ الغيبة / طوسی / ص ۳۶۲ / ح ۳۲۵، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۴۹ / ح ۲ / ص ۱۹، من السيرة المهدي المنتظر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ج ۱ / ص ۴۵۹، حياة الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ص ۱۲۴.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ز

- زبان
- زیارت
- زائر

• زبان

- زبان شناسی حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)
- ← حرف ع - علم - علم حضرت به زبان های مختلف

• زیارت

- امکان زیارت حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)
- ← حرف ع - علامه حلی رحمته الله - تشرف علامه حلی رحمته الله

• زائر

- عنایت امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به زائران حرم اهل بیت علیهم السلام
- ← حرف م - حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) »

حرف س

- سامراء
- سپاس
- سخن
- سجده
- سفیانی

• سامراء

○ فضیلت سامراء

می‌گویند : شرف المكان بالمکین، یعنی هر جایی، ارزش و شرافتش، به چیز یا انسانی است که در آن قرار دارد و یکی از مکان‌های با شرافت و دوست داشتنی، شهر سامراء است. همان گونه که مکه به خاطر کعبه دارای شرافت است و مدینه به خاطر پیامبر خدا ﷺ و نجف به خاطر علی ﷺ و کربلا به خاطر امام حسین ﷺ، دارای ارزش و اعتبارند.

شهر سامراء نیز، به این دلیل که محل سکونت و مدفن شریف دو امام معصوم ﷺ و به زادگاه حضرت بقیة الله امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، دارای ارزش و اعتبار می‌باشد. چنانچه حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ابتدای غیبت صغری، طی بیانی شریف به آن اشاره دارند.

○ ابو محمد و جنانی گوید: یکی از اشخاص که پیش از غیبت، حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زیارت کرده بود، گفت: آن حضرت را ده روز پیش از شهادت پدرش و پیش از غیبت صغری دیدم، در حالی که از حجره‌اش بیرون آمده بود و کلمات ذیل «یا چیزی شبیه به آن کلمات» را بر زبان راند:

• حدیث ۹۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهَا مِنْ أَحَبِّ الْبِقَاعِ لَوْلَا الطَّرْدُ. (۱)

(پروردگارا! تو می‌دانی، اگر نبود نادانی ظالمان که من را از این زمین راندند، «از این مکان

(۱) - * اصول کافی / ج ۱ / ص ۲۳۱ / ح ۱۰، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۶۶ / ح ۵۲.

نمی‌رفتم، چون « این سرزمین «سامراء» برای من محبوب‌ترین مکان‌ها است. »

• سپاس

○ لزوم سپاس‌گزاری از خداوند در هنگام دعا

یکی از راه‌های نزدیکی بنده به خداوند و گشوده شدن درهای اجابت بر روی بنده، این است که هنگام دعا، نعمت‌های خداوند را یادآور شود و نسبت به آن سپاس‌گزاری کند، زیرا شکر و سپاس خداوند، باعث فراوانی نعمت و عنایت خداوند بر بنده‌اش می‌شود و از این راه می‌توان به خداوند نزدیک شد و حاجات خویش را در درگاه بی‌مثال او مطرح کرد.

← حرف د - دعا - دعای افتتاح - موضوع شماره ۴.

• سخن

○ اولین سخن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور

قرآن کتاب هدایت است و هر کس قرآن و معارف آن را سرمشق زندگی خویش قرار دهد، راه نجات را پیدا کرده است و به گفته پیامبر اسلام ﷺ تمسک به این امانت بزرگ، نجات بخش است و حتی امامان معصوم علیهم‌السلام که امانت کوچک « ثقل اصغر » هستند و با تمسک به قرآن حرکت می‌کنند، چنان چه حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور، اولین سخنش با مردم، آیه‌ای از قرآن خواهد بود.

○ امام باقر علیه‌السلام فرمود: قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وقتی قیام می‌کند، پشت به دیوار کعبه می‌دهد و سیصد و سیزده نفر از یاران خاصّ دورش جمع می‌شوند و اولین سخنی که می‌گوید این آیه شریفه قرآن است که:

• حدیث ۹۳

بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین.

ثمّ يقول: أنا بقیة الله في أرضه و خلیفته و حجته علیکم. (۱)

(۱) - * کمال الدین / ج ۱ / ص ۳۳۱ / س ۱۳ / ذح ۱۶، اعلام الوری / ج ۲ / ص ۲۹۲ / س ۹، کشف الغمة / ج ۳ / ص ۴۶۱ /

(« آن چه خداوند برای شما باقی گذارده است، برای تان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید. » ^(۱) سپس می فرماید: من باقی گذارده خدا در زمین هستم و خلیفه و جانشین خداوند و حجّت و دلیل خداوند بر شما.)

○ سخنان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ولادت

← حرف ت - تولّد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

○ سخنرانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کنار کعبه

← حرف خ - خطبه - خطبه حضرت در کنار کعبه

• سجده

○ سجده شکر

شکرگزاری نعمت های پروردگار از بدیهیات عقلی است و هر انسانی به راحتی می فهمد که در برابر نعمت های خداوند باید از خدا تشکر کند، هرچند که هیچ مخلوقی، از عهده شکرش بر نمی آید. اما هر کس به قدر توان خود باید شکرگزار باشد و یکی از راه های شکرگزاری به درگاه خداوند، به جای آوردن سجده شکر است.

○ از حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مورد سجده شکر بعد از نماز واجب پرسیدند که:

(بعضی از اصحاب گفته اند: انجام سجده شکر بعد از نماز واجب بدعت است، با توجه به

این گفته اصحاب، آیا می توان بعد از نماز واجب سجده شکر به جای آورد؟.

و اگر جایز باشد، سؤال این است که در نماز مغرب، آیا سجده شکر بعد از نماز مغرب

انجام می شود، یا باید بعد از چهار رکعت نافله مغرب؟.)

حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند:

→ س ۸، معجم احادیث الإمام المهدی (عج) / ج ۵ / س ۱۱ / ص ۱۷۶.

(۱) - سورة هود / آیه ۸۶.

• هَدِيث ۹۴

سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الْأَزْمِ السَّنَنِ وَ أَوْجِبَهَا وَ لَمْ يَقُلْ إِنَّ هَذِهِ السَّجْدَةُ بِدَعَاةٍ إِلَّا مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحَدِّثَ فِي دِينِ اللَّهِ بِدَعَاةٍ، وَ أَمَّا الْخَبْرُ الْمَرْوِيُّ فِيهَا بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَ الْإِخْتِلَافُ فِي أَنَّهَا بَعْدَ الثَّلَاثِ أَوْ بَعْدَ الْأَرْبَعِ، فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَايِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ، كَفَضْلِ الْفَرَايِضِ عَلَى النَّوَافِلِ وَ السَّجْدَةِ دُعَاءٍ وَ تَسْبِيحٍ وَ الْأَفْضَلُ أَنْ يَكُونَ بَعْدَ الْفَرَضِ، فَإِنَّ جَعَلَتْ بَعْدَ النَّوَافِلِ أَيْضاً جَازاً. (۱)

(سجده شکر از ضروری ترین و لازم ترین مستحبات است و هیچ کس نگفته که این سجده بدعت است، مگر این که خواسته باشد در دین خدا بدعتی ایجاد کند، و اما در مورد سجده شکر در نماز مغرب، باید بگویم که روایت وارده در عنوان بعد از نماز واجب مغرب است.

ولی راویان اختلاف کردند که آیا بعد از سه رکعت واجب مغرب، مراد است یا بعد از چهار رکعت نافله مغرب مراد است. چون دعا کردن بعد از نماز واجب یا مستحب، مانند فضیلت خود نمازهای واجب بر مستحب است، « و بعد از نماز واجب فضیلت بیشتری دارد »، لکن سجده شکر هم، خودش نوعی دعا و تسبیح است، پس بهتر آن است که بعد از نماز واجب مغرب انجام شود، البته می توان آن را بعد از چهار رکعت نافله مغرب نیز انجام داد.)

○ سجده بر خاک

سجده کردن بر هر چیزی که از جنس زمین باشد و گل و خاک باشد، صحیح است و در روایت (۲) آمده که پیامبر اسلام ﷺ بر نوعی از چوب یا شاخه خرما که به وسیله نخ به هم متصل شده بودند، سجده می کرد، اما گاهی سجده بر برخی چیزها از فضیلت و ثواب بیشتری برخوردار است.

○ از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدند: آیا سجده کردن بر یک قطعه

(۱) - * الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۷۶ / ذح ۳۵۶ / ص ۱۴، وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۴۹۰ / ح ۸۵۱۴ / ص ۳، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۶۱ / ذح ۳ / ص ۷ و ج ۸۳ / ص ۱۹۴ / ح ۱، مستند الشیعه / ج ۵ / ص ۴۰۲ و ۴۱۲، معجم احادیث الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۳۲۷ (۲) - سنن ابی داوود / ج ۱ / ص ۲۳۲ / ح ۶۵۶ / باب الصلاة على الخمرة.

از گِلِ قبر « تربت قبر امام حسین علیه السلام » صحیح است؟ و آیا این کار فضیلت و ثوابی هم دارد؟
امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب نوشتند:

• حدیث ۹۵

يجوزُ ذلك و فيه الفضل. ^(۱) (این کار جایز است و فضیلت هم دارد.)

○ سجده در کنار مزار مبارک امامان معصوم علیهم السلام ← حرف ن - نماز - آداب نماز خواندن
در کنار قبر امامان معصوم علیهم السلام

• سفیانی

○ بسیج همگانی برای جنگ با سفیانی

پاک سازی زمین از لوٹ وجود ستمگران، از جمله کارهایی است که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهورش انجام می دهد. و برای اجرای چنین هدفی، به ناچار باید با برخی گردن‌کشان بجنگد، که یکی از آنان، سفیانی است که به فرموده امامان معصوم علیهم السلام، جنگ با سفیانی، از اولین اقدامات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.
○ امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارد کوفه شود، هیچ مؤمنی در روی زمین باقی نمی ماند، مگر این که در کوفه حاضر است و یا در راه رسیدن به کوفه می باشد « این که می گوئیم او به کوفه می آید، فرموده حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمود: « هرگاه قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به کوفه بیاید، خطاب به یارانش می فرماید:

• حدیث ۹۶

سِيرُوا بِنَا إِلَى هَذِهِ الطَّائِفَةِ. ^(۲)

(۱) - * الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۸۳ / ذح ۳۵۷. وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۶۶ / ح [۶۸۰۷] ۲. بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۱۶۵ / ذح ۴ / ص ۱۱.

(۲) - * الغيبة / طوسی / ص ۴۵۵ / س ۴ / ح ۴۶۴. بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۲۳۰ / ح ۵۱. معجم الاحادیث / ج ۳ / ص ۳۰۰ / ح ۸۳۷.

(به سوی نبرد با این طغیان کننده «سفیانی» بروید.)

و حضرت علی علیه السلام اضافه کردند که خود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز برای جنگ با سفیانی حرکت می کند.

○ تصمیم گیری در مورد اعدام سفیانی ← حرف م - مشورت حضرت با یارانش

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ش

- شراب
- شفا
- شك
- شِكْوِه - شكایت
- شهادت دادن
- شیخ مفید رحمته الله

• شراب

○ تأثیرات مخرب شراب خواری

راوی می‌گوید: ابو محمد دعلجی از خوبان و بزرگان شیعه بود و دو فرزند داشت که یکی از آنها هدایت شده و دیگری اهل فسق و کار حرام بود. و بر طبق عادت سالانه که افراد خیر نذر می‌کردند که پولی بدهند و کسی را اجیر کنند که به نیابت از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حج انجام دهد.

در یکی از سال‌ها، هزینه حجی به ابو محمد دعلجی رسید که به شخص صالحی بدهد، تا او به نیابت از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حج انجام دهد.

اما ابو محمد دعلجی بخشی از آن پول را به آن پسرش که مشهور به فساد بود داد و با مابقی پول به مکه رفت که به نیابت از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حج انجام دهد.

در بازگشت از مکه نقل کرد که: روزی در محلّ وقوف در عرفات ایستاده بودم که جوانی را دیدم، نزدیک من ایستاده است. چهره‌ای زیبا و گندم‌گون داشت و به شدت مشغول دعا و زاری بود. وقتی زمان کوچ حاجیان فرارسید، رو به من کرد و فرمود:

• حدیث ۹۷

یا شیخ! أما تستحيي؟ قلتُ: من أيّ شئٍ يا سيدي؟ قال: يُدْفَعُ إِلَيْكَ حَجَّةُ عَمَّنْ تَعْلَمُ فَتَدْفَعُ

مِنْهَا إِلَى فَاسِقٍ يَشْرَبُ الْخَمْرَ يُوشِكُ أَنْ تَذْهَبَ عَيْنُكَ هَذِهِ. (۱)

(ای شیخ! آیا حیا نمی‌کنی؟. ابو محمد می‌گوید عرض کردم: جریان چیست؟. چرا؟. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

پولی که به عنوان هزینه سفر حج به تو می‌دهند، بخشی از آن را به یک فاسق شراب خوار می‌دهی؟. چنین احساس می‌شود که چشمانت را از دست خواهی داد!.)
و با دست مبارک به یکی از چشمان دعلجی اشاره کرد.

راوی می‌گوید: مرحوم شیخ مفید^(۲) که ابو محمد دعلجی را دیده بود و این حکایت از او شنیده شده است، گفته است که بعد از چهل روز، در همان چشمی که آن حضرت به آن اشاره کرده بود، زخم و عفونتی پیدا شد و همان چشم کور شد.

• شفا

○ شفای مریض

برداشت‌ها این است که اگر آن گونه که در نظام هستی مقرر شده است، کسی بتواند با رعایت دقیق عقلی «بدون ذره‌ای مسامحه» از طبیعت بهره برداری کند، هرگز بیمار نمی‌شود و عدم رعایت نوع بهره‌وری از طبیعت، باعث بیماری و ناهنجاری در بدن می‌گردد و رفع بیماری هم، چه بسا با جایگزین‌هایی که در برخی گیاهان و دیگر اشیاء وجود دارد، امکان‌پذیر است، امّا بسیاری از گیاهان هنوز در تسخیر بشر نیستند.

و علاوه بر آن، چه بسا انواع دیگری از درمان وجود دارند که هنوز عقل بشری به آن‌ها نرسیده است، به همین دلیل بسیاری از بیماری‌ها را لا‌علاج می‌دانند. این جاست که پای کرامت و معجزه به میان می‌آید و خداوند با درخواست برخی از پاکان، به ویژه امامان معصوم^(علیهم‌السلام) از راه‌های ناشناخته برای بشر، بیماری‌ها را شفا می‌دهد.

○ محمد بن یوسف شاشی می‌گوید: گرفتار مرض بواسیر^(۲) شدم. به پزشک مراجعه کردم و برای معالجه هزینه زیادی هم مصرف کردم. امّا دواء هیچ تأثیری نگذاشت، به همین دلیل

(۱) - الخرائج و الجرائح / راوندی / ج ۱ / ص ۴۸۱ / ح ۲۱ / ص ۵، * وسائل الشیعه / ج ۱۱ / ص ۲۰۸ / ح ۱۴۶۳۸.

(۲) - زخم یا ورمی که در اطراف مقعد پیدا شود. بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۵۹ / ح ۴۲.

نامه‌ای به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشتم و از آن حضرت خواستم که برایم دعا کند.

نامه‌ای شریف به دستم رسید که در آن نوشته شده بود:

• هَدِيث ۹۸ •

اَلْبَسَكَ اللهُ الْعَافِيَةَ وَ جَعَلَكَ مَعْنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۱)

(خداوند لباس عافیت و شفا بر تو بپوشاند و تو را در دنیا و آخرت هم‌نشین ما قرار دهد.)

پس از این دعا، یک جمعه هم بر من نگذشت که شفا گرفتم و زخم بدنم التیام یافت. یکی از دوستانم که پزشک بود، گفت: این درد که تو داشتی از نظر پزشکان چنین دردی، هیچ دوايي ندارد و این شفا که گرفتی، جز از طرف خدا دیگری نیست.

○ شفای شیخ حرّ عاملی

چنان که در روایات مختلف آمده است، حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای شیعیان دعا می‌کند و با دعای آن امام، مشکلات و گره‌های اقتصادی، اجتماعی و دیگر مسایل که در زندگی افراد ایجاد شده باشد، باز می‌شود.

○ مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب اثبات الهداة می‌نویسد:

حدود ده ساله بودم که به بیماری شدیدی مبتلا شدم، به گونه‌ای که همه بستگانم کنار بستم بودند و مطمئن بودند که تا شب از دنیا می‌روم. در این ساعات من در بین خواب و بیداری بودم که پیامبر اکرم ﷺ و همه امامان را دیدم و بر یک یک آن‌ها سلام کردم و با آن‌ها روبوسی کردم.

با دو خصوصیت، یکی این که وقتی با امام صادق علیه السلام روبوسی کردم، ایشان به من سخنانی فرمودند که یادم نماند. جز این که به یاد دارم که امام صادق علیه السلام برایم دعا کرد.

خصوصیت دوم این است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم برایم دعا کرد. چون

(۱) - * کافی / ج ۱ / ص ۵۱۹ / ح ۱۱، الارشاد / مفید / ص ۳۵۲ / س ۱۷، الخرائج و الجرائح / ج ۲ / ص ۶۹۵ / ح ۹، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۲۹۷ / ح ۱۴، مدينة المعاجز / ج ۸ / ص ۸۱ / ح ۳۷/۲۶۹۳.

وقتی به آن حضرت رسیدم و با او دست دادم و روبوسی کردم، گریه کردم و گفتم: ای مولای من! می ترسم در این بیماری بمیرم و به نهایت مطلوبم از علم و عمل نرسم. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به من فرمود:

• هَدِيث ۹۹

لَا تَخَفْ فَإِنَّكَ لَا تَمُوتُ فِي هَذَا الْمَرَضِ، بَلْ يَشْفِيكَ اللَّهُ وَ تَعْمُرُ عُمُرًا طَوِيلًا. (۱)

(ترس! چون تو در این بیماری از دنیا نمی روی، بلکه خداوند تو را شفا می دهد و عمری طولانی خواهی داشت.)

پس از آن حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کاسه ای را به دستم داد و من از آب آن نوشیدم و در همان حال بیماریم برطرف شد و شفا گرفتم. فوراً از بسترم برخاستم و در حضور بستگانم نشستم. همگی تعجب می کردند، اما من چیزی نمی گفتم، و پس از چند روز، جریان ملاقاتم با معصومین علیهم السلام و شفایم را بیان کردم.

○ شفای هرقلی

إربلی از شمس الدین پسر اسماعیل بن حسن هرقلی (۲) نقل کرده است: در زمان جوانی، روی ران چپم دُملی درآمد که هر سال در فصل بهار چرک می کرد و باعث ناراحتی فراوان من شده بود و با وساطت سید بن طاووس، به پزشکان حله و بغداد مراجعه کردم. همه گفتند: اگر جراحی شود، بیمار می میرد. ناامید از پزشکان به سامراء رفتم و به حرم عسگریین پناهنده شدم. پس از زیارت آن دو امام علیهم السلام، به سوی سرداب مبارک رفتم و دست به دامن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شدم، تا در آن جا امام زمانم را ببینم و شفایم را بگیرم. چند روزی ماندم و در آخرین غسلی که در رود دجله کردم و داشتم برای آخرین زیارت به شهر باز می گشتم، کنار دروازه شهر، چند سوار را دیدم که از شهر خارج می شدند. یکی از آنان علاوه بر لباس، با پارچه مخصوصی شبیه چفیه، صورت خویش را پوشانده بود. همراهانش

(۱) - * اثبات الهداة / ج ۷ / ص ۲۷۸ / ش ۱۶۵، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۲۷۴ / س ۱۳، نجم الثاقب / ص ۲۸۹ / حکایت

(۲) - هرقل یکی از روستاهای اطراف شهر حله است. / س ۱۳.

بر من سلام کردند و من جواب سلام را دادم.

آن سوار «امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» به من فرمود:

• حدیث ۱۰۰

أنت غداً تروحُ الى أهلك؟ فقال له : نَعَمْ. فقال له : تَقْدَمُ حَتَّى أَبْصِرَ مَا يُوْجِعُكَ؟ قال : فَكَّرْتُ
مُلَامَسَتَهُمْ وَ قُلْتُ : أَهْلُ الْبَادِيَةِ... (۱) (۲)

(آیا تو فردا می خواهی به شهر خویش برگردی؟ من گفتم: آری!

حضرت فرمود: «جلو بیا تا ببینم. این همان زخمی است که این قدر باعث ناراحتی تو شده است؟»

هرقلی می گوید: پیش خود گفتم: عرب ها معمولاً رعایت طهارت و نجاست را نمی کنند و من هم که تازه غسل کرده ام و پیراهنم هنوز خشک نشده است، به همین دلیل، مایل نبودم او دست به بدنم بزند. اما به هر حال اطاعت کردم و جلو رفتم.

آن حضرت دستم را گرفت و به طرف خود کشید و همان طور که روی زین اسب نشسته بود، خم شد، به گونه ای که با دست مبارکش از شانه تا منطقه زخم پایم را دست کشید و دست مبارکش که به زخم رسید، فشاری داد که درد شدیدی احساس کردم.

پیر مردی که همراهش بود، خطاب به من گفت: نجات یافتی ای شمس الدین پسر اسماعیل! ابن حسن هرقلی. من ضمن این که تعجب کردم که چگونه من را به اسم می شناسد، در پاسخ گفتم: هم شما و هم ما ان شاء الله نجات یافته و رستگاریم.

آن پیر مرد خطاب به من گفت: این همان امام زمان توست «که به دنبالش می گشتی». من جلو رفتم، و در همان حال که سوار بر اسب بود، او را بغل کردم و ران پایش را بوسیدم و او حرکت کرد و من هم به دنبالش به راه افتادم.

آن حضرت خطاب به من فرمود: «برگرد.» من گفتم: نه! هرگز از تو جدا نمی شوم.

(۱) - متن این حدیث طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می توانند به منابع حدیث مراجعه فرمایند.

(۲) - * بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۶۲ / س ۱۲، الامام المهدي من المهدى الى الظهور / ص ۳۱۱ الی ۳۱۳، منتهی الآمال / ج ۲ / ص ۸۰۴، نجم الثاقب / ص ۲۶۷ و ۲۶۸، خلاصة عبقری الحسان / نهاوندی / ص ۲۷.

دوباره آن حضرت فرمود: «مصلحت در این است که برگردی.» ولی من باز هم اصرار کردم و عرض کردم که: به همراهت می‌آیم. در این جا آن پیرمرد خطاب به من گفت: ای اسماعیل! خجالت نمی‌کشی؟ امام تو دو بار به تو امر کرد که برگردی، باز هم تو مخالفت می‌کنی؟! با تهدید او توقف کردم و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حرکت ادامه دادند، اما پس از چند قدم که رفتند، برگشتند و به من توجه کرده و فرمودند: «وقتی به بغداد رسیدی، حتماً ابوجعفر المنتصر، خلیفه عباسی تو را به حضور می‌طلبد، وقتی به حضورش رسیدی و خواست به تو پول بدهد، از او پول دریافت نکن و به فرزند ما رضی «سید بن طاووس» بگو، نامه‌ای برای علی بن عیوض بنویسد و تو را معرفی کند. ما به علی بن عیوض سفارش می‌کنیم، هرچه می‌خواهی به تو بدهد.» (۱)

• شک

○ شک نکردن در وجود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

سعد بن عبدالله گوید: بعد از شهادت امام حسن عسگری علیه السلام حسن بن نصر و ابو صدام و گروهی دیگر در مورد جانشین امام عسگری علیه السلام و این که پول هایی که در دست نمایندگان امام یازدهم است، به چه کسی باید تحویل داده شود، سخن گفتند و قرار شد بررسی کنند، تا مطلب روشن شود که جانشین آن حضرت کیست؟. حسن بن نصر گفت: به بغداد رفتم، یکی از نمایندگان امام حسن عسگری علیه السلام مقداری پول و پارچه نزد من آورد و رفت. به همین صورت نفرات بعدی آمدند، تا این که آن خانه از اموال پر شد. من از این جریان متعجب بودم، تا این که از طرف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نامه‌ای به من رسید که:

• حدیث ۱۰۱

إِذَا مَضَى مِنَ النَّهَارِ كَذَا وَكَذَا فَأَخْمِلْ مَا مَعَكَ.

(۱) - لازم به ذکر است، جریان هرقلی، بعد از ملاقاتش با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را علامه مجلسی در بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۶۲، آورده است. علاقمندان می‌توانند مراجعه فرمایند.

(وقتی فلان مقدار از روز گذشت، همهٔ اموالی را که در نزد خود داری بردار و بیاور.)
 من نیز طبق دستور عمل کردم و به سامراء رفتم. در این حال نامه‌ای به من رسید که نوشته شده بود:

إحمل ما معك. (اموال را به حضور ما بیاور.)

من آن اموال را بر دوش باربرها گذاشتم و به مکانی که فرمودند، رفتم. وقتی به آن مکان رسیدم، غلامی سیاه را دیدم که خطاب به من پرسید: حسن بن نصر تو هستی؟
 گفتم: آری. گفت: وارد شو.

من وارد خانه شدم و به اتاقی وارد شدم و زنبیل‌ها را در آنجا گذاشتم. پس از آن حجره‌ای را مشاهده کردم که پرده‌ای بر آن آویزان بود. از پشت پرده کسی مرا صدا زد و فرمود:
 يَا حَسَنُ بْنُ النَّضْرِ! إِحْمَدِ اللَّهَ عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيْكَ وَلَا تَشْكُرَنَّ، فَوَدَّ الشَّيْطَانُ أَنَّكَ شَكَّكَتَ.
 (ای حسن بن نصر! برای منّتی که خدا بر تو نهاد « این که امام زمان خودت را شناختی و حقّش را به او رساندی»، خدا را شکر گذار باش و هرگز «در وجود ما» شک نکن. چرا که شیطان دوست دارد تو «در وجود ما» شک کنی.)

سپس از پشت آن پرده، دو قطعه پارچه به من داده شد و همان صدا فرمود:

خُذْهَا فَسْتَحْتَاجُ إِلَيْهِمَا. (۱)

(این‌ها را بگیر که محتاجش خواهی شد.)

من هم آن پارچه‌ها را گرفتم و از منطقه خارج شدم.

سعد بن عبدالله گوید: حسن بن نصر بعد از بازگشت از حج، در ماه رمضان از دنیا رفت و با همان دو قطعه پارچه کفن شد.

○ شک در وجود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

هرچند همگان می‌دانستند که در عصر غیبت صغری کسانی وجود دارند که با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارتباط دارند و توفیعاتی برای آنان صادر می‌گردد و گاهی آن واسطه

(۱) - اصول کافی / ج ۱ / ص ۵۱۷ / ح ۴ / ص ۲۰ و ص ۵۱۸ / س ۳ و ۴، مدینه المعاجز / ج ۸ / ص ۷۶ / ذح ۲۸۸۶ / ص ۳۰ / س ۱۴.

* بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۰۹ / ذح ۲۵ / س ۳، مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / دوانی / ص ۶۱۸ / س ۱۲.

ارتباط را هم می‌شناختند. اما از آنجا که شیطان به گول زدن همگان، حتی خوبان و ارادتمندان، متعهد شده است، گاهی برای برخی شبهه پیدا می‌شد که نکند فلانی واسطه ارتباط نباشد، لذا می‌کوشیدند که به نحوی از خود حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مسائل خویش را جویا شوند.

◻ حسن بن عبدالحمید گوید: در مورد یکی از نمایندگان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شک کردم.

اموالی را که از مردم نزد من بود، جمع کردم و به سوی معسکر «جایگاهی در شهر سامرا که می‌شد امام را در آن جا ملاقات نمود» رفتم. در آن جا نامه‌ای به دستم رسید که در آن نوشته شده بود:

• هَدِيث ۱۰۲ •

لَيْسَ فِينَا شَكٌّ وَلَا فِيمَنْ يَقُومُ مَقَامَنَا بِأَمْرِنَا رُدَّ مَا مَعَكَ إِلَى حَاجِزِ بْنِ يَزِيدٍ. ^(۱)

(در مورد ما و نمایندگان ما، هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. «ای حسن بن عبدالحمید» به دستور ما هر آن چه با خود داری، به حضور حاجز بن یزید ببر و به او تحویل بده.)

• شِكْوَه - شِكَايَت

◻ **شِكْوَه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از رجعت، نزد پیامبر ﷺ**

← حرف م - حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - گلایه حضرت از مردم، نزد

پیامبر ﷺ

• شَهَادَات دَادِن

◻ شَهَادَات دَادِن نَابِنَا

اثبات جرم برای شخص یا دادن حقی به شخص، در هر محکمه‌ای نیازمند دلیل قاطع است و یکی از دلایل محکمه پسند شاهد است، یعنی اگر کسی در صحنه حاضر بود و با چشمان

(۱) - * کافی / ۱ / ص ۵۲۱ / ح ۱۴، کشف الغمّة / ج ۳ / ص ۴۴۷ / س ۴، مدینه المعجز / ج ۸ / ص ۸۶ / ذح ۲۶۹۷ / ۴۱،

معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۳۲۶ / ذح ۱۳۳۸، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۳۴ / ذح ۵۸

خویش شاهد ماجرای بود، که جرمی را علیه کسی ثابت می‌کند و یا موجب اثبات حقی برای کسی می‌شود، بر طبق صراحت قرآن کریم، در صورتی که از او درخواست شود، نباید کتمان شهادت کند، اما همین شهادت که بیان آن واجب است و بر آن تأکید بسیار شده است، حدّ و مرزهای فراوانی دارد.

○ از حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مورد انسان نابینا پرسیدند که :
 اگر شخصی نابینا در ایّام بینایی صحنه‌ای را شاهد بوده است « و زیر نوشته‌ای را به عنوان شاهد امضاء کرده است » و پس از آن بینایی خود را از دست داده است و نمی‌تواند خطّ خود را بخواند، تا تشخیص دهد خطّ او است یا خیر، اکنون سؤال این است که ؛ آیا شهادت آن شخص جایز است و اساساً اگر آن شخص صحنه را در یاد دارد، اکنون می‌تواند شهادت دهد که آن صحنه را شاهد بوده است، یا نمی‌تواند شهادت دهد؟.
 حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب نوشتند :

• حدیث ۱۰۳

إِذَا حَفِظَ الشَّهَادَةَ وَ حَفِظَ الْوَقْتَ جَازَتْ شَهَادَتُهُ. (۱)

(اگر آن صحنه‌ای که شاهدش بود، در یادش مانده است و زمان وقوع حادثه را هم در یاد دارد، می‌تواند شهادت دهد.)

• شیخ مفید رحمته الله

○ نامه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیخ مفید رحمته الله در سفارش به رازداری
 ← حرف ن - نامه اول حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیخ مفید رحمته الله.

(۱) - * الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۸۵ / س ۳ / ذح ۳۵۷. بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۶۶ // س ۱۴ / ذح ۴، وسائل الشیعه / ج ۲۷ / ص ۴۰۰ / ح ۳۴۰۵۸.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ص

• صداقت

• صدوق علیه السلام

• صلوات

• صیغه

• صداقت

○ صداقت و راست گویی نایب‌های خاصّ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

← حرف پ - پیامبران - فلسفه بلا و امتحان پیامبران

• صدوق رضی الله عنه

۱ - فضیلت حسین بن علی بن موسی بن بابویه « صدوق اوّل »

زندگی در پناه ولیّ امر مسلمین، مخصوصاً حضرت ولیّ عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) لذّت بخش است و زیر سایه ولایت اهل بیت علیهم السلام زیستن، انسان را از بسیاری از خطرات رهایی می‌بخشد.

○ ابن بابویه قمی ^(۱) می‌گوید: گروهی از هم‌شهری‌های من که مقیم بغداد بودند، حادثه‌ای را در مورد پدرم « علی بن حسین بن موسی بن بابویه، صدوق اوّل » برایم نقل کرده‌اند و گفته‌اند:

در سالی که گروه قرامطه ^(۲) بر علیه حلاج ^(۳) قیام کردند. یعنی همان سال که به ریزش

(۱) - ابو عبدالله حسین برادر صدوق دوم « ابو جعفر محمد » و پسر صدوق اوّل « علی بن حسین بن موسی بن بابویه » است. خلاصه این که صدوق اوّل، علی بن حسین بن موسی بن بابویه دارای دو پسر است، به نام‌های ابو جعفر محمد بن علی و ابو عبدالله حسین بن علی که با دعای حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از کنیزی اهل منطقه شمال ایران به دنیا آمده است.

(۲) - قَرَمَطِیّان، فرقه‌ای از اسماعیلیّه و پیرو حمدان بن اشعث، معروف به قرمط بودند که در دوران خلفای عبّاسی

ستارگان معروف شد. پدرم - که خدا او را بیامرزد - نامه‌ای به ابوالقاسم حسین بن روح «نایب خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» نوشت و از حضرت اجازه خواست، تا آن سال را به حج مشرف شود. در جواب آمده بود؛

• حدیث ۱۰۴

لَا تَخْرُجْ فِي هَذِهِ السَّنَةِ. (امسال به حج مشرف نشوید.)

اما پدرم مجدداً نامه نوشت و اظهار داشت که من نذر کرده بودم، حال آیا مجاز هستم نذر را ترک کنم؟. در جواب برای پدرم نوشته بودند؛

إِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَكُنْ فِي الْقَافِلَةِ الْأَخِيرَةِ. (۴)

(اگر چاره‌ای جز رفتن نداری، پس با آخرین قافله‌ای که از شهر حرکت می‌کند، همراه شو.)

پدر من هم با آخرین کاروان اعزامی به حج همراه شد. اتفاقاً در آن سال همه کاروان‌هایی که پیش از پدرم حرکت کرده بودند، گرفتار درگیری قرامطه و حلاج گردیده و کشته شدند، اما اعضای آن کاروانی که پدرم با آن‌ها بود، سالم ماندند.

۲ - فضیلت دیگری از شیخ صدوق رحمته الله علیه

اگر حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای کسی دعا کند، تا خداوند حاجت آن شخص را برآورده کند و یا گرفتاری‌اش را برطرف کند، این از سعادت‌های انسان است که نصیب هر کسی نمی‌شود.

و جالب‌تر این است که حتی کسی وجود داشته باشد که حضرت صاحب الزمان

→ فتنه‌ها و آشوب‌های بسیاری کردند و با طرز تلقی تساوی طبقاتی و راه کار قتل و کشتار، در نهایت به رهبری دو تن، به نام‌های «زکریه» و «ابوسعید حسن بن بهرام جنابی» که هر دو ایرانی بودند، در منطقه یمن و سوریه به حکومت رسیدند و قتل و کشتار بسیار کردند که یک نمونه از آن کشتن بیست هزار حاجی در مکه بود، که فقط در مسجد الحرام دو هزار تن کشته شدند. «برگرفته از فرهنگ عمید. حرف ق.».

(۳) - حسین بن منصور بیضاوی، معروف به حلاج.

(۴) - * الغيبة / ص ۳۲۲ / ح ۲۷۰، اثبات الهداة / حر عاملی / ج ۷ / ص ۳۴۱ / ح ۱۱۰، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۲۹۳ / ح ۱، الامامة والتبصرة / ابن بابویه قمی / ص ۱۷۲.

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) برای متولد شدن او در درگاه خداوند دعا کرده باشد، که خود افتخاری بزرگ است.

○ ابن بابویه نامه‌ای برای حسین بن روح فرستاد که به محضر حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) برساند و جواب دریافت کند، که در آن نامه از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) خواسته بود، دعا کند تا خدا به او فرزندی عنایت کند.
پس از چندی نامه‌ای رسید که :

• هَدِيث ۱۰۵ •

قَدْ دَعَوْنَا اللَّهَ لَكَ بِذَلِكَ وَ سَتُرْزَقُ وَلَدَيْنِ ذَكَرَيْنِ خَيْرَيْنِ. (۱)

(ما همان درخواست تو را از خدا خواستیم « واجابت شد»، به زودی صاحب دو فرزند پسرِ نیکوکار می‌شوی.)

بعد از دعای حضرت، خداوند دو فرزند «ابوجعفر و ابوعبدالله» به او داد.
ابوعبدالله حسین بن عبید می‌گوید: من بارها شنیدم که ابوجعفر افتخار می‌کرد و می‌گفت:
« من با دعای حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) متولد شدم. »

۳ - علّت نوشتن کتاب کمال الدین توسط شیخ صدوق رحمته

داشتن ذوقِ نویسندگی و کتاب نوشتن هم خوب است و هم لیاقت و توفیق می‌خواهد و به خصوص نوشتن کتاب، زمانی ارزش بیشتر پیدا می‌کند که شخص بزرگواری بر نوشتن آن توصیه و سفارش کرده باشد، و به ویژه اگر آن توصیه کننده، امام معصوم و دادگستر جهان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) باشد.

یکی از بزرگان که در نوشتن کتاب به این توفیق بزرگ دست یافت، مرحوم محمد بن علی بن بابویه قمی «معروف به شیخ صدوق» است.

○ مرحوم شیخ صدوق رحمته نقل می‌کند؛ شبی در مورد آن چه که از اهل بیت خودم و فرزندان و برادران و نعمت‌های الهی که بر جای گذاشتم، فکر می‌کردم، در همین حال به خواب رفتم.

(۱) - الهدایه / ص ۲۰۷. * الاستبصار / ج ۴ / ص ۲۲۷ / س ۱۶. کفایة الاثر / ص ۳۲۹. وسائل الشیعه / ج ۳۰ / ص ۴۲۸ / س ۶. بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۰۶ / ح ۲۲. فرج المهموم / ص ۱۳۰. معجم احادیث الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ج ۴ / ص ۳۰۹ / ح ۱۳۲۹.

در خواب احساس کردم که در حال طواف خانه خدا در مسجد الحرام هستم و در دور هفتم طواف، به حجر الأسود رسیدم و مشغول دست کشیدن بر حجر الأسود و بوسیدن آن هستم و پیش خود خطاب به حجر الأسود می گویم؛ امانت خود را ادا کردم و به عهد خود عمل کردم و تو بعد از مرگ من شاهد باش.

در همین حال مولایم حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیدم. کنار درب کعبه ایستاده است، آن چه که در قلبم می گذشت، آرام به طرف آن بزرگوار رفتم و او با فراست و زیرکی از چهره من متوجه شد که در دلم چه می گذرد. سلام کردم و آن حضرت جواب سلام مرا داد. سپس فرمود:

• حدیث ۱۰۶ •

لَمْ لَا تُصَنَّفُ كِتَابًا فِي الْغَيْبَةِ حَتَّى تَكْفِي مَا قَدْ هَمَّكَ؟ فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! قَدْ صَنَّفْتُ فِي الْغَيْبَةِ أَشْيَاءَ.

فَقَالَ ﷺ: لَيْسَ عَلَى ذَلِكَ السَّبِيلِ أَمْرٌ أَنْ تُصَنَّفَ الْآنَ كِتَابًا فِي الْغَيْبَةِ وَادْكُرْ فِيهِ غَيْبَاتِ الْأَنْبِيَاءِ ﷺ. (۱)

(چرا کتابی در مورد غیبت من نمی نویسی، تا کافی و کامل کننده آن کارهایی باشد که انجام داده ای؟. عرض کردم: ای پسر رسول خدا ﷺ من در مورد غیبت شما مطالب زیادی نوشتم!.

آن حضرت فرمود: آن مقدار برای راه گشا نیست، اکنون من به تو دستور می دهم، از این پس شروع کن و کتابی مستقل در مورد غیبت من بنویس، به گونه ای که تاریخ و جریان غیبت همه انبیایی که غایب شده اند را نیز بنویسی.)

• صلوات

○ ضرورت نام بردن اهل بیت ﷺ در صلوات

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله با سندی که آورده است، از یعقوب بن یوسف ضرباب غسانی نقل کرده است که گفت: در سال دویست و هشتاد و یک هجری قمری به همراه گروهی از اهل

(۱) - * کمال الدین / ج ۱ / ص ۳ / س ۲۰، بحار الانوار / ج ۱ / ص ۷۴ / س ۱۸.

سنت، از هم شهری‌های اصفهانی خودم به زیارت بیت الله الحرام مشرف شدیم. وقتی وارد مکه شدیم یکی از همراهان که از اهل سنت هم بود، پیش افتاد و در کوچه‌ای در «سوق اللیل» که همان خانه حضرت خدیجه بود و «دار الرضا» به آن می‌گفتند، منزلی کرایه کرد که در اختیار پیر زنی گندمگون که قبلاً خادمه خانه امام حسن عسگری علیه السلام بود، قرار داشت.

من در غیاب همراهانم با آن پیره زن انس گرفتم. اما در آن هنگام دیدم مردی چهار شانه و با چهره گندمگون، با این که ما درب خانه را از پشت بسته بودیم، با چراغی بر دست وارد خانه شد و داخل حجره‌ای که در طبقه بالا بود، شد و پیر زن به ما گفته بود کسی حق ندارد به طبقه بالا بیاید، چون من با دخترم زندگی می‌کنم.

و من و همراهانم می‌دیدیم که چنین شخصی می‌آید و می‌رود و اثری هم از باز بودن در نمی‌دیدیم. تا این که به دلم افتاد، باید از جریان آگاه شوم. به همین دلیل به آن پیره زن گفتم: (همراهان من دوست دار اهل بیت نیستند و من می‌خواهم مطلبی را با تو در میان بگذارم. خواهش می‌کنم اگر دیدی من در منزل تنها هستم، بیا پایین تا موضوعی را با تو در میان بگذارم.

آن زن گفت: اتفاقاً من هم می‌خواستم مطلبی را بگویم، اما فرصت پیدا نمی‌شد. گفتم: بگو. گفت: ایشان گفته‌اند به شما بگویم: «وقتی که با رفقاییت بحث می‌کنی، با فحش و تندی برخورد نکن.»

من پرسیدم: چه کسی این پیام را رساند؟ آن زن برای این که مطلب فاش نشود، گفت: من خودم گفتم. من هم شرم کردم که تکرار کنم. من آن زن را به خدا قسم دادم که بگوید امام زمان را دیده است یا نه؟

آن زن گفت: من خادمه آن خانه بودم. بشارت تولدش را امام حسن عسگری علیه السلام به من داد و گفت: در آخر عمرت او را می‌بینی. در این جا به ذهنم رسید ممکن است این مرد که می‌آید، همان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد، به همین دلیل شش دینار رضوی ^(۱) که نیت کرده بودم آن را در مقام ابراهیم در صندوق بیندازم، به آن زن دادم و گفتم: به اولاد فاطمه

(۱) - سکه‌هایی که به نام حضرت امام رضا علیه السلام ضرب شده بود.

زهرای علیها السلام بده.

و در ذهن داشتیم که او دینارها را به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌رساند. آن زن نیز از من گرفت و رفت و برگشت و گفت: آقا فرمودند: این دینارها به کار ما نمی‌آید، چون برای جای دیگر نیت کرده بودی و یک دینار رضوی دیگر نیز داد و گفت: این را هم در همان جا که نیت کرده بودی، بیندازد.

در این جا بود که به یادم آمد، آن تویع که از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ابوالقاسم علاء آذربایجانی رسیده بود را همراه دارم. به آن زن گفتم: آیا می‌توانی این تویع را به کسی که با دست خط حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آشناست، نشان دهی «که بدانم واقعی است یا خیر؟».

آن زن دست نوشته را از من گرفت و رفت و برگشت و گفت: صحیح است.

و پیامی نیز آورد که آقا می‌فرماید: چگونه صلوات می‌فرستی؟. گفتم: بر محمد و خاندانش صلوات می‌فرستم.

آن زن گفت: نه موقع صلوات فرستادن، نام تک تک امامان را ذکر کن. و من هم پذیرفتم، اما فردای آن روز، آن زن از حجره خویش پایین آمد و دفتر کوچکی را به من داد و گفت: آقا فرمود: آن گونه که در این دفتر نوشته شده است بر محمد و خاندانش صلوات بفرست.

البته من شب‌های دیگر می‌دیدم آن آقا می‌آید، اما فقط نور چراغ پیدا بود و شخص پیدا نبود. و می‌دیدم که افرادی در خانه می‌آیند و نامه‌ای می‌دهند و پیر زن هم نامه را می‌برد و بعد نامه‌ای هم برای شان می‌آورد.

○ آن دعای حضرت این است؛

• حدیث ۱۰۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلُ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ، الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ.

اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُ وَ ارْزُقْ دَرَجَتَهُ، وَ أَضِيءْ نُورَهُ وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ أَعْطِهِ

الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْعَثُهُ مَقَاماً مَحْمُوداً، يَعْظُمُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ.
وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الْهَادِيْنَ الْمَهْدِيِّينَ الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ،
دَعَائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ،
الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَأَرْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَ
جَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَغَدَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَالْبَسْتَهُمْ نُورَكَ وَ
رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً، لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَ
لَا يُخْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلُ
عَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ.

اللَّهُمَّ أَعِزِّ نَصْرَهُ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ. اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ
الْكَائِدِينَ وَادْحَرْ عَنْهُ إِزَادَةَ الظَّالِمِينَ وَتُخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ
شِبَعِيَّتِهِ وَرَعِيَّتِهِ وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ وَتَسَرَّرَ بِهِ نَفْسُهُ وَبَلَّغَهُ

أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مُجِي مِنْ دِينِكَ، وَ أَحْيِي بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا، خَالِصًا مُخْلِصًا لَأَشْكَ فِيهِ وَ لَا شُبُهَةَ مَعَهُ وَ لَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَ لَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ تَوَزَّ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَ أَهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَ أَحْمِدْ بِسَيِّفِهِ كُلَّ نَارٍ وَ أَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَ أَجْرِ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ أذِلَّ لِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ. اللَّهُمَّ أذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَ أَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَ امْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَ سَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَ أَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ الْحَسَنِ الرِّضَا وَ الْحُسَيْنِ الْمُصْطَفَى وَ جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ ؛ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ الْهُدَى وَ مَنَارِ التَّقَى وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ وِلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ مُدَّةِ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ أَرِذْ فِي أَجَالِهِمْ وَ بَلِّغُهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ [دِينًا]، دُنْيَاً وَ آخِرَةً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(پروردگارا! بر محمد، بزرگ رسولان و خاتم پیامبران و حجّت پروردگار بر عالمیان درود فرست. همان کس که منتخب هم پیمانی با خداست. همان برگزیده نجات یافته از بین جمعیت گمراه. همان پاک و پاکیزه از هر نقص، همان خالص از هر عیب، همان آرزوی آرزومندان برای نجات خویش. همان امید مردم برای شفاعت. همان کسی که نشر دین خدا به او سپرده شد.

پروردگارا! اصل و نسبش را شریف گردان و دلیل و برهانش را بزرگ گردان، استدلالش را پیروز کن و درجه‌اش را رفیع گردان و نورش را درخشان نما و او را رو سفید گردان و به او برتری و کمال عنایت کن.

و درجه و وسیله ارزشمند به او عنایت کن و او را با جایگاهی ستوده به گونه‌ای که انسان‌های اولین و آخرین آرزوی مقامش را کنند، مبعوث گردان.

(۱) - * الغيبة / طوسی / ص ۲۷۷ / ح ۲۳۸. بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۲۰ / ذح ۱۴، صحیفة المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ص ۲۸ / دعا ۶، مصباح / کفعمی / ص ۷۲۵ / س ۱۰ و ص ۷۲۶ / فصل ۴۴، بلدالامین / ص ۱۲۰ / س ۱۴ / ناص ۱۲۲، صحیفة مهدویة / ص ۵۳، جمال الاسبوع / ص ۳۰۱ و ۳۰۶، مصباح المتهجّد / ص ۲۹۰.

و بر حضرت امیر مؤمنان و وارث پیامبران و رهبر و پیشوای مؤمنان نورانی ^(۱) و آقای اوصیاء پیامبران و حجّت خداوند عالمیان درود فرست.

و بر امام حسن بن علی علیه السلام امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

و بر امام حسین بن علی علیه السلام امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

و بر حضرت علی بن الحسین علیه السلام امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

و بر حضرت محمد بن علی علیه السلام امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

و بر حضرت جعفر بن محمد علیه السلام امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

و بر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

و بر حضرت علی بن موسی علیه السلام امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

و بر حضرت محمد بن علی علیه السلام امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

و بر حضرت علی بن محمد علیه السلام امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

و بر حضرت حسن بن علی علیه السلام امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

(۱) - در متن « قَائِدُ غُرِّ الْمُحْجَلِينَ » آمده است و با توجه به این که غُرٌّ مُحْجَلٌ، در لغت عرب، به پرندۀ سفیدپا که کمیاب است، معنا شده است، می توان گفت: « قَائِدُ غُرِّ مُحْجَلٍ » یعنی رهبر مؤمنان که نظیر آنان بسیار کم است. یا این که تشبیه به اسب پیشانی سفید و سفید پا باشد که مؤمنان خالص، همانند آن اسب های سفید پا و پیشانی سفید، تعدادشان در بین بشر کم است و نیز همین مؤمنان برترین های نسل بشر هستند.

به هر حال این علی علیه السلام است که می تواند حتی بر خالص های قوم و برترین های از نسل بشر رهبر باشد.

و بر حضرت حجّت، جانشین نیکو و هدایت کننده و راهنمای همه، امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت پروردگار جهانیان درود فرست.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، همان‌ها که امامان هدایت گر و هدایت شده و دانشمندان درستکار و پاکان پرهیزکار و ستون‌های دین تو و رکن‌های توحید تو و منعکس کننده وحی تو به مردم و حجّت‌های تو بر مخلوقات و جانشینان تو در زمین هستند.

همان‌ها که آن‌ها را برای دوستی با خود انتخاب کردی و برای مأموریت به سوی بندگانت آنان را برگزیدی و راضی شدی که آنان حافظان دین تو باشند و آنان را مردان ویژه‌ای برای شناخت خود قرار داده‌ای و به وسیله بزرگواری خودت آنان را به بزرگی رساندی.

و آنان را غرق در رحمت خود کردی و با نعمت خود آنان را پرورش دادی و از حکمت خود آنان را تغذیه کرده‌ای و لباس نورت را بر آنان پوشانده‌ای و در ملکوت بالا، به آنان جایگاه بلند عنایت کردی و اطراف آنان را پر از فرشتگان کرده‌ای و به خاطر پیامبرت آنان را به شرافت رساندی.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فراوان دایمی فرست، به گونه‌ای که هیچ کس جز تو، بر همه اطراف آن احاطه نداشته باشد و دانش هیچ کس جز تو نتواند آن را دریابد و غیر از تو کسی قادر نباشد تعداد آن را بداند.

پروردگارا! بر ولیّ امرت درود فرست، همان کس که سنت تو را احیاء می‌کند و قائم به امر توست. انگیزه‌اش به سوی توست و راهنمای مردم برای رسیدن به توست و حجّت در بین مردم و جانشین تو در زمین و گواه تو بر بندگان است.

پروردگارا! دوست بدار او را تا او را یاری کنی و عمرش را طولانی کن و با طولانی کردن عمر او، زمین را زینت بخش.

خدایا! او را از تجاوز حسودان دور بدار و او را از شرّ حيله گران در امان بدار و تصمیم بد ستمگران را از او دور ساز و او را از گرفتار شدن به دست ستم کاران نجات ببخش. پروردگارا! از طرف خودش و از نسل و شیعیانش و از مردم تحت حکومتش و از طرف خواصّ منتسب به او و از عموم مردمی که علاقه‌مند به او هستند و حتی از طرف

دشمنانش و از طرف تمام اهل دنیا، آن چه را که باعث روشنی چشمش و خوشحالی قلبش شود، به او عنایت فرما. و او را در دنیا و آخرت به بالاترین و بهترین آرزوهایش برسان، زیرا که تو بر هر کاری توانایی.

پروردگارا! همه آن اصول و فروع متروک مانده دینت را، به وسیله او احیاء بگردان و هر آیه‌ای از قرآن را که تحریف شده باشد، به وسیله او زنده کن.

و هر حکمی از احکام که در غبار زمان چهره عوض شده باشد، به وسیله او آشکار بگردان. تا این که دین تو، به وسیله او و به دست او به گونه‌ای که هیچ شک و شبهه‌ای در او راه نیابد و هیچ باطل و یا بدعتی همراهش نباشد، به شادابی و تازگی و با صفایی و مصفایی باز گردد.

پروردگارا! هر تاریکی را با نور وجود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روشن کن و هر بدعتی را به وسیله او درهم بشکن و هر گمراهی را با عزت او نابود کن و هر ستم‌گری را به وسیله او نابود کن و با شمشیر او، هر آتش فتنه‌ای را خاموش کن و با عدل او هر ظالمی را هلاک کن.

دستورات او را فوق همه دستورها و محو‌کننده همه حکم‌ها قرار ده و با قدرتی که به او دادی، هر قدرتی را به خاک ذلت بکشان.

پروردگارا! همه بدخواهان او را خوار کن و همه دشمنان او را هلاک کن و حيله هر حيله گری را که با او از در حيله درآید، پاسخ گو باش و هر کس که حق او را انکار می‌کند، و نسبت به امر او بی‌اعتنایی می‌کند، و در خاموش کردن نور عظمت او می‌کوشد و خواستار محو شدن یاد او می‌باشد، ریشه کن فرما.

پروردگارا! بر محمد مصطفی ﷺ، علی مرتضی ﷺ، فاطمه زهرا ﷺ، و بر حسن مجتبی ﷺ، راضی به رضای خدا و بر حسین ﷺ، برگزیده شده و بر همه جانشینان پیامبر ﷺ «امامان معصومین» درود فرست.

همان امامانی که چراغ روشن در تاریکی هستند و رهبران شاخص هدایتند و قلّه‌های پرهیزکاری هستند و دستگیره مطمئن و ریسمان محکم و راه مستقیم می‌باشند.

و بر ولی امر خویش و همه نمایندگان و همه پیشوایان از نسل او درود فرست و عمر آنان را طولانی بگردان و مهلت زنده ماندن آنان را زیاد کن و آنان را به بلندترین

آرزوهای دنیایی و آخرتی‌شان برسان، زیرا که تو بر هر کاری توانایی.

• صیغه

○ ازدواج موقت « صیغه » ← حرف الف - اهمیت ازدواج موقت

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) »

حرف ظ

• ظهور

• ظهور

○ **زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)**

بر اساس روایات شیعه، انتظار فرج صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) از وظایف است، اما مدت زمان انتظار هرگز مشخص نشده است، بنابراین حتی خود حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) هم نمی داند، در چه زمانی مأمور به ظهور خواهد بود و چقدر باید منتظر باشد.

مرحوم صدوق رحمته الله با سندی که آورده از اسحاق بن یعقوب نقل کرده است که گفت: طی نامه‌ای سؤالاتی را به محمد بن عثمان عمّری «دومین نایب خاص حضرت» دادم تا جوابش را برایم بیاورد.

امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) نیز، در نامه‌ای جواب همه پرسش‌هایم را دادند. که یکی از آنها، در مورد ظهور آن حضرت بود:

• حدیث ۱۰۸

وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ: فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذِبَ الْوَقَاتُونَ. ^(۱)

(اما ظهور من و گشایش در گِره کارِ عالم، پس در اختیار خداوند است و آنان که زمان

(۱) - * کمال الدین / ص ۴۸۴ / ح ۴ / س ۷، الغيبة / طوسی / ص ۲۹۱ / ذح ۲۴۷ / س ۱، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۱ / ذح

۱۰ / س ۱، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۴۳ / ذح ۳۴۴ / س ۳.

خاصی را برای ظهور من معین می‌کنند، دروغ‌گویانی بیش نیستند.

○ **علایم و حوادث هنگام ظهور حضرت مهدی** (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بسیاری از نشانه‌ها برای نزدیک شدن ظهور منجی عالم بشریت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد و جالب این جاست که برخی از آن نشانه‌ها را، خود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان کرده‌اند.

○ پسر خواهر ابوبکر بن نخالی عطار که عارف یا صوفی مسلک بود، در مورد آن دیداری که با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشت، گفت: از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدم: ای مولای من! چه زمانی از پس پرده غیبت بیرون می‌آیی؟

آن حضرت در پاسخ نشانه‌هایی را برای ظهور خویش بیان فرمودند.

← حرف ع - علم غیب - خبر دادن از علایم ظهور.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ع

- عزاداری
- عطسه زدن
- علامه حلی رحمته الله
- علایم
- علم
- علماء
- علی رضی الله عنه
- عمر
- عنایت
- عیسی رضی الله عنه

• عطسه زدن

○ آداب و آثار عطسه زدن

یکی از چیزهایی که برای بدن مفید است، عطسه کردن است و آداب بعد از عطسه آن گونه که در کتب تاریخ آمده است از حضرت آدم علیه السلام شروع شده است.

وقتی حضرت آدم علیه السلام خلق شد و به امر خداوند روح در او دمیده شد، با رسیدن اثر حیات به دماغش، عطسه‌ای زد و حیات در تمام بدنش منتشر شد و آداب بعد از عطسه را هم خداوند به او آموخت، که پس از عطسه زدن، حمد و سپاس خداوند را بگوید.

○ خادم ابو محمد امام عسگری علیه السلام می گوید: ده شب پس از ولادت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود که به خدمتش رسیدم. در آن حال عطسه کردم.

حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جواب عطسه من فرمود:

• هَدِيث ۱۰۹

يُرْحَمُكَ اللهُ - ففرحت بذلك - فَقَالَ: أَلَا أَبَشَّرُكَ فِي الْعِطَاسِ؟. هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. ^(۱)

(خدا تو را در رحمت خویش قرار دهد. من از این محبتی که آن حضرت به من نمود خوشحال شدم.

(۱) - کمال الدین / ص ۴۳۰ / ذح ۵، * الغيبة / طوسی / ص ۲۳۲ / ح ۲۰۰، الخرائج و الجرائح / راوندی / ج ۱ / ص ۴۶۵ / ح

۱۱، مکارم الاخلاق / ج ۲ / ص ۲۰۰ / س ۱، اعلام الوری / ج ۲ / ص ۲۱۷، معجم احادیث امام مهدی (عج) / ج ۴ / ص ۳۱۹ / ح

۱۳۳۴، مستدرک الوسائل / ج ۸ / ص ۲۸۴ / ح ۱۰۹۷۴۵، حلیة الابرار / ج ۵ / ص ۱۸۵ / ح ۶، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۵ / ح

۷، وسائل الشیعه ج ۱۲ / ص ۸۹ / باب ۵۹ / ح ۱.

آن حضرت «که چنین دید» فرمود: آیا می‌خواهی در رابطه با عطسه بشارتی به تو بدهم؟
عطسه انسان را سه روز از مرگ نجات می‌دهد «و علامت سلامتی است.» (

• علامه حلی

○ تشرّف علامه حلی به محضر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مرحوم تنکابنی از آخوند ملاصفر علی لاهیجی نقل کرده است که گفت: استادم سید محمد مجاهد، صاحب کتاب المناهل فی الفقه، فرزند سید علی طباطبایی، مؤلف کتاب ریاض، به من گفت: در حاشیه کتاب تهذیب الأحکام شیخ طوسی، نوشته‌ای را که به خط علامه حلی بود، مشاهده کرد که در کنار حدیثی نوشته بود:

(این حدیثی است که در راه حله به کربلا، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آدرس آن را به من داد.

○ در مورد این داستان، مرحوم تنکابنی با سندی آورده است: علامه حلی گفت: در شب جمعه‌ای به قصد زیارت امام حسین (ع) به سوی کربلا حرکت کردم. در حالی که تنها و سوار بر الاغ بودم و تازیانه‌ای برای راندن مرکب در دست داشتم.

در بین راه عربی پیاده همراه من به راه افتاد و با من صحبت شد. کم‌کم فهمیدم شخص دانشمندی است، وارد مسایل علمی شدیم و برخی از مشکلات علمی را که داشتم از او پرسیدم و پاسخ مناسب داد، تا این که در موضوعی سخن به میان آمد و آن عرب فتوایی داد و من منکر شدم و گفتم: این فتوا پشتوانه روایتی ندارد و حدیثی بر طبق آن نداریم. آن مرد عرب گفت:

• حدیث ۱۱۰

(در این موضوع شیخ طوسی در تهذیب حدیثی را آورده است. شما از اول تهذیب، فلان مقدار صفحه^(۱) بزن در سطر فلان حدیث را خواهی یافت.)

متحیر شدم که این شخص کیست؟ که این همه آمادگی علمی دارد؟ در این حال به فکرم

(۱) - در زمان قدیم کتاب‌ها فاقد شماره صفحه بودند و به همین دلیل برای آدرس دادن به اشخاص، می‌گفتند: از اول کتاب چند صفحه جلو برو و یا از آخر کتاب چند صفحه به عقب برگرد.

رسید که از او بپرسم؛ آیا این امکان وجود دارد که انسان حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ببیند؟

در این جا از شدت لرزشی که بدنم را فراگرفت، تازیانه از دستم افتاد و آن بزرگوار خم شد و تازیانه را از زمین گرفت و در دستم گذاشت و فرمود:

(چگونه صاحب الزّمان را نمی‌توانی ببینی، در حالی که اکنون دست او در دست توست.) (۱)

مرحوم علامه رحمته پس از شنیدن این سخن، بی‌اختیار خود را از روی چهار پایی که سوار بود، بر زمین انداخت تا پای امام را ببوسد، اما از شدت شوق، بی‌هوش بر زمین افتاد. پس از آن که به هوش آمد، کسی را ندید.

پس از بازگشت، به کتاب تهذیب مراجعه کرد و حدیث را پیدا کرد و در حاشیه کتاب، در کنار حدیث نوشت: این حدیثی است که مولایم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، خبر وجود این حدیث را در این کتاب به من داد.

• علایم

○ علایم و حوادث هنگام ظهور

← حرف ظ - ظهور

• علم

○ علم حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به آینده

(۱) - کتاب عبقری الحسان / ج ۲ / ص ۶۱ / س ۲۸، قصص العلماء / ص ۳۴۶، منتخب الاثر / ج ۲ / ص ۵۵۴ / باب ۶ / شماره ۷، * عنایات حضرت مهدی موعود به علماء و مراجع تقلید / ص ۵۶، برکات حضرت ولی عصر (عج) / ص ۱۳۱ / داستان ۱۰.

لازم به تذکر است که این داستان در منابع ذکر شده آمده است که به جز منتخب الاثر، بقیه منابع فارسی هستند و صاحب کتاب منتخب الاثر هم تصریح کرده است که خودش آن را به عربی ترجمه کرده است. به هر حال آن متن عربی که به خط خود علامه در حاشیه کتاب تهذیبی که در اختیارش بوده است و یادداشت کرده است، موجود نیست و یسا لا اقل ما نیاقتیم.

الف - محمد بن صالح گوید: ابو جعفر به من گفت: کودکی داشتم که به تازگی متولد شده بود و به همین جهت، نامه‌ای به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشتم و اجازه خواستم که روز هفتم یا هشتم آن کودک را ختنه کنم. اما حضرت جوابی برایم ارسال نکرد و اتفاقاً در روز هشتم، آن کودک از دنیا رفت.

سپس طی نامه‌ای خبر فوت کودک را برای آن حضرت نوشتم، که در جواب آن، نامه‌ای از طرف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسید که در آن نوشته شده بود:

• حدیث ۱۱۱

سَيُخَلَّفُ عَلَيْكَ غَيْرُهُ وَ غَيْرُهُ فَسَمِّهِ اِحْمَدَ وَ مِنْ بَعْدِ اَحْمَدَ جَعْفَرًا. (۱)

(خداوند به زودی به جای آن بچه، دو فرزند دیگر به تو می‌دهد. نام یکی را احمد و آن بعدی را جعفر قرار بده.)

اتفاقاً همان گونه شد که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده بودند.

ب - با زنی ازدواج موقت کردم، اما ناخواسته، حامله شد و دختری به دنیا آورد و من اندوهگین و دل‌تنگ شدم که چگونه جریان را مخفی کنم؟. و از این بابت نامه‌ای به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشتم و از وضعیت خود گله کردم.

نامه‌ای به من رسید که حضرت در آن نوشته بودند:

• حدیث ۱۱۲

ستکافاها. (به زودی از این مشکل رهایی می‌یابی.)

اتفاقاً آن دختر چهار سال بیشتر زنده نماند و از دنیا رفت. پس از آن، نامه‌ای از طرف حضرت رسید که در آن آمده بود:

• حدیث ۱۱۳

(۱) - * کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۸۹ / ح ۱۲، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۲۸ / ح ۵۱.

إِنَّ اللَّهَ ذُو أَنَاةٍ وَأَنْتُمْ تَسْتَعْجِلُونَ. (۱)

(خداوند حوصله دارد، ولی شما عجله می‌کنید.)

○ علم حضرت به زبان‌های مختلف

علم و دانش امام معصوم علیه السلام تنها به بیان احکام شرعی و یا نکات علمی دقیق نیست، بلکه امام معصوم علیه السلام به زبان‌های متداول بین مردم نیز آشناست. مرحوم صدوق رحمته الله در فصل نامه‌های رسیده از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جریان به حضور رسیدن زنی اهل ساوه و ملاقاتش با حسین بن روح را نقل می‌کند.

○ محمد بن علی بن متیل می‌گوید: زنی به نام زینب، اهل آوه «نزدیک ساوه» همسر محمد بن عبدیل آبی، سیصد دینار به حضور عمویم جعفر بن محمد بن متیل آورد و گفت: می‌خواهم این مال را با دست خودم به دست ابوالقاسم بن روح برسانم.

عمویم پذیرفت و من را به عنوان مترجم «از فارسی به عربی و از عربی به فارسی» همراهش فرستاد. وقتی خدمت ابوالقاسم حسین بن روح «نماینده خاص حضرت» رسید، شروع کرد با زبان فارسی محلی «ساوه‌ای» با آن زن صحبت کردن. و نامه‌ای را از طرف حضرت به زن داد که در بخشی از آن نوشته شده بود:

• حدیث ۱۱۴

زینب! چونا، خویندا، کوا بنذا، چون استه. (۲)

که یک لهجه فارسی آوجی است و به فارسی روان می‌شود:

(زینب! چطوری؟ خوشی؟ کجا بودی؟ بچه‌هایت چطورند؟.)

با این کار، آن زن از ترجمه من بی‌نیاز شد و اموال را تسلیم کرد و برگشت.

○ خبر دادن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از زمان وفات صیمری

علم امامت امامان معصوم علیهم السلام به اذن خداست و بهره‌اش هم نصیب مردم می‌شود، اما

(۱) - * کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۸۹ / ح ۱۲، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۲۸ / ح ۵۱ / ص ۹.

(۲) - * کمال الدین / ص ۵۰۴ / ح ۳۴، الغیبة / طوسی / ص ۳۲۱ / ح ۲۶۸، مدینه المعاجز / ج ۸ / ص ۲۱۰ / ح ۲۷۹۷ / ص ۱۴۱، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۲۶ / ح ۶۲.

رسیدن به مرتبه‌ای که بتوان از علوم امامان معصوم علیهم‌السلام و آثار آنها بهره برد، کمی مشکل است.

○ علی بن محمد کلینی می‌گوید: ابوالحسین علی بن محمد بن زیاد صیمری طی نامه‌ای، از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) درخواست کرد، از بین پارچه‌هایی که در نزد آن حضرت وجود دارد به قدر یک کفن به او بدهد، تا آن را به عنوان تبرک کفن خود قرار دهد. در جواب نامه، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشته‌ای فرستادند که:

• حدیث ۱۱۵

أَنْتَ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ سَنَةً إِحْدَى وَثَمَانِينَ. ^(۱)

(تو برای سال هشتاد و یک ^(۲) به آن نیاز پیدا می‌کنی.)

راوی می‌گوید: اتفاقاً محمد بن زیاد صیمری در همان وقتی که امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده بود، از دنیا رفت و امام هم یک ماه مانده به مرگ صیمری آن کفن را برایش فرستاد.

○ استفاده از علم امامت برای گرفتن حق

شکی نیست که امام معصوم به هر چیزی از جریان خلقت، حتی امور مربوط به جزئیات زندگی خودش، اگر خواسته باشد اطلاع حاصل کند، مطلع می‌شود، اما به اذن و اجازه خداوند و اگر خداوند بخواهد، قادر است هر گونه اطلاعات را در اختیار امام معصوم علیه‌السلام بگذارد و شیعه بر این اعتقاد است که امام معصوم به اذن خدا، می‌تواند بر هر چیزی آگاهی پیدا کند.

محمد بن هارون همدانی می‌گوید: پانصد درهم از مال امام بر ذمه من بود، از فقر و تهی دستی «به گونه‌ای که حتی پول تهیه یک متر پارچه برای پوشاندن خودم را نداشتم» نتوانستم بدهی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بپردازم.

به خود گفتم: من که چند باب مغازه دارم و آنها را به پانصد و سی دینار خریدم. همان‌ها

(۱) - کمال الدین و تمام النعمة / ص ۵۰۱ / ح ۲۶. * الغيبة / طوسی / ص ۲۹۸ / ح ۲۵۳. الارشاد / مفید / ج ۲ / ص ۳۵۶.

مدینه المعجز / ج ۸ / ص ۹۳. الخرائج والجرائح / ج ۱ / ص ۴۶۴ / س ۱ / ح ۸. بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۱۷ / ح ۳۹.

(۲) - منظور از سال ۸۱، سال ۲۸۱ هجری باشد، زیرا ابوالحسن علی بن محمد بن زیاد صیمری، از اصحاب امام هادی علیه‌السلام، در سال ۲۸۱ هجری وفات کرده است.

را با سی دینار ارزان تر، پانصد دینار حساب می‌کنم که برای ناحیه مقدسه باشد.
 به خدا قسم در این مورد به کسی حرفی نزده بودم و لب به سخن نگشوده بودم که
 حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طی نامه‌ای به محمد بن جعفر نوشت:

• حدیث ۱۱۶

إِقْبِضُ الْخَوَانِيطَ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ بِخَمْسِمِائَةِ دِينَارٍ الَّتِي لَنَا عَلَيْهِ. (۱)
 (آن مغازه‌ها را از محمد بن هارون، بابت پانصد دیناری که بدهکار است، تحویل بگیر.)

○ خبر دادن حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آینده و زمان ظهور

مرحوم علامه مجلسی رحمته از یمامی نقل کرده است که گفت: از پسر خواهر ابوبکر بن نخالی
 عطار که عارف یا صوفی مسلک بود، پرسیدم: هفده سالی که در سفر بودی، چیز عجیبی
 ندیدی که نقل کنی؟ او گفت:

(زمانی که وارد اسکندریه شدم، در کاروان‌سرای اطراق کردم. در آن جا مسجدی بود
 که نماز جماعت در آن برگزار می‌شد. جوانی را می‌دیدم که هر روز دیر می‌آید، پشت
 سر امام جماعت نماز می‌خواند و زود می‌رود و با مردم، هم صحبت نمی‌شود.
 به خاطر هیبتی که داشت از او خواستم اجازه دهد، که من در خدمتش باشم،
 آن جوان فرمود: می‌توانی با من باشی. پس از مدتی که در خدمتش بودم و او با من
 انس گرفت، پرسیدم: تو کیستی؟)

○ آن حضرت فرمود: • حدیث ۱۱۷

أَنَا صَاحِبُ الْحَقِّ. مِنْ صَاحِبِ حَقِّ «صَاحِبِ الزَّمَانِ (عجل الله تعالی فرجه الشریف)». (۲)

عرض کردم: پس چه زمانی ظهور می‌کنی؟ آن حضرت فرمود:

لَيْسَ هَذَا أَوَانِ ظَهْرِي. أَيْنَ رُوزَهَا زَمَانِ ظَهْرِي مِنْ نَيْسْت.

(۱) - اصول الکافی / ج ۱ / ص ۵۲۴، أعلام الوری بأعلام الهدی / ج ۲ / ص ۲۶۶ / س ۱۲، * الخرائج و الجرائح / ج ۱ / ص ۴۷۲ / ح ۱۶، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۲۹۴ / ح ۴.

(۲) - بعید نیست این جریان مربوط به زمان غیبت صغری باشد، چون براساس بعض روایات، در زمان غیبت کبری، کسی نمی‌تواند در عین حال که می‌داند این شخص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، ایشان را ملاقات کند.

راوی می‌گوید: از این پس همچنان در خدمتش بودم و او بر طبق معمول به نماز جماعت حاضر می‌شود، تا این که روزی فرمود:

أحتاج إلى السفر. می‌خواهم به مسافرت بروم.

عرض کردم: «اگر اجازه بفرماید» من هم همراه‌تان بیایم.

ایشان اجازه دادند و من به همراه ایشان به مسافرت رفتیم. در یکی از روزهای سفر از ایشان پرسیدم: مولای من! پس جریان حکومت تو کی آشکار می‌شود؟ و در چه زمانی ظهور خواهی کرد؟ آن حضرت فرمود:

عَلَامَةٌ ظُهُورِ أَمْرِي كَثْرَةُ الْهَرْجِ وَالْمَرْجِ وَالْفِتَنِ وَ آتِي مَكَّةَ، فَأَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، فَيَقَالُ:

انصِبُوا لَنَا إِمَامًا وَ يُكْثِرُ الْكَلَامُ حَتَّى يَقُومَ رَجُلٌ مِنَ النَّاسِ فَيَنْظُرُ فِي وَجْهِي،

ثُمَّ يَقُولُ: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَذَا الْمَهْدِيُّ أَنْظِرُوا إِلَيْهِ، فَيَأْخُذُونَ بِيَدِي وَ يَنْصِبُونِي بَيْنَ الرُّكْنِ وَ

الْمَقَامِ فَيُبَايِعُ النَّاسُ عِنْدَ إِيَّاسِهِمْ عَنِّي. (۱)

(نشانه ظهور من آن است که، هرج و مرج و آشوب و بی‌نظمی و فتنه و فساد زیاد می‌شود. در آن زمان من به مکه می‌آیم و وارد مسجد الحرام می‌شوم، در حالی که مردم از بزرگان خود و از عاقلان قوم خود می‌خواهند و می‌گویند حال که هرچه منتظر ماندیم، امام زمان ظهور نکرد، پس امامی را انتخاب کنند، «و از هر طرف فریادی بلند است، رهبر و امامی انتخاب کنید.»

و مشاجره بالا می‌گیرد. در این زمان شخصی از جا بر می‌خیزد و نگاهش به چهره من می‌افتد و فریاد می‌زند: ای مردم به این شخص نگاه کنید، این مهدی است! و همه می‌آیند و دستم را می‌گیرند و من را بین رکن و مقام قرار می‌دهند و مردم پس از آن همه سرگردانی و یأس و ناامیدی با من بیعت می‌کنند.)

○ پیشگویی‌های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از طریق علم غیب

در مورد علایم و نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نکته‌ای مهم باید

(۱) - الغيبة / طوسی / ص ۳۰۲، * بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۲۰ / ذح ۴۱، معجم احادیث الامام المهدي (عج) / ج ۴ / ص ۴۲۶ / س ۵ / ح ۱۳۹۶، مجموعة الرسائل / ج ۲ / ص ۲۰۶.

مورد توجه جدی قرار گیرد، و آن این است که در موقع پیدایش علایم و نشانه‌ها، این گونه نیست که ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرا رسیده باشد، و بعد بگوییم پس چرا قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیامد؟.

بلکه با پیدا شدن آن نشانه‌ها، انتظار شدت می‌گیرد و زمان ظهور نزدیک می‌شود و در نتیجه، باید هیجان انتظار بیشتر شود و خانه تکانی نفس و خانواده و جامعه دقیق‌تر انجام شود.

و این علایم و نشانه‌ها را گاهی پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام بیان کرده‌اند و گاهی خود حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به تناسب به بیان علایم و نشانه‌ها پرداخته‌اند.

در این مورد علی بن مهزیار^(۱) می‌گوید: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) «که جان ما فدایش باد» فرمود:

• حدیث ۱۱۸

يَا ابْنَ مَهْزِيَارٍ! كَيْفَ خَلَقْتَ إِخْوَانِكَ فِي الْعِرَاقِ؟. قُلْتُ: فِي ضَنْكِ عَيْشٍ وَ هَنَاءٍ، قَدْ تَوَاتَرَتْ عَلَيْهِمْ سُيُوفُ بَنِي الشَّيْبَانِ، فَقَالَ: «فَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنْيُّ يُؤْفَكُونَ»،^(۲) كَأَنِّي بِالْقَوْمِ قَدْ قُتِلُوا فِي دِيَارِهِمْ... (۳) (۴)

(ای پسر مهزیار! دوستانت در عراق در چه حالی هستند؟. گفتم: در تنگنای زندگی و فقدان آسایش گرفتارند. و گروه بنی شیبان بر آنها مسلط هستند.

آن حضرت فرمود: «خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می‌یابند». ^(۵) گویا می‌بینم که عذاب الهی شب و روز آنها را فراگرفته و در همان شهر خود کشتار می‌شوند. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! چه زمانی چنین اتفاقی می‌افتد؟.

(۱) - منظور ابوالحسن علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی است. قابل ذکر است که تحقیقی در مورد آل مهزیار در

حرف الف - امام - اهمیت امام‌شناسی در پاورقی آمده است. (۲) - قرآن کریم / سوره توبه / آیه ۳۰.

(۳) - متن این روایت طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع این روایت مراجعه کنند.

(۴) - * کمال الدین / ص ۴۶۹ / ذح ۲۳ / س ۱، بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۴۵ / ح ۳۲، معجم احادیث الامام المهدی (عج) /

ج ۵ / ص ۴۳۲ / ح ۱۸۶۸. (۵) - قرآن کریم / سوره توبه / آیه ۳۰.

آن حضرت فرمود: زمانی است که در شهرهای بین راه عراق و مکه، گروهی مسلط می‌شوند و مانع از ورود شما برای زیارت کعبه می‌گردند که هیچ وجهه دینی ندارند و خداوند و پیامبر او از آنان بیزارند.

و یک سُرخِ خاصی در سه ناحیه از آسمان پیدا می‌شود، که در هر یک از آنها، ستونی از نور همانند ستون نقره‌ای وجود دارد که می‌درخشد و از منطقه ارمنستان و آذربایجان «سروسی» برای تسخیر سرزمین‌های پشت منطقه ری «تهران»، یعنی کوه سرسبزی که چسبیده به کوه سرخ و کوه طالقان است، خروج می‌کند.

و آن جنگ صیلمانی «جنگ شدید و سخت» بین او و بین مروزی «مروی» واقع می‌شود و آن جنگی خواهد بود که کودکان را پیر و پیران را فرتوت می‌کند و در بین آنان کشتار به راه می‌افتد.

در آن زمان در انتظار هجوم «سیروس» به بغداد باشید، او در آن منطقه به پیش می‌رود، تا به منطقه باهات^(۱) می‌رسد و سپس به منطقه واسط می‌رود و در آنجا حدود یک سال یا کمتر می‌ماند.

پس از آن به طرف کوفه می‌رود و از شهر نجف تا حیره و کلاً در منطقه نجف، چنان جنگی رُخ می‌دهد که وصف آن در عقل نمی‌گنجد و صحنه آن جنگ، جهنمی از هلاکت برای دو گروه خواهد بود و نابود ساختن و درو کردن باقی مانده آن دو گروه هم با خداست «که آنان را نابود می‌کند».

سپس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این آیه از قرآن را تلاوت کرد؛

به نام خداوند بخشنده مهربان

(«ناگهان» فرمان ما شب هنگام یا در روز، «برای نابودی آنان» فرا می‌رسد، «سرما یا صاعقه‌ای بر آنان مسلط می‌سازیم» و چنان آنها را درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز چنین کشتزاری نبوده است.)^(۲) پرسیدم: مولای من! ای پسر پیامبر خدا! این که قرآن می‌فرماید: امر ما آمد، این امر به چه معنا است؟

آن حضرت فرمود: امر خدا و لشگریان او، ما هستیم. پرسیدم: ای مولای من! ای پسر پیامبر خدا! آیا وقت ظهور رسیده است؟

(۱) - در برخی نقل‌ها ماهان آمده است که به نهاوند تعبیر شد. (۲) - قرآن کریم / سوره یونس / آیه ۲۴.

آن حضرت این آیه از قرآن را قرائت فرمود: «قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت.»^(۱)

○ **علم غیب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

با اسنادی که مرحوم صدوق رحمته آورده است از سعد بن عبدالله نقل شد که گفت: من برای این که بیشتر به مسایل مهم و دقیق علوم آشنا شوم، به دنبال کتاب‌های بسیار می‌گشتم و بخش مشکل آن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دادم و این کار را به این خاطر انجام می‌دادم، که بتوانم در برابر اهل سنت به راحتی از شیعه دفاع کنم و نام من هم در بین اهل سنت سر زبان‌ها افتاده بود. تا این که روزی گرفتار مناظره با گروهی زبردست از ناصبی‌ها شدم، که با زیرکی و جدل صحنه را بر من تنگ کردند و من هم نسبت به آن ایرادهای از پیش تنظیم شده، پاسخ روشنی نداشتم، امّا به نحوی از پس آن‌ها برآمدم.

ولی نگران بودم و از طرفی حدود چهل مسأله مشکل را جمع آوری کرده بودم که جواب آن‌ها را نمی‌دانستم. به همین دلیل تصمیم گرفتم به حضور احمد بن اسحاق بروم و مشکلم را حل کنم.

وقتی به دنبالش رفتم، گفتند: جهت دیدار با امام حسن عسگری رحمته به عراق عزیمت کرده است. من هم از فرصت استفاده کردم و در بین راه خودم را به او رساندم، تا در شرفیابی خدمت آن حضرت، مشکلاتم را حل کنم و احیاناً به حضور امام حسن عسگری رحمته هم برسم. اتفاقاً احمد بن اسحاق من را امیدوار کرد که امام من را می‌پذیرد و نیز وجوهاتی را به همراه داشت که می‌خواست به امام حسن عسگری رحمته تحویل دهد. پس از ورود به سامرا، به همراه احمد بن اسحاق به حضور امام حسن عسگری رحمته رسیدیم، سلام کردیم.

آن حضرت با خوش رویی جواب داد و با اشاره اجازه نشستن داد. نشستیم و احمد بن اسحاق از زیر عبایش کیسه‌ای بیرون آورد و در حضور امام عسگری رحمته قرار داد. آن حضرت خطاب به کودک خود که در کنارش بود، فرمود:

«پسر جان! مهر هدیه‌های شیعیان و دوستانت را بازکن.»

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب پدر گفت:

(۱) - قرآن کریم / سوره قمر / آیه ۱.

• حدیث ۱۱۹

یا مولای! ایجوزُ لی أن اُمَدَّ یداً طاهرةً إلی هدایا نجسٍ و أموالٍ رجسٍ قد شیبَ أخلُّها بأخرُمِها؟! فقال مولانا علیه السلام: یا بنِ إسحاق، استخرج ما فی الجرابِ لیمیز بین الأخلِّ منها والأخرُمِ. فأوَّلُ صُرَّةٍ بدأ أحمد بإخراجها... (۱) (۲)

(ای مولای من! آیا سزااست که من دست‌های پاکم را به سوی هدیه‌هایی که نجس هستند و اموالی که پلیدی دارند، دراز کنم؟ در حالی که حلال آن اموال، با حرامش مخلوط شده است؟)

امام حسن عسگری علیه السلام فرمود: ای ابن اسحاق! اموال داخل کیسه را بیرون بیاور تا فرزندم حلال و حرام آن‌ها را از هم جدا کند.

در این جا بود که وقتی احمد بن اسحاق اولین بسته را از داخل کیسه بیرون آورد، حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «این بسته از فلانی پسر فلانی، از فلان محله قم است و در آن شصت و دو دینار موجود است که چهل و پنج دینار از آن را با فروش مغازه‌ای که از پدرش به ارث رسیده بود، به دست آورد و چهار دینار آن پول، از فروش نه قطعه پارچه پیراهنی است و سه دینار آن اجاره مغازه‌های اوست» که جمعاً شصت و دو دینار می‌شود.

امام حسن عسگری علیه السلام فرمود: پسر جان! راست گفتی، آن مرد «احمد بن اسحاق» بر مال حرام از آن اموال راهنمایی شد.

سپس حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خطاب به احمد بن اسحاق فرمودند: «آن دیناری که سکه رازی بر آن زده شد و تاریخش مال فلان سال است، و نصف نقش یک روی آن سکه پاک شده است، را پیدا کن «ویرون بیاور» و آن قطعات ریز طلای تمام عیار و پول اندکی که جمعاً وزن آن یک چهارم دینار است، را بیرون بیاور.

(۱) - متن این روایت طولانی می‌باشد و به دلیل حفظ اختصار حذف گردید. علاقمندان می‌توانند به منابع پاورقی روایت مراجعه فرمایند.

(۲) - کمال الدین / ص ۴۵۸ / س ۱ / ذح ۲۰، * دلائل الامامة / ص ۵۱۰ و ۵۱۱ / س ۴، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۲۵ / س ۱۰، الثاقب فی المناقب / ص ۵۸۶ / ح ۵۳۴ / س ۷، مدینة المعاجز / ج ۸ / ص ۴۷ / س ۵ / ح ۲۰ / ص ۵۳ / س ۵ / ح ۲۱ / ص ۲۶۷۷، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۸۱.

و علّت حرام بودن این سگه‌های رازی و قراضه‌ها این است که، صاحب آن‌ها در فلان سال و فلان ماه، مقدار یک مَن و یک چهارم مَن از پشم رشته شده را وزن کرد و به همسایه‌اش که بافنده بود، تحویل داد، تا چیزی را بیافد.

ولی پس از مدّتی آن بافنده مدّعی شد که آن رشته‌ها را دزد برده است، ولی صاحب این مال، حرف‌های آن بافنده را قبول نکرد. و به جای رشته نخ‌هایی که تحویل بافنده داده بود، مقدار یک مَن و نیم نخ رشته شده مرغوب‌تر از بافنده غرامت گرفت «وده سیر اضافه هم دریافت کرد.»

و با این نخ‌هایی که به عنوان غرامت دریافت کرده بود، پارچه‌ای پیراهنی تهیّه نمود و آن را فروخت. اکنون این دینار رازی و آن قراضه‌ها «قطعات کوچک طلا» بهای آن پیراهن است که فروخته بود. (

وقتی احمد بن اسحاق آن بسته را باز کرد، در وسط دینارها یک نوشته‌ای بود، به نام همان شخصی که حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اسمش را معرفی کرده بود و دینار و نیز قراضه‌ها به همان مقدار و با همان نشانه‌هایی بود که حضرت بیان فرموده بودند. سپس احمد بن اسحاق بسته دیگری بیرون آورد و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

(این مال فلانی پسر فلانی از فلان محله قم است که پنجاه دینار در آن موجود است، اما بر ما حلال نیست که به آن دست بزنیم.)

احمد بن اسحاق پرسید: چرا آن را نمی‌پذیرید؟ حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

(چون این پنجاه دینار، پول یک گندمی است که این شخص در موقع تقسیم، به او ستم کرده است. به این گونه که در موقع وزن کردن برای خودش، پیمانانه را پُر می‌کرد. ولی در موقع وزن کردن سهم زارع، پیمانانه را سر خالی محاسبه می‌کرد.)

در این جا امام حسن عسگری علیه السلام خطاب به فرزندش فرمود: (پسر جان! راست گفتی.) سپس حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

(ای احمد بن اسحاق! همه این‌ها را بردار و ببر که یا به صاحبانش برسانی و یا وصیّت

کنی که به صاحبانش برسانند،^(۱) ما به هیچ یک از این اموال «حرام» نیاز نداریم. برو پارچه پیراهنی که آن پیر زن به تو داده بود، را بیاور. (احمد بن اسحاق گفت: «امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) راست فرمود» چون من آن پیراهن را در کیف شخصی خود قرار داده بودم و در موقع شرفیابی، فراموش کردم آن را به حضور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیاورم. و پس از آن رفت و پیراهن را آورد.

○ استفاده از علم غیب در قضاوت‌ها

یکی از الطافی که خداوند به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کرده‌اند، این است که، در زمان حکومت و قضاوت می‌توانند از علم غیب استفاده کنند، در حالی که این امر برای دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام نبوده است، و ایشان از دلایل و شواهد ظاهری استفاده می‌کردند. به همین جهت بسیاری از مشکلات و گره‌های امور قضایی، با نگاه کردن حضرت به مجرم حل می‌شود و نیازی به اطالۀ دادرسی نیست.

○ از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که در مورد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: او وقتی بیاید «از باطن افراد آگاهی دارد» به گونه‌ای که با آگاهی از باطن پلید شخص، به نیروهایش دستور می‌دهد:

• هَدِيث ۱۲۰

أَدِيرُوهُ. او را جلوی من بیاورید.

سربازان آن شخص را جلوی امام حاضر می‌کنند و امام دستور می‌دهد؛ گردنش را بزنند. به همین دلیل است که در شرق و غرب عالم، همگان از آن حضرت می‌ترسند «چون می‌دانند که از باطن افراد آگاه است.»^(۲)

(۱) - براساس برخی نقل‌ها احمد بن اسحاق در بازگشت از همان سفر، در بین راه «در حُلوان، نزدیکی بغداد» از دنیا رفت. شاید به همین خاطر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاره فرموده بودند که؛ وصیت کنی آن اموال را به صاحبانش برسانند.

(۲) - * الغيبة / للنعمانی / ص ۱۵۹ / س ۱، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۳۵۵ / ح ۱۱۷، معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۴۱ / ح ۱۱۱۰، مکیال المکارم / ج ۱ / ص ۱۱۲ / س ۴ و عربی ج ۱ / ص ۸۱.

• علماء

○ نقش و جایگاه علماء

محمد بن یعقوب کلینی می گوید؛ اسحاق بن یعقوب گفته است؛ مجموعه‌ای از پرسش‌ها را در نامه‌ای نوشتم و محمد بن عثمان عَمَری آن را به حضرت صاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رساند و جواب دریافت کرد.

در جواب، نامه‌ای به خط حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسید، که در آن نوشته شده بود؛

• هَدِيث ۱۲۱

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعةُ، فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ. (۱)
 (اما در مورد وظیفه خویش در رویدادهای جدید « در غیبت کبری » که حکم آن را نمی‌دانید و تا کنون از ما نشنیدید، به کسانی که راوی حدیث ما هستند و علمای دین محسوب می‌شوند، مراجعه کنید، زیرا آنان حجّت من بر شما هستند و من نیز حجّت خدایم.)

• علی علیه السلام

○ آثار دوستی با حضرت علی علیه السلام

علم امامت، هدیه‌ای است الهی که خداوند به امامان معصوم علیهم السلام عنایت فرموده است و کمترین فایده آن، این است که امام معصوم از پاسخ‌گویی به پرسش‌های گوناگون، هرگز درمانده نمی‌شود و برای پاسخ‌گویی کامل و فوری به هر پرسشی آمادگی دارد و دیگر فایده آن این است که، اگر شیعه و دوست‌دار امامان علیهم السلام، در امور زندگی‌اش، در پیروی و دوست داشتن امامان معصوم علیهم السلام دچار مشکل شود، امام معصوم با اطلاع غیبی که به اراده خداوند دارد، مشکل او را حل می‌کند.

○ محمد بن احمد انصاری می گوید: گروهی از مَفَوِّضَه (۲) و مقصّرَه (۳) کامل بن ابراهیم را،

(۱) - کمال الدین / ص ۴۸۴ / س ۹ / ح ۴، الغیبة / طوسی / ص ۲۹۱ / ذح ۲۴۷ / س ۴، * الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۴۳ / ذح

۳۴۴، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۱ / ذح ۱۰ / س ۳ و ج ۲ / ص ۹۰ / ح ۱۳ و ج ۷۵ / ص ۳۸۰ / ح ۱.

(۲) - تفویض به معنای واگذاری است. گروهی معتقدند که خداوند تمام امور خویش را به مخلوقات و یا حتی امامان

به نمایندگی از طرف خود به حضور امام حسن عسگری علیه السلام فرستادند. کامل بن ابراهیم گفت: (پیش خود گفتم: وقتی به حضور امام حسن عسگری علیه السلام برسم، علاوه بر پرسش‌های مفوضه و مقصره، یک پرسش دیگر هم از آن حضرت می‌پرسم، که آیا به جز کسانی که معرفت به حقّ علی بن ابی طالب علیه السلام، داشته باشند، افراد دیگری هم وارد بهشت می‌شوند؟.)

به حضرت سلام کردم و مقابل دربی نشستم که پرده‌ای بر آن آویزان بود. در این حال بادی وزید و گوشه پرده بالا رفت، ناگهان نوجوانی را که همچون پاره‌ای از ماه بود و به نظر من، حدود چهار ساله بود دیدم.

آن جوان خطاب به من فرمود: • **هَدِيث ۱۲۲**

يَا كَامِلُ بْنِ اِبْرَاهِيمَ! « فَاَشْعُرْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ اَلْهَمْتُ اَنْ قُلْتُ: لَيْتَكَ يَا سَيِّدِي! »

فَقَالَ: جِئْتُ اِلَى وَلِيِّ اللهِ وَ حُجَّتِيهِ وَ بَابِهِ تَسْأَلُهُ هَلْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلَّا مَنْ عَرَفَ مَعْرِفَتَكَ وَ قَالَ بِمَقَالَتِكَ؟ ... (۴) (۵)

(ای کامل ابن ابراهیم! « در این هنگام من به خود لرزیدم و رنگم سرخ شد. اما گویا که به من الهام شد که فوری گفتم: لیتک «بله» ای مولای من!.

آن حضرت فرمود: به حضور ولیّ خدا و حجت خدا آمدی که از او بپرسی: آیا به غیر از کسانی که هم عقیده تو هستند و مانند تو در دین سخن می‌گویند، «به مولایت علی علیه السلام معتقد هستند»، شخص دیگری هم به بهشت می‌رود یا خیر؟ گفتم: به خدا قسم آری! آن حضرت فرمود: به خدا قسم همان‌هایی که مثل تو اعتقاد داشته باشند، به بهشت

→ معصوم علیه السلام واگذار کرده است. این واگذاری اگر در تکوین باشد که بگوییم بندگان را امامان معصوم علیهم السلام خلق کرده‌اند، به کلی باطل است. و اگر در تشریح باشد، به این گونه که خداوند اصل آوردن احکام اسلام را به پیامبر واگذار کرده است، این هم باطل است.

(۳) - گویا همان گروه توّابین باشند که بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، از این که در روز عاشورا به یاری او نرفتند، پشیمان شدند و خود را مقصر می‌نامیدند، به همین دلیل به مقصره معروف شدند و به آنان توّابین هم می‌گویند.

(۴) - متن این روایت طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع این روایت مراجعه کنند.

(۵) - * الغیبة / طوسی / ص ۲۴۷ / س ۹ / ح ۲۱۶، مدینه المعاجز / ج ۸ / ص ۴۱ / س ۱، کشف الغمّة / ج ۳ / ص ۴۰۷ / س ۱۰، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۵۰ / ح ۳۵ و ج ۲۵ / ص ۳۳۶.

می‌روند. به خدا قَسَمِ قومی وارد بهشت می‌شوند، که معروف به گروه حَقِیَّه هستند. «و غیر از آن‌ها هیچ گروهی به بهشت نمی‌روند» گفتیم: ای مولای من! آن‌ها چه کسانی هستند؟

آن حضرت فرمود: گروهی هستند که همهٔ محبَّت آن‌ها به حضرت علی علیه السلام است، به مقام و منزلت او قَسَم می‌خورند. امَّا حَقُّ او و مقام و منزلت او را نمی‌شناسند.

سپس ساکت شد و چیزی نفرمود. تا این که لحظاتی گذشت که خطاب به من فرمود: آمدی که در مورد مفوضه بپرسی. آن‌ها دروغ گفتند «که ما همهٔ اختیارات را از خداوند گرفتیم و خدا، همهٔ امور را به ما واگذار کرده است.» ما هرگز دست خدا را نبستیم، که خود هر کاری خواستیم انجام دهیم، بلکه دل‌های ما ظرفِ اراده و خواست خداست.

هر زمان که او چیزی را بخواهد، ما همان را اراده می‌کنیم و خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و شما چیزی را نمی‌خواهید، مگر این که خدا بخواهد» ^(۱).

پس از آن، پرده به حالت اوّل که آویزان بود برگشت و دیگر نتوانستم پرده را کنار بزنم و با آن جوان به صحبت ادامه دهم. در این هنگام امام حسن عسگری علیه السلام در حالی که لبخند بر لب داشت، خطاب به من فرمود:

(ای کامل! چرا نشسته‌ای؟ امام بعد از من، از کار و حاجتت خبر داد و جوابت را گرفتی، پس چرا هنوز نشسته‌ای؟)

برخاستم و از منزل خارج شدم و دیگر آن جوان را ندیدم.

• عُمَرُ

○ عَلَّتْ اسْلَامَ آوَرْدَن عُمَرَ ← حرف الف - عَلَّتْ اسْلَامَ آوَرْدَن ابوبکر.

• عنایت

○ عنایت و رسیدگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیعیان

رسیدن به مقامات معنوی و منزلت‌های عرفانی، تداوم پرهیزکاری و اطاعت را می‌طلبد، البته هر کس در دراز مدّت پرهیزکاری پیشه کند، به مقامات عالی می‌رسد. حتی برای رسیدن

(۱) - سورهٔ انسان / آیه ۳۰ و سورهٔ تکویر / آیه ۲۹.

به ملاقات حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) نیز، باید استقامت به خرج داد و تقوا پیشه کرد.

هر چند حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) همیشه ناظر اعمال شیعیان و همراه آنان است، اما تداوم ابراز ارادت به ولی عصر (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، باعث توجه ویژه آن حضرت می‌گردد.

○ ابو محمد حسن بن وجناء نصیبی گوید؛ در چهارمین روز، از پنجاه و چهارمین سفرم به حج، در ساعات اولیّه شب بود که زیر ناودان طلا در مسجد الحرام، به سجده رفته بودم و مشغول دعا و تضرّع و زاری بودم. در این هنگام شخصی مرا تکان داد و گفت: ای حسن بن وجناء برخیز!

برخاستم، اما در برابرم کنیزی را مشاهده کردم که رنگی زرد و جسمی لاغر داشت. او به راه افتاد و من هم همراهش به راه افتادم و چیزی نپرسیدم، تا این که من را به درب خانه حضرت خدیجه علیها السلام رساند و در آن خانه، حجره‌ای بود که بالاتر از سطح زمین و در وسط دیوار آن، دری داشت «شبه پنجره‌های امروزی». آن کنیز از نردبان بالا رفت «و وارد حجره شد»، و از داخل حجره صدایی بلند شد، و فرمود:

• حدیث ۱۲۳

اضعد یا حسن! (ای حسن بیا!)

من از نردبان بالا رفتم و دم درب حجره ایستادم.

در این حال حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود:

یا حسن! أترک خفیة علی! والله ما من وقت فی حجک إلا وأنا معک فیہ.

(ای حسن! خیال می‌کنی از ما پنهان هستی «و ما با تو نیستیم؟»، به خدا قسم هیچ زمانی از

سال‌های حجّ به مکه نیامدی، مگر این که من با تو همراه بودم.)

سپس تمام کارهایی را که در جاهای گوناگون انجام داده بودم، شمرد. در آن حال من از خود بی خود شده و به رو بر زمین افتادم. کمی بعد، دستی را بر بدنم احساس کردم و برخاستم.

در آن هنگام حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) خطاب به من فرمود:

یا حسن! ألزم بالمدينة دار جعفر بن محمد علیه السلام، ولا یهمنک طعامک ولا شرابک ولا ما تستر به

عَوْرَتِكَ.

(برو در خانه جعفر بن محمد، امام صادق علیه السلام در مدینه باش و در آنجا سکونت کن و هرگز به فکر آب و نان و لباس نباش.)

سپس نوشته‌ای را به من داد که در آن دعای فرج و صلوات بر حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن نوشته شده بود ^(۱)، و فرمود:

بِهَذَا قَادِعٌ وَ هَكَذَا صَلَّى عَلَيَّ، وَلَا تُعْطِهِ إِلَّا مُحِقِّي أَوْلِيَائِي، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُوَفِّقُكَ.

(این گونه که در آن نوشته است، دعا بخوان و بر من درود بفرست و آن نوشته را به هیچ کس، جز آن گروه از دوستان که به راستی دوستی با من را انتخاب کرده‌اند، نشان نده، مطمئن باش خداوند تو را موفق می‌کند و به مقصودت می‌رساند.)

من عرض کردم: ای سرور من! آیا بعد از این نمی‌توانم شما را زیارت کنم؟
آن حضرت فرمود:

يا حسن! اذا شاء الله تعالى. ^(۲) (ای حسن! اگر خدا بخواهد، می‌شود.)

پس از آن که از حج برگشتم و در مدینه، در خانه امام صادق علیه السلام ماندم و به دنبال کارم می‌رفتم و فقط روزی سه مرتبه به خانه برمی‌گشتم، یکی برای وضو گرفتن و دوم برای خواب و سوم برای افطار.

زمانی هم که برای افطار وارد خانه می‌شدم، می‌دیدم کوزه‌ای پُر از آب در آن جا است و قرص نانی هم روی آن قرار دارد و روی قرص نان، غذای مورد علاقه روزم، قرار داده شده است. وقتی می‌خوردم برایم کافی بود و سیر می‌شدم.

و در تابستان، لباس تابستانی و در زمستان برایم لباس زمستانی حاضر بود و من هر روز با آب کوزه، خانه را آب پاشی می‌کردم و کوزه خالی را سرجایش می‌گذاشتم، اما برگشتن می‌دیدم کوزه پُر از آب است.

من هم غذایی تهیه می‌کردم و آن را مخفی می‌کردم و شب صدقه می‌دادم، تا دوستانم از

(۱) - متن دعای فرج و صلوات بر صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این روایت نیامده است.

(۲) - کمال الدین / ص ۴۴۴ / ذح ۱۷ / س ۲، الثاقب فی المناقب / ابن حمزه / ص ۶۱۲ / س ۱۳ / ح ۶/۵۵۸، خرائج / راوندی / ج ۲ / ص ۹۶۱ / س ۱۳، مدینه المعجز / ج ۸ / ص ۱۹۰ و ۱۹۱ / ح ۲۷۸۶ / ۱۳۰، * بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۲۲ / ح ۲۷ / س ۶.

رازم آگاه نشوند.

• عیسی علیه السلام

○ نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام به امامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

← حرف ن - نماز جماعت در بیت المقدس

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف غ

- غذا
- غصب
- غلو
- غیبت

• غذا

سفر آدابی دارد و مسافر موظف است برخی از محرومیّت‌ها و موانع را تحمّل کند، چنان چه از نظر شرعی نیز، ملاحظاتی برای مسافر شده است.

از جمله مواردی که هم ارفاق برای مسافر در نظر گرفته شد و هم محدودیّتی برایش وضع کردند، مسأله خوردن و استفاده از موادّ غذایی است، چون مسافر است، می‌تواند حتی از میوه درخت دیگران که شاخه‌اش سر از باغ بیرون آورده است، در حدّ نیاز ابتدایی بخورد. و هم محدود شده است که ذره‌ای حق همراه بردن از آن میوه‌ها را ندارد.

مرحوم صدوق رحمته الله از محمد بن جعفر اسدی نقل کرده است: از طریق محمد بن عثمان عمّری، سوالاتی از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدم، که پاسخ‌هایش رسید. یکی از آن پاسخ‌ها این بود:

• حدیث ۱۲۴

وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الثَّمَارِ مِنْ أَمْوَالِنَا يَمُرُّ بِهَا الْمَاءُ فَيَتَنَاوَلُ مِنْهُ وَيَأْكُلُهُ هَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ لَهُ؟
فَأِنَّهُ يَحِلُّ لَهُ أَكْلُهُ وَيَحْرَمُ عَلَيْهِ حَمْلُهُ. ^(۱)

(۱) - * کمال الدین / ص ۵۲۱ / س ۱۹ / ذح ۴۹، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۶۰ / ذح ۳۵۲، وسائل الشیعه / ج ۱۸ / ص ۲۲۹ / ح ۹ / ۲۳۵۶۰، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۳ / ح ۱۱ و ج ۱۰۰ / ص ۷۵ / ح ۱، معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۲۹۷ / ح ۱۳۱۹.

(اما آن نکته‌ای که در مورد میوه درختانی که از اموال ما است، پرسیدی و گفتی؛ برخی افراد در حال سفر از کنارش عبور می‌کنند و در آن حال از میوه‌هایش استفاده می‌کنند، حکمش چیست؟)

پس بدان خوردن در سر راه، از آن میوه‌ها جایز است. ^(۱) اما کسی حق ندارد چیزی به همراه خود ببرد.)

• غصب

○ تأثیرات مخرب غصب کردن

یکی از اموری که از نظر امامان معصوم علیهم‌السلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است، تصرفات مالی است. غصب اموال دیگران به شدت مذمت شده است. مخصوصاً کسی که بخواهد بدون اجازه و خودسرانه، در مال خدا تصرف کند و اموال امام را بدون اجازه مصرف کند، به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است.

○ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پاسخ محمد بن جعفر اسدی، طی نامه‌ای نوشتند:

• حدیث ۱۲۵

وَمَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئًا، فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا وَ سَيَصْلِي سَعِيرًا. ^(۲)

(هر کسی اموال ما را بخورد «غصب کند»، البته مثل این است که آتش در شکم خویش می‌ریزد و در شعله‌های سوزان آتش می‌سوزد.)

(۱) - قابل توجه این که «حق الماره» و این که مسافر در سر راه می‌تواند از میوه‌های درختان باغ دیگران که از دیوار باغ بیرون است، بخورد، «با توجه به معنای حق الماره، که مربوط به در حال گذشتن از آن مسیر است، شرط‌هایی هم دارد که در فقه برای آن مطرح شده است و یکی از آنها این است که به قصد چیدن میوه هم به آن مسیر نرفته باشد»، بنابراین منظور این نیست که مسافر در کنار دیوار اطراق کند و از میوه‌ها بخورد، بلکه منظور این است که در حال رفتن دستی برساند و میوه‌ای بچیند.

(۲) - * کمال الدین و تمام النعمه / ص ۵۲۱ / س ۱۳ / ذح ۴۹ / س ۱۴، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۵۹ / س آخر / ذح ۳۵۱، وسائل الشیعة / ج ۹ / ص ۵۴۱ / ح ۷، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۳ / ح ۱۱ / س ۸ و ج ۱۰۰ / ص ۱۸۲ / ح ۶، المختار / ج ۳ / ص ۹۶، صحیفه المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۳۳۶.

• غلو

○ نهی از غلو در مورد ائمه اطهار علیهم السلام

علاقه و محبت، باید همراه با معرفت باشد و معرفت و شناخت، اولین شرط دوستی است و الاگاهی دوستی بدون معرفت، باعث نشناختن ارزش دوست شده و چنان می شود که انسان، ارزش دوست را پایین می آورد و احترام لازم را نسبت به دوست خویش ابراز نمی کند. و گاهی باعث زیاده روی در مورد دوست می گردد و باعث می شود آن چه را که در دوست وجود ندارد، به او نسبت دهد.

این کار از هر دو جهت، باعث گناهان بسیاری خواهد شد. مخصوصاً اگر دوستی که می خواهیم با او ارتباط دوستی برقرار کنیم، مولا و رهبر جامعه باشد، در اسلام در مورد چنین شخصی، به شدت از اقدام بدون معرفت منع شده ایم.

○ از جمله فرمایشاتی که از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ردّ غلو کسانی که در اظهار محبت به اهل بیت علیهم السلام و پیامبران الهی زیاده روی می کنند، وارد شده است، دست نوشته شریفی است که در جواب نامه محمد بن علی بن هلال کرخی مرقوم فرموده اند. در نامه آن حضرت آمده است:

• حدیث ۱۲۶

يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ! تَعَالَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَمَّا يَصِفُونَ، سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ، لَيْسَ نَحْنُ شُرَكَاءَ فِي عِلْمِهِ وَ
لَا فِي قُدْرَتِهِ... (۱) (۲)

(ای محمد بن علی! خداوند، بزرگ تر از آن اوصافی است که شما مطرح می کنید. او منزّه است و سپاس او را سزا است.

ما هرگز در علم و قدرت خداوند، با او شریک نیستیم، بلکه غیر از خدا هیچ کس از غیب آگاهی ندارد. چنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید: «بگو کسانی که در آسمانها و زمین هستند، غیب نمی دانند، و فقط خداوند به آن آگاه است.» (۳)

(۱) - متن این روایت طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می توانند به منابع مراجعه فرمایند.

(۲) - الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۵۰ / ح ۳۴۷ * بحارالانوار / ج ۲۵ / ص ۲۶۷ / ح ۹. معجم احادیث الامام المهدي

(عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۲۲۸ / ح ۱۳۴۱. (۳) - سورة نمل / آیه ۶۵.

و من و همه پدرانم از ابتدا یعنی حضرت آدم علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام و دیگر پیامبران سابق و نیز پدران متأخر ما، یعنی حضرت محمد پیامبر صلی الله علیه و آله خداوند، و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام از پدران من که از دنیا رفته‌اند، تا هم اکنون که زمان من است و تا هر موقع که باشم و ظهور کنم، همگی بندگان پروردگاریم.

خداوند می‌فرماید: « و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی «سخت و» تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم. می‌گوید: پروردگارا! چرا نابینا محشورم کردی؟. من که بینا بودم.

خداوند می‌فرماید: آن گونه که آیات ما برای تو آمد و تو آن‌ها را فراموش کردی، امروز نیز تو فراموش خواهی شد.»^(۱)

ای محمد بن علی! نادان‌ها و احمق‌ها از شیعیان، که دین‌داری آنان به اندازه پَر یک پشه هم در نزد ما ارزش ندارند، در مورد دین خدا و تفسیر دین خدا، مایه آزار ما شدند. خدایی را که جز او خدایی نیست و بهترین شاهد است، گواه می‌گیرم و حضرت محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر خدا و نیز فرشتگان و پیامبران الهی و همه اولیاء خداوند را گواه می‌گیرم و تو را ای محمد بن علی! و همه کسانی را که از این نوشته من آگاهی پیدا کنند، گواه می‌گیرم که:

من در پیشگاه خدا و پیامبرش، بی‌زاری می‌جویم از کسی که بگوید: ما علم غیب «بدون نیاز به خداوند» داریم و یا در سلطنت خداوند بر جهان با او شریک هستیم و یا ما را در جایگاهی، غیر از آن جایگاهی که خداوند برای ما قرار داده است و ما را برای آن خلق کرده است، قرار دهد.

و یا این که بیش از آن مقداری که برایت توضیح دادم و در ابتدای نامه‌ام نوشتم، برای ما مقام و منزلتی قائل شود و من شما را گواه می‌گیرم که هر کس ما از او بیزار باشیم، خداوند و فرشتگان و پیامبران الهی و اولیاء خدا نیز از او بیزارند.

و این مطالب که از طریق این نامه به دست شما رسید، امانتی در گردن تو و همه کسانی که از آن اطلاع پیدا کرده‌اند می‌باشد، که آن را کتمان نکنید و مطالب آن را به همه

دوستان و شیعیان ما برسانید، تا همهٔ دوستان و علاقه‌مندان به ما، از محتوای این نامه اطلاع پیدا کنند.

تا شاید خداوند بزرگ گذشته‌های آنان را جبران کند و آنان به دین حق برگردند و از اعمالی که نسبت به درستی آن آگاهی ندارند، دوری کنند. پس هر کس که از نامهٔ من و محتوای آن با خبر شود و بخواهد به آن چه در این نامه نوشته‌ام، عمل نکند، لعنت خدا و همهٔ بندگان صالح خدا «از پیامبران و معصومین و فرشتگان و مؤمنین» که در نامه از آنان نام برده‌ام، بر او باد. (

• غیبت

○ آغاز غیبت کبری «طولانی» امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (۱)

مرحوم صدوق رضی الله عنه از ابو محمد حسن بن احمد مکتب نقل کرده است که گفت: در سال رحلت علی بن محمد سمری و قبل از وفاتش به مدینه السَّلام «بغداد» رفتم و به حضور آن نایب خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیدم.

در همان ایام سمری دست نوشته‌ای را از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مردم عرضه کرد که در آن، اتمام نیابت خاصه و شروع غیبت کبری «غیبت طولانی» اعلان شده بود و هر کدام، یک نمونه برای خودمان نوشتیم.

درست روز ششم بود که دوباره به حضور ایشان رسیدم که آن بزرگوار را در حال وفات دیدم. از او پرسیدم: بعد از شما جانشین‌تان کیست؟ او گفت: کار دست خداست و خدا امور را به پیش می‌برد. و دیگر چیزی نگفت و از دنیا رفت.

○ در آن نامه معروف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خطاب به چهارمین نایب خاص

(۱) - حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ۵ سالگی و بعد از شهادت پدر، در سال ۲۶۰ هجری قمری غایب شد، اما با نایب‌های خاص خویش ارتباط داشت. و چهار نایب به ترتیب: ۱- عثمان بن سعید ۲- محمد بن عثمان ۳- حسین بن روح ۴- علی بن محمد سمری، با آقا ارتباط داشتند و این غیبت ۶۹ سال طول کشید، که این دوره «غیبت صغری» نام گرفت و از آن پس، که هیچ ارتباط مستقیم با هیچ کس به عنوان نایب خاصی ندارد، روزهای غیبت کبری است و در این روزگار، مجتهدین و فقهای شیعه، نایب‌های عام آن حضرت هستند که تحت توجهات و عنایات حضرت، به گسترش اسلام مشغولند.

خویش نوشته بودند:

• حدیث ۱۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا علی بن محمد السَّمُرِی، أعظم الله اجرَ إخوانك فيك فأنتك ميئتُ. ما بينك وبين ستّة أيّام، فاجمَع أمرک و لا تُوصِ الى أحدٍ فيقومَ مقامک بعد وفاتک، فقد وقَعَتِ الغيبةُ التامةُ، فلا ظهور إلا بعد اذن الله تعالى ذکرةً و ذلك بعد طول الأمدِ و فسوة القلبِ و إمتلاء الأرضِ جوراً.

و سیأتی الی شیعتی من يدعی المشاهدة «ألا فَمَن ادّعی المشاهدة» قبل خروج السفیانی و الصّیحة فهو کذابٌ مُفتَرٍ و لا حولَ و لا قوّةَ إلا بالله العلیّ العظیم. (۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان

(ای علی بن محمد سمّری! به خاطر مصیبتی که به زودی با وفات تو، بر برادران دینیات وارد می‌شود، به آنان تسلیت می‌گویم، زیرا از الآن تا شش روز دیگر مهلت داری و در این ایّام از دنیا می‌روی. امور مربوطه را کنترل کن و برای بعد از خودت، جهت نیابت خاصّه از من؛ کسی را معین نکن، که بعد از تو جانشینت شود، چرا که زمان غیبت کامل و نهایی فرا رسیده است.

و برای هیچ کس ظاهر نمی‌شوم، مگر بعد از این که خدا «که یاد او با عظمت باد،» اجازه دهد و این اجازه الهی هم، بعد از انتظار طولانی و قساوت پیدا کردن قلب‌ها و پُر شدن زمین از ظلم و ستم محقق خواهد شد. و در آینده کسانی از شیعیان من پیدا می‌شوند که ادّعا می‌کنند «در بیداری و در حالی که مرا شناختند» با من ملاقات کرده‌اند.

آگاه باش! هر کس قبل از خروج سفیانی و بروز آن فریاد عظیم «که جهان را تکان می‌دهد»، ادّعای دیدن مرا داشته باشد، بسیار بسیار دروغ‌گو است و تهمت می‌زند، البتّه همه قوّت‌ها و قدرت‌ها در اختیار خداوند بزرگ و بزرگوار است.)

○ فلسفه غیبت

در جریان غیبت کُبرای حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مقصّر خود مردم

(۱) - کمال الدین / ص ۵۱۶ / ح ۴۴، * الغيبة / ص ۲۹۵ / ح ۳۶۵، الخرائج والجرائح / ج ۳ / ص ۱۱۲۹ / ح ۴۶، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۵۵، کشف الغمّة / ج ۳ / ص ۴۵۵ / س ۴، تاج المولید / ص ۶۹، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۶۱ / ح ۷ و ج ۵۲ / ص

هستند، زیرا عدم آمادگی مردم در پذیرش حق و نبودن توان دفاعی لازم در برابر ستم‌گران از یک طرف، و از طرف دیگر، وجود تقدیر الهی بر بقاء عمر آخرین امام معصوم علیه السلام راهی باقی نمی‌گذارد، جز این که آن حضرت از نظرها پنهان شود و در خفاء به رهبری امت سپردازد و حتی بر زبان آوردن نام اصلی ایشان ممنوع باشد و مکان زندگی‌اش نیز مشخص نباشد.

علی بن محمد از ابی عبدالله صالحی نقل می‌کند که او گفت: بعد از شهادت امام حسن عسگری علیه السلام، برخی از دوستان از من خواستند که نام خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و مکان آن حضرت را برای آن‌ها بیان کنم. من جریان را «از طریق نایب خاص» با آن حضرت در میان گذاشتم.

آن حضرت فرمود: • **حدیث ۱۲۸**

إِنْ دَلَلْتَهُمْ عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ عَرَفُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيْهِ. ^(۱)

(اگر نام من را به آنان بگویی، به آن بی‌حرمتی خواهند کرد و اگر محل اقامت من را بشناسند، به دیگران نیز خواهند گفت.)

○ فلسفه دیگری برای غیبت

مرحوم صدوق علیه السلام با سلسله سندی که آورده است از امام جعفر صادق علیه السلام روایتی نقل کرده است که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وقتی ظهور کند، دلیل غیبت خویش را به مردم اعلان می‌کند.

○ امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، خطاب به مردم می‌گوید:

• **حدیث ۱۲۹**

فَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حِكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ. ^(۲) ^(۳)

(۱) - * کافی / ج ۱ / ص ۳۳۳ / ح ۲، وسائل الشیعة / ج ۱۶ / ص ۲۴۰ / ح ۲۱۴۵۹، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۳، الأربعین / ص ۳۹۲، معجم احادیث امام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۳۱۵، المهدي المنتظر / شاکری / ج ۱ / ص ۱۶، الزام الناصب / ج ۱ / ص ۲۴۸، مکیال المکارم / عربی / ج ۲ / ص ۱۰۷.

(۲) - الغيبة / نعمانی / عربی / ص ۱۱۶ / س ۹ و ۱۳ و ۱۷، کمال الدین / ص ۳۲۸ / ح ۱۰، منتخب الانوار المضيئة / ص ۳۰۸ /

(من به خاطر ترس از جانم که مبادا «بدون رسیدن به آن هدف نهایی» به دست شما مردم کشته شوم، از شما گریزان و غایب شدم. امّا خداوند «بعد از آن همه مخفی بودن» به من سطنت و قدرت عنایت کرد و من را پیام آور عدل و آزادی قرار داد.)

○ فلسفه غیبت در قرآن کریم

رهبران قیام‌ها و پیشوایان نهضت‌ها علیه ستم و بیداد، نباید وام‌دار کسی جز خداوند باشند و باید با اتکاء به پشتیبانی خداوند و پیروی ملت‌ها، دست به قیام بزنند. و الا کوچک‌ترین وابستگی به قدرت‌های دنیایی و حاکمان ظالم مسلط، کار هر انقلاب‌رهایی بخش را به بن بست می‌کشاند.

انقلاب بزرگ و جهانی دادگستر جهان نیز، از این قانون مستثنی نیست و بر همین اساس است که تا فراهم شدن زمینه قیام، آن حضرت در پس پرده غیبت قرار دارند، تا در هیچ زمانی و به هیچ حاکمی، اگر چه در حال تقیّه باشد، مجبور نشوند تعهدی بدهند و بیعت کنند.

○ حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب نامه اسحاق بن یعقوب که از طریق محمد بن عثمان عمّری ارسال شده بود، فرمودند:

• حدیث ۱۳۰

وَأَمَّا عَلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَن أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُؤُكُمْ» إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدِ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ، وَإِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَةِ فِي عُنُقِي. (۴)

→ س ۳، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۱۵۷ / ح ۱۹ و ص ۲۸۱ / ح ۸ و ص ۲۹۲ / ح ۳۹ و ص ۲۸۵ / س ۱۳، تفسیر نور الثقلین / ج ۴ / ص ۴۹ / ح ۱۷، معجم احادیث امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۵ / ص ۳۰۲ / ح ۱۷۲۳ و ص ۳۰۴ / ح ۱۷۳۵، الزام الناصب / ج ۱ / ص ۱۸۳، مکیال المکارم / ج ۱ / ص ۸۴ / ح ۶.

(۳) - توضیح این که متن فوق صریح آیه ۲۱ سوره مبارکه شعراء است که در قرآن کریم از قول حضرت موسی علیه السلام نقل شده است و روایات فراوانی، در بیان وجوه شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حضرت موسی علیه السلام به هنگام ظهور، این آیه را مطرح کرده‌اند.

(۴) - الغيبة / طوسی / ص ۲۹۲ / ذح ۲۴۷ / س ۸ * کمال الدین / ص ۴۸۵ / ح ۴ / س ۱۳، احتجاج / ج ۲ / ص ۵۴۴ / ذح

(اَمَّا عَلَّتْ اَيْنَ كِه چِرا غيبت وليّ امر مقرر شد و من پشت پرده غيبت قرار گرفتم، « بايد بگويم »، خداوند در قرآن كريم فرمود :

« اي كساني كه ايمان آورده ايد! از چيزهايي نپرسيد كه اگر براي شما آشكار گردد، شما را ناراحت مي كند. » ^(۱) زيرا كه هيچ كس از پدران من زندگي نكرد، مگر اين كه بيعت با يك حاكم ظالم در گردنش بود، ^(۲) اَمَّا مِنْ وَقْتِي قِيَامِ مِي كُنْم، بيعت هيچ حاكم ستمگري در گردن من نمي باشد.)

○ كيفيت استفاده مردم از حضرت، در زمان غيبت

در مسأله غيبت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بين دو واژه « حضور » و « ظهور » تفاوت وجود دارد و بايد توجه داشت كه حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در زماني كه غايب است، ظهور ندارد. غايب است يعني از نظرها پنهان است، اَمَّا حُضُورٌ دَارِدٌ وَبِه هَمِينَ دليل، بسياري از افراد ممكن است ايشان را به صورت ناشناس ببينند. و چون حضورش در جامعه مسلم است، مردم از بركاتش بهره مي برند.

○ امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) خطاب به اسحاق بن يعقوب فرمود :

• حديث ۱۳۱

وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي، فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ، وَإِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، فَاعْلَمُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يُغْنِيكُمْ، وَلَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كَفَيْتُمْ وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجَكُمْ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِسْحَاقَ بْنَ يَعْقُوبَ وَ عَلِيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى. ^(۳)

→ ۳۴۴، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۱ / ذح ۱۰ / س ۱۷ و ج ۷۵ / ص ۲۸۰ / ح ۱، معجم احاديث الامام المهدي

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ج ۴ / ص ۲۹۴ / ذح ۱۳۱۶ / س ۲۱. (۱) - قرآن كريم / سورة مائده / آيه ۱۰۱.

(۲) - يعني ولو به عنوان تقيه وانمود مي كرد، قصد جنگيدن با او را ندارد و يا شرايط زمان، طوري بود كه هيچ راهي براي جنگيدن نبود.

(۳) - * كمال الدين / ص ۴۸۵ / س ۱۶ / ح ۴، الغيبة / طوسي / ص ۲۹۲ / س ۱۲ / ذح ۲۴۷، الخرائج و الجرائح / ج ۲ / ص

(اَمَّا چگونگی بهره بردن از وجود من در زمان غیبت، پس همانند بهره بردن از آفتاب است، هنگامی که پشت ابر قرار گیرد، همانا من اهل زمین را از بلاها دور نگه می‌دارم، همان‌گونه که ستارگان، باعث رفع مشکل موجودات آسمانی می‌شوند. پس نسبت به چیزهایی که به درد شما نمی‌خورد، پرسش نکنید و برای دانستن چیزی که من نیازتان به آن را برطرف می‌کنم، خود را به زحمت نیندازید. بلکه بروید و بیشتر برای تعجیل در ظهور من دعا کنید، که رهایی شما هم وابسته به ظهور من است. خداحافظ ای اسحاق بن یعقوب! درود بر تو و بر همه کسانی که در مسیر هدایت قدم می‌گذارند.)

○ عوامل طولانی شدن غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بعضی از افراد در زندگی معمولی عادت کرده‌اند که تقصیر اشتباهات خویش را به گردان دیگران بیاندازند، ولی در مواردی که کارهای آن‌ها، موفق جلوه می‌کند، سریع خود را به عنوان تنها عامل موفقیت معرفی می‌کنند.

در مورد غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز، هر شخصی و گروهی تقصیر آن را به گردن دیگری می‌اندازد و بعضی افراد نیز فقط به قضا و قدر اشاره می‌کنند و تأثیر اعمال و رفتار خویش را در این امر، منتفی می‌دانند. در حالی که طولانی شدن غیبت تأثیر مستقیم گناهان و کوتاهی‌های مسلمانان است.

○ ابوالحسن علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی می‌گوید :

در یکی از سال‌ها به قصد سفر حج حرکت کردم و در مدینه چند روزی ماندم، شاید امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ببینم. امّا ملاقات ایشان قسمت ما نشد و با ناراحتی شدید وارد مکه شدم. انجام مناسک حج را شروع کردم، ولی همچنان در فکر بودم.

در یک لحظه که مقابل کعبه ایستاده بودم، احساس کردم درب خانه باز شد. شخصی را دیدم که به سوی من می‌آید. من هم به طرفش رفتم. پس از پرسیدن از مقصد من و از احوال آقای

خصیبه، از من پرسید : ابن مهزیار را می‌شناسی؟. گفتم : خودم هستم.
سپس از انگشتر امام حسن عسگری علیه السلام که پس از پدرم ابراهیم در دست من بود، پرسید.
انگشتر را به او نشان دادم.

بعد از آن پرسید : چه کار داشتی؟. گفتم : به دنبال آن امامی هستم که از ما پنهان است.
فرمود : امام خود را پنهان نکرده است، این اعمال شماست که باعث غیبت امام زمان شده
است. حال برو و دفعه دیگر بین رکن و صفا هم دیگر را می‌بینیم.

سر وعده حاضر شدم و او نیز آمد، با هم پس از کمی راه رفتن به منطقه‌ای در طائف
رسیدیم، آن شخص پیش از من وارد خیمه‌ای شد و به سرعت برگشت و بشارت داد که امام
اجازه شرفیابی داده‌اند. وارد شدم و خانه‌ای دیدم که از گوشه آن نور می‌درخشید. به عنوان
امام، او را مخاطب ساخته و سلام کردم.
آن حضرت خطاب به من فرمود :

• حدیث ۱۳۲

یا ابا الحسن! قد کُنَّا نتوَقَّعُکَ لیلاً و نهاراً، فما الَّذِی اَبْطَأَ بِکَ عَلَیْنَا؟... (۱) (۲)

(ای ابوالحسن علی بن ابراهیم بن مهزیار! شب و روز در انتظار دیدار تو، لحظه شماری
می‌کردم، چه شد که تأخیر کردی و به سوی ما نیامدی؟. ابن مهزیار می‌گوید : عرض
کردم : ای مولای من! کسی را نیافتیم که مرا به حضورت راهنمایی کند.

آن حضرت با تعجبی همراه با پرسش فرمود : کسی را نیافتی که راهنمایی‌ات کند!؟.
سپس با انگشتان مبارک روی زمین کشید و بعد فرمود : نه! «راهنما نداشتن دلیل تأخیرت
نیست»، بلکه شما ؛

۱ - به مال اندوزی روی آورده‌اید.

(۱) - به خاطر حفظ اختصار، متن عربی این حدیث به صورت کامل نیامده است، علاقمندان می‌توانند به منابع حدیث
مراجعه فرمایند.

(۲) - * دلائل الامامة / ص ۵۴۱ / ذح ۱۲۶/۵۲۲ / ص ۱۹، مختصر بصائر الدرجات / ص ۱۷۶ / ص ۱۸، مدینه المعاجز /
ج ۸ / ص ۱۱۸ / ح ۲۷۳۲ / ص ۷۶ / س اواخر، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۰۴ / ح ۱۳۱، معجم احادیث الامام المهدي
(عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۴۵۶ / س ۶، معجم احادیث / ج ۵ / ص ۲۲۵ / ح ۱۶۴۷، مجموعة الرسائل / ج ۲ / ص

۲- در برابر مستضعفان فخر فروشی کرده و با آنان با بی اعتنائی رفتار کرده‌اید.

۳- صلۀ رَحِم را ترک کرده‌اید. «به این دلایل توفیق زیارت ما را پیدا نکرده‌اید.»

پس دیگر چه عذری دارید؟

علی ابن مهزیار می‌گوید: عرض کردم: توبه کردم، توبه، بازگشتم، بازگشتم. «معذرت می‌خواهم.»

سپس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خطاب به ابن مهزیار فرمود: ای پسر مهزیار! اگر برخی از شماها برای آمرزش بعضی دیگر، از خداوند طلب مغفرت نمی‌کردند، به جز خواص شیعه، کلیۀ انسان‌ها را گفتار و کردارشان هلاک می‌کرد «اشاره به این که من برایت از خداوند طلب بخشش می‌کنم.»

سپس در حالی که دستشان را دراز کرده بودند، فرمود:

ای پسر مهزیار! آیا دوست نداری از اخبار غیبی و پیشگویی آینده در مورد ظهورم برایت بگویم؟ آنگاه که حاکم شدن بچه رسم شود^(۱) و مغربی لشکر خویش را به حرکت درآورد و عُمانی با یارانش به راه افتد و مردم با سُفیانی بیعت کنند، به ولیّ خدا اجازه خروج داده می‌شود،

آن زمان من به همراهی سیصد و سیزده نفر، مردِ کارزار، بین صفا و مروه قیام می‌کنم و به سوی کوفه می‌آیم و مسجد کوفه را خراب می‌کنم و به جای آن مسجدی دیگر می‌سازم و همه ساختمان‌هایی را که در اطراف مسجد کوفه توسط مستکبران ساخته شده بود، خراب می‌کنم و حج را با مردم انجام می‌دهم.

آنگاه به مدینه و حجره پیامبر ﷺ می‌آیم و آن دو را که برای امتحان مردم هنوز جنازه آن‌ها تازه است، از قبر بیرون می‌آورم و دستور می‌دهم در مقابل قبرستان بقیع، آن دو را بر دو درخت خشکیده خرما آویزان کنند.

آن دو درخت خشکیده سبز می‌شوند، به همین خاطر است که مردم در شدیدترین امتحان واقع می‌شوند، تا خالصی‌ها و ناخالصی‌ها مشخص شود.

در آن زمان منادی از آسمان ندا می‌دهد که: «ای آسمان فرو فرست و ای زمین

(۱) - بعید نیست که اشاره به فرزند سالاری در خانواده‌ها باشد و یا این که اشاره به این باشد که در جهان افرادی با فکر بچه‌گانه حاکم می‌شوند.

برگیر «، از آن روز به بعد بر روی زمین «از یاران من» فقط مؤمنین خالص زندگی خواهند کرد. علی ابن مهزیار میگوید: عرض کردم: ای پسر رسول خدا! پس از آن چه می‌شود؟

آن حضرت فرمود: بازگشتن، بازگشتن، رجعت، رجعت «رجعت امامان شیعه علیهم‌السلام». ()

○ کیفیت شروع غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

← حرف ج - ردّ ادّعی جعفر کذاب در نماز خواندن بر پیکر امام عسگری علیه‌السلام.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ف

• فاطمه عليها السلام

• فضیلت

• فاطمه علیها السلام

○ سوگواری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای حضرت فاطمه علیها السلام

دست ستم‌گران روزگار، فرصت شادی و سرور را از شیعه گرفته است، به گونه‌ای که از این جهت در تنگنای شدید قرار دارند. از یک طرف اگر برای عزیزان خدا به گریه و زاری پردازد، ناآگاهان طعنه می‌زنند که ملت شیعه، ملت گریه است،

و از طرفی در هر فرصت شادی، ذهن انسان به سوی مصیبت‌های وارده بر امامان معصوم علیهم السلام و دیگر بزرگان دین می‌رود و انسان بی‌اختیار محزون و اشک ریزان می‌شود. و به خصوص مصیبت‌هایی را که بر دختر پیامبر اسلام علیها السلام وارد گردید، هرگز فراموش شدنی نیست.

○ در حاشیه کتاب عوالم، مرحوم سید عبدالرزاق مرقم در کتاب «وفاة فاطمة الزهراء علیها السلام» نقل شده است؛ سید باقر فرزند مرحوم آیه الله سید محمد هندی گفت: در شب عید غدیر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در خواب دیدم و مشاهده کردم که آن حضرت غمگین و نالان است.

جلو رفتم و بر آن حضرت سلام کردم و دست‌هایش را بوسیدم و مشاهده کردم که در فکر فرو رفته است. عرض کردم: مولای من! در این ایام که همه به خاطر عید غدیر خوشحالند، دلیل ناراحتی شما چیست؟

حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در پاسخ فرمودند:

• حدیث ۱۳۳

ذَكَرْتُ أُمَّيَ الزَّهْرَاءَ وَحُزْنَهَا. ثُمَّ قَالَ:

لَا تُرَانِي إِتَّخَذْتُ لَأَوْعُلَاهَا

بعَدَ «بَيْتِ الْأَحْزَانِ» بَيْتِ سُرُورٍ (۱)

(به یاد مادرم زهرا و اندوهش افتادم. پس از آن شعری را قرائت فرمود: «با تأکید می‌گویم، به مقام و منزلت فاطمه زهرا قسم، هرگز نخواهی دید که بعد از بیت‌الاحزان فاطمه «جایگاه گریه حضرت فاطمه (علیها السلام) در قبرستان بقیع» در جایی به شادی و سرور پردازم.)

○ تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

بر اساس روایاتی که در متون فقهی موجود است، در فقه شیعه سعی شده است، سخت‌گیری نشود، به خصوص در مستحبات سخت‌گیری نمی‌شود.

○ حمیری در مورد تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) از حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

پرسید:

(اگر کسی در موقع گفتن تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام)، «الله اکبر» را بیش از سی و چهار مرتبه بگوید و بعد از چند ذکر اضافی یادش بیاید، تکلیف چیست؟)

آیا در محاسبه با دانه‌های تسبیح برمی‌گردد و از دانه سی و چهار به بعد ذکر بعدی «سبحان الله» را می‌گوید «یا از همان جا سبحان الله را می‌گوید ولو کمتر از سی و سه عدد شود!»

و از سی و چهار به بعد که «سبحان الله» را شروع کرد، فراموش کند و همه شصت و شش عدد باقی مانده را «سبحان الله» بگوید، بعد که یادش آمد، آیا باید برگردد و از شصت و شش به بعد «الحمد لله» را بگوید؟ به هر حال در این گونه موارد تکلیف چیست؟)

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در جواب مرقوم فرمودند:

(۱) - * عوالم العلوم / ج ۱۱ / ص ۲ و ص ۷۹۵، ظرافة الاحلام / ص ۸۱ و ۸۲، ادب اللطف / ج ۸ / ص ۲۲۵، وفاة الصديقة الزهراء (علیها السلام) / ص ۹۷.

• هديت ۱۳۴

إذا سها في التكبير حتى تجاوزَ أربع و ثلاثين عادَ إلى ثلاث و ثلاثين و يبني عليها و إذا سها في التَّسبيح فتجاوزَ سبعاً و ستين تسبيحاً، عاد إلى ستِّ و ستين، و بنى عليها، فإذا جاوز التَّحميد مائةً فلا شيءَ عليه. (۱)

(اگر در تسبیحات فاطمة زهرا علیها السلام فراموش کند و بیش از سی و چهار مرتبه « الله اكبر » بگوید، برمی‌گردد به عدد سی و سه و بنا را بر سی و سه می‌گذارد. و اگر در موقع گفتن سبحان الله فراموش کند و از عدد شصت و هفت بگذرد، به همان عدد شصت و شش برمی‌گردد و بنا را بر آن می‌گذارد و اگر در موقع گفتن الحمد لله از عدد صد تجاوز کند، هر زمان که یادش آمد، گفتن ذکر را قطع می‌کند و برای این فراموشی، انجام کار خاصی لازم نیست.)

• فضیلت

○ فضیلت شیخ مفید رحمته الله از زبان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

← حرف م - شیخ مفید - شعر حضرت در بیان مقام شیخ مفید رحمته الله

(۱) - الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۹۰ / ذح ۳۵۷. وسائل الشیعة / ج ۶ / ص ۴۶۴ / ح ۸۴۵۵، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۷۰ / ذ ح ۴، معجم احادیث امام المهدی (عج) / ج ۴ / ص ۲۴۴ / ذح ۱۳۴۴.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ق

- قرآن
- قضاوت

• قرآن

○ تلاوت قرآن پس از تولّد

قرآن کریم بهترین راه نجات و عالی‌ترین نردبان ترقی است و هر انسانی موظف است قرائت قرآن و عمل به آن را، سرلوحهٔ همّت خویش قرار دهد و در این راه امامان معصوم علیهم‌السلام الگوی بشر بوده‌اند.

در روایت آمده است: جناب حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه‌السلام و عمّهٔ امام حسن عسگری علیه‌السلام نقل می‌کند در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری برادر زاده‌ام امام عسگری علیه‌السلام برایم پیغام فرستاد و مرا به افطار دعوت کرد و همان شب وعدهٔ به دنیا آمدن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به من داد. من عرض کردم: از چه کسی این فرزند به دنیا می‌آید؟

امام حسن عسگری علیه‌السلام فرمود: از نرجس. به دلیل این که من آثار حمل را در نرجس نمی‌دیدم، تعجب کردم که در این حال حضرت فرمود: جریان حامله شدن نرجس از جهت آثار حمل، مانند مادر حضرت موسی علیه‌السلام است و تا آخرین ساعات در ظاهر جسم او چیزی معلوم نیست.

در همان شب در هنگامهٔ صبح بود پس از به دنیا آمدن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دیدم امام حسن عسگری علیه‌السلام خطاب به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «فرزندم به قدرت خدا سخن بگو.»

آن حضرت ابتداء جمله « أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ » را بر زبان جاری کرد و سپس

فرمود :

• حدیث ۱۳۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« وَ تُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنْ لَهُمْ

فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ »^(۱)

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَ عَلَى الْمَرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلَى بَنِي

الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ

عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَبِي. ^(۲)

به نام خداوند بخشنده مهربان

(« ما می خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین

قرار دهیم و حکومت شان را در زمین پا برجا سازیم، و به فرعون و هامان و لشکریانشان

آن چه را که از آنها « بنی اسرائیل » بیم داشتند، نشان دهیم. »

حکیمه خاتون فرمود : حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از قرائت قرآن فرمود :

درود خداوند بر پیامبر خدا « که درود و سلام خدا بر او و بر خاندانش باد » و بر امیر مؤمنان

حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهراء علیها السلام، و امام حسن علیه السلام، و امام حسین علیه السلام، و حضرت علی بن

الحسین، امام سجاد علیه السلام، و حضرت محمد بن علی علیه السلام، و حضرت جعفر بن محمد علیه السلام، و

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، و حضرت علی بن موسی علیه السلام، و حضرت محمد بن علی علیه السلام، و

حضرت علی بن محمد علیه السلام، و حضرت حسن بن علی علیه السلام، پدرم، باد.)

○ و در روایت دیگر آمده است، راوی می گوید : محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه گفت : وقتی آن

جانشین، - یعنی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - متولد شد، از بالای سرش نوری به

آسمان بلند شد، سپس آن حضرت برای سجده بر خداوند خود را به صورت بر زمین انداخت.

(۱) - سورة قصص / آیه ۵ و ۶.

(۲) - الغيبة / شیخ طوسی / ص ۲۳۶ / ح ۲۰۴، * الخرائج / راوندی / ج ۱ / ص ۴۵۶ / ح ۱، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۱۸ / ذح

۲۵ / ص ۱۲، معجم احادیث الامام المهدی (عج) / ج ۴ / ص ۳۵۶ / ح ۱۳۴۷ / ص ۵.

و سپس سر از سجده برداشت، در حالی که می فرمود:

• حدیث ۱۳۶

شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم قائماً بالقسط، لا إله إلا هو العزيز الحكيم. إنَّ الدِّينَ عند الله الإسلام. (۱)

(خداوند خودش گواهی می دهد که خدایی جز خدای یکتا نیست و فرشتگان و صاحبان دانش نیز هر کدام به گونه ای بر این مطلب گواهی می دهد. در حالی که خداوند در تمام جهان بر پای دارنده عدالت است. خدایی جز خدای یکتای عزیز حکیم نیست. البته که در نزد خدا تنها دین مورد قبول، دین اسلام است.)

• قضاوت

○ حلّ مشکلات قضایی در زمان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

← حرف ح - حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - دستورالعمل های حضرت به کارگزاران حکومتی.

(۱) - * کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۳۳ / ح ۱۳، مدینه المعجز / ج ۸ / ص ۳۸ / ۲۶۶۹ / ۱۳، بحارالانوار / ج ۵۱ / ص ۱۵ و ۱۶ / ح ۱۹ / س ۴.

« فرہنگ سخنان امام زمان (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) »

حرف کی

• کرامت

• کرامت

○ کرامت حضرت به حاجی گم شده

مرحوم صدوق رضی الله عنه از احمد بن فارس ادیب نقل کرده است که گفت: قبیله‌ای در همدان به نام بنی راشد، همگی شیعه بودند و من از علّت شیعه آنها پرسیدم. پیرمردی از آنها که به نظر می‌رسید انسان درستی باشد، گفت: جدّ بزرگ ما، در یکی از سال‌ها به مکه مشرف شد و در برگشتن برای ما نقل کرد:

(وقتی بعد از مراسم حج به طرف منزل حرکت کردیم، در بین راه علاقه‌مند شدم که پیاده حرکت کنم و این کار را کردم. امّا پس از مدّتی به خود گفتم: من در ابتدای قافله هستم، کمی دراز می‌کشم تا آخر جمعیت که برسد، به همراه آنان به راه ادامه می‌دهم.

کنار جاده خوابیدم ولی بیدار نشدم و قافله رفت. زمانی بیدار شدم که آفتاب غروب کرده بود. متحیر ماندم و راه به جایی نمی‌بردم، تا این که به خود گفتم: توکل بر خدا می‌کنم و حرکت را شروع می‌کنم تا به جایی برسم. کمی که راه رفتم، به منطقه‌ای سرسبز رسیدم، که هوای خنکی داشت.

در آن جا به وسیله دو خادم، به حجره‌ای معرفی شدم که جوانی در آن نشسته بود. من را به اسم و مشخصات نام برد و کیسه‌ای که بعداً فهمیدم چهل یا پنجاه دینار در آن بود را به من داد و به غلامی که در آن جا بود فرمود: من را به شهرم برساند.)

○ در جریان این ملاقات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به جدّ بزرگ بنی راشد فرمود:

• حدیث ۱۳۷

أنا القائم من آل محمد ﷺ أنا الذي أخرج في آخر الزمان بهذا السيف - وأشار إليه - فأملأ الأرض عدلاً وقسطاً، كما ملئت جوراً وظلماً. قال: فسقطت على وجهي و تعفرت. فقال: لا تفعل، أرفع رأسك، أنت فلان من مدينة بالجبل يقال لها همدان.

قلت: صدقت يا سيدي و مولاي! قال: أفتحب أن تؤوب إلي أهلك؟.

قلت: نعم يا سيدي و أبشّرهم بما أتاح الله عزوجل لي. (۱)

(« من قائم آل محمد ﷺ هستم، آن کس که با همین شمشیر « اشاره به شمشیری کرد که بالای سر ایشان آویزان بود » در آخر الزمان قیام می کند و زمین را پس از پُر شدن از ظلم و ستم، پُر از عدل و داد می نماید. »

وقتی آن حضرت را شناختم، با صورت بر زمین افتادم و سر و رویم خاکی شد. آن حضرت فرمود: « این کارها را نکن، سرت را بلند کن. تو فلانی و از شهر کوهستانی همدان آمده ای. » گفتم: درست فرمودی. ای آقا و مولای من!

آن حضرت فرمود: « آیا دوست داری نزد خانواده ات برگردی؟. » عرض کردم: آری! ای آقا و مولای من! البته بابت این نعمتی که خداوند به من داده است، به آنان بشارت می دهم.)

آن حضرت به خادم اشاره فرمود، او من را چند قدمی جلو آورد، دیدم درختان و دیوار شهر پیدا است. گفتم: می دانی چه شهری است؟. گفتم: به اسدآباد شبیه است!

آن خادم گفت: آری! این همان شهر اسدآباد است. برو که نجات یافتی.

تا رو برگرداندم، دیگر آن خادم را هم ندیدم. اما در وسایل من، همان چهل یا پنجاه دینار که آن حضرت مرحمت فرموده بود، وجود داشت. پس از آن وارد شهر همدان شدم و بشارت دیدار حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را رساندم و همگان از خیر و برکت آن دینارها بهره مند شدیم.

(۱) - کمال الدین / ص ۴۵۴ / ح ۲۰، * بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۴۱ / س ۱۶ / ح ۳۰، کلمة الامام المهدي (عج) / ص ۵۳۶.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ه

- مجلسی رحمۃ اللہ علیہ
- محمد
- مسجد
- مسکن
- مشورت
- مقام
- موعظہ
- مہدی (عج)
- مہزیار
- منتظر

• مجلسی

○ تشرّف علامه محمد تقی مجلسی خدمت آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

در کتاب شریف بحار الانوار از مرحوم محمد تقی مجلسی «مجلسی اوّل» نقل شده است که گفت: در انجام واجبات و سواس زیادی داشتم و از این کار ناراحت بودم. روزی در اصفهان، در حال خواب و بیداری بودم که دیدم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مسجد جامع اصفهان ایستاده است.

به ایشان سلام کردم، خواستم پایش را ببوسم، نگذاشت. امّا دستش را بوسیدم و عرض کردم:

(من در نماز و سواس دارم و همیشه به انجام نماز قضاء مشغول می‌شوم که نکند نماز قبلی قبول نشده باشد. به همین دلیل، فرصتی برای نافله شب نمی‌ماند. در این مورد از شیخ بهایی چاره جویی کردم، ایشان فرمودند:

«همان ظهر و عصر و مغرب را که به عنوان قضا می‌خوانی، نیت نافله شب کن»، حال وظیفه چیست؟)

○ آن حضرت در جواب فرمودند:

• حدیث ۱۳۸

صَلِّهَا، وَلَا تَفْعَلْ كَالْمُضْنُوعِ الَّذِي كُنْتَ تَفْعَلُ. (۱)

(۱) - بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۲۷۶ / س آخر / حکایت ۴۱ و ج ۱۰۲ / ص ۱۱۴ / س ۲۰، الزام الناصب / ج / ص ۸۳ / س

(نماز نافله شب را بخوان و از کاری که تا کنون انجام می‌دادی « وسواس » دست بردار.)

• محمد

○ محمد بن عثمان عمّری « دومین نایب خاص حضرت »

غم از دست دادن پدر جان‌کاه و تحملش بسیار مشکل می‌باشد، ولی یکی از راه‌های سبک شدن غم، دل‌داری و تسلیت گفتن دیگران به بازماندگان است، که کمی از سنگینی اندوه شخص می‌کاهد، مخصوصاً اگر تسلیت گوینده، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد.

○ عبدالله بن جعفر حمیری نقل کرده است: جهت تسلیت گویی به شیخ ابوجعفر محمد بن عثمان عمّری، در فوت پدرش «عثمان بن سعید عمّری» نامه‌ای از طرف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسید که در آن نوشته شده بود:

• حدیث ۱۳۹

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ وَرِضَىٰ بِقَضَائِهِ، عَاشَ أَبُوكَ سَعِيدًا وَمَاتَ حَمِيدًا، فَرَحِمَهُ اللَّهُ وَالْحَقُّهُ بِأَوْلِيَائِهِ وَ مَوَالِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَام. فَلَمْ يَزَلْ مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِهِمْ، سَاعِيًا فِيمَا يُقَرِّبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ إِلَيْهِمْ، نَصَرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَ أَقَالَهُ عَشْرَتَهُ.

و فی فصل آخر: أَجْزَلَ اللَّهُ لَكَ الثَّوَابُ وَ أَحْسَنَ لَكَ الْعَزَاءُ، رُزِيتَ وَ رُزِينَا وَ أَوْحَشَكَ فِرَاقُهُ وَ أَوْحَشَنَا، فَسَرَّهُ اللَّهُ فِي مُنْقَلَبِهِ كَانَ مِنْ كَمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَدَا مِثْلَكَ يُخْلِفُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ يَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَ يَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ، فَإِنَّ الْأَنْفُسَ طَيِّبَةً بِمَكَانِكَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِیكَ وَ عِنْدَكَ.

أَعَانَكَ اللَّهُ وَ قَوَّأَكَ وَ عَضَّدَكَ وَ وَفَّقَكَ وَ كَانَ لَكَ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ رَاعِيًّا وَ كَافِيًّا. (۱)

(۱) - کمال الدین و تمام النعمة / ص ۵۱۰ / ح ۴۱، * الغيبة / طوسی / ص ۳۶۱ / ح ۳۲۳، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۶۲ / ص آخر / ح ۳۵۳، الخرائج و الجرائح / ج ۳ / ص ۱۱۱۲ / ح ۲۸، بحار الانوار / مجلسی / ج ۵۱ / ص ۲۴۹ / س ۴، معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۴ / ص ۲۸۹ / ح ۱۳۱۳.

همه از خداییم و به سوی او می‌رویم

(در حالی که تسلیم دستورات پروردگار و راضی به قضای الهی هستیم، پدرت سعادت‌مند زندگی کرد و نیکو از دنیا رفت. پس خدا او را رحمت کند و او را با سرپرستان و سرورانش که سلام خدا بر آنها باد، هم‌نشین کند.

او همواره در مورد سرورانش «امان معصوم» کوشا بود و در انجام کارهایی که او را به خدا و سرورانش نزدیک کند، می‌کوشید. خدا چهره‌اش را نورانی کند و از لغزش‌هایش درگذرد.

در بخش دیگری از این نامه آمده است :

خداوند به تو اجر و ثواب فراوان دهد و صبری نیکو به تو عنایت کند «در این جریان» ما و شما مصیبت دیده‌ایم. فراق پدرت تو و ما را اندوهگین کرد. پس امیدواریم خداوند در آن زندگی آخرتی خوشنودش کند.

از بالاترین مراتب سعادت پدرت این بود که خداوند فرزندى مثل تو، به او عنایت فرمود، که بعد از او جانشینش شود و به جای او به همان کارهایی که او می‌رسید، رسیدگی کند و باعث رسیدن رحمت خداوندی بر او گردد.

اکنون می‌گویم خدای را سپاس، زیرا که تو در جایگاه روح‌های پاک هستی و آن چه که خدا برای یک بنده صالح در نظر گرفته است، در تو موجود است. خداوند تو را یاری و تقویت کند و به تو کمک نماید و توفیقاتش را نصیب تو کند و سرپرست و حافظ و راهنما و نگه دارنده‌ات باشد.)

○ جایگاه و منزلت محمد بن عثمان عمّری

در دوره غیبت صغرا یا غیبت کوچک حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جوّ جامعه آن چنان ملتهب و احساسی بود که با کمترین شبهه‌ای که ایجاد می‌شد، ممکن بود هرگونه اتّفاقی بیفتد. در چنین شرایطی یکی از بهترین راه‌های گرایش جامعه به عقل محوری، هوشیاری رهبر و حفظ و نگهداری محورهای رهبری جامعه است.

محمد بن یعقوب کلینی از برادرش اسحاق بن یعقوب نقل کرده است :

پرسش‌هایی را به محمد بن عثمان عمّردی دادم تا جوابش را از حضرت دریافت کند.

پس از مدتی، جواب آن پرسش‌ها، با خط مبارک حضرت به دستم رسید، که یکی از آن‌ها به شرح ذیل است :

• حدیث ۱۴۰

و أمّا محمد بن عثمان العُمَری، فَرَضِيَ اللهُ عَنْهُ وَ عَنِ أَبِيهِ مِنْ قَبْلِ، فَأَنَّهُ ثَقَّتِي وَ كِتَابُهُ كِتَابِي. ^(۱)
(امّا محمد بن عثمان عمّری، پس خداوند از او و پدرش راضی باشد، چرا که محمد بن عثمان عمّری مورد اعتماد من است و دست خط او مانند دست خط من معتبر است.)

• مسجد

○ کیفیت ساختن مسجد جمکران و نماز خواندن در آن

علامه مجلسی رحمته الله می‌گوید: در کتاب «تاریخ قم»، تألیف شیخ فاضل حسن بن محمد بن حسن قمی از کتاب «مونس الحزین فی معرفة الحق و الیقین» از تألیفات ابوجعفر، محمد بن بابویه قمی، مطلبی در مورد تاریخچه بنای مسجد مقدّس جمکران در قم، تحت عنوان «فصل ذکر بنای مسجد جمکران» که به امر حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و توسط حسن بن مُثله جمکرانی ساخته شده است، نقل گردید که :

حسن بن مُثله جمکرانی می‌گوید: در شب سه شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان سال سیصد و نود و سه هجری قمری در خانه‌ام «در روستای جمکران قم» خوابیده بودم که پس از نیمه شب، احساس کردم گروهی از مردم دمِ دربِ خانه‌ام ایستاده‌اند، و من را بیدار کردند و گفتند: برخیز، به خدمت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برس، چون او هم اکنون تو را به حضور طلبیده است.

از جا برخاستم، آماده شدم و به آن‌ها گفتم: کمی صبر کنید، پیراهنم را بپوشم. در همین هنگام ندایی را شنیدم که گفت: آن چه را که می‌خواهی بپوشی پیراهن تو نیست. من رهایش کردم و به سراغ روشلوازی رفتم و به خیال خودم روشلوازی خودم را گرفته بودم که بپوشم. دوباره صدایی را شنیدم که گفت: آن روشلوازی مال تو نیست. روشلوازی خودت را

(۱) - کمال الدین / ص ۴۸۵ / ح ۴، الغیبة / طوسی / ص ۲۹۱ / ذح ۳۴۷. * الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۴۳ / ذح ۳۴۴.
بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۱ / ذح ۱۰.

بردار. من هم آن روشلواری را به کناری انداختم و روشلواری خودم را برداشتم و پوشیدم. پس برخاستم که به دنبال کلید درب بگردم، که باز هم آن صدا را شنیدم که گفت: در باز است. وقتی دم درب آمدم، گروهی از بزرگان را دیدم، بر آنان سلام کردم. آن‌ها جواب سلام من را دادند و به من خوش آمد گفتند و من را به همراه خود، به مکانی که هم اکنون مسجد جمکران در آن جا است بردند.

وقتی دقیق نگاه کردم، جایگاهی را دیدم که فرش‌های زیبا روی آن بود و به بالش‌های زیبا مزین شده بود و جوانی حدوداً سی ساله را دیدم که بر یکی از آن بالش‌ها تکیه داده بود و پیر مردی در حضور آن جوان نشسته بود.

در حالی که کتابی در دست داشت و از روی آن می‌خواند که آن جوان غلط‌هایش را تصحیح کند. و اطراف آن جوان، بیش از شصت نفر مشغول نماز خواندن بودند که برخی از آنان پیراهن سفید داشتند و برخی پیراهن سبز.

آن پیر مردی که روبروی آن جوان نشسته بود، حضرت خضر پیامبر بود. آن پیامبر دستور داد بنشینم و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) من را به اسم صدا کرد و فرمود: (۱)

• حدیث ۱۴۱

إِذْهَبْ إِلَى حَسَنِ بْنِ مُسْلِمٍ وَقُلْ لَهُ: إِنَّكَ تَعْمُرُ هَذِهِ الْأَرْضَ مُنْتَدِّ سِنِينَ وَ تَزْرَعُهَا وَ تَحْنُ نُخْرَبُهَا... (۲) (۳)

(۱) - قابل ذکر است که متن عربی این حدیث نقل به معنا از فرمایشان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که حسن بن مثله جمکرانی پس از شنیدن، مضامین این کلام را از حضرت نقل کرده است. ولی بعضی از الفاظ این حدیث مانند مواردی است که در احادیث دیگر نقل شده از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است، مانند: فَمَنْ صَلَّاهَا فَكَأَنَّمَا فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ. که مرحوم علامه مجلسی رحمته نیز این متن را در بحارالانوار آورده‌اند. لازم به ذکر است که به جهت حفظ اختصار، متن عربی را به صورت کامل نیاوردیم، علاقمندان می‌توانند به منابع ذکر شده مراجعه فرمایند.

(۲) - متن این روایت طولانی است و به خاطر حفظ اختصار حذف شده است. علاقمندان می‌توانند به منابع روایت مراجعه فرمایند.

(۳) - * بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۲۳۰ تا ۲۳۲ / حکایت ۸ / ص ۲۰، الزام الناصب / ج ۲ / ص ۵۸ / س آخر، مکیال المکارم / ج ۲ / ص ۳۸۳، نجم الثاقب / ص ۲۴۷ / حکایت ۱.

(پیش حسن بن مسلم برو و به او بگو که تو چندین سال است این زمین را آباد و کشت می‌کنی و ما هم تخریبش می‌کنیم. اکنون پنج سال است که این زمین را کاشتی. آیا با این که در این چند سال هیچ محصولی به دست نیاوردی، امسال هم می‌خواهی بکاری؟. تو اجازه نداری از این پس وارد این زمین بشوی. و تاکنون هرچه از محصول این زمین سود برده‌ای، باید تحویل دهی، تا برای بنای مسجدی در این مکان هزینه شود.

آن حضرت خطاب به من فرمود:

به حسن بن مسلم بگو؛ این جا مکان شریفی است که خداوند آن را بر دیگر مکان‌ها برتری داده است. «این زمین آزاد بود» اما تو آن را به مزرعه خودت ملحق کردی و خداوند سزای این تجاوز را به تو داد. و دو فرزند جوانت را از تو گرفت. اما تو عبرت نگرفتی و از خواب غفلت بیدار نشدی. از این پس اگر آن چه را که من گفتم، انجام ندهی، آن چنان گرفتار انتقام الهی می‌شوی که ندانی از کجا ضربه خوردی.

حسن بن مثله می‌گوید: عرض کردم ای مولای من! حال که بناست این حرف‌ها را برای مردم مطرح کنم، باید نشانه‌ای داشته باشم وگرنه مردم به حرف‌هایی که بدون نشانی و دلیل باشد، گوش نمی‌دهند و گفتارم را تصدیق نمی‌کنند.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: تا آن جا که برسد، ما می‌دانیم چه کاری انجام دهیم، حالا تو برو پیام ما را برسان. و «همچنین» پیش سید ابوالحسن برو و جریان را به او بگو. او خودش می‌آید و حسن بن مسلم را احضار می‌کند و همه درآمد چندین ساله این زمین را از او می‌گیرد.

و آن را به مردم می‌دهد تا در این جا مسجد بسازند و کسری هزینه بنای مسجد را هم، از درآمد محصول ملک «رَهَق» در حومه اردهال تأمین می‌کند و ما نصف ملک رهق را، بر این مسجد که در این بنا مکان می‌شود، وقف کردیم، تا هر ساله از درآمد آن، برای تعمیرات این مسجد استفاده شود و به مردم بگو برای آمدن به این مکان، تمایل نشان دهند و از آن دفاع کنند و در این مکان به قصد تحیت، دو رکعت نماز بخوانند که در هر رکعتی، سوره حمد یک مرتبه و سوره اخلاص هفت مرتبه قرائت می‌شود و ذکر سبحان الله را در رکوع و سجود در هر یک هفت مرتبه می‌گویند.

و دو رکعت هم نماز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌خوانند. به این صورت که نمازگزار

سوره حمد را شروع می‌کند و وقتی به « اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَايَّاكَ نَسْتَعِينُ » رسید، آن را صد مرتبه تکرار می‌کند، سپس سوره حمد را تمام می‌کند و به همین روش در رکعت دوم نیز انجام می‌دهد و در هر رکوع و سجود هم، هفت مرتبه ذکر « سبحان الله » می‌گوید و هر گاه نماز را تمام کرد « لا اِلهَ اِلَّا اللهُ » می‌گوید و ذکر تسبیح فاطمه زهرا (علیها السلام) را بر زبان جاری می‌کند و پس از ذکر تسبیح به سجده می‌رود و صد مرتبه صلوات بر محمد و خاندانش می‌فرستد.

حسن بن مثله می‌گوید: پس از آن حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مطلبی را بیان فرمود، که عین عبارت آن حضرت این است: « هر کس در آن مسجد نماز بخواند، مثل این است که در خانه کعبه نماز خوانده است ».

حسن بن مثله گوید: در دلم به آن جوان گفتم: تو گمان می‌کنی که مسجدی به نام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ساخته می‌شود. در همان حال همان جوان با اشاره به من گفت: برو.

من از حضور آنان مرخص شدم و برگشتم. چند قدمی که برداشتم، دوباره همان جوان صدایم زد و فرمود: « در گله گوسفندان جعفر کاشانی چوپان، یک بز هست که باید آن را بخری. اگر اهالی جمکران پول خرید آن بز را به تو دادند که با آن پول می‌خری و اگر ندادند، پول خرید آن بز را از مال خودت بپرداز و آن بز را به همین مکان بیاور و فردا شب آن را قربانی کن. پس در روز چهارشنبه، هجدهم ماه مبارک رمضان، گوشت آن را بین بیماران و به خصوص مریض‌هایی که از دکترها کاری برایشان ساخته نیست، تقسیم کن، زیرا که خداوند همه آن‌هایی را که از این گوشت بخورند، شفا می‌دهد.

آن بز ابلغ است و پشم آن زیاد است و روی بدنش هفت نشانه که بعضی سیاه و بعضی سفید می‌باشند، وجود دارد که سه نشانه در یک طرف و چهار نشانه در طرف دیگر بدنش واقع شده است. و آن سیاهی و سفیدی هر یک به اندازه یک درهم است.

پس از آن دوباره به راه افتادم، اما بار سوم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: « در این مکان هفتاد روز، « یا هفت روز » می‌مانی، « اگر طبق هفت روز » را فرموده باشد، مطابق با بیست و سوم ماه مبارک رمضان می‌شود که یکی از شب‌های قدر است. اگر هفتاد روز فرموده باشد، مطابق با بیست و پنجم ذی قعدة است و هر دو روز مبارک است. »

حسن بن مثله می‌گوید: بعد از آن من از حضور آقا مرخص شدم، در مسیر بازگشت تا منزل و حتی در منزل تا صبح مرتب در فکر بودم، تا این که صبح دمید و نماز صبح را خواندم و به

حضور علی بن منذر رسیدم و جریان را برایش نقل کردم. او همراه آمد تا به همان مکانی که سحرگاه من را به آن جا برده بودند، رسیدیم، به خدا قسم از نشانه‌هایی که امام فرموده بودند، یکی همان زنجیرها و میخ‌هایی بود که در این مکان مشاهده کردیم.

من و علی بن منذر به طرف منزل سید ابوالحسن الرضا به راه افتادیم، وقتی به درب منزل رسیدیم، دیدیم خادم‌ها و مأمورانش ایستاده و می‌گویند: سید ابوالحسن الرضا از سحر منتظر شماست. از جمکران آمدید؟ گفتم: آری!

در همان حال وارد منزل سید ابوالحسن الرضا شدم و بر او سلام کردم و تواضع کردم و جواب سلام من را به نیکی داد و من را مورد احترام قرار داد و اجازه داد در کنارش بنشینم. پیش از این که من سخن بگویم، شروع به صحبت کرد و گفت:

(ای حسن بن مثله! من دیشب، در خواب دیدم که شخصی به من می‌گوید: مردی از جمکران که نامش حسن بن مثله است، فردا نزد تو می‌آید. حتماً حرف هایش را بپذیر و به او اعتماد کن، زیرا هر آن چه که او به تو می‌گوید، همان حرفی است که ما به او گفته‌ایم. حرفش را رد نکن.

در همان حال بیدار شدم و از آن زمان تا به حال در انتظارت بودم.

حسن بن مثله داستانش را به صورت مفصل برای سید ابوالحسن الرضا بیان کرد. در آن حال ابوالحسن الرضا دستور داد اسب‌ها را زین کنند، او و همراهانش از شهر خارج شدند. وقتی به نزدیکی روستای جمکران رسیدند، جعفر چوپان را دیدند که به همراه گله گوسفندانش در کنار جاده حرکت می‌کند.

حسن بن مثله وارد گله شد و آن بز در انتهای گله بود. اما با دیدن حسن بن مثله به طرفش آمد. حسن بن مثله او را گرفت و خواست قیمتش را بپردازد.

جعفر چوپان قسم خورد که تا به امروز این بز را ندیده بود و در میان گله‌اش چنین حیوانی نبود. و فقط امروز دیده شده و اضافه کرد: هرچه خواستم او را بگیرم، نتوانستم و از من دور می‌شد، ولی الان می‌بینم که به راحتی به حضورتان آمد.

پس از آن به امر سید ابوالحسن الرضا، آن بز را به همان مکانی که حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرموده بود، بردند و قربانی کردند. و سید ابوالحسن الرضا هم خودش

راه آن جا رساند و حسن بن مسلم «کشاورز» را آوردند.

و همه محصول چند ساله آن زمین را از او پس گرفتند و محصول مزرعه رهق را هم آوردند و با تیرک‌ها سقف مسجد را آماده کردند و سید ابوالحسن الرضا آن زنجیرها و میخ‌ها «که گویا دور زمین کشیده شده بود تا حد آن زمینی که حسن بن مسلم به زمین خود ملحق کرده بود را مشخص کند» را به همراه خود برد و در خانه‌اش به امانت نگه داشت.

بعدها افراد بیمار و مریض‌های درمان نشدنی می‌آمدند و بدن خود را به آن زنجیرها می‌مالیدند و خداوند به برکت آن زنجیرها، فوری آن‌ها را شفا می‌داد و سلامتی خود را به دست می‌آوردند.

ابوالحسن محمد بن حیدر می‌گوید:

افراد بسیار زیادی از مردم گفتند، سید ابوالحسن الرضا در شهر قم، در محله‌ای معروف به محله موسویان^(۱) زندگی می‌کرد. پس از فوت او، پسرش بیمار شد. پس به آن خانه مخصوص، که زنجیرها در آن جا نگه داری می‌شد، رفت و صندوقی که زنجیرها و میخ‌ها در آن بود را باز کرد، اما زنجیرها را ندید.

اینک این داستان و تاریخچه بنای مسجد جمکران بود که معجزات و آثار زیادی دارد و برای امت اسلام عزت بخش است.

○ مسجد کوفه

بر اساس روایتی که مرحوم شیخ طوسی^(ع) و علامه مجلسی^(ع) نقل کرده‌اند، می‌توان برداشت کرد که یکی از ملاقات‌های سردار حسنی و حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کوفه است و شهر کوفه در زمان ظهور آن حضرت، تحت رهبری یک سردار حسنی است، در برابر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تسلیم می‌شود.

○ امام باقر^(ع) فرمود:

«قائم آل محمد وقتی ظهور کند» وارد کوفه می‌شود و آن زمانی است که کوفه «باشنیدن خبر

(۱) - این محله هم اکنون در شهر قم، خیابان آذر، منطقه بیمارستان نکویی، کوچه حاج حیدر واقع است، که مقبره حضرت ابوالحسن الرضا در آن مکان قرار دارد و زیارتگاه علاقمندان است.

ظهور» به پاخواسته است و سه پرچم در شهر، تحت سرپرستی آن سردار حسنی، در اهتزاز است و مردم همگی آماده پذیرایی از آن حضرت می‌شوند. آن بزرگوار وارد شهر می‌شود و بر منبر می‌رود و خطبه می‌خواند، ولی مردم از شدت گریه نمی‌توانند به حرفش گوش دهند و نمی‌فهمند که چه می‌گوید. این ورود به کوفه مصداق همان فرمایش پیامبر خداست که فرمود: گویا هم اکنون می‌بینم که آن سردار حسنی و آن سردار حسینی «حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» هر دو پرچم قیام و رهبری را به دست می‌گیرند و شهر تسلیم سردار حسینی «حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» می‌شود و مردم با او بیعت می‌کنند. وقتی جمعه دوم فرا می‌رسد، مردم خطاب به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌گویند: یا بن رسول الله! نماز خواندن پشت سر تو، همانند نماز خواندن پشت سر پیامبر خداست. در حالی که مسجد کوفه گنجایش این همه جمعیت را ندارد.

○ حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرماید:

• حدیث ۱۴۲

أنا مرتادٌ لكم. من برای تان مسجدی آماده می‌کنم. (۱)

پس از آن به سوی نجف اشرف می‌رود و نقشه مسجد بسیار مستحکم و بزرگی را طرح ریزی می‌کند که هزار درب دارد. سپس دستور می‌دهد از قسمت پشت مزار امام حسین (ع) در کربلا، نهری جاری کنند که در زمین‌های نجف و کوفه جاری می‌شود و کشاورزان از آن نهر استفاده می‌کنند و در مسیر آن نهر، پل‌ها و آسیاب‌های بادی ساخته می‌شود. (۲)

امام باقر (ع) فرمود:

(۱) - الغسیبة / طوسی / ص ۴۶۹ / ح ۴۸۵، بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۳۳۰ / ح ۵۳، معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / کورانی / ج ۳ / ص ۳۰۱.

(۲) - در روایت تعبیر به فوّهته، شده است و این نشان می‌دهد که پل‌ها و آسیاب‌ها، مانند لب و دندانی برای نهر، در طول مسیر آن جلوه می‌کنند.

(گویا هم اکنون می بینم ؛ زنی از اهل کوفه را که زنبیل گندمی روی سر گذاشته و به طرف کربلا می رود که در آسیاب های بین راه کربلا آرد کند.)

• مسکن

○ محل سکونت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

هرچند که در مورد جایگاه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان غیبت اطلاع دقیقی در دست نیست و حتی بر طبق برخی روایات، خود آن حضرت، به خاطر محفوظ ماندن، دستور داده است ؛ از سؤال و پرسش درباره مکان زندگی اش خودداری کنند. اما در یک روایت خود حضرت، حدود مکانی را مشخص کرده اند که شاید یکی از جایگاه های آن حضرت در زمان غیبت باشد.

○ حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نامه ای به مرحوم شیخ مفید^(۱) فرمودند :

• حدیث ۱۴۳

إِنَّا فِي الْيَمَنِ بِوَادٍ يُقَالُ لَهُ شَمْرُخٌ وَ شَمِيرِيخٌ « شمرخ »^(۱)

(محل سکونت ما مکانی است در یمن به نام شمرخ و شمیریخ.)

راوی می گوید : شاید این مکان، جایگاه خاصی برای آن حضرت باشد، که ما نمی دانیم.

• مشورت

○ مشورت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با یارانش

رهبر هر قومی اگر نیروهای تحت امر خود را نادیده بگیرد، نفوذ کلام خویش را از دست می دهد. از آن طرف، اگر از قاطعیّت لازم برخوردار نباشد، نفوذ کلام نخواهد داشت، به همین دلیل بر اساس تعالیم قرآن کریم، مشورت با نیروها و نظر خواهی از آنها به عنوان راه میانه انتخاب شده است، که یک رهبر لایق و مدیر کارآمد، آن است که ابتدا با همه نیروهای دخیل در کار مشورت کند و البته پس از اخذ تصمیم نهایی، با قاطعیّت عمل کند.

در روایت آمده است؛ پس از اصرار صعصعة بن صوحان، میثم تمار، ابرهیم بن مالک اشتر و عمر بن صالح به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، برای بیان وقایع آخرالزمان، آن حضرت مطالب زیادی را بیان داشتند که بخشی از آن به شرح ذیل است؛

○ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور و جمع آوری لشگر، در یکی از جنگ‌ها به طرف شام، برای جنگ با سفیانی ^(۱) که از نسل یزید بن معاویه است و بر شام حکومت می‌کند، می‌رود.

پس از جنگی عظیم بین دو سپاه، با کمک الهی سفیانی و سپاه دویست هزار نفری‌اش درهم شکسته می‌شود و سفیانی عقب نشینی می‌کند و در هنگام عشاء، توسط برخی از یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دستگیر می‌شود. وقتی به حضور امام می‌رسد، از آن حضرت تقاضای عفو می‌کند.

آن حضرت خطاب به یارانش می‌فرماید:

• حدیث ۱۴۴

مَا تَقُولُونَ فِيمَا يَقُولُ، فَإِنِّي آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي، لَا أَفْعَلُ شَيْئاً حَتَّى تَرْضَوْهُ.

فَيَقُولُونَ: وَاللَّهِ مَا نَرْضَى حَتَّى تَقْتُلَهُ لِأَنَّهُ سَفَكَ الدَّمَاءَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ سَفْكَهَا وَ أَنْتَ تُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَيْهِ الْحَيَاةَ. فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ (عجل الله تعالی فرجه الشریف): شَأْنُكُمْ وَإِيَّاهُ. ^(۲)

(در مورد این پیشنهاد سفیانی نظرتان چیست؟ چون من تصمیم گرفتم که هیچ کاری را بدون رضایت و مشورت شما انجام ندهم.

اصحاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عرض می‌کنند: به خدا قسم ما راضی نمی‌شویم، مگر این که او را اعدام کنی. چون او خون‌هایی را که خدا ریختن آن‌ها را حرام کرده بود، ریخته است. اما «احساس ما این است که» تو می‌خواهی بر او منت نهاده و او را آزاد کنی.

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرماید: باشد «این شما و این سفیانی» من او

(۱) - حرب بن عتبسة بن مرة بن كليب بن ساهمة بن زيد بن عثمان بن خالد که از نسل یزید بن معاویه بن ابوسفیان است.

(۲) - الزام الناصب / ج ۲ / ص ۲۰۶ / س ۱۸، معجم الملاحم والفتن / ج ۲ / ص ۱۰۸، و ج ۲ / ص ۳۱ / س ۱۷.

را در اختیار شما گذاشتم، هر طور خواستید تصمیم بگیرید.)

• شیخ مفید رحمته الله علیه

○ **شعر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بیان مقام شیخ مفید رحمته الله علیه**

شیعه راستین در زندگی مایه شادی رهبر است و مرگش اندوهی فزاینده برای رهبر تلقی می‌گردد، که تحمل آن بسیار سنگین و شکننده است.

اما با همه این احوالات، گاهی پس از مرگ یک شیعه راستین، نقاط مثبتی از ناحیه بازماندگان از شخصیت وجودی او بروز می‌کند، که باعث تسکین دردهای رهبر و حتی به جهتی باعث شادی می‌گردد. البته این وضعیت زمانی است که بازماندگان از آثار باقی مانده از آن شیعه خالص، استفاده کنند و به تدریس و نشر آن پردازند.

○ این شعر را حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در وصف شیخ مفید رحمته الله علیه سروده‌اند :

• حدیث ۱۴۵

لاصَوَّتَ النَّاعِي بِفَقْدِكَ أَنَّهُ	يَوْمٌ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ
إِنْ كُنْتَ قَدْ غُيِّبْتَ فِي جَدِّ الثَّرِيِّ	فَالْعِلْمُ وَالتَّوْحِيدُ فَيْكَ مُقِيمٌ
فَالْحَجَّةُ الْمَهْدَى يَفْرَحُ كُلَّمَا تَلَيْتَ	عَلَيْكَ مِنَ الدُّرُوسِ عُلُومٌ ^(۱)

(کاش هرگز صدای خبر دهنده مرگ تو، به گوش نرسیده بود، زیرا آن روز، روزی است که بر خاندان پیامبر بسیار سنگین است.

گرچه تو اکنون در زیر خاک قبر پنهان شدی، اما دانش و خداشناسی، در تو پایدار و متمرکز است.

پس هرگاه که دانش اندوخته‌ات، توسط دیگران تدریس شود و مردم آموزش ببینند، حجت خدا، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خوشحال می‌گردد.)

(۱) - * الارشاد / مفید / ص ۸، الجمل / ص ۲۰، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۳۲۱، الکنی و القاب / ج ۳ / ص ۱۹۹، طرائف المقال / ج ۲ / ص ۴۸۰، روضات الجنان / ط بیروت / ص ۲۶۳، مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله (عج) / ص ۱۰۸.

• مقام

○ مقام و منزلت حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

جهان با هر عقیده و مکتبی که تصوّر شود، در انتظار مُصلح کل و منجی بشریت به سر می‌برد، منتهی هر گروهی به نوعی خود را سرگرم کرده‌اند. در این میان مکتب حیات بخش اسلام و به ویژه تشیع است که با استدلال به پیروی از نجات بخش الهی، که در پس پرده غیبت قرار دارد و هم چون آفتابی پشت ابر که آثار نورش به زمین می‌رسد، جهان را هدایت می‌کند، و عناصر لایق از هدایت‌هایش بهره‌مند می‌شوند. در هنگام ظهور نیز پیامبران الهی را در رکاب خود دارد، به ویژه پیامبران زنده‌ای که در پس پرده غیبت مانده‌اند.

○ جابر گوید: حضرت رسول خدا ﷺ فرمود: «زمانی که مهدی ظهور کند» حضرت عیسی از آسمان فرود می‌آید، در آن جا حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) خطاب به حضرت عیسی ﷺ می‌فرماید:

• حدیث ۱۴۶

تَعَالَى صَلِّ بِنَا. فَيَقُولُ: لِأَنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرَمَةَ اللَّهِ تَعَالَى لِهَذِهِ الْأُمَّةِ. (۱)
(بیا امام جماعت ما باش. حضرت عیسی ﷺ می‌گوید: نه، من نباید امام شما بشوم، بعضی از شما امیر و فرمانروای بعضی دیگرند. این کرامتی است که خداوند به این امت «امت محمد» داده است.) (۲)

○ برترین موعظه قرآنی • موعظه

چهره‌هایی که بدون گشتن به دنبال امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، موفق به دیدار با آن

(۱) - * مسند احمد حنبل / ج ۳ / ص ۲۴۵ / س ۲۳. صحیح مسلم / ج ۲ / ص ۱۹۳ / س آخر. السنن الکبری / ج ۹ / ص ۱۸۰ / س ۲۷. کنز العمال / ج ۱۴ / ص ۲۳۴ / ح ۲۸۸۴۶. بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۹۳ / ب ۱۱ / س ۹ و ج ۶ / ص ۳۰۱ / س ۷. معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / ج ۲۹ / ص ۵۱.

(۲) - مرحوم علامه در ذیل روایت به نقل از صاحب کتاب کفایة الطالب که این روایات را طی چند باب آورده است، نقل می‌کند: این حدیث از نظر سند، صحیح‌السند است که حارث بن ابواسامه در مسند خودش آن را نقل کرده است و حافظ ابونعیم هم در عوالی آن را آورده است.

این حدیث نشان می‌دهد که مهدی نجات بخش در آخر الزمان غیر از حضرت عیسی ﷺ است که بر زمین فرود می‌آید. بلکه حضرت عیسی ﷺ در پای رکاب حضرت مهدی، قائم آل محمد ﷺ حاضر خواهد شد.

بزرگوار شدند، فراوانند. یعنی آنان به جای اندیشیدن برای دیدن امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در فکر عمل به وظایف خویش و فراهم کردن زمینه ظهور آن امام معصوم بوده‌اند. به همین دلیل چون شیعه خالص و اهل عمل بوده‌اند، خود امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ملاقات آنان می‌رفت.

○ عالم بزرگوار شیخ یوسف بحرانی در کتاب «لؤلؤ البحرين» در شرح حال شیخ ابراهیم قطیفی نقل کرده است که اهالی بحرین گفته‌اند: آن بزرگوار به حضور حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است.

داستان این ملاقات این گونه است که آن حضرت، در چهره شخص دانشمندی که شیخ ابراهیم او را می‌شناخت، وارد منزل شیخ شد و از ایشان پرسید:

• هَدِيث ١٤٧ •

أَيُّ الْآيَاتِ مِنَ الْقُرْآنِ فِي الْمَوَاعِظِ أَكْبَرُ؟

فَقَالَ الشَّيْخُ: «إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفُونَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».^(١)
فَقَالَ: صَدَقْتَ يَا شَيْخًا!^(٢)

(برای موعظه کدام یک از آیات قرآن کریم مهم‌تر است؟. شیخ ابراهیم پاسخ داد: آن جا که خداوند می‌فرماید: «کسانی که آیات ما را تحریف می‌کنند، بر ما پوشیده نخواهند بود. آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود، بهتر است یا کسی که در نهایت امن و امان، در قیامت به عرصه محشر می‌آید؟! هر کاری می‌خواهید بکنید، او به آن چه که انجام می‌دهید، بینا است.»

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: راست گفتی ای شیخ!.

در این حال منزل بیرون رفت.

شیخ ابراهیم از اهل خانه پرسید: آیا فلانی که الآن این جا بود، از در بیرون رفت؟.

(١) - قرآن کریم / سورة فصلت / آیه ٤٠.

(٢) - السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعة اللحاج / ص ١٢. * بحار الانوار / ج ٥٣ / ص ٢٥٥ / حکایت ٢٤، نجم الثاقب ص

٤٢٨، طرائف المقال / ج ١ / ص ٨٨ / ح ٢٩٠.

اهل خانه گفتند: کسی نیامده بود. ما کسی را ندیدیم که وارد یا خارج شود!

○ پند و موعظه‌های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظهور

اخلاق از ضروری‌ترین احتیاجات زندگی انسان است که رعایت آن، در محورهای مختلف ضروری است و به خصوص اخلاق اجتماعی که اثری عمیق در ساختار جامعه انسانی دارد و به ویژه در انقلاب‌ها و نهضت‌های رهایی بخش، باید به شدت مورد ملاحظه قرار گیرد، چرا که در آن صورت ممکن است، احساسات برخی افراد بعد از پیروزی، هر انقلابی را دچار مشکل کند.

به همین دلیل همه رهبران، به ویژه رهبران الهی، از ابتدای قیام به این نکته اساسی توجه کرده‌اند.

○ امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) «در زمان ظهور» در وقت عشاء از مکه ظاهر می‌شود، در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به همراه دارد، و با نشانه‌ها و نور و بیان همراه است و پس از به جای آوردن نماز عشاء، با صدای بلند فریاد می‌زند و می‌فرماید:

• حدیث ۱۴۸

أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ أَيُّهَا النَّاسُ وَ مَقَامَكُمْ بَيْنَ يَدَي رَبِّكُمْ، فَقَدْ اتَّخَذَ الْحُجَّةَ وَ بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ وَ أَنْزَلَ الْكِتَابَ وَ أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ أَنْ تُحَافِظُوا عَلَي طَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ رَسُولِهِ وَ أَنْ تُحْيُوا مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ وَ تُمِيتُوا مَا أَمَاتَ وَ تَكُونُوا أَعْوَاناً عَلَي الْهُدَى وَ وَزراً عَلَي التَّقْوَى، فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا فَنَاءُهَا وَ زَوَّالُهَا وَ آذَنْتُ بِالْوِدَاعِ، فَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ، وَ الْعَمَلِ بِكِتَابِهِ، وَ إِمَاتَةِ الْبَاطِلِ، وَ إِحْيَاءِ سُنَّتِهِ. (۱)

(ای مردم! خدا را به شما یادآوری می‌کنم و نیز جایگاه‌تان در پیشگاه خدا را به یادتان می‌آورم. البته خدا حجّت انتخاب کرد و پیامبران را مبعوث نمود و کتاب الهی را نازل کرد و به شما دستور داد از هرگونه شرک «پنهان یا آشکار» بپرهیزید. و همواره بر اطاعت

(۱) - التشریف بالمنن / سید بن طاووس / ص ۱۳۷ / الباب ۱۳۰ / ح ۱۵۷. معجم احادیث الإمام المهدی (عج) / ج ۳ / ص ۲۹۶ / ح ۸۴۲. عصر ظهور / ص ۲۸۲.

از خدا و پیامبرش پایدار باشید و زنده نگه دارید، هر آن چه را که قرآن زنده نگه داشت و به نابودی بکشانید، هر آن چه را که قرآن به نابودی کشاند.

و یاوران هدایت و دژ محکم تقوی و پرهیزکاری باشید، زیرا که فناء و نابودی دنیا نزدیک است و دنیا اعلان خداحافظی و وداع کرده است.

همانا من شما را به سوی خدا و پیامبرش و عمل به قرآن و نابود ساختن باطل و زنده نگه داشتن سنت پیامبر دعوت می‌کنم. (

• مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

○ مکان و نام مخصوص حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بر اساس روایات رسیده، حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در همه احوال ناظر امور شیعیان است و هر مشکلی که در جامعه اسلامی، مخصوصاً جوامع شیعی پیدا شود، آن حضرت اقدام به ترمیم و اصلاح آن می‌کنند و مانع کجروی‌های فکری می‌شوند و به روشنگری می‌پردازند.

یکی از موارد، شبهه‌ای است که در مورد نام مخصوص آن حضرت «م-ح-م-د» و نیز در مورد مکان زندگی آن حضرت است که ایشان طی نامه‌ای به محمد بن عثمان عسری، این مسایل و شبهات مطرح شده در جامعه را پاسخ داده‌اند؛

• حدیث ۱۴۹

أَمَّا السَّكُوتُ وَالْجَنَّةُ وَأَمَّا الْكَلَامُ وَالنَّارُ، فَانَّهُمْ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ وَقَفُوا عَلَى الْمَكَانِ دَلُّوا عَلَيْهِ. (۱)

(در جواب پرسش‌گران از اسم و مکان ما بگو؛ اگر سکوت شود، سزایش بهشت است و اگر کلامی مطرح شود، جزایش جهنم است. زیرا مردم اگر از اسم ما با خبر شوند، نسبت به آن بی‌احترامی می‌کنند و اگر از جایگاه ما اطلاع پیدا کنند، حفظ زبان نمی‌کنند و به همه کس می‌گویند «در نتیجه، خبر آن به دشمن می‌رسد».)

(۱) - * الغيبة / طوسی / ص ۳۶۴ / ح ۳۳۱، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۲۵۱ / س ۹ / ذح ۳.

○ **حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) از دیدگاه حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)**

امام‌شناسی، از وظایف اصلی و اولیّه هر انسانی است که قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام مسؤلیّت شناساندن امام را بر عهده دارند. حتی خود امامان معصوم علیهم‌السلام نیز به معرفّی خود اقدام کرده‌اند.

○ ابونصر، خادم امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) می‌گوید: خدمت حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) رسیدم، در حالی که ایشان در گهواره بودند. آن حضرت خطاب به من فرمود:

• حدیث ۱۵۰

علیّ بالصَّنَدَلِ الْأَحْمَرِ. فَأْتَيْتَهُ بِهِ. فَقَالَ: أَتَعْرِفُنِي؟. قُلْتُ: نَعَمْ! أَنْتَ سَيِّدِي وَابْنُ سَيِّدِي؟. فَقَالَ: لَيْسَ عَن هَذَا سَأَلْتُكَ. فَقُلْتُ: فَسِّرْ لِي.

فَقَالَ: أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِی وَشِيعَتِي. ^(۱)

(« آن صندل قرمز ^(۲) را بیاور. » برایش آوردم، آن حضرت خطاب به من فرمود: « آیا من را می‌شناسی؟. » عرض کردم: آری! تو مولای من و پسر مولای من هستی! آن حضرت فرمود: « پرسش من مربوط به این مورد نبود. » من عرض کردم: پس برایم توضیح بدهید « از چه چیزی سؤال فرمودید؟. »

آن حضرت فرمود: من آخرین وصیّ پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستم و به وسیله من خداوند بلا و گرفتاری را از من و شیعیانم دور می‌سازد.)

○ **توجه حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به زائران حرم اهل بیت علیهم‌السلام**

زائران امامان معصوم علیهم‌السلام از هر نژاد و فرهنگی که باشند، مورد توجه آن بزرگواران هستند و آزار رساندن دیگران به آنان، موجب آزار امامان معصوم علیهم‌السلام می‌شود، همان گونه که رفتار خوب آنان را به حساب خودشان گذاشته و رفتار بد آنان را با شیوه‌ای مناسب همانند شیوه

(۱) - الغيبة / ص ۲۴۶ / ح ۲۱۵، * الخرائج والجرائح / ج ۱ / ص ۴۵۸ / ح ۳، الدعوات / راوندی / ص ۲۰۷ / ح ۵۶۳، محجة البيضاء / قرن ۱۱ / ج ۴ / ص ۳۴۶ / س ۲، بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۳۰ / ح ۲۵، اثبات الهداة / ج ۷ / ص ۳۴۴ / ح ۱۱۵.

(۲) - صندل احمر - قرمز - دارویی گیاهی است که از گیاه صندل تهیه می‌شود. صندل در فارسی به همین نام است و در نوشتن با سین نوشته می‌شود «سندل».

خوب برخوردار با میهمان، پاسخ دهند.

○ مرحوم میرزا حسین نوری از آقا محمد، مسؤول بخشی از امور حرم عسگریین «امام حسن عسگری علیه السلام و امام علی النقی علیه السلام» و سرداب مقدس نقل کرده است که؛

شخصی به نام مصطفی الحمود از اهل سنت، جزء خادم‌های حرم بود و اغلب به آزار زایران می‌پرداخت و با حيله و نیرنگ، از آنان پول می‌گرفت و چون بیشتر زیارت نامه‌ها را حفظ بود، به منطقه سرداب مقدس، پشت پنجره‌ای که معروف به ناصر عباسی بود، می‌آمد و از زایران که اغلب در موقع خواندن دعا، برخی عبارت و کلمات را غلط می‌خواندند، اشکال می‌گرفت و به عبارت صحیح تکرار می‌کرد و با این کار حواس زایران را پرت می‌کرد و آن‌ها را از حال دعا خارج می‌کرد.

تا این که شبی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در خواب دید که به او می‌فرماید:

• حدیث ۱۵۱

(تا کی زوّار من را می‌آزاری و نمی‌گذاری زیارت بخوانند، تو را چه به مداخله در این کار، بگذار هرچه می‌خوانند، بخوانند.)^(۱)

پس از بیدار شدن متوجه شد که هر دو گوشش گر است و دیگر خواندن زایران را نمی‌شنید.

○ اثبات وجود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

روایات مربوط به تولد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فراوان است و از راه‌های مختلف، ولادت آن حضرت نقل شده است و به تواتر رسیده است که امام حسن عسگری علیه السلام، فرزندی به نام مهدی داشته است.

○ علامه کلینی^(۲) به سندش از بسیاری از افراد نقل می‌کند؛ نسیم گفت که ماریه گفته

(۱) - نجم الثاقب / ص ۴۱۴ / حکایت ۸۱

(۲) - ابوالحسن علی بن ابراهیم ابن ابان رازی کلینی، معروف به علان، دانی مرحوم کلینی، صاحب اصول کافی بود و از روایت حدیث است که در راه مکه کشته شد. برخی گفته‌اند حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پیامی به او توصیه فرمودند: صبر کن، امسال به حج برو.

است: حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) آن گاه که به دنیا آمد، روی انگشتان پا و زانو نشست و انگشت سبابه خود را به طرف آسمان بلند کرد، سپس عطسه کرد و پس از آن فرمود:

• حدیث ۱۵۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَبْدًا دَاخِرًا لِلَّهِ، غَيْرَ مُسْتَكْفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ. ثُمَّ قَالَ: زَعَمَتِ الظُّلْمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ دَاخِضَةٌ وَلَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ. (۱)

(سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمد و خاندانش باد. همان پیامبری که بنده فروتن و خاضع خداست و از کاری شانه خالی نمی‌کند و خودخواه نیست.

سپس فرمود: ستمگران می‌پندارند که امامت در حال تمام شدن است «و امام حسن عسکری علیه السلام فرزند ندارد» و اگر خدا اجازه می‌داد که سخن بگوییم، شک‌ها بر طرف می‌شد.)

◦ شکایت و شکوه حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

علامة مجلسی رحمته الله با سندی که آورده از مفضل بن عمر جعفی که از اصحاب امام صادق علیه السلام بود، نقل کرده است که:

◦ امام صادق علیه السلام فرمود: پس از آن که قائم آل محمد (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ظهور کند «و رجعت معصومین انجام شود»، آن حضرت در حالی که پیراهن خونین پیامبر صلی الله علیه و آله در روز شکسته شدن پیشانی و دندان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله را بر تن دارد، به حضور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌رسد و عرضه می‌دارد:

• حدیث ۱۵۳

يَا جَدُّ! إِنَّكَ وَ صَفْتَنِي لِلنَّاسِ وَ عَرَفْتَهُمْ إِسْمِي وَ نَسَبِي وَ كُنِّيَّتِي، فَأَنْكُرُونِي وَ لَمْ يَطْعَنِي مِنْهُمْ أَحَدٌ. فَقَالَ بَعْضُهُمْ لَمْ يَتَوَلَّدْ وَ قَالَ آخَرُونَ إِنَّهُ مَاتَ وَ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمَّا غَابَ هَذِهِ الْعَيْبَةُ الطَّوِيلَةُ فَصَبْرَتْ إِلَى

→ اما او به خیال این که این توصیه در حدّ سفارش به احتیاط است و پیش خود گفت: من احتیاط می‌کنم. به همین دلیل به توصیه عمل نکرد و کشته شد.

(۱) - الغيبة / طوسی / ص ۲۴۴ / ح ۲۱۱، کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۳۰ / ح ۵، بحار الانوار / ج ۷۳ / ص ۵۳، اعلام الوری / ج ۲ / ص ۲۱۷، حلیة الأبرار / ج ۵ / ص ۱۸۵ / ح ۵، الخرائج و الجرائح / ج ۱ / ص ۴۵۷ / ح ۲.

أَنْ أَمْرَنِي اللَّهُ بِالْخُرُوجِ، فَخَرَجْتُ. (۱)

(ای جدّ بزرگوار! تو وصف مرا بیان کردی و مردم را برای شناختن من راهنمایی کردی و نام و نسب و کنیه‌ام را برای آنان بیان کردی. امّا امت تو، مرا انکار کردند و از فرمانم سرپیچی نمودند.

به طوری که گروهی گفتند: او متولّد نشد و چنین شخصی « مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) » وجود ندارد. و اگر هست، پس کجاست؟. و در چه زمانی وجود داشته و در کجا زندگی می‌کند؟. « و یا گفتند » او مُرده است و هیچ فرزندی بر جای نگذاشت. و گفتند: اگر این حرف‌ها - که امام زمان وجود دارد - صحیح بود، هرگز خدا او را این همه سال، دور از مردم نگه نمی‌داشت.

امّا من نظاره گر این مسایل بودم و صبر کردم، تا این که اکنون خداوند اجازه ظهورم را عنایت کرد و اکنون از آن همه بلا، به حضورت شکایت می‌آورم.)

○ و در روایت دیگر آمده است: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حضور جدّش عرضه می‌دارد:

• هَدِيث ۱۵۴

يَا جَدَّاهُ! وَصَفْتَنِي وَدَلَّلْتَ عَلَيَّ وَنَسَبْتَنِي وَسَمَّيْتَنِي وَكُنَّيْتَنِي، فَجَحَدْتَنِي الْأُمَّةُ وَتَمَرَّدَتْ وَقَالَتْ مَا وُلِدَ وَلَا كَانَ، وَآيِنَ هُوَ؟ وَمَتَى كَانَ وَآيِنَ يَكُونُ؟ وَقَدْ مَاتَ وَلَمْ يُعَقَّبْ، وَلَوْ كَانَ صَاحِبًا مَا أَخَّرَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَى هَذِهِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، فَصَبَرْتُ مُحْتَسِبًا وَقَدْ أَدَانَ اللَّهُ لِي فِيهَا بِأُذُنِهِ يَا جَدَّاهُ. (۲)

(ای جدّ بزرگوار! تو اوصاف مرا به مردم گفתי و مرا به اسم و نسب و کنیه و لقب به مردم معرفی کردی، امّا آنان مرا انکار کردند و هیچ کس از آنان از من پیروی نکرد. حتی برخی گفته‌اند: چنین شخصی که پیامبر اسلام ﷺ و صفش را بیان کرد، هنوز متولّد نشده است. و گروهی گفته‌اند که مهدی متولّد شد، امّا بعد از دنیا رفت. و اگر تا الان زنده بود که غایب نمی‌شد. آن هم تا این مدّت طولانی که قابل قبول نیست. به هر حال من بر این گفتارها در پرده غیبت صبر کردم، تا خداوند اذن ظهور به من داد و

(۱) - * انوار نعمانیة / ج ۲ / ص ۹۱ / س آخر.

(۲) - الهدایة الکبری / ص ۲۸، * بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۳۲ / س ۱۳.

قیام جهانی را آغاز کردم.

• مهزیار

○ آل مهزیار

از فرزندان و نوه‌های مهزیار اهوازی، تعداد چهار نفر جزء شخصیت‌های دینی مذهبی بوده‌اند که با حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از طریق نامه یا فرمایشات شفاهی و ملاقات‌های حضوری در زمان غیبت ارتباط برقرار کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر به آدرس‌های ذیل مراجعه فرمایید؛

۱ - حرف الف - انتظار

۲ - حرف الف - امام - اهمیت امام‌شناسی

۳ - حرف ح - حدیث - اهمیت نشر احادیث ائمه علیهم‌السلام

۴ - حرف ع - علم - علم غیب

○ منتظر

○ وظیفه اصلی منتظران ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

← حرف الف - انتظار

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ن

- نام
- نامه « توقیع »
- نظارت
- نظم
- نفرین
- نماز
- نماینده
- نیکی

• نام

○ ممنوعیت مطرح کردن نام مخصوص حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) هم نام پیامبر اسلام ﷺ است «م - ح - م - د»، امّا چنان چه در روایت ذیل آمده است، استفاده از این نام «تا قبل از ظهور» ممنوع است. مرحوم صدوق رحمته الله با سندی که آورده است گفت: محمد بن عثمان عمّری گفت: نامه‌ای از طرف حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به من رسید که خطش را شناختم و دانستم که از طرف آن حضرت است. حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) طی آن نامه‌ای فرمودند:

• حدیث ۱۵۵

مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. (۱)

(لعنت خدا بر کسی باد که من را در بین مردم به نام م - ح - م - د صدا کند.)

○ و در روایت دیگری آمده است:

(۱) - کمال الدین / ص ۴۸۳ / ح ۳، وسائل الشیعه / ج ۱۶ / ص ۲۴۲ / ح ۱۳/۲۱۴۶۵، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۲۳ / ح ۱۰
و ج ۵۳ / ص ۱۸۴ / ح ۱۴، معجم احادیث الامام المهدی (عج) / ج ۴ / ص ۲۹۱ / ح ۱۳۱۴.

• **حدیث ۱۵۶**

...مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ. (۱)

(لعنت شده است، لعنت شده است کسی که در میان مردم من را به نام م - ح - م - د صدا کند.)

• **نامه « توفیق »**

○ **نامه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیخ مفید**

رسیدن نامه‌ها و دست نوشته‌های حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای تعیین تکلیف شیعه و یا راهنمایی اشخاص در امور و مشکلات در زمان غیبت صغری، معمولاً از طریق نایب‌های خاص امام که چهار نفر بودند و یکی پس از دیگری، نیابت از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بر عهده داشتند، به شیعه ابلاغ می‌گردید.

دامنه نامه‌های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان غیبت بسیار وسیع است و هرگز قطع نشد، و هرگاه که زمان ایجاب می‌کرد، حضرت به راهنمایی مؤمنان پاک طینت و فقیهان پرهیزکار پرداختند، ولی چون نایب خاص وجود نداشته است، در این مرحله از نوعی ارتباط، که باعث اطمینان نایب عامش « فقیهان جامع شرایط » شود، عمل کرده‌اند.

و یکی از نمونه‌های این ارتباط، ارسال نامه برای شیخ مفید رحمته الله علیه است که سفارشات کتبی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طی سه نامه به ایشان رسیده است و ایشان به این مهم دست یافتند که به صورت مکاتبه‌ای با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارتباط پیدا کنند.

○ **نامه اول حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیخ مفید**

مرحوم طبرسی رحمته الله علیه نقل می‌کند؛ در چند روز به آخر ماه صفر سال ۴۱۰ هجری نامه‌ای از طرف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دست شیخ مفید رحمته الله علیه رسید، که آورنده نامه گفته

(۱) - * کمال الدین / ص ۴۸۲ / ج ۱، وسائل الشیعه / ج ۱۶ / ص ۲۴۲ / ح ۱۲/۲۱۴۶۴، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۲۳ / ح ۹ و ج ۵۳ / ص ۱۸۴ / ح ۱۳، الزام الناصب / ج ۱ / ص ۲۷۳ / س ۴.

بود : این نامه را از منطقه‌ای متصل به حجاز آورده‌ام.

○ حضرت در این نامه خطاب به شیخ مفید رحمته نوشتند :

• حدیث ۱۵۷

لِلأَخِ السَّدِيدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمَفِيدِ، أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ إِدَامَ اللَّهِ
عِزَّاهُ، مِنْ مَسْتَوْدِعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُوذِ عَلَى الْعِمَادِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَّا بَعْدُ : سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ، الْمَخْصُوصُ فِينَا بِالْيَقِينِ فَأَنَا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَنَسْأَلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ... (۱) (۲)
(این نامه را برای برادری با ایمان و دوستی توانا، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان،
که خداوند عزت‌ش را زیاد کند، نوشتیم و این از آن نمونه پیمان‌های به امانت گذاشته
شده‌ای است که از بندگان خدا اخذ شده است.

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَمَّا بَعْدُ مِنْ حَمْدِ خَدَاوَنْدٍ : سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ دُوسْتِ بَا وَفَايِ مَا دَرِ دِينِ، كِه بَا عِلْمِ وَ يَقِينِ بِهَ مَا
اعْتِمَادِ دَارِي، مَا بِهَ خَاطِرِ نِعْمَتِ وَجُودِ تُو، خَدَايِي رَا كِه جِزِ اُو خَدَايِي نِيَسْتِ، سِيَّاسِ
مِي‌گُويِمِ وَ اَزِ خَدَاوَنْدِ مِي‌خُواهِيمِ كِه بِرِ مَوْلَايِ مَا حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ رحمته وَ خَانَداَنِ پَاكَشِ
دِرُودِ فِرِسْتَدِ.

و به شما «که خداوند برای یاری حق توفیق را زیاد کند و به خاطر صدق راستگویی‌ات در سخن گفتن از
طرف ما، ثواب نیکو به شما عنایت کند» اعلان می‌داریم که به ما اجازه داده شد، که شما را به
افتخار مکاتبه با خویش مفتخر سازیم و تو را موظف کنیم که هر آن چه از طرف ما به تو
می‌رسد را، به دوستان ما که نزد تو هستند، برسانی.

خداوند آن دوستان را با اطاعتی که از خدا می‌کنند، به عزت برساند و با عنایت و

(۱) - این نامه طولانی است و به جهت حفظ اختصار مقداری از آن را آوردیم، علاقمندان می‌توانند به منابع ذیل
مراجعه فرمایند.

(۲) - الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۹۷ تا ۶۰۰ / ج ۳۵۹، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۷۵ / ج ۷، معجم احادیث الامام المهدي (عج)
/ کورانی / ج ۴ / ص ۴۶۱، خاتمة المستدرک / ج ۳ / ص ۲۲۵، المسائل العشر فی الغيبة / شیخ مفید / ص ۲۲.

محافظت خود مشکلات و گرفتاری‌های آنان را برطرف کند.

با کمک خواستن از خداوند در برابر دشمنان خدا، همان‌ها که از دین خارج شده‌اند، استقامت و مقاومت کن و به خواست خداوند، پیام‌های ما را که باعث آرامش روحی تو می‌شود، همان‌گونه که گفتیم به دوستان ما برسان.

گرچه ما براساس اراده‌ی خداوندی، در جایی سکونت داریم که دست ستمگران به ما نمی‌رسد و این به صلاح شیعیان است که تا مدتی که فاجران در رأس حکومت هستند، ما از دیده‌ها پنهان باشیم، اما در عین حال، ما در همه‌ی حالات بر احوالات شما ناظریم و از امورتان اطلاع لازم داریم.

ما اطلاع داریم که برخی از شیعیان برخلاف گذشتگان، دچار لغزش‌هایی شده و به انجام خلاف‌هایی که گذشتگان از آن دوری می‌کرده‌اند، گرایش نشان می‌دهند و به پیمانی که از آنان گرفته شده است، وفادار نمانده‌اند.

گویا نمی‌دانند که ما ناظر بر اعمال شما هستیم و شما را رها نکردیم و فراموش ننموده‌ایم و اگر تحت رعایت و حمایت ما نبودید، از هر طرف دشمن بر شما هجوم می‌آورد و همه‌ی شما را از بین می‌برد.

پس تقوای الهی پیشه کنید و در گرفتاری‌هایی که بر شما روآورده است، از ما راه فرار از فتنه را بجوئید. آری همین فتنه‌ای که هر کس مرگش رسیده باشد، از آن به سلامت بیرون نمی‌رود و نیز هر کس به آرزویش رسیده باشد، هرچند دلش بخواهد، به کناری باشد و در فتنه وارد نشود، هرگز از آن به سلامت بیرون نمی‌رود.

و همین فتنه و گرفتاری، نشانه‌ی شروع قیام ما و اطاعت و فرمان‌پذیری شما در برابر امر و نهی ماست.

البته خداوند نورش را به کمال مطلوب می‌رساند، هرچند که کافران خوششان نیاید. با در پیش گرفتن تقیه بر اساس موازین شرعی، از فتنه‌هایی نظیر برافروخته شدن آتش جاهلیت، که از تعصب و نژاد پرستی بنی‌امیه سرچشمه می‌گیرد و باعث وحشت گروه هدایت شده «شیعه» می‌گردد، بپرهیزید.

و هر کس که در این فتنه‌ها از راه حل‌های شبهه‌ناک استفاده نکند و در حرکتش، در راهی که باعث خشنودی ماست، حرکت کند، من نجاتش از گرفتاری را تضمین می‌کنم.

آنگاه که ماه جمادی الأولى همین سال « ۴۱۰ هـ ق » برسد، از حوادثی که در این ماه رخ می‌دهد، درس لازم را بگیرید و هوشیاری‌تان را برای مقابله با حوادث بعدی حفظ کنید. به زودی نشانه آشکار آسمانی برای شما پدیدار می‌گردد و نمونه زمینی آن نیز رخ می‌دهد و در مشرق زمین حوادثی اندوهبار و دلگیر کننده رخ می‌دهد و گروهی که از اسلام خارج شده‌اند، بر عراق مسلط می‌گردند و به خاطر رفتار ناشایست آنان، سختی زندگی و قحطی در عراق پدیدار می‌شود.

سپس با مرگ یکی از سرکردگان طاغوت، سختی و محنت مردم پایان می‌یابد و با مرگ آن رهبر اشرار، مؤمنان پرهیزگار خوشنود می‌گردند و برای آرزومندان و علاقه‌مندان از سراسر عالم، سفر حج میسر و آسان می‌شود، البته ما برای مقابله با مشکلات و باز شدن راه حج و ایجاد وحدت بین شیعیان، نقش خاص خودمان را داریم که به موقع اجراء می‌کنیم.

در آن هنگام است که هر شخصی باید کاری انجام دهد که باعث تقرّب او به ما می‌گردد و از انجام کارهایی که باعث ناخشنودی و غضب ما می‌گردد، دوری کند، زیرا امر ظهور ما ناگهانی و بدون زمان از پیش تعیین شده، فرا می‌رسد و آن هم، زمانی است که توبه دردی از جنایتکاران دوا نمی‌کند و راه گریز از مجازات‌های ما را ندارند.

خداوند راه رسیدن به کمال رشد را به تو الهام کند و به رحمت خودش توفیق را رفیقت سازد.

(در آخر نامه با خط مبارک آن برگوار که درود خدا بر او باد، در مورد سفارش برای حفظ این نامه و مضامین آن از دسترس بیگانگان آمده است :)

این نامه ما به تو بود، ای دوست و برادری که دوستی با ما را با اخلاص برگزیده و انتخاب کرده‌ای و یار با وفای ما هستی. خداوند با دیدبانی خویش که هرگز خواب در آن راه ندارد، از تو حفاظت کند.

نامه ما را نگه دار و عین دست خط ما، به آن گونه که نوشتیم را به کسی نشان نده و مطالب آن را به کسانی که اعتماد می‌کنی، بگو. و آنان را بر عمل به مضمون نامه ما توصیه کن. ان شاء الله. درود خداوند بر محمد و خاندان پاکش باد. (

○ نامه دوم حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به شیخ مفید

مرحوم طبرسی نقل می کند ؛ در روز پنجشنبه، بیست و سوم ذی الحجة سال ۴۱۲ هـ ق نامه ای از طرف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به دست شیخ مفید رسید است.

با توجه به زمان وفات شیخ مفید که ۲۷ رمضان سال ۴۱۳ هـ ق بوده است، معلوم می شود، این نامه دوم هجده ماه پیش از وفات شیخ به دستش رسیده است.

○ حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در این نامه خطاب به شیخ مفید نگاشتند :

• حدیث ۱۵۸

من عبدالله المرابط في سبيله إلى مُلهم الحق و دليله

بسم الله الرَّحمن الرَّحيم

سلام الله عليك أيها الناصر للحق، الداعي إليه بكلمة الصدق، فأنا نحمد الله الذي لا إله إلا هو،
إلهنا وإله آبائنا الأولين... (۱) (۲)

از پیشمرگ راه خدا، به ره یافته راه حق و راهنمای مردم

به نام خداوند بخشنده مهربان

(سلام و درود خدا بر تو ای یاور حق! که با گفتار راست، مردم را به سوی خدا دعوت می کنی. ما خدا را به خاطر این که تو را به ما داد، سپاس می گوئیم. همان خدایی که جز او خدایی نیست.

پروردگار ما، پروردگار پدران ما از ابتدای خلقت آدم است و از خدا می خواهیم بر پیامبر ما و آقا و مولای ما، آخرین پیام آور و بر خاندان پاکش درود فرستد.

و بعد ما شاهد مناجات تو در درگاه خداوند و عرض درخواست هایت بودیم. خداوند تو

(۱) - این نامه طولانی است و به جهت حفظ اختصار کل متن عربی آن را نیاوردیم. علاقمندان می توانند به منابع نامه مراجعه فرمایند.

(۲) - الاحتجاج / ج ۲ / ص ۶۰۰ / ح ۳۶۰، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۶ / ح ۱، المسائل العشر فی الغیبة / شیخ مفید / ص ۲۲، الفوائد الرجالیة / بحر العلوم / ج ۲ / ص ۳۱۹، معجم احادیث الامام المهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / کورانی / ج ۴ / ص ۴۶۲.

را به وسیله همان جرز و نگه دارنده که از طریق اولیاء خدا به تو رسیده است، نگهداری کند، از نیرنگ دشمنان تو را حفظ کند.

اتفاقاً ما از همین مکان خودمان، که در منطقه شمراخ در کشور یمن واقع است، در خیمه‌ای که روی کوهی، در یک سرزمین بدون آب و علف بر پا شده است و جدیداً از یک منطقه بیابانی بسیار تاریک و ظلمانی و خالی از ایمان، به اینجا منتقل شده‌ایم، در درگاه خدا شفاعت تو را کرده‌ایم.

امید این است که مستقر شدن ما در این خیمه، مقدمه ورود به دشتی وسیع در آینده‌ای نزدیک باشد و در آینده نیز، خبر تغییر مکان و احوالات خودمان را برای شما می‌نویسیم و خواهی یافت که با اعمال صالحه‌ای که انجام می‌دهی «و آرزو داریم خداوند توفیقش را به تو عنایت کند» در نزد ما چه مقام و منزلتی پیدا می‌کنی!

پس تو که خداوند با دیدگان همیشه بیدارش، از خطرات نگه دار تو باشد، باید آماده روبرو شدن با این فتنه باشی، فتنه‌ای که در آن افرادی که در پی آتش زدن هستی باطل، برای ترساندن باطل‌گرایان بوده‌اند، از خطرات در امان می‌مانند و به خاطر نابودی باطل‌گرایان، مؤمنان خوشحال و مجرمان محزون می‌گردند.

نشانه حرکت ما از این خیمه‌ای که اکنون به آن منتقل شده‌ایم، حادثه‌ای است که در حرم امن الهی، توسط آن منافق پلید، مطرودی که ریختن خون‌های پاک را حلال می‌داند و با نیرنگ، بر مؤمنان شبیخون می‌زند، ایجاد می‌شود. هرچند که با همه این ظلم و تجاوزگری‌ها به مقصود خود نمی‌رسد.

چون ما در پشت سر مؤمنان به دعاگویی برای حفظ جانشان مشغولیم و آن گونه برای‌شان دعا می‌کنیم که خداوند با آن دعا، زمین و آسمان را از بلا نگه می‌دارد.

پس دل‌های دوستان آرام باشد و اطمینان داشته باشند که ما پشتیبان آنان هستیم، هرچند که گرفتاری‌ها از چند طرف آنان را احاطه کرده باشد. با اقدام ستودنی خداوند، عاقبت امور به سود آنان خواهد بود.

ای دوست با اخلاص و مبارز در راه ما با ستمگران، که خدا با آن نصرتی که دوستان صالح ما را یاری کرده است، تو را نیز یاری کند، از هم اکنون با تو پیمان می‌بندیم که هر کس از برادران دینی تو پرهیزگار باشد و همه آن مالیات‌های شرعی «خمس و زکات

و... « که بر گردن دارد، به مستحقان برساند، از این آشوب طولانی و مهنت ظلمانی گمراه کننده، نجات پیدا می‌کند.

و هر کس از آن نعمت‌هایی که خداوند به امانت نزدش گذاشته است، بخل بورزد و به مستمندان هدیه نکند، هم در دنیا و هم در آخرت زیان دیده است، البته اگر پیروان ما، که خداوند برای اطاعت از خویش به آنها توفیق عنایت کند، در راستای وفاداری به پیمانی که با ما داشته‌اند، وحدت خود را حفظ می‌کردند، هرگز برکت ملاقاتشان با ما تأخیر پیدا نمی‌کرد و زودتر از این، آن گونه که شایسته شناخت و صدق نیت آنها بود، ما را می‌دیدند.

البته هیچ چیز مانع دیدار ما با آنها نمی‌شود، مگر انجام کارهای ناپسندی که ما انتظار انجامش را از آنها نداریم. خداوند یاری کننده ماست و او برای ما کافی است و خود پشتیبان ما است و درود خدا بر مولای بشارت دهنده و انذار کننده، حضرت محمد ﷺ و خاندان پاکش باد.)

○ نامه سوم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیخ مفید

راوی می‌گوید: در اوّل ماه شوّال سال ۴۱۲ هـ ق نامه‌ای با دست خطّ حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادر شد که نوشته شده بود:

(ای دوست بزرگواری که راه حق به تو الهام شده است. این نامه ماست که برایت با خطّ خودمان و خطّ شخص مورد اعتمادمان برای شما نوشته‌ایم، این نامه را از دیگران مخفی کن و آن را حفظ کن. و یک نمونه از روی آن نسخه برداری کن، تا بتوانی به اطلاع کسانی که از دوستان تو باشند و به ولایت مداری آنها اعتماد کنی، برسانی. خداوند به برکت دعای ما، همه آن دوستان را دور هم جمع کند و وحدت آنان را حفظ کند. ان شاء الله و سپاس مخصوص خداوند است و درود بر مولای ما محمد ﷺ و خاندان پاک او باد.)

○ نامه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سید ابوالحسن اصفهانی

خدمت به بندگان خدا و در دسترس مردم بودن و برآورده کردن حاجات و نیازمندی‌های

آنان، از وظایفی است که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر عهدهٔ یک مرجع تقلید شیعه گذاشته است، که این خود بیانگر ارزش و اهمیت بسیار بالای این کار دارد.

○ متن نوشتهٔ مبارک حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که توسط شیخ محمد کوفی شوشتری، برای حضرت آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رحمته ارسال فرموده‌اند به این شرح است:

• حدیث ۱۵۹

أَرِخْ نَفْسَكَ وَ اجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدَّهْلِيْزِ وَ أَقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ، نَحْنُ نَنْصُرُكَ. (۱)

(خودت را در دسترس همگان قرار بده و محلّ جلوس خود را در ورودی منزل خویش قرار ده - تا مردم بتوانند به آسانی به حضورت برسند - و حاجت‌های مردم را بر آور، ما تو را یاری خواهیم کرد.)

○ آخرین نامه به علی بن محمد سمري «چهارمین نایب خاص»
← حرف غ - آغاز غیبت کبری.

• نظارت

○ نظارت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر فتوا

مرحوم تنکابنی رحمته نقل کرده است که عربی روستایی، به حضور شیخ مفید رحمته رسید و پرسید: زن حامله‌ای از دنیا رفته است، و بچه در شکم دارد، تکلیف چیست؟

شیخ مفید رحمته فرمود: زن را با همان حال دفن کنید.

آن مرد عرب برگشت که به گفتهٔ شیخ عمل کند. در این هنگام دید، عربی سوار بر اسب می‌تازد. وقتی نزدیک شد، خطاب به آن عرب روستایی فرمود:

(نظر شیخ مفید این است که شکم آن زن حامله را بشکافید و کودک را نجات دهید و بعد از آن، زن را دفن کنید.)

(۱) - عنایات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به علماء و مراجع تقلید / کریمی جهرمی / ص ۱۱۰، جهان بعد از ظهور / محمد خادمی شیرازی / ص ۸۲، تجلیات امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ص ۵۹.

آن عرب به روستا رفت و دستور دوم را اجراء کرد و پس از مدتی جریان به گوش شیخ مفید[ؒ] رسید. شیخ با خود فکر کرد که :

من که کسی را نفرستاده بودم، و کسی هم از فتوای من خبر نداشت، پس آن شخص حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده است که از اشتباه من جلوگیری کرد. پس بهتر است دیگر فتوا ندهم.

به همین دلیل، درب خانه را بست و هیچ استفتاء و سؤالی را جواب نداد. در این حال، نامه‌ای از طرف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسید که :

• حدیث ۱۶۰

(بر شماست که فتوا بدهید و بر ماست که « در لحظه اشتباه » تذکر دهیم.) (۱) (۲)

• نظم

○ نظم و انضباط در لشکر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

← حرف الف - انضباط - انضباط تشکیلاتی در لشکر حضرت

• نفرین

○ نفرین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فرا رسیدن مرگ احمد بن هلال عبرتایی

در زمان غیبت حضرت و مخصوصاً در غیبت صغری، افراد زیادی بودند که در وجود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ایجاد شک و شبهه می‌کردند و یا وجود حضرت را می‌پذیرفتند، امّا خودشان را نایب خاصّ و باب رسیدن به آن حضرت معرفی می‌کردند.

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با نفرین این افراد، به زندگی فاسد آنها پایان می‌داد و شرّشان از سر مسلمانان کنده می‌شد.

(۱) - گفتنی است که قدیمی‌ترین منبعی که در مورد این جریان آمده است، کتاب شریف قصص العلماء است و این

کتاب فارسی است. لذا متن آورده شده از کتاب قصص العلماء مرحوم تنکابنی[ؒ] است. البته با کمی ویرایش.

(۲) - قصص العلماء / ص ۳۹۹ / چاپ اسلامیة تهران، عبقری الحسان / ج ۲ / ص ۱۱۲ / س ۱۰، خلاصه عبقری الحسان /

ص ۱۷۲ و ۱۷۳، عنایات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به علماء و مراجع / ص ۵۰.

○ محمد بن صالح می گوید: وقتی خبر مرگ احمد بن هلال عبرتایی «معروف به هلالی» رسید، ابوالقاسم حسین بن روح نزد من آمد و گفت: آن بسته را بیاور. من آن بسته را آوردم و آن جناب ورقه‌ای را بیرون آورد، که طی نامه‌ای از طرف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، خطاب به حسین بن روح نوشته شده بود:

• حدیث ۱۶۱

و أمّا ما ذكرت من أمر الصوفي المتصنّع - یعنی الهلالی - فبئّر الله عمره.
 ثمّ خرج من بعد موته: فقد قصدنا فصبرنا عليه، فبئّر الله تعالى عمره بدعوتنا. (۱)
 (امّا مطالبی را که در مورد آن صوفی ظاهر ساز، یعنی هلالی مطرح کرده بودی، «پس بدان که» خداوند عمرش را کوتاه کرده است.
 راوی می گوید: پس از مسلم شدن مرگ هلالی نیز، نامه‌ای از حضرت رسید که نوشته شده بود:
 او به قصد نبرد با ما حرکت کرده بود، امّا صبر کردیم و خداوند والا و بلند مرتبه، با دعا و درخواست ما، عمرش را کوتاه کرد.)

• نماز

○ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اقامه کننده نماز

انتظار ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، انتظار قدرت اسلام است، کسی که منتظر صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، یعنی در انتظار نشسته است که او بیاید و احکام دین خدا را اجراء کند، فرهنگ به پا داشتن نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه رواج دهد. این است انتظار ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
 ○ زید بن علی بن حسین (ع) می گوید: وقتی قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند. خطاب به مردم می گوید:

(۱) - * کمال الدین / ص ۴۸۹ / ذح ۱۲، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۲۲۸ / ذح ۵۱ / س ۱۰، الاثنا عشریه / ص ۱۹۵، معجم احادیث الامام المهدی (عج) / ج ۴ / ص ۲۸۶ / ح ۱۳۶۴، تهذیب المقال / ج ۳ / ص ۳۲۲.

• حدیث ۱۶۲

أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (۱)

(ای مردم! ما هستیم همان کسانی که خداوند در قرآن وعده آمدن آنها را داده و در وصف آنان فرمود: «همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت ببخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها برای خداوند است.)

○ ثواب قرائت سوره‌های مختلف قرآن در نماز

قرائت برخی از سوره‌های قرآنی در نماز از واجبات است، مانند سوره حمد، در رکعت اول و دوم، ولی بعد از خواندن حمد، خواندن سوره‌های مختلف جایز است.

○ از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدند:

(در مورد ثواب قرائت قرآن در نمازهای واجب و غیر واجب، از امام رضا علیه السلام روایتی رسیده است که فرمود: «من تعجب می‌کنم از کسی که در نماز خود سوره «أنا انزلناه فی لیلۃ القدر» را نمی‌خواند، که چگونه نماز او قبول می‌شود.

و باز روایت شده که امام فرمود: پاک و سالم نشد نمازی که در آن قل هو الله احد خوانده نشود.

و باز روایت شده که امام فرمود: هر کس در نمازهای واجبش، سوره هَمَزَه را بخواند، به مال و مکتب دنیایی می‌رسد.

حال سؤال این است که آیا جایز است انسان در نماز سوره هَمَزَه را بخواند و سوره‌های «قدر» و یا «اخلاص» را رها کند؟ با توجه به این که اگر آن دو سوره خوانده نشود، نماز قبول و پاک نمی‌گردد؟)

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب نوشتند:

(۱) - تفسیر فرات الکوفی / ص ۲۷۴ / ح ۲۷۱-۱۳. شواهد التنزیل / ج ۱ / ص ۵۲۳، بحارالانوار / ج ۵۲ / ص ۲۷۳ / ح

۱۶۶، معجم احادیث الامام المهدي (عج) / ج ۵ / ص ۲۶۷ / ح ۱۶۹۲، شرح احقاق الحق / ج ۱۴ / ص ۶۳۴ / س ۱، من السیرة

الامام المهدي المنتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / ج ۱ / ص ۱۳۳.

• هدیث ۱۶۳

الثَّوَابُ فِي السُّورِ عَلَى مَا قَدَّرُوا، وَإِذَا تَرَكَ السُّورَةَ مِمَّا فِيهَا الثَّوَابُ وَقَرَأَ: « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » وَ
« إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ »، لِفَضْلِهِمَا أُعْطِيَ ثَوَابُ مَا قَرَأَ وَ ثَوَابُ السُّورَةِ الَّتِي تَرَكَ وَ يَجُوزُ أَنْ يَقْرَأَ غَيْرَ هَاتَيْنِ
السُّورَتَيْنِ وَ تَكُونَ صَلَاتُهُ تَامَّةً وَ لَكِنْ يَكُونُ قَدْ تَرَكَ الْفَضْلَ. (۱)

(هر یک از سوره‌های قرآن ثوابش به همان گونه است که در روایت مربوط به آن ذکر شده است، ولی اگر سوره‌ای را با همه ثوابی که دارد، ترک کند و به جایش، به خاطر رسیدن به فضیلت و ثواب بیشتر، سوره قدر و یا اخلاص را بخواند، خداوند هم ثواب آن سوره‌ای را که ترک کرده و هم ثواب سوره‌ای را که خوانده است، به او عنایت می‌کند. البته غیر از سوره قدر و اخلاص، هر سوره دیگری را هم که خواسته باشد، بخواند جایز است، « ولی آن فضیلت بالاتر، از دستش رفته است. »)

○ آداب نماز خواندن در کنار قبر امامان معصوم علیهم‌السلام

همان گونه که زیارت قبور امامان معصوم علیهم‌السلام آداب خاصی دارد، نماز خواندن در کنار قبر امامان معصوم علیهم‌السلام، به ویژه در کنار ضریح (۲) شرایط خاصی دارد.

○ از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سؤال شد:

(شخصی که به زیارت قبور امامان معصوم علیهم‌السلام می‌رود؛

۱- آیا می‌تواند بر آن قبر سجده کند یا خیر؟

۲- پرسش دیگر این که اگر کسی خواست کنار مزار آن امامان نماز بخواند، آیا می‌تواند

طوری بایستد که قبر مقابل او و قبله‌اش قرار گیرد؟

۳- و آیا می‌تواند در قسمت بالا سر و یا پایین پا بایستد و نماز بخواند؟

۴- و آیا می‌تواند طوری برای نماز بایستد، که قبر پشت سر نمازگزار قرار گیرد، یا

خیر؟)

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب نوشتند:

(۱) - ❖ الغيبة / طوسی / ص ۳۷۷ / ذح ۳۴۵، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۶۶ / ذش ۳۵۴، وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۸۰ / س ۲.

بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۱۵۲ / ذح ۱ و ج ۸۲ / ص ۳۱، معجم احادیث الامام المهدي (عج) / ج ۴ / ص ۳۱۳ / س ۱۸.

(۲) - یعنی مقدار فضای زیر گنبد که به آن روضه نیز می‌گویند.

• هَدِيث ۱۶۴

أَمَّا السُّجُودُ عَلَى الْقَبْرِ فَلَا يَجُوزُ فِي نَافِلَةٍ وَلَا فَرِيضَةٍ وَلَا زِيَارَةٍ، وَالَّذِي عَلَيْهِ الْعَمَلُ أَنْ يَضَعَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَأَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفُهُ وَيَجْعَلُ الْقَبْرَ أَمَامَهُ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا عَنْ يَمِينِهِ وَلَا عَنْ يَسَارِهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ ﷺ لَا يُتَقَدَّمُ عَلَيْهِ وَلَا يُسَاوِي. (۱)

(در نماز نافله یا نماز واجب و یا زیارت، سجده بر قبر صحیح نیست. و آن چه که سیره است و انجام می‌شود، این است که زیارت کننده، گونه راست خودش را بر قبر بگذارد. و اما نماز خواندن، فقط پشت قبر، به طوری که قبر جلوی روی نمازگزار واقع شود، جایز است.

و نماز خواندن در روبروی قبر به طوری که قبر پشت سر نمازگزار باشد و یا نماز خواندن در پایین پا و یا نماز خواندن در بالای سر جایز نیست، زیرا که نمازگزار نباید جلوتر از امام و یا مساوی امام بایستد.)

○ نماز خواندن در هنگام طلوع و غروب خورشید

یکی از محورهای تبلیغی و بیان ارزش‌های دینی، موردی است که شخص پرسشی را مطرح کند. به ویژه اگر سؤال کننده به هر دلیل به پاسخ آن نیازمند باشد، در آن مورد، گوینده پاسخ می‌تواند از فرصت به وجود آمده استفاده کند و ارزش‌های مورد نظر خویش را به نحوی آرایه دهد.

ابوالحسن محمد بن جعفر اسدی طی نامه‌ای از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسید :
آیا نماز خواندن در موقع طلوع خورشید و یا غروب خورشید کراهت دارد؟
امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب نوشتند :

• هَدِيث ۱۶۵

أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ عَنِ الصَّلَاةِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَعِنْدَ غُرُوبِهَا، فَلَيْتَنِي كَانَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ الشَّمْسَ

(۱) - ※ الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۸۳ / ح ۲۵۷. وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۶۰ / باب ۲۶. بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۶۵ / ذح

۱ و ج ۸۰ / ص ۳۱۵ / ح ۷. معجم احادیث الامام المهدی (عج) / ج ۴ / ص ۲۴۱.

تطلع من بين قرني الشيطان، وَ تَغْرُبُ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ، فما أرغم أنف الشيطان بشيءٍ مثل الصلاة، فصلها و أرغم أنف الشيطان. (۱)

(اما آن پرسشی که در آن از حکم نماز خواندن در موقع طلوع خورشید و غروب ، اگر آن گونه که سر زبان هاست که « خورشید از میان دو چشم شیطان طلوع می کند و از میان دو چشم شیطان غروب می کند »، درست باشد! پس چه چیزی بهتر و قوی تر از نماز می تواند بینی شیطان را به خاک بمالد؟.

پس در موقع طلوع و غروب خورشید نماز بخوان و دماغ شیطان را به خاک بمال.)

○ نماز جماعت به امامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بیت المقدس

وقتی قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند، حضرت عیسی مسیح عليه السلام نیز خواهد آمد، و پشت سر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نماز می ایستد، که این کار می تواند زمینه ساز پذیرش حکومت جهانی حضرت باشد.

○ از حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله نقل شده است که فرمود:

(وقتی قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند ، مردم آماده نماز جماعت به امامت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می شوند، که در آن روز حضرت عیسی بن مریم عليه السلام از آسمان به زمین می آید و آن چنان با عجله می رسد و عرق می کند که گویا از مویش عرق جاری است.)

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خطاب به حضرت عیسی عليه السلام می فرماید :

• حدیث ۱۶۶

تَقَدَّمْ صَلِّ بِالنَّاسِ. (۲) (بفرمایید و امام جماعت شوید.)

حضرت عیسی عليه السلام می گوید : این جماعت به خاطر شما برپا شده است که امام باشی و ما

(۱) - * کمال الدین / ص ۵۲۰ / ح ۴۹، الغيبة / ص ۲۹۶ / ح ۲۵۰، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۵۸ / ح ۳۵۱ / س ۴، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۲ / ذح ۱۱.

(۲) - * منتخب انوار المضيئه / قرن ۹ / ص ۸۵، معجم احادیث الامام المهدي (عج) / ج ۱ / ص ۵۳۷ / ح ۲۶۶، يوم الخلاص / ص ۲۴۴-۲۴۵، معجم الملاحم والفتن / ج ۲ / ص ۱۱۱ / س ۱۰، الزام الناصب / ج ۲ / ص ۲۰۹ / س ۱۸.

مأموم تو باشیم.

• نماینده

○ نمایندگان خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نمایندگان خاص حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اصطلاحاً به کسانی گفته می‌شود، که در زمان غیبت صغرای آن حضرت، وسیله ارتباط مردم با آن حضرت بودند، به گونه‌ای که اشخاص، مشکلات و پرسش‌های خود را با نمایندگان در میان می‌گذاشتند و آنان با حضرت مطرح نموده و جواب دریافت می‌کردند.

در زمان غیبت صغری که از سال ۲۶۰ هجری قمری، یعنی زمان شهادت امام حسن عسگری (ع)، تا حدود سال ۳۱۹، به مدت ۶۹ سال ادامه داشت؛ به طور متناوب در هر زمانی، یک نفر از بزرگان شیعه، می‌توانستند مستقیم با آن حضرت ارتباط حضوری برقرار کنند. و در این ۶۹ سال، چهار نفر مفتخر به نمایندگی خاص از طرف آن حضرت شدند که عبارتند از؛

۱ - عثمان بن سعید عمّری، اولین نایب خاص حضرت

۲ - محمد بن عثمان بن سعید عمّری، دومین نایب خاص حضرت، و فرزند اولین نایب خاص.

۳ - ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، سومین نایب خاص حضرت

۴ - علی بن محمد سیمری «سُری»، چهارمین نایب خاص حضرت

در سال ۳۱۹ هجری قمری، علی بن محمد سُری، در آخرین نامه‌ای که از جانب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دریافت کرد، به ایشان توصیه شد که برای بعد از خود، به عنوان نایب خاص کسی را معین نکند و از آن پس، دوران غیب کبری شروع شد.

و اکثر روایاتی که ما در این کتاب آورده‌ایم، از طریق نمایندگی خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است و فقط تعداد کمی از روایات رسیده از راه‌های دیگر رسیده است.

از آن زمان به بعد، علماء و مجتهدین شیعه، به عنوان نایب‌های عام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفی شدند، که طبق فرمایش حضرت، مؤمنین باید در موارد و مسایلی

که برایش پیش می‌آید، به آنها مراجعه کنند.

• تقدیر از نمایندهٔ خاصّ خویش، عثمان بن سعید عمّری

← حرف م - محمد بن عثمان عمّری.

• نیکی به بستگان و فامیل‌ها • نیکی

رسیدگی به فامیل و نیازمندان از فامیل، از مصادیق بارز صلّه رحیم است و به همین دلیل، اولویّت با فقراء و نیازمندان فامیل است.

• از حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدند :

(شخصی نیّت می‌کند که مقداری از مال خود را کنار بگذارد و به یکی از برادران ایمانی

خود بدهد، امّا پس از آن متوجّه می‌شود در بین بستگان و فامیل‌هایش کسی هست که

نیازمند است. آیا می‌تواند آن مال کنار گذاشته شده را، به فامیل محتاجش بدهد؟)

حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جواب مرقوم فرمودند :

• حدیث ۱۶۷

يَصْرِفُهُ إِلَىٰ أَدْنَاهُمَا وَأَقْرَبَهُمَا مِنْ مَذْهَبِهِ، فَإِنْ ذَهَبَ إِلَىٰ قَوْلِ الْعَالِمِ عليه السلام : « لَا يَقْبَلُ اللَّهُ الصَّدَقَةَ وَ ذُو

رَحِمٍ مُّحْتَاجٍ. » فَلْيُقَسِّمِ بَيْنَ الْقَرَابَةِ وَ بَيْنَ الَّذِي نَوَىٰ حَتَّىٰ يَكُونَ قَدْ أَخَذَ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ. ^(۱)

(آن مال را به هر کدام از آن برادران ایمانی و فامیل که از نظر مذهب به او نزدیک‌تر

باشند، می‌دهد « یعنی شیعه اولویّت دارد » و اگر خواست به روایتی که از امام رضا علیه السلام رسیده

است که فرمود :

« در حالی که فامیل و رحیم انسان محتاج باشد، خداوند صدقه دادن به دیگر فقیران را

قبول نمی‌کند، عمل کند، می‌تواند آن مال را بین آن برادر مؤمن و فامیل فقیرش تقسیم

کند، تا به ثواب هر دو عمل برسد.)

(۱) - * الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۸۷ / ذح ۳۵۷. بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۱۶۸ / ذح ۴ و ج ۹۳ / ص ۱۴۳ / ح ۱۰. درر الاخبار

/ ص ۶۶۶ / ح ۶ / ص ۴.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

حرف ه

• هدایت

• هدف

• هدیه

• هدایت

○ هدایت شدن راهب ارمنستانی به دست امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

خبر دادن از ظهور قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و بیان نشانه‌های ظهور ایشان، یک سیره عملی برای همه امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است، یعنی همه معصومین علیهم‌السلام به تناوب در مواقع مقتضی، خبر غایب شدن آخرین امام معصوم علیهم‌السلام را مطرح کرده و نشانه‌های ظهورش را نیز بیان داشته‌اند.

یکی از آن موارد، خطبه‌ای است که حضرت علی علیه‌السلام در شهر بصره بیان کردند که به خطبه البیان معروف شده است. آن حضرت در این خطبه، شرح مفصّلی از وقایع قبل و بعد از ظهور آن حضرت را بیان فرمودند و یک نمونه آن وقایع را این گونه بیان داشتند، که: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وقتی ظهور کند، در یکی از جنگ‌ها، به ارمنستان بزرگ ^(۱) می‌رسد. در آن جا مردم ارمنستان بزرگ، وقتی از ورود حضرت مطلع می‌شوند، یکی از راهبان، که بزرگترین دانشمند در بین آنهاست را انتخاب می‌کنند و می‌گویند: به سویش برو و بین او و لشکریانش از ما چه می‌خواهند.

(۱) - ارمنستان بزرگ، منطقه‌ای در آسیای غربی است که از جانب شمال به گرجستان و از شرق به دریاچه خزر و از جنوب به درّه علیای دجله و از مغرب به درّه فرات غربی یا «قره سو» محدود است و اکنون در محدوده سه دولت ایران، ترکیه و کشورهای مشترک المنافع «شوروی سابق» قرار دارد. لغت نامه دهخدا - ذیل کلمه ارمنستان.

وقتی راهب ارمنستانی به حضور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌رسد، خطاب به آن حضرت می‌گوید: آیا مهدی موعود تویی؟
آن حضرت در جواب می‌فرماید:

• حدیث ۱۶۸

نعم! أنا المذكور في انجيلكم أنا أُخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ. ^(۱)

(بله! من همان مهدی موعود هستم که در انجیل شما، نام من و وعده ظهور آمده است.)

پس از آن راهب مسایل زیادی از آن حضرت می‌پرسد و آن حضرت پاسخ می‌گوید و راهب مسلمان می‌شود، اما ارمنستان تسلیم نمی‌شود و لشکر حضرت بر آن‌ها پیروز می‌گردد.

• هدف

○ هدف داری، اصلی‌ترین مقصود

قضاوت در مورد افراد و یا اشیاء، بدون علم به آن‌ها جایز نیست و چه بسا باعث توبیخ و یا حتی هلاکت و گمراهی انسان می‌گردد و طرف مقابل را نیز ممکن است نسبت به عقیده و اعمالش سست کند. بنا بر این، هر حرفی را نباید گفت و هر حکمی را نباید صادر کرد.

○ محمد بن صالح همدانی یکی از معتمدین حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌گوید: طی نامه‌ای برای حضرت نوشتیم که خانواده من، مرا مورد ملامت قرار می‌دهند و این عمل آنان، به خاطر روایتی است که از پدرانت نقل شده است که فرمودند: خادمین ما «امامان معصوم علیهم السلام» و نمایندگان ما بدترین خلق خدا هستند.»

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طی نامه‌ای برایم نوشتند:

• حدیث ۱۶۹

وَيُحِبُّهُمْ! أَمَا عَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ ذَكَرَنَا وَذَكَرَكُمْ فِي كِتَابِهِ: (وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً) شَبَّهْنَا وَ إِيَّاكُمْ بِالْقُرَى، فَخُنُّ - وَ اللَّهُ - الْقُرَى الَّتِي بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا، وَ أَنْتُمْ الْقُرَى

(۱) - الزام الناصب / ج ۲ / ص ۲۰۸ / س ۴، * معجم الملاحم و الفتن / ج ۲ / ص ۱۰۹ / س ۱۹، مجمع النورین / ص ۳۳۷.

الظَّاهِرَةَ. (۱)

(وای بر آن‌ها «خانواده‌ات» آیا خانواده‌ات نمی‌دانند که خداوند تبارک و تعالی نام ما و نام شما را در قرآن کریم آورده است، آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: و میان آن‌ها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادی‌های آشکاری قرار دادیم. (۲) خداوند ما و شما را تشبیه به شهر کرده است.

به خدا قَسَم! ما آن شهری هستیم که خداوند در آن شهر برکت داده است و شما آن آبادی‌های آشکار هستید، که واسطهٔ بین ما و مردم می‌باشید.)

• هدیه

○ شرایط هدیه دادن به امام

از ویژگی‌های امام معصوم علیه السلام این است که در پذیرش هدیه، از کسی هدیه قبول می‌کنند، که آن را از راه حلال تهیه کرده باشد، که این خود از الگوهای رفتاری برای همهٔ کسانی است که برای شان هدیه‌ای می‌رسد.

○ اسحاق بن یعقوب می‌گوید: سؤالاتی را طی نامه‌ای از حضرت پرسیدم و به نمایندۀ حضرت، محمد بن عثمان عمّری، جهت گرفتن جواب دادم. نمایندۀ امام نامه‌ای از طرف آن حضرت برایم آورد، که:

• هَدِيث ۱۷۰

وَأَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَمَا نَقَبَلُهَا إِلَّا لَتَطَهَّرُوا، فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ، فَمَا آتَانَا اللَّهُ خَيْرًا مِمَّا آتَاكُمْ. (۳)

(۱) - کمال الدین و تمام النعمة / ص ۴۸۳، الامام و التبصره / ابن بابویه / ص ۱۴۰، الغيبة / طوسی / ص ۳۴۵ / ح ۲۹۵، اعلام الوری بأعلام الهدی / ج ۲ / ص ۲۷۲، * منتخب انوار المضيئة / ص ۲۵۰ / فصل ۹، وسائل الشیعه / ج ۲۷ / ص ۱۵۱ / ح ۴۶/۳۳۴۶۱، بحار الانوار / ج ۵۱ / ص ۳۴۳ و ج ۵۲ / ص ۱۸۵ / ۱، خاتمة المستدرک / ج ۴ / ص ۱۳۰.

(۲) - سورة سبأ / آية ۱۸.

(۳) - * کمال الدین / ص ۴۸۴ / ح ۴ / ص ۵. الغيبة / ص ۲۹۰ / ذح ۲۴۷ / س آخر، الاحتجاج / ج ۲ / ص ۵۴۳ / ذح ۳۴۴ / ص ۱، بحار الانوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۰ / ذح ۱۰ / س آخر.

(امّا اموال شما را ما هرگز قبول نمی‌کنیم، مگر این که آنها را از مال حرام پاک کرده و خالص کنید. از این پس هر کس خواست و مایل بود «با این شرایط» برای ما هدیه‌ای بفرستد، «که خوب است» و اگر نخواست نفرستد. به هر حال آن چه را که خداوند به ما عنایت کرده است، بهتر است از آن چه که شما برای ما بفرستید.)

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) »

هرف ی

• یادگاری

• یاران

• یحییٰ علیه السلام

• یادگاری

- آخرین یادگاری حضرت به چهارمین نماینده خاص خویش
- ← حرف الف - استخاره - استخاره بعد از نماز حاجت

• یاران

- احترام به رأی یاران ← حرف م - مشورت حضرت با یارانش
- امتحان یاران و اصحاب خاص « ۳۱۳ نفر » بعد از ظهور
- ← حرف الف - امتحان

• یحییٰ

- گریه زمین و آسمان بر امام حسین علیه السلام و حضرت یحییٰ علیه السلام
- یکی از شیوه‌های تبلیغی امامان معصوم علیهم السلام در طول تاریخ، بیان مصایب اهل بیت علیهم السلام و خواندن روضه امام حسین علیه السلام بود، که در هر فرصت کوتاهی به ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام می‌پرداختند.
- در مورد پیامبران هم این چنین بود. به عنوان مثال، در مورد حضرت یحییٰ علیه السلام روایاتی

وارد شده است که شهادت ایشان، مانند شهادت امام حسین علیه السلام بوده است.
 ○ از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقل شده است که فرمود:

• هَدِيث ۱۷۱

ذُبِحَ يَحْيَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا ذُبِحَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَمْ تَبْكِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ الْغَلِيهَمَا وَمَا كَانُوا
 مُنْظَرَيْنِ مُمَهَّلَيْنِ إِلَىٰ وَقْتِ آخِرٍ. ^(۱)

(حضرت یحیای پیامبر به همان گونه‌ای سر بریده شد، که سر مبارک امام حسین علیه السلام بریده شد «سر هر دو بزرگوار را، از پشت گردن بریدند» و زمین و آسمان گریان نشدند، مگر برای آن دو نفر ^(۲) و هرگز آثار شهادت آن دو به تأخیر نیفتاد.)

(۱) - * مناقب آل ابی طالب / ابن شهر آشوب / ج ۴ / ص ۹۲ / ح ۱، تفسیر الصافی / ج ۴ / ص ۴۰۸ / ح ۲۹ / س ۱، تفسیر

نور الثقلین / ج ۴ / ص ۶۲۸ / ح ۳۳.

(۲) - شاید از این بابت که در روز قتل آن دو بزرگوار، زمین رنگ خون به خود گرفت و در ساعتی خاص از زمان شهادت، هر کلوخی از زمین برداشته می‌شد، زیر آن سرخ فام و خونین بود و هر جای زمین اگر خاک را کنار می‌زدند، مرطوب با خون بود، و باران از آسمان نیز بارید.

« فرهنگ سخنان امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) »

فهرست منابع

- ١- اثبات الوصية - حسين بن علي المسعودي - متوفى ٣٤٦ هـ - منشورات رضی قم - ١ جلدی
- ٢- اثبات الهداة - الحرّ العاملي - متوفى ١١٠٤ هـ - دارالكتب الاسلامية - ٧ جلدی
- ٣- ادب الطّف - جواد شبر - معاصر - مؤسسة التاريخ العربي
- ٤- اصول كافي (اصول وفروع) - محمد بن يعقوب كليني - متوفى ٣٢٩ هـ - دارالكتب الاسلامية ٨ جلدی
- ٥- اعلام الوری - طبرسي - متوفى ٥٤٨ هـ - آل البيت (ع) قم - ٢ جلد
- ٦- اقبال الاعمال - سيد بن طاووس - متوفى ٦٦٤ هـ - احياء التراث بيروت
- ٧- اكمال الدين - شيخ صدوق - متوفى ٣٨١ هـ - جامعة مدرسين قم - ١ جلدی
- ٨- الاثنا عشرية - الحرّ العاملي - متوفى ١١٠٤ هـ - دارالكتب العلمية - ١ جلدی
- ٩- الاحتجاج - احمد بن علي الطبرسي - متوفى ٥٦٨ هـ - دارالاسوة ايران - ٢ جلدی
- ١٠- الاختصاص - شيخ مفيد - متوفى ٤١٣ هـ - انتشارات جامعة مدرسين قم - ١ جلد
- ١١- الاربعين - الشيخ الماحوزي - متوفى ١١٢١ هـ - منشورات المحقق - ١ جلدی
- ١٢- الارشاد - شيخ مفيد - متوفى ٤١٣ هـ - منشورات الاعلمي - بيروت - ١ جلدی
- ١٣- الاستبصار - شيخ طوسي - متوفى ٤٦٠ هـ - دارالكتب الاسلامية قم - ٤ جلد
- ١٤- الامام المهدي (عج) من المهد الى الظهور - سيد كاظم قزوینی - معاصر - محلاتي - ١ جلدی
- ١٥- الامامة و التبصرة من الحيرة - ابن بابويه قمی - متوفى ٣٢٩ هـ - مدرسة الامام المهدي (عج) - ١ جلدی
- ١٦- الامان من اخطار الاسفار و الازمان - سيد بن طاووس - متوفى ٦٦٤ هـ - مهر قم - جلدی
- ١٧- البلد الامين و الدرع الحصين - كفعمي - متوفى ٩٠٠ هـ - الاعلمي بيروت
- ١٨- الثاقب في المناقب - ابن حمزه - متوفى ٥٦٠ هـ - انصاريان - ١ جلدی
- ١٩- الجامع للشرايع - يحيى بن سعيد الحلّي - متوفى ٦٨٩ هـ - مؤسسة سيد الشهداء
- ٢٠- الجمل - شيخ مفيد - متوفى ٤١٣ هـ - مكتبة الراوري قم - ١ جلد
- ٢١- الحدائق الناضرة - محقق بحراني - متوفى ١١٨٦ هـ - جامعة مدرسين
- ٢٢- الخرائج و الجرائح - راوندي - متوفى ٥٧٣ هـ - مؤسسه امام مهدي (عج) - ٣ جلدی
- ٢٣- الخمس - الاول - السيد ابوالقاسم الخويي - متوفى ١٤١٢ هـ - منشورات لطفی - ١٤٠٧ هـ
- ٢٤- الدعوات - راوندي - متوفى ٥٧٣ هـ - مؤسسه امام مهدي (عج) - ١ جلدی
- ٢٥- الذكرى - شهيد اول - متوفى ٧٨٦ هـ - مدرسة الامام المهدي (عج) - ١ جلدی
- ٢٦- الزام الناصب - علي يزدي الحائري - متوفى ١٣٣٣ هـ - مؤسسة الاعلمي - ٢ جلدی
- ٢٧- السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعة اللجاج - الفاضل القطفی - متوفى ٩٥٠ هـ - جامعة مدرسين
- ٢٨- السنن الكبرى - احمد بن شعيب النسائي - متوفى ٣٠٣ هـ - دارالكتب العلمية - بيروت - ٦ جلدی
- ٢٩- السنن الكبرى - احمد بن الحسين بن علي البيهقي - متوفى ٤٥٨ هـ - دارالفكر بيروت - ١٠ جلدی
- ٣٠- الشيعة في احاديث - مرتضى الموحد الابطحي - معاصر - منشورات مؤلف - ١ جلدی

- ٣١- الشيعة في الميزان - محمد جواد مغنیه - معاصر دارالشرق بيروت - ١ جلدی
- ٣٢- الصوارم المهرقة في نقد الصواعق المحرقة - نور الله التستري - متوفى ١٠١٩ هـ - نهضت - ١ جلدی
- ٣٣- العدد القوية لدفع المخاوف اليومية - علامه حلی - متوفى ٧٢٦ هـ - مكتبة آية الله مرعشي (ره)
- ٣٤- الغيبة - محمد بن ابراهيم نعماني - متوفى ٢٨٠ هـ - مؤسسة الاعلمي بيروت - ١ جلدی
- ٣٥- الفتن - نعيم بن حماد المروزي - متوفى ٢٣٩ هـ - دارالفكر بيروت
- ٣٦- الفرغ المهموم - سيد بن طاووس - متوفى ٦٦٤ هـ - دارالدخائر - ١ جلدی
- ٣٧- الفوائد الرجالية - السيد محمد مهدي بحر العلوم - متوفى ١٢١٢ هـ - مكتبة الصادق (ع) - ٤ جلدی
- ٣٨- الكنى و الألقاب - شيخ عباس قمي - متوفى ١٣٥٩ هـ - مكتبة الصدر - ٣ جلدی
- ٣٩- المختار الصحيفة المباركة المهدية - مجتهدی - معاصر دارالثقلين - ١ جلدی
- ٤٠- المختار من كلمات الامام المهدي (عج) - محمد غروي - معاصر چاپ مهر قم - ٣ جلدی
- ٤١- المراجعات - سيد علي الحسين شرف الدين - متوفى ١٣٧٧ هـ - جمعية الاسلامية - ١ جلدی
- ٤٢- المزار الكبير - شيخ محمد المشهدي - متوفى ٦١٠ هـ - نشر القیوم - ١ جلدی
- ٤٣- المزار - شهيد اول - متوفى ٧٨٦ هـ - مدرسة الامام المهدي (عج) - ١ جلدی
- ٤٤- المستجاد من كتاب الارشاد - حسن بن مطهر حلی - متوفى ٧٢٦ هـ - طبع ١٤٠٦
- ٤٥- المصباح في الادعية و الصلوات و الزيارات و... - كفعمی - متوفى ٩٠٠ هـ - الاعلمي بيروت
- ٤٦- المقنع - شيخ صدوق - متوفى ٢٨١ هـ - مؤسسة الامام المهدي (عج) - ١ جلدی
- ٤٧- المهدي المنتظر (عج) - حسين الشاکري - معاصر منشورات مؤلف - ٢ جلدی
- ٤٨- الهداية الكبرى - الحسين بن حمدان الخصیبي - متوفى ٢٢٤ هـ - مؤسسة البلاغ بيروت - ١ جلدی
- ٤٩- الهداية - شيخ صدوق - متوفى ٢٨١ هـ - مؤسسة الامام المهدي (عج) - ١ جلدی
- ٥٠- انوار نعمانية - جزايري - متوفى ١١١٢ هـ - دارالكتب العلمية - ٤ جلدی
- ٥١- بحار الانوار - علامه مجلسی - متوفى ١١١١ هـ - مؤسسة الوفاء بيروت - ١١٠ جلدی
- ٥٢- بهج الصباغة - علامه شوشتری - معاصر امير كبير - ١٥ جلدی
- ٥٣- تاج المواليد في مواليد الائمة و وفیاتهم - علامه طبرسی - متوفى ٥٤٨ هـ - مكتبة المرعشي
- ٥٤- تحفة الزائر - علامه مجلسی - متوفى ١١١١ هـ - مؤسسة الوفاء بيروت
- ٥٥- تراثنا - مجلة آل البيت عليه السلام آل البيت (ع) - ١ جلدی
- ٥٦- تفسير فرات كوفي - ابراهيم بن فرات الكوفي - متوفى ٢٥٢ هـ - ارشاد اسلامي - ٨ جلد
- ٥٧- تفسير نور الثقلين - حویزی - متوفى ١١١٢ هـ - اسماعيليان - ٥ جلدی
- ٥٨- تكملة عروة الوثقى - السيد اليزدي - متوفى ١٢٣٧ هـ - مطبعة حيدري - تهران
- ٥٩- تهذيب المقال - محمد علي الموحد الابطحي - معاصر منشورات ابن مؤلف
- ٦٠- ثواب الاعمال - شيخ صدوق - متوفى ٢٨١ هـ - منشورات رضی - ١ جلدی

- ۶۱- جامع الرواة - محمد بن علی الربلی الغروی الحائری - متوفی ۱۱۰۱ هـ ق - مکتبه المحمدی
- ۶۲- جامع المدارک - السيد الخوانساری - متوفی ۱۴۰۵ هـ ق - مکتبه الصدوق
- ۶۳- جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع - علی بن موسی بن طاووس - متوفی ۶۶۴ هـ ق - اختر شمال - ۱ جلدی
- ۶۴- جواهر الکلام - سیخ محمد حسن نجفی - متوفی ۱۲۶۶ هـ ق - دارالاحیاء التراث - بیروت
- ۶۵- جهان بعد ظهور - خادمی شیرازی - معاصر - مؤسسه الفدیر - ۱ جلدی
- ۶۶- حلیة الابرار - سید هاشم بحرانی - متوفی ۱۱۰۷ هـ ق - مؤسسه معارف اسلامی قم - ۵ جلد
- ۶۷- حیاة الامام الرضا (ع) - باقر الشریف القرشی - معاصر - منشورات سعید بن جبیر - ۲ جلدی
- ۶۸- حیاة الامام المهدي (عج) - باقر الشریف القرشی - معاصر - دارالمؤلف
- ۶۹- خلاصه عبقری الحسان - سید جواد معلم - معاصر - منتظران ظهور - ۱ جلدی
- ۷۰- دارالسلام - عراقی - معاصر - ۱ جلدی
- ۷۱- درر الاخبار - مهدی الحجازی - معاصر - معارف الاسلامی - ۱ جلدی
- ۷۲- دلائل الامامة - محمد بن جریر طبری - متوفی ۲۱۰ هـ ق - بعثت قم - ۱ جلدی
- ۷۳- ذخیره المعاد - محقق سبزواری - متوفی ۱۰۹۰ هـ ق - مدرسه صدر مهدوی اصفهان - ۳ جلدی
- ۷۴- رجال خاقانی - علی الخاقانی - متوفی ۱۳۳۴ هـ ق - الاعلام الاسلامی
- ۷۵- روضات الجنان - خوانساری - معاصر -
- ۷۶- ریاض المسائل - سید علی الطباطبائی - متوفی ۱۲۳۱ هـ ق - آل البيت (ع)
- ۷۷- سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن - حائری قزوینی - معاصر - آفاق - ۱ جلدی
- ۷۸- سؤال و جواب - السيد الیزدی - متوفی ۱۳۳۷ هـ ق - تحقیق محقق داماد نشر علوم اسلامی قم
- ۷۹- شرح احقاق الحق - السيد المرعشی - متوفی ۱۴۱۱ هـ ق - مکتبه المرعشی (ره) - ۲۵ جلدی
- ۸۰- شرح اصول کافی - محمد صالح مازندرانی - متوفی ۱۰۸۱ هـ ق -
- ۸۱- شواهد التنزیل - حسکانی - متوفی قرن ۵ هـ ق - ۳ جلدی
- ۸۲- صحیح مسلم - مسلم بن الحجاج نیشابوری - متوفی ۲۶۱ هـ ق - دارالفکر بیروت - ۸ جلدی
- ۸۳- صحیفه المهدي (عج) - قیومی - معاصر - جامعه مدرسین - ۱ جلدی
- ۸۴- صحیفه مهدویة - فیض کاشانی - متوفی ۱۰۹۱ هـ ق -
- ۸۵- طرائف المقال - سید علی اصغر جابلقی البروجردی - متوفی ۱۳۱۳ هـ ق -
- ۸۶- ظرافة الاحلام - شیخ محمد بن الشیخ طاهر - متوفی ۱۳۷۰ هـ ق -
- ۸۷- عبقری الحسان - علی اکبر نهاوندی - متوفی ۱۳۲۸ هـ ق - منشورات دبستانی - تهران - ۲ جلدی
- ۸۸- عصر ظهور - علی کورانی العاملی - معاصر - الاعلام الاسلامی
- ۸۹- علل الشرايع - شیخ صدوق - متوفی ۲۸۱ هـ ق - مؤسسه دارالحجّة ایران - ۱ جلدی
- ۹۰- عنایات حضرت مهدی (عج) به علماء و مراجع - کریمی جهرمی - معاصر - نشر تبلیغ - ۱ جلدی

- ٩١- عوالم - الشيخ عبدالله بحراني - متوفى ١١٣٠ هـ - منشورات الامام المهدي (عج)
- ٩٢- غنائم الايام في المسائل الحلال و الحرام - ابوالقاسم القمي - متوفى ١٢٢١ هـ - الاعلام الاسلامي ٥ جلدی
- ٩٣- فتح الابواب بين ذوالالباب و بين ربّ الارباب في الاستخارات - علي بن موسى ابن طاووس الحسني الحلبي - متوفى ٦٦٤ هـ - آل البيت (ع)
- ٩٤- فرائد السمطين - جويني - متوفى ٧٣٠ هـ - مؤسسة المحمودي - ٢ جلدی
- ٩٥- فضل الكوفة و مساجدها - محمد بن جعفر المشهدي الحائري - ٦٠٠ هـ - دارالمرتضى بيروت - ٦ جلدی
- ٩٦- فقه الصادق عليه السلام - السيد محمد صادق الحسيني الروحاني - معاصر - دارالكتاب
- ٩٧- قصص الانبياء - راوندي - متوفى ٥٧٣ هـ - مؤسسه الهادي (ع)
- ٩٨- قصص العلماء - تنكابني - معاصر - مؤسسة حضور - ١ جلدی
- ٩٩- كتاب الخمس - الشيخ الانصاري - متوفى ١٢٨١ هـ - مطبعة باقري
- ١٠٠- كتاب الغيبة - شيخ طوسي - متوفى ٤٦٠ هـ - مؤسسة معارف الاسلامية - ٤ جلد
- ١٠١- كشف الاستار - محدث نوري - متوفى ١٣٢٠ هـ - منشورات نينوا - ١ جلدی
- ١٠٢- كشف اللثام - الفاضل الهندي - متوفى ١١٢٧ هـ - منشورات نجفي مرعشي (ره)
- ١٠٣- كشف المحججه - سيد بن طاووس - متوفى ٦٦٤ هـ - مكتب الاعلام الاسلامي قم - ١ جلدی
- ١٠٤- كفاية الاثر - الخراز قمي الرازي - متوفى ٤٠٠ هـ - انتشارات بيدار - ١ جلدی
- ١٠٥- كفاية الاحكام - محقق سبزواري - متوفى ١٠٩٠ هـ - مدرسة صدر مهدوي اصفهان
- ١٠٦- كلمة الامام المهدي (عج) - حسن شيرازي - معاصر - مؤسسة الوفاء - ١ جلدی
- ١٠٧- كنز العمال - متقي هندي - متوفى ٩٧٥ هـ - مؤسسة الرسالة بيروت - ١٨ جلدی
- ١٠٨- مجمع النورين - ابوالحسن المرندي - معاصر - ١ جلدی
- ١٠٩- مجموعة فرمايشات بقيه الله: خادمي شيرازي - معاصر - رسالت - ١ جلدی
- ١١٠- مجموعة الرسائل - لطف الله صافي گلپايگاني - معاصر - ٢ جلدی
- ١١١- محجة البيضاء - فيض كاشاني - متوفى ١٠٩١ هـ - جامعة مدرسين - ٨ جلدی
- ١١٢- مختصر بصائر الدرجات - حسن بن سلمان الحلّي - متوفى قرن ٩ هـ - الرسول المصطفى عليه السلام
- ١١٣- مدينة المعاجز - سيد هاشم بحراني - متوفى ١١٠٧ هـ - مؤسسة معارف اسلامي قم - ٨ جلد
- ١١٤- مستدرک الوسائل - محدث نوري - متوفى ١٣٢٠ هـ - آل البيت (ع) - ١٨ جلدی
- ١١٥- مستند الشيعة - المخقق النراقي - متوفى ١٢٤٥ هـ - آل البيت (ع)
- ١١٦- مسند احمد حنبل - احمد بن حنبل - متوفى ٢٤١ هـ - دارالفكر بيروت - ٦ جلدی
- ١١٧- مصباح الزائر - سيد بن طاووس - متوفى ٦٦٤ هـ - احياء التراث بيروت
- ١١٨- مصباح الفقاهة - محمد علي التوحيدى - متوفى ١٤١٣ هـ - مكتبة الراوندي - ٥ جلدی
- ١١٩- مصباح الفقيه - آقا رضا همداني - متوفى ١٣٢٢ هـ - مكتبة الصدر

- ١٢٠- مصباح المتهجد - شيخ طوسي - متوفى ٤٦٠ هـ - الاعلمى بيروت - ١ جلدى
- ١٢١- معانى الأخبار - شيخ صدوق - متوفى ٢٨١ هـ - انتشارات اسلامى - ١ جلدى
- ١٢٢- معجم احاديث الامام المهدي (عج) مؤسسة معارف اسلامى - ٥ جلدى
- ١٢٣- معجم الرجال الحديث طبقات الرواة - الخويى - متوفى ١٤١٢ هـ - دارالزهراء بيروت
- ١٢٤- معجم الملاحم و الفتن - سيد محمود موسى اصفهاني - معاصر - چاپ العلميه - ٤ جلدى
- ١٢٥- مفاتيح الجنان - شيخ عباس قمى - متوفى ١٢٥٩ هـ - انتشارات هجرت
- ١٢٦- مكارم الاخلاق - حسين بن فضل طبرسى - متوفى ٥٤٨ هـ - نشر فراهانى - ٢ جلدى
- ١٢٧- مكيال المكارم (عربى) : السيد على عاشور - معاصر - الاعلمى بيروت
- ١٢٨- مكيال المكارم (عربى - فارسى) : محمد تقى موسى اصفهاني - معاصر - دفتر تحقيقات بدر - ٢ جلدى
- ١٢٩- مناقب ابن اشوب - ابن شهر آشوب - متوفى ٥٨٨ هـ - انتشارات علامه قم - ٤ جلد
- ١٣٠- من السيرة الامام المهدي المنتظر (عج) - حسين الشاكرى - معاصر - ستاره - ٢ جلدى
- ١٣١- منتخب الاثر - صافى گليايگاني - معاصر - سلمان فارسى - ٣ جلدى
- ١٣٢- منتخب الانوار المضيئة - سيد بهاء الدين النجفى - متوفى ٨٠٣ هـ - مؤسسة الهادى
- ١٣٣- منتهى الامال - شيخ عباس قمى - متوفى ١٢٥٩ هـ - انتشارات هجرت - ٢ جلدى
- ١٣٤- من لا يحضره الفقيه - شيخ صدوق - متوفى ٢٨١ هـ - جامعة مدرسين قم - ٤ جلدى
- ١٣٥- موسوعة الامام الجواد (عليه السلام) - مؤسسة ولي العصر (عج) مؤسسة ولي العصر (عج) - ٢ جلدى
- ١٣٦- موسوعة الامام المهدي (عج) - فقيه ايمانى - معاصر - مكتبة الامام امير المؤمنين (ع) - ١ جلدى
- ١٣٧- مهج الدعوات - سيد بن طاووس - متوفى ٦٦٤ هـ - مكتبة الامام المهدي (عج) - ١ جلدى
- ١٣٨- مهدي موعود (عج) - على دوانى - معاصر - دارالكتب الاسلاميه - ١ جلدى
- ١٣٩- نجم الثاقب - محدث نورى - متوفى ١٢٢٠ هـ - منشورات نينوا - ١ جلدى
- ١٤٠- نزهة الناظر - حلوانى - متوفى قرن ٥ هـ - مدرسة الامام مهدي (عج) - ١ جلد
- ١٤١- نزهة الناظر فى الجمع بين الاشباه و النظائر - يحيى بن سعيد الحلّى - ٦٨٩ هـ - الاداب نجف ١ ج
- ١٤٢- نظرة عابرة الى الصحاح الستة - عبد الصمد شاكر - معاصر - ١ جلدى
- ١٤٣- نهج السعادة فى مستدرک نهج البلاغه - محمد باقر محمودى - معاصر - الاداب - نجف - ٨ جلدى
- ١٤٤- وفاة الصديقة الزهراء (عليها السلام) - عبدالرزاق المقرم - معاصر - مكتبة بصيرتى قم
- ١٤٥- يوم الخلاص - كامل سليمان - معاصر - انوار الهدى - ١ جلدى

● مجموعه آثار استاد محمد دشتی (ره)

از انتشارات مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین

- ۱ - آینده و آینده‌سازان (ارزیابی تحولات آینده جهان و نقش ایرانیان در ظهور حضرت مهدی «عج»)
- ۲ - ابزار و وسایل تحقیق (روش تحقیق در علوم اسلامی)
- ۳ - ادعیه فاطمیه (دعاهای روزانه حضرت زهرا علیها السلام)
- ۴ - التّروض النّظیر فی معنی حدیث الغدیر
- ۵ - الغدیر الواقعة الکبری
- ۶ - الموسوعة لکلمات الزّهرائیه علیها السلام
- ۷ - انگیزه‌های قیام عاشوار
- ۸ - پندهای جاودانه (حکمت‌های نهج البلاغه)
- ۹ - پیام‌های عاشوار (۱۰ پیام برجسته حادثة عاشورا)
- ۱۰ - تجارت معنوی (ارزش اعمال در سفر حج)
- ۱۱ - تحلیل حوادث ناگوار زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (تحلیلی پیرامون حوادث بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله)
- ۱۲ - جایگاه غدیر (بسترها، مشکلات و اهداف حادثة غدیر)
- ۱۳ - جلوه‌های جاودانه (دیوان شعر استاد دشتی علیه السلام)
- ۱۴ - چهل حدیث فاطمی «برگرفته از کتاب نهج الحیاة»
- ۱۵ - حماسه غدیر (غدیر خم و آشکار شدن توطئه‌های پنهان)
- ۱۶ - ذوالفقار حیدر «زندگی نامه استاد محمد دشتی علیه السلام»
- ۱۷ - روش برداشت از نهج البلاغه (ویژه جوانان و نوجوانان)
- ۱۸ - روش برداشت‌های از قرآن (ویژه جوانان و نوجوانان)
- ۱۹ - ره آورد مبارزات حضرت زهرا علیها السلام (اثرات مبارزات حضرت زهرا علیها السلام)
- ۲۰ - سیری در تفکر مادی (نقد و ارزیابی ماتریالیسم و چهار اصل دیالیک، به زبان ساده)
- ۲۱ - شنیدنی‌های سفر حج (سفرنامه حج)
- ۲۲ - ضرورت برداشش نوین منابع روایی (سیاست گذاری دراز مدت حوزه‌های علمیّه و مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام)
- ۲۳ - طرح‌های نوین آموزشی
- ۲۴ - غدیر خم (تحقیق مستند پیرامون حادثة بزرگ غدیر خم)
- ۲۵ - غدیر شناسی (پاسخ به ۱۱۰ سؤال پیرامون غدیر)
- ۲۶ - فرهنگ سخنان امام حسن مجتبی علیه السلام (سلیفون)
- ۲۷ - فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام (سلیفونی)
- ۲۸ - فرهنگ سخنان امام زمان (عج) (سلیفون)
- ۲۹ - فرهنگ سخنان حضرت زهرا علیها السلام (شمیز)
- ۳۰ - فلسفه اجتهاد و تقلید (نقش علمای شیعه در استمرار اصالت دین)
- ۳۱ - گلبوته‌های گلستان فاطمه علیها السلام (برگرفته از نهج الحیاة)
- ۳۲ - مذهب روشنفکری (نقدی بر تفکر بازسازی دین)
- ۳۳ - مسؤولیت تربیت (نقش مادران در شخصیت کودکان)

● مجموعه نهج البلاغه شناسی

- ۱ - شناخت ویژگی‌های نهج البلاغه
- ۲ - اطلاعات مقدماتی نهج البلاغه
- ۳ - طرح‌های آموزشی نهج البلاغه
- ۴ - روش‌های تحقیق در نهج البلاغه
- ۵ - کلیدهای شناسایی نهج البلاغه
- ۶ - روش برداشت‌های از نهج البلاغه
- ۱۲ - جایگاه غدیر (بسترها، مشکلات و اهداف حادثة غدیر)
- ۱۳ - جلوه‌های جاودانه (دیوان شعر استاد دشتی علیه السلام)
- ۱۴ - چهل حدیث فاطمی «برگرفته از کتاب نهج الحیاة»
- ۱۵ - حماسه غدیر (غدیر خم و آشکار شدن توطئه‌های پنهان)
- ۱۶ - ذوالفقار حیدر «زندگی نامه استاد محمد دشتی علیه السلام»
- ۱۷ - روش برداشت از نهج البلاغه (ویژه جوانان و نوجوانان)
- ۱۸ - روش برداشت‌های از قرآن (ویژه جوانان و نوجوانان)
- ۱۹ - ره آورد مبارزات حضرت زهرا علیها السلام (اثرات مبارزات حضرت زهرا علیها السلام)

● مجموعه آشنایی با نهج البلاغه

- ۱ - المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه
- ۲ - المعجم المفهرس جیبی
- ۳ - فرهنگ واژه‌های معادل نهج البلاغه
- ۴ - فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه
- ۵ - فرهنگ معارف نهج البلاغه (۲ جلدی)
- ۲۰ - سیری در تفکر مادی (نقد و ارزیابی ماتریالیسم و چهار اصل دیالیک، به زبان ساده)
- ۲۱ - شنیدنی‌های سفر حج (سفرنامه حج)
- ۲۲ - ضرورت برداشش نوین منابع روایی (سیاست گذاری دراز مدت حوزه‌های علمیّه و مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام)

- ۶ - فرهنگ معارف نهج البلاغه در شعر شاعران
 ۷ - فرهنگ معارف شروح نهج البلاغه (۲ جلدی)
 ۸ - اسناد و مدارک نهج البلاغه

● کتب در حال نشر

- ۹ - روات و محدثین نهج البلاغه (۲ جلدی)
 ۱۰ - نهج البلاغه (ترجمه) (در قطع وزیری با ۲۵ ویژگی)
 ۱۱ - دروس آموزشی نهج البلاغه
 ۱۲ - دروس پژوهشی نهج البلاغه (۲ جلدی)
 ۱۳ - موضوعات مسابقاتی نهج البلاغه

● الگوهای رفتاری امام علی (ع) (۱۵ جلدی)

- ۱ - امام علی (ع) و اخلاق اسلامی
 ۲ - امام علی (ع) و مسایل سیاسی
 ۳ - امام علی (ع) و اقتصاد اسلامی
 ۴ - امام علی (ع) و امور نظامی
 ۵ - امام علی (ع) و مسایل اطلاعاتی، امنیتی
 ۶ - امام علی (ع) و علم و هنر
 ۷ - امام علی (ع) و مسایل مدیریت
 ۸ - امام علی (ع) و امور قضایی
 ۹ - امام علی (ع) و مباحث اعتقادی
 ۱۰ - امام علی (ع) و مسایل حقوقی
 ۱۱ - امام علی (ع) و نظارت مردمی
 ۱۲ - امام علی (ع) و مسایل عبادی
 ۱۳ - امام علی (ع) و مباحث تربیتی
- ۱۴ - امام علی (ع) و مسایل بهداشت و درمان
 ۱۵ - امام علی (ع) و تفریحات سالم
- ۱ - اخلاق نظامی از دیدگاه نهج البلاغه
 ۲ - اصول پنجگانه اعتقادی در نهج البلاغه
 ۳ - امام علی (ع) الگوی کامل انسانیت
 ۴ - باورهای جاودانه در نهج البلاغه
 ۵ - تئوری‌های مدیریت از دیدگاه نهج البلاغه
 ۶ - تفسیر آموزشی قرآن کریم
 ۷ - تفسیر آموزشی نهج البلاغه
 ۸ - داستان‌های نهج البلاغه (کودکان، نوجوانان و جوانان)
 ۹ - ره‌آورد اسارت عترة (ع)
 ۱۰ - زن و تضادهای زندگی اجتماعی
 ۱۱ - سیره حضرت امیرالمؤمنین (ع) (۲ جلدی)
 ۱۲ - فرهنگ سخنان امام حسین (ع) (به زبان لاتین)
 ۱۳ - فرهنگ سخنان پیامبر اکرم (ص) (۲ جلدی)
 ۱۴ - فرهنگ سخنان پیامبران آسمانی
 ۱۵ - فرهنگ سخنان حضرت زهرا (ع) (به زبان لاتین)
 ۱۶ - معیارهای گزینش از دیدگاه نهج البلاغه
 ۱۷ - نقش الگویی حضرت زهرا (ع)
 ۱۸ - نهج البلاغه در سمینارها (۵ جلدی) (مجموعه مقالات استاد دشتی «ره» در همایش‌ها و سمینارها، پیرامون نهج البلاغه)

آدرس - قم - خیابان حجّتیّه - کوچه شماره ۲ - پلاک ۵ - تلفن : ۷۷۴۱۱۸۴

دورنما : ۷۷۴۴۷۶۴، صندوق پستی : ۳۷۱۸۵ / ۳۶۷۶

مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)

e - mail : emamali - m @ noavar.com